مکه و مدینه

تصویری از توسعه و نوسازی



تألیف: عبدالله محمد امین کردی

ترجمه: حسین صابری

بسم الله الرحمن الرحیم

مکه و مدینه: تصویری از توسعه و نوسازی

نویسنده:

عبیدالله محمدامین کردی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مکه و مدینه: تصویری از توسعه و نوسازی

مشخصات کتاب

سرشناسه : کردی، عبیدالله محمدامین

Kurdi, Ubayd Allah Muhammad Amin

عنوان و نام پدیدآور : مکه و مدینه: تصویری از توسعه و نوسازی/ تالیف عبیدالله محمدامین کردی؛ ترجمه حسین صابری

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۳۱۲

شابک : ۹۶۴-۶۲۹۳-۹۳-X۱۴۵۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۶۲۹۳-۹۳-X۱۴۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : مترجم پاورقی‌های این کتاب را از کتاب" قصه التوسعه الکبری "اثر حامد عباس انتخاب کرده است

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۰۹] - ۳۱۲؛ همچنین به‌صورت زیرنویس

موضوع : کعبه -- تاریخ

موضوع : مسجد الحرام، مکه -- نگهداری و مرمت

موضوع : مسجد النبی، مدینه -- نگهداری و مرمت

موضوع : زیارتگاههای اسلامی -- عربستان سعودی

شناسه افزوده : صابری، حسین، ۱۳۴۵ - ، مترجم

شناسه افزوده : عباس، حامد

رده بندی کنگره : DS۲۴۸/م۷ک۴ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی : م۸۰-۹۲۶۹

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

یادداشت مترجم

مکه و مدینه خاستگاه اسلام‌اند و کانون‌های پرآوازه وحی و حرم‌های مقدس الهی. نام آیین پرآوازه اسلام در جای جایصفحه‌های زرّین تاریخ با نام این دو شهر، همپای و همراه است.

از آن روز که نخستین بانگ دعوت به آیین آسمانی از مکه برخاست و از آن هنگام که «شهر پیامبرصلی الله علیه و آله» مهد بزرگ‌ترین تمدن الهی انسانی شد تا آن زمان که دین محمدی مرزهای جزیرهٔ العرب را درنوردید و در کران تا کران جهان گسترد و از آن روزگـارانِ آغازین تا دنیای پرتلاطم امروزین که در ورای همه دگرگونی‌های خود، از آینـده‌ای درخشان برای آیین توحید خبر می‌دهد، هیچ‌گاه مکه و مدینه از کانون توجه مسلمانان دور نبوده است.

مکه قبله نماز مسلمانان و مدینه کعبه آمال و آرزوهای آنان است. دل‌ها بدان دو کانون وحی پَر می‌کشد و دیده‌ها در انتظار دیدار، لحظه‌ها را می‌شمارد.

در این میان، یکی از جلوه‌های اهتمام مسلمانان به این حرم‌های مقدس، توجه به نوسازی و بهسازی بناها و توسعه این حرم‌هاست. این تلاش خجسته دیرینه‌ای کهن دارد و نشانه‌های آن را در روزگاران حیات رسول‌اللّهصلی الله علیه و آله می‌توان یافت.

در گذر سالیان و سده‌ها، این تلاش ارجمند و این اهتمام ستودنی استمرار یافته و حاصل آن همه، شاه‌کارهایی هنری و بناهایی خیره‌کننده است که بر شکوه

ص:۱۲

معنویت این حرم‌ها می‌افزاید.

پرپیداست که در این میان، اهتمام، توسعه و نوسازی که در دهه‌های اخیرصورت پذیرفته، بسیار شکوهمندتر و گسترده‌تر می‌نماید. کتابی که اینک فرا روی دارید، گزارش جامع از نوسازی‌ها و توسعه‌های حرم‌های مکه و مدینه در طول تاریخ و به ویژه در دهه‌های اخیر است. این کتاب برگردانی از دو اثر عربی به نام‌های «الکعبهٔ المعظمهٔ و الحرمان الشریفان عمارهٔ و تاریخاً» و «قصهٔ التوسعهٔ الکبری» است که به ترتیب، به قلم «عبیداللّه محمد امین کردی» و «حامد عباس» تألیف شده است.

در این کتاب در چهار بخش آگاهی‌هایی روز آمد درباره عربستان سعودی، کعبه، مسجد الحرام، مسجد النبی و همچنین مکه و مدینه در اختیار قرار داده می‌شود.

یادآوری چند نکته در آغاز این ترجمه شایسته به نظر می‌رسد:

۱- از آنجا که کتاب «الکعبهٔ المعظمهٔ و الحرمان الشریفان عمارهٔ و تاریخاً» پس از «قصهٔ التوسعهٔ» و در پایان طرح توسعه به چاپ رسیده، آن را متن پایه قرار داده و آگاهی‌هایی را که افزون بر اطلاعات موجود در این کتاب در قصهٔ التوسعه آمده است در پاورقی آورده‌ایم.

۲- بدان هدف که برای خوانندگان برداشتی ملموس‌تر و عینی‌تر از توسعه‌ها و نوسازی‌ها حاصل آید، کتاب حاضر به تصویرهایی چند آراسته شده است.

بیشتر این تصویرها، از دو اثر پیشگفته انتخاب شده است.

۳- برای دسترسی خوانندگان به آگاهی‌های بیشتر و نیز استنادهای تاریخی، مجموعه کتاب‌های مورد استناد مولفانِ دو اثر پیشگفته، در کتابنامه در اختیار قرار گرفته است.

۴- مترجم بر خود لازم می‌داند از جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای قاضی عسکر که در مراحل مختلف ترجمه و نشر این کتاب بدان اهتمام داشته‌اند، از دوست دیرین آقای حمید رضا شیخی که زحمت ویرایش اثر را پذیرفته‌اند و از

ص:۱۳

برادران گرامی محمد رضا مروارید و علی اسدی که در رایزنی‌های مترجم با آنان بی‌دریغ همکاری کرده‌اند و سرانجام از همه عزیزانی که درصفحه آرایی، حروفچینی و چاپ اثر هنرمندانه تلاش کرده‌اند، سپاسگزاری نموده، مزد تلاش آنان را از خدای کعبه مسألت کند.

۵- برخوانندگان گرامی پوشیده نیست که انسان خطا کار است و از همین روی خطاهای احتمالی مترجم را بر او خواهند بخشید و از راهنمایی و یادآوری دریغ نخواهند کرد.

توفیق از اوست

حسینصابری/ مشهد مقدس/ تابستان ۱۳۷۹

ص:۱۴

ص:۱۵

مقدمه مؤلف

مسلمانان بـا شـمار فراوان خود، که امروزه از مرز یک میلیارد نفر گذشـته و در جای جای گیتی در پنـج قاره سـکونت دارنـد، همه دلداده نخستین خانه‌ای هستند که برای مردم برپا شد. هر روز دل رهسپار زیارت آن می‌کنند و پنج نوبت در پنج نماز خود جان در جوی روی کردن بـدان می‌شوینـد و هرگاه به سوی کعبه روی می‌کنند، شوق و دلدادگی می‌افزایند و از این شوق به وجد می‌آیند. همه در این آرزو که خداوند حجی یا عمره‌ای روزیشان کند تا به دیدار آن خانه نخستین بشتابند و سپس دیده به دیدار حرم پیامبر او نورانی کنند. در روضه حرم، آن باغ بهشت، نمازی بگزارند و بر آن بهانه آفرینش که خدایش در شب مواج به نزدیک‌ترین مقام قرب بار داده است و در فردای این زندگی او را دربر خویش جوار دهد، سلامی کنند وصلواتی بفرستند.

بانگ اذانی که از گلدسته‌های آسـمانی مسـجد الحرام و از مناره‌های پر فروغ مسـجد النبی طنین‌انداز است و نوای قرآنی که از این دو منزلگاه وحی به گوش می‌رسد، دلدادگی مسلمانان راصد چندان می‌کند و نامسلمانان را نیز به شکوه و عظمت این کانون‌های معنویت توجه می‌دهد. بناهایی که هر بیننده را خیره می‌کند و فراهم کننده بستری مناسب برای تجلّی هرچه افزون‌تر معنویت است.

بناهای مقدس و پر شکوه مکه و مدینه، که توسعه‌ها و عمران‌های اخیر بر شکوه

ص:۱۶

آنها افزوده، شایسته توجه و دل دادن نویسندگان و دانشوران و تاریخنگاران و تاریخ پژوهان است. نگارنده، هر چند در شمار این کسان نیست اما خود را در ردیف آنان جای می‌دهد. هم از این روی؛ چون مجموعه بن لادن- که افتخار اجرای طرح‌های توسعه حرمین را از آنِ خود ساخته- از او خواستند در این باره چیزی بنویسد و چون این مجموعه از طریق مشاور عالی‌قدر خود، استاد خلف عاشور، از وی خواستند کتابی در این زمینه بنگارد تا یادگاری برای تاریخ و سندی ماندگار باشد که از شایسته‌ترین کارها و از آنچه به هدف بزرگداشت شعائر الهی و در توسعه‌های عظیم حرم‌های مکه و مدینه بر طبق اخلاص نهاده شده است، سخن می گوید. پاسخ وی آن بود که نه فقط چنین درخواستی را می‌پذیرد، بلکه در پاسداشت شرف نویسندگی، می کوشد تا هر چند بخشی از آن همه هست را که بذل توسعه حرم و توجه به آن شده است، به تصویر کشد.

نگارنده در حالی این پیشنهاد را پذیرفت که می‌دانست مجموعه بن لادن، پیش از این، کتابِ گران‌سنگ دیگری با نام «قصهٔ التوسعهٔ الکبری» به قلم استاد حامد عباس منتشر کرده است. اما از آنجا که انتشار آن کتاب قبل از پایان پذیرفتن عملیات توسعهصورت گرفته، مؤسسهصلاح بر این دانست که با پایان گرفتن توسعه، آنچه را پیشتر در این باره منتشر کرده است تکمیل کند.

چون کتاب حاضر در حقیقت نوعی تجدید نظر در محتوای کتاب حامد عباس است و البته افزوده‌هایی نیز دارد، مناسب می‌نماید با نامی نو، در جامه‌ای جدید و به قلمی دیگر فرا روی نهاده شود. «الکعبهٔ المعظمهٔ و الحرمان الشریفان عمارهٔ و تاریخاً» نامی است که نگارنده بر اثر خویش نهاده و این نه به معنای رویگردانی از قصهٔ التوسعه، بلکه تکمله‌ای از آن در جامه‌ای نو است. «(۱)» هرچند مؤسسه بن لادن با شمار فراوانی از افراد و مؤسسه‌هایصاحب نام، در

۱- به دلیل اهمیت کتاب قصهٔ التوسعه بخش‌های عمده‌ای از این کتاب هم که آگاهی‌هایی افزون بر الکعبهٔ المعظمه به دست می‌داده، ترجمه شده و در پاورقی آمده است.« مترجم»

ص:۱۷

کار تألیف و نشر سر و کار دارد اما به دلیل سابقه همکاری‌های نگارنده، کار تألیف و انجام این کتاب را به او سپرده و نگارنده نیز پاسخی جز پذیرفتن این افتخار سراغ نداشته است.

با این همه، افتخار پیشگامی در این راه، از آن استاد حامد عباس است که نخستین گام‌ها را در این طریق برداشته و اثری درخور اقتباس در این زمینه پدید آورده است. نگارنده پوشیده نمی‌دارد که کتاب او یکی از منابع و تکیه‌گاه‌های اصلی وی بوده و در بسیاری از مباحث، آنچه عرضه داشته در واقع دنباله کار آن کتاب است. و بهره جستن از آن کتاب تا حد زیادی از سنگینی کار نگارنده کاسته است. از خدای آن استاد برای وی پاداش و ثواب می‌خواهم.

در این مقدمه یادآوری چند نکته لازم می‌نماید:

۱- آنچه نگارنده در این کتاب فرا روی نهاده، نه به اتکای قدرت و توان خود او، بلکه همه به توفیق و توانایی دهی خدای توانایی است که چون چیزی را بخواهد و تقدیر کند زمینه‌ها و عوامل آن را فراهم سازد و بنده خویش را بر انجام آن نیرو دهد تا بدین سان آنچه او خود تقدیر کرده است، جامه عمل در پوشد و قضای او تحقق پذیرد. این گونه است که خداوند اسباب و زمینه‌های تألیف این کتاب را برای نگارنده فراهم ساخت و دوستان و یارانی به همدستی و همراهی او برانگیخت، تا کتاب حاضر به جامه وجود درآمد.

با این همه، اگر در کتاب مایه‌های خللی دیده شود، نه از تقصیر، بلکه از قصور و کوتاهی دست نگارنده است.

۲- معمولًا مجموعه منابع و مآخذی که هر مؤلفی در کار خود از آنها بهره می‌جوید، همان آثاری است که در موضوع جستار او پیشتر پدید آمده و نزد ما فراهم است. اما درباره موضوع کتاب حاضر آثار و منابع فراوان و گوناگونی وجود دارد که برخی کاملًا اختصاصی است و برخی هر چند عمومی است اما در قالب یک یا چند فصل یا باب، نگاهی به حرمین و تاریخ آنها افکنده است؛ برای نمونه کتاب‌های حدیث، تفسیر، تاریخ، ادب و سفرنامه‌ها، هر چند به لحاظ

ص:۱۸

موضوع عمومی‌اند اما در جای جای آنها دانسته‌هایی درباره مکه و مدینه و آثار آنها به چشم می‌خورد. شاید از همین روی، عمده منابع تحقیق‌هایی که در این موضوع انجام می‌پذیرد همسان است.

نکته دیگر آن که در این موضوع، غالباً به واقعیت‌های ثابت تاریخی پرداخته و به آمار و ارقامی استناد می‌شود که هیچ نمی‌توان آنها را تغییر داد یا در آنها تجدید نظر کرد. به همین دلیل گاه ممکن است چنین به نظر آید که فصل مشخصی از یک کتاب دقیقاً همانند فصلی از یک کتاب دیگر است. این تکرار بدان معنا نیست که مؤلف کتابِ پسین به دستاورد تلاش علمی دیگران دستبرد زده است، بلکه بیش از هر چیز بدان باز می‌گردد که این واقعیت‌های ثابت تاریخی و این آمار و ارقام نزد همه یکسان است. با این همه، نگارنده هر جا متنی را از کتابی دیگر نقل کرده آن را به منبع خود مستند ساخته و این استناد را یادآور شده است، مگر در جایی که گزاره‌ای مشهور و ثبت شده در شمار فراوانی از منابع نقل شده باشد، که در این گونه موارد از نسبت دادن آن به یک منبع مشخص خودداری شده تا مباد خواننده گمان برد آن گزاره تنها در همان منبع آمده است.

۳- نگارنده از ذکر نام منابع، در پاورقی‌صفحه‌ها خودداری ورزیده و برای رعایت اختصار تنها آنها را با شماره ردیف اختصاصی که به فهرست منابع مربوط می‌شود، یادآور شده و آنگاه نام کامل منبع را در آن فهرست آورده است. همچنین در ارجاع حقایق ثابتِ تاریخی و آنچه در چند منبع آمده، یادآور شدن شماره‌صفحه منبع را لازم ندیده و در سایر موارد، شماره جلد وصفحه را یادآوری کرده است. «(۱)» ۴- هر چند پاره‌ای از مباحث این کتاب؛ یعنی آنچه به آمار و ارقام و حقایق

۱- . البته مترجم در برگردان متن به فارسی، برای آسان‌تر کردن مراجعه به منابع بر پایه شیوه معمول در کتاب‌های فارسی، نام منابع را در پاورقی آورده و آنگاه نام کامل و دیگر مشخصات کتاب را در کتابنامه فرا روی گذاشته است.

ص:۱۹

ثابت تاریخی مربوط می‌شود، تکرار به نظر آیـد، اما نگارنـده کوشیده است نگاهی نو به آنها بیفکند و در چارچوب اندیشه‌ای تازه بـدانها بپردازد. افزون بر این، برخی مباحث مطرح شـده در این کتاب بی‌سابقه است، که از آن جمله می‌توان به اطلاعات مربوط به ترمیم کعبه و نیز بازسازی کامل مقام ابراهیم اشاره کرد.

۵- مهمترین هدف این کتاب آن است که در درجه نخست سندی تاریخی و در درجه دوم گواهی روشن بر تلاش کسانی باشد که با چنین کارهایی نام خویش را در تاریخ ثبت کرده‌اند.

۶- در این کتـاب، به تناسب موضوع و نام اثر و برای پرهیز از گستردگی بیش از حـد دامنه بحث، تنها تاریـخ و توسعه و ترمیم‌های مسجد الحرام، کعبه، مسـجد النبی و حرم پیامبرصـلی الله علیه و آله بررسـی شـده و به تاریـخ عمومی مکه و مـدینه و همچنین دیگر مکان‌های مذهبی این دو شهر پرداخته نشده است، مگر نگاه‌هایی گذرا به برخی از مکان‌ها یا مباحثی که جنبه‌هایی از موضوع بحث کتاب حاضر را روشن می‌ساخته است.

۷- کتاب در بردارنده تصویرهایی چند است که هر یک بخشـی از حقایق تاریخی را بیان می‌کند، بی‌آن که به توضـیحی افزون‌تر و یا شرح و تعلیقی نیاز باشد.

۸- نگارنده به اتکای آمارها، نمودارها و تصویرهای کتاب، از بسیاری سخن‌پردازی‌ها خودداری ورزیده و از اطناب و پرگویی و یا طرح روایت‌های شبهه‌آمیخته حذر کرده است.

۹- در پایان، از همه افراد و مؤسـسه‌هایی که به هرگونه نگارنـده را یاری رسانده‌انـد؛ یعنی آنها که انـدیشه‌ای را با او در میان نهاده، تصویر یا لوحه‌ای به او هـدیه کرده و یا کاری برایش انجام داده‌انـد، سپاسـگزاری می‌کنـد. نام کسان را نیاورده‌ام تا پاداش آنان نزد خداوند دو چندان باشد، چونان که بسیاری از آنان، خود خواسته‌اند هیچ نامی از ایشان آورده نشود تا آنچه کرده‌اند خالص برای

ص:۲۰

خدا باشد. نام مؤسسه‌ها را نیز نیاورده‌ام؛ چرا که به لطف خداوند، ما در فضایی سراسر همکاری و همدلی به سر می‌بریم و به توفیق خداوند دست به دست همدیگر برای انجام خدمتی که کار مردم و کشور را به سامان بدارد بسیج شده‌ایم.

آخرین سخن آن که خدای را بر آنچه توفیق داده است سپاس می‌گوییم.

«بگو کار خویش انجام دهید که خدا و پیامبر او و مؤمنان کارتان را خواهند دید.» «(۱)» عبیداللّٰه محمد امین کردی

۱- توبه: ۱۰۵

ص:۲۱

بخش اول: سرزمین وحی

اشاره

ص:۲۲

ص:۲۳

فصل اول: نگاهی به تاریخ

متن‌های تاریخی و دینی بر این حقیقت تواتر دارند که جزیرهٔ العرب از همان آغازین دوره‌های تاریخ بشر، گهواره تمدن‌های عظیمی بوده است که یکی پس از دیگری رخ نموده، دوران شکوه و عظمت خویش را سپری کرده و از آن پس رو به افول گذاشته‌اند. این تمدن‌ها در دشت‌ها و سرزمین‌های آباد این جزیره استقرار یافته و در دوران عمر خود با همسایگان و مناطق مجاور دارای پیوندهایی بوده و گاه نیز دوره‌هایی از انزوا را طی کرده‌اند. طسم، جدیس، سبأ و عاد در جنوب جزیرهٔ العرب و ثمود و مدین در شمال آن، نمونه‌هایی از تمدن‌های کهنی هستند که روزگاری در این سرزمین از شکوه و عظمت برخوردار بوده و سپس از میان رفته‌اند.

با این همه، اراده ازلی و حکمت حکیم خداوندی بر این قرار گرفته که این جزیره گهواره تمدن تاریخیِ زوال ناپذیری شود که همه تمدن‌های پیشین بستری آماده ساز برای آن بوده و آنگاه که رخ نموده سر آغاز تاریخ واقعی این سرزمین را مژده داده و آن را برای سعادت دو سرای آماده کرده است.

چنین بود که خداوند این سرزمین را افتخاری بزرگ نصیب کرد و ابراهیم، پدر پیامبران را فرمود آن «خانه کهن» را برپا بدارد و زن و فرزندان خود را در مکه، آن بیابان بی‌کِشت و زرع، «(۱)» منزل دهد تا در آینده‌ای نه چندان دور امّ‌القری و مایه افتخار و

۱- اشاره به آیه ۳۷، سوره ابراهیم.« مترجم»

ص:۲۴

سربلندی جزیرهٔ العرب شود، و پس از برپایی پایه‌های آن خانه به کمک اسماعیل، زادگان وی، از نسل این فرزند که نیای همه عرب است، رو به فزونی گذارند و آن بیابان بی‌حاصل، جایگاه دلدادگی‌ها و همایشگاه مردمان گردد که هر دم، دیدار آن جان افزاید و مردم از هر سوی آهنگ آن کنند و دستاوردهای دنیای خویش را بدان سرزمین آورند.

خداوند به همان اراده و حکمت، آخرین پیامبرِ خود، حضرت محمدبن عبداللّٰهصلی الله علیه و آله را از میان مردم مکه و از نسل ابراهیم علیه السلام برمی‌گزیند تا مردم را به یگانه پرستی بخواند و دعوت او از مکه به مدینه و از آنجا به سر تا سر جزیرهٔالعرب بگسترد و مرزهای این سرزمین را نیز درنوردد و گیتی گستر شود.

پیامبر خدا زمانی برانگیخته شد که جامعه جزیرهٔ العرب یکی از سخت‌ترین دوره‌های افول اجتماعی، دینی، سیاسی و اقتصادی خویش را می‌گذراند، اما در فردای آن رستاخیز، به شکوه و عظمتی دست یافت که هیچ خیال بلندپروازی نیز بدان نرسد.

پژوهش‌های اجتماعی ثابت کرده است که هیچ چیز به اندازه اسلام و اندیشه اسلامی نتوانسته است جامعه عرب را به حرکت وادارد، در آن اثر بگذارد و آن را به سوی پیشرفت و دگرگونی براند. آنگاه که اسلام در پرتو دعوت رسول خداصلی الله علیه و آله در این سرزمین رخ نمود، جامعه عرب به حرکت و تلاش درآمد و به سوی تحول و پیشرفت برخاست؛ چه، رسول خداصلی الله علیه و آله عقیده‌ای را به این جامعه عرضه داشته بود که خردِ فرزندان آن را شکوفا می‌کرد و دیده جان و عقلشان را بر روی ارزش‌های جدیدی، متفاوت با آن ارزش‌ها که در روزگار جاهلیت داشتند، می‌گشود.

پیامبرصلی الله علیه و آله با راه نمودن آنان به سوی نگاهی نو به هستی و به زندگی دنیا و آخرت، دیدگاه سنتی جاهلی‌شان را دگرگون ساخت، راه را بر شکوفایی استعدادهای نهفته جامعه گشود. آنان را پس از دوران طولانی پراکندگی و از هم گسیختگی، به وحدت و یکپارچگی کشاند. نظام‌های اجتماعی و سیاسی عرب را متحوّل کرد و افراد جامعه را به برادرانی بدل ساخت که هیچ تفاوت و برتری به همدیگر ندارند و تنها ملاک برتری آنان نزد خداوند، اندازه برخورداریشان از آگاهی دینی و پایبندیشان به اصول و احکام دین در رفتارهای فردی و اجتماعی است.

ص:۲۵

آنگاه که «اندیشه و آیین نو» همه سرزمین شبه جزیره را در برگرفت، مرزهای آن را به سوی سرزمین‌های مجاور در نوردید و مردمان آن سرزمین‌ها را به اسلام درآورد، و بدین‌سان دوران تمدنِ نوینی در تاریخ بشر آغاز شد که برای سال‌های طولانی، عرب‌ها و مسلمانان آن را رهبری کردند. این تمدن چنان جایگاهی در تاریخ به خود اختصاص داد که در جای جای کتاب بزرگ تاریخ تمدن‌ها،صفحه‌های روشنی از عرب‌ها و مسلمانان به چشم می‌خورد.

دهه‌ها و سده‌ها گذشت و عواملی پیدا و پنهان دست به دست هم داد و دورانی از فروپاشی و عقب ماندگی را در جهان اسلام در پی آورد و در نتیجه بسیاری از مظاهر تمدن و فرهنگ اسلامی رو به افول نهاد. البته، ریشه این تمدن پرآوازه هرگز نخشکید و همچنان پایگاه‌هایی برای این تمدن، هرچند در سرزمین‌های دورتر، باقی ماند و گاه در این شهر و گاه آن دیگری رخ نمود. با این همه، جزیرهٔالعرب همچنان جایگاه خود را به عنوان مهد این تمدن حفظ کرد.

ص:۲۶

فصل دوم: عربستان سعودی در یک نگاه

اشاره

«(۱)»

موقعیت

عربستان سعودی میان دریای سرخ در سمت غرب، و خلیج فارس در سمت شرق قرار گرفته و از شمال با اردن، عراق و کویت، از جنوب با جمهوری یمن، از شرق با امارات متّحده عربی، بحرین، قطر و عمان هم مرز است.

مساحت عربستان سعودی به ۲۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد و طول ساحل غربی آن، از عقبه تا میدی تقریباً ۱۱۰۰ مایل، ساحل شرقی آن از رأس مشعاب تا قطر ۳۰۰ مایل و طول مرز آن از عقبه تا رأس مشعاب ۸۵۰ و از میدی تا خلیج فارس نیز ۸۸۰ مایل است.

وضعیت جغرافیایی

در موازات دریای سرخ و در طول ساحل جلگه‌ای، ساحلی وجود دارد که پهنای آن در مناطق مختلف تفاوت می‌یابد. این جلگه در مناطق جنوبی ۴۰ مایل پهنا دارد و هر چه به سمت شمال پیش می‌رویم، از این عرض کاسته می‌شود و در فاصله «جیزان» تا «لیث» به ۳۰ و در منطقه الوجه به ۱۰ مایل می‌رسد و پس از مسافتی اندک به طرف شمال

۱- نک: المملکهٔ العربیهٔ السعودیه، وزارهٔ الاعلام، ص ۱۱

ص:۲۷

و در نزدیکی خلیج عقبه، به کلی از میان می‌رود. این جلگه ساحلی را «تهائم» و بخش‌های آن را «تهامه» گفته‌اند که از آن جمله است: تهامه حجاز، عسیر و یمن. در این منطقه ساحلی شوره‌زارهای فراوانی وجود دارد.

در سمت شرق این دشت، سلسله جبال مرتفعی قرار گرفته و خود وادی‌های بزرگی را دربر دارد که وادی حمض، وادی ینبع، وادی فاطمه و همچنین وادی عتود و وادی بیشه در منطقه عسیر از مهمترین آنهاست. از آن جا که کوه‌های این سلسله جبال به سمت غرب دارای شیبی تند و شبه عمودی است رودخانه‌هایی که از این کوه‌ها سرازیر می‌شود، آبرفت فراوانی با خود به همراه می‌برد. این آبرفت در دشت ساحلی ته نشین می‌شود و همین امر اراضی آن منطقه را حاصلخیز کرده است.

ارتفاع دیواره کوهستانی منطقه جنوبی؛ یعنی نواحی عسیر ۹۰۰۰ پاست و در مناطق غرب مکه به ۸۰۰۰ پا و سپس در غرب مهدالذهب به ۴۰۰۰ کاهش می‌یابد و با ادامه این روند در مناطق محاذی مدینه به ۳۰۰۰ پا می‌رسد و تقریباً با همین ارتفاع به سمت شمال ادامه می‌یابد.

بلافاصله در شرق این دیواره کوهستانی، فلات نجد قرار گرفته که ارتفاع آن از ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پاست و در منطقه دهناء، که خود به خلیج فارس منتهی می‌شود، به ۲۰۰۰ پا کاهش می‌یابد. این فلات از سمت جنوب به منطقه‌ای که وادی دواسر در آن قرار دارد و موازیصحرای ربع‌الخالی است، منتهی می‌شود.

دشت‌های نجد در سمت شمال تا حدود ۹۰۰ مایل ادامه دارد و به منطقه حائل و همچنین مرزهای عراق و اردن می‌رسد. در نجد بلندی‌های فراوانی وجود دارد که بلندی‌های عارض و عویرض و کوه‌های اجا و سلمی و همچنین سلسله جبال طویق که از سمت جنوب غرب به سمت شمال غربی شنزارِ نفود کشیده شده، از این جمله است.

«نفود» منطقه‌هایی باریکه‌شکل و دربردارنده تپه‌های شنی است که بهصورت زبانه‌هایی از دو سمت شرق و غربصحرای ربع‌الخالی به طرف شمال امتداد می‌یابد و در نفود کبیر به همدیگر می‌پیوندد. از ویژگی‌های این باریکه‌های

ص:۲۸

بیابانی آن است که همواره خشک و بی‌حاصل است و تنها به هنگام بارش باران‌های موسمی گیاهان در آنها رشد می کنند و می توان از این گیاهان برای چرای دام استفاده کرد.

در مناطق داخلی نجد شوره‌زارهای فراوانی وجود دارد که احتمالًا، در دوره‌های گذشته زمین‌شناسی دریاچه‌ای داخلی بوده است.

از سمت شرق فلات نجد؛ یعنی در منطقه دهناء به تدریج ارتفاع کاهش می‌یابد تا به سواحل خلیج فارس و ارتفاع نزدیک به سطح دریا می‌رسد. میدان‌های نفتی عربستان در این منطقه قرار گرفته است.

نقشه عربستان سعودی

ص:۲۹

وضعیت آب و هوایی

در منطقه ساحلی غرب عربستان که در کنار دریای سرخ واقع شده، آب و هوای شبه استوایی حکمفرماست. تابستان‌هایی گرم با رطوبت هوای بالاـ و زمستان‌هایی معتدل دارد و گاه در این فصل؛ یعنی در فاصله ماه‌های نوامبر تا فوریه، باران‌های خفیفی در این مناطق می‌بارد.

مناطق میانی عربستان دارای تابستان‌هایی خشک و نسبتاً گرم و زمستان‌هایی خشک و سرد است و به دلیل ارتفاع فلات نجد، گاه موج‌هایی از سرمای سوزنده، این مناطق را در برمی گیرد.

منطقه شرقی عربستان از نظر آب و هوا تقریباً همانند مناطق میانی است، با این تفاوت که به دلیل نزدیک بودن به دریا و منابع آبی، در فصل تابستان رطوبت هوا در این منطقه افزایش چشمگیری می‌یابد.

نشان کشور عربستان

نشان پادشاهی عربستان سعودی دربردارنده نمادی از یک درخت خرماست که دو شمشیر خمیده عربی متقاطع در پایین آن قرار گرفته است. دلیل استفاده از نماد درخت خرما، فراوانی آن در این سرزمین و اثر آن در زندگی ساکنان جزیرهٔ العرب در دوره‌های مختلف تاریخ است و قرار گرفتن آن در میان شمشیرهای متقاطع نیز بدان معناست که رفاه و آسایش جز در پرتو عدالت امکان‌پذیر نیست.

ص:۳۰

سیاست خارجی

پادشاهیِ عربستان سعودی، کشوری است عربی- اسلامی و مستقل و از اعضای سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای غیر متعهد و از پایه‌گذاران برخی از این سازمان‌های بین‌المللی است.

عربستان سعودی عضو مجموعه کشورهای غیر متعهد است و پیوستن به هرگونه پیمان نظامی را رد می‌کند.

این کشور همچنین از اعضای اصلی سازمان کشورهایصادر کننده نفت (آاوپک) و نیز سازمان کشورهای عربصادر کننده نفت (اوپک) است و در تعیین قیمت نفت و سطح تولید آن نقش فعالی برعهده دارد. این کشور به سیاست اعتدال در مورد نفت پایبند و به هدف حفظ سلامت و ثبات اقتصاد جهانی و جلوگیری از آسیب جدی در سطح رفاه جهانی با هرگونه تندروی در زمینه سیاست‌های نفتی مخالف است.

عربستان همچنین سرمایه خود را درصندوق بین‌المللی پول و دیگر مؤسسات اعتباری و مالیِ جهانی افزایش داده است تا بتوانند با توانایی بیشتری به درخواست‌های وام کشورهای فقیر و در حال توسعه پاسخ دهند.

ص:۳۱

بخش دوم: کعبه، خانه‌توحید

اشاره

ص:۳۲

ص:۳۳

فصل اول: کعبه در یک نگاه

موقعیت کعبه بر روی کره زمین

گفته می‌شود نقطه‌ای که خانه خدا بر آن ساخته شده، مرکز زمین است و زمین از آن جا به اطراف کشیده شده است. ملّا علی قاری در «مسلک المتقسط فی المنسک المتوسط» در فضیلت این سرزمین، از پیشوای مفسران، مجاهد، نقل می‌کند که گفته است: چون خداوند، دو هزار سال پیش از آفرینشِ آسمان‌ها و زمین، عرش خویش را بر آب آفرید، در آب نگریست و بر هوا تجلی کرد. آب متلاطم شد و از آن دودی بلند برخاست و خداوند آسمان را از آن دود بیافرید. برفراز این آب قطعه‌ای، بلکه گداخته‌ای به اندازه سرزمین بیت بر جای ماند. زمین از همین قطعه آفریده و آن‌گاه از اطراف گسترده و کشیده شد.

از همین روی، سرزمین کعبه «امّ القری» نام گرفت. اما از آن جا که این قطعه زمین آرام نبود و به‌سان لوحه‌ای گاه بدین سوی و گاه بدان سوی کج می‌شد، خداوند کوه‌ها را بیافرید تا ستون‌های استوار کننده آن لوحه باشند. نخستین این کوه‌ها ابوقبیس است و از همین روی آن را امّ الجبال (ما در کوه‌ها) نامند. پس آن گاه بنای کعبه بر این قطعه زمینصورت پذیرفت. «(۱)»

۱- الحج و العمره الی بیت اللّٰه الحرام، ص ۹۸

ص:۳۴

تصویر موقعیت جغرافیایی؟؟؟

نام‌های کعبه

کعبه به نام‌هایی چند خوانده شده است:

۱- کَعْبه؛ دلیل این نام گذاری، به چهار گوش بودنِ خانه و داشتن شکل مکعب برمی‌گردد. برخی نیز آن را به بلندی و برجستگی این بنا نسبت داده‌اند. «(۱)»

۱- درباره نامگذاری خانه خدا به« کعبه» روایت‌هایی متفاوت آمده است: بغوی در تفسیر خود از- مجاهد نقل می‌کند که گفته است: کعبه را به دلیل چهار گوش بودن، کعبه نامیده‌اند؛ چرا که عرب هر خانه چهار گوش را« کعبه» می‌نامد. مقاتل گفته است: کعبه را از آن روی که از دیگر بناها جداست و درون آن بنایی نیست کعبه نامیده‌اند. گفته شده: کعبه از آن روی که از زمین برجسته است بدین نام خوانده شده؛ چرا که اصل معنای کعب به برجستگی و بیرون زدن برمی‌گردد؛ ابن اثیر در نهایه گوید: هر چیز که برجسته و بلند باشد کعب است و از همین کاربرد معنایی نیز خانه خدا کعبه نام گرفته است. همچنین گویند: کعبه به دلیل چهار گوش بودن بدین نام خوانده شده است. قصهٔ التوسعه، ص ۷۳.« مترجم»

ص:۳۵

۲- بَیتُ العَتیق.

۳- بَیتُ الحرام.

۴- بَنِیَّه؛ بر وزن بقیه، چنان که عرب در سوگند خود گوید: «لا وَ رَبُّ هذِهِ البَنِیّهٔ»؛ یعنی به خدای این بنا سوگند ...

۵- بَنِیّهٔ ابراهیم.

۶- قِبْله؛ بدان سبب که مردم بدان روی کنند؛ چرا که هر چه بدان روی شود قبله نام گیرد.

۷- حَمْساء؛ قریش را با انتساب به کعبه، در متون تاریخی «حمس» نامیده‌اند.

۸- بَیْت المَعْمُور؛ البته بنابر یکی از تفسیرهایی که درباره «بیت المعمور» ابراز شده است. بنابر تفسیری دیگر، بیت‌المعمور نام خانه‌ای است در آسمان و به موازات کعبه. «(۱)»

فضیلت کعبه

فضیلت‌های کعبه را در شمار نتوان آورد؛ چه، این فضیلت‌ها بی‌پایان است. اما در این میان می‌توان از برخی فضیلت‌ها که کعبه بدان‌ها نامور شده، یاد کرد:

* بسیاری از «آغازها و نخستین‌ها» به کعبه باز می‌گردد: آنجا نخستین خانه‌ای است که در زمین برای همه مردم نهاده شد تا در آن، خدای را بپرستند و آن را قبله خود گیرند؛ نخستین بیتی است که فرشتگان و آدم و ابراهیم، همه، آن را ساختند؛ و سرانجام نخستین پرستشگاه زمین است که پس از طوفان نوح بر گِرد آن طواف شد.

* بیت اللّه جایگاه گرد آمدن و پناه آوردن همیشگیِ همه مردمان است، که مردم از

۱- الحجج المبینهٔ فی التفضیل بین مکهٔ و المدینه، ص ۱۲۰

ص:۳۶

جای جای زمین به هدف حج یا عمره، یا تکرار حج و عمره، یا به چنگ آوردن ثواب، یا توبه‌ای آغازین و یا دوباره، یا دیداری نو، یا مجاور شدن و ماندن در جوار بیت، یا به سامان آوردن حال دین و دنیای خود و یا از سر شوق و دلدادگی و یا به همه این هدف‌ها آهنگ زیارت آن می‌کنند، که جایگاه جاودان و سزامند پناه آوردن است.

* هر کس آهنگ آن کند جز با پاداش‌ها و دستاوردی معنوی و بهشتی، که خدایش ضمانت کرده است، باز نگردد و هرکس تنها به انگیزه نماز در بیت، آهنگِ آن کند، چون باز گردد، آن‌سان از گناه پیراسته شود که طفلی نوزاد را ماند، و هر کس با اخلاص بار سفر زیارت آن بر بندد و در راه جان دهد بی‌حساب به بهشت درآید.

* گرامی‌داشت این خانه خجسته از سوی امت مسلمان، سبب سرازیر شدن خیر و سعادت در میان آنان است، چونان که اگر آن را گرامی ندارند خود تباه شوند.

* هفت بار طواف بر گرد این خانه با آزاد کردن یک برده برابری کند، و خداوند به طواف کنندگان نزد فرشتگان مباهات کند و طواف فراوان بر گرد این خانه سبب آمرزش گناهان شود، تا بدان پایه که طواف کننده را هیچ گناه نماند. البته مشروط به آن که در هنگام طواف زبانش به ذکر خداوند، حمد و تکبیر و شعار یگانه پرستی گویا باشد و پیوسته او را به زبان و به دل بخواند.

* طواف کعبه در شرایط سخت همانند هنگام نزول باران و یا تابش آفتاب سوزان پاداش الهی بی‌شماری را برای طواف کننده در پی آورد. این مژده بدان سبب است که کعبه هیچ گاه از طواف کننده خالی نشود.

* خداوند، کعبه را به نشان افتخار «قبله» گرامی داشته و از این رهگذر پیامبر خود، محمدصلی الله علیه و آله را خشنود ساخته است. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«ما به هر سوی گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم. پس باش تا تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن، و هر جا بودید روی خود را به سوی آن بگردانید. در حقیقت اهل کتاب نیک می‌دانند که این از جانب پروردگارشان به جا و درست است و خدا از آنچه می‌کنند بی‌خبر نیست.» «(۱)»

۱- بقره: ۱۴۴

ص:۳۷

* سرانجام آن که خداونـد، کعبه آن خـانه مقـدس و پاک را مایه قوام «(۱)» و سامـان مردم یعنی مرکزی برای سامـان نظام مادی و معنوی زنـدگی آنان قرار داد تا در هر کار و اندیشه، از آن سـمت و سوی گیرند و بدان روی کنند و در پرتو آن یگانه نمادِ وحدت و یـک‌دلی، اهـداف و برنامه‌هـای زنـدگی خویش را هماهنگ سازنـد و بـدین سان کعبه پرتو توحیـد را بیفشانـد و روشـنایی آن را مسلمانانی که به طواف آمده‌اند، در سراسر گیتی بپراکنند.

۱- اشاره به آیه« جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ» مائده: ۹۷.« مترجم»

ص:۳۸

فصل دوم: تاریخچه کعبه

تعریف تاریخچه

تاریخچه یک اثرِ باستانی یا یک شهر و یا همانند آن، بیشترین همانندی را با زندگینامه خود نوشت دارد که در آن فهرست فشرده‌ای از همه رخدادها، نقاط تحول و متغیرهایی که بر آن اثر یا شهر و یا انسان گذشته است، از آغاز تا هنگام نگاشته شدن این تاریخچه به دست داده می‌شود.

تاریخچه در واقع نه به بیان جزئیات رخدادها و اوضاع و احوال تاریخی می‌پردازد و نه درصدد به دست دادن اسناد علمی دقیقی درباره موضوع است که بتوان در یک پژوهش آکادمیک، جز ارجاعی گذرا و یا نیم‌نگاهی حاشیه‌ای و گذرا، بدان مراجعه کرد.

البته این بدان معنا نیست که معلومات داده شده در یک فهرستِ تاریخی یا تاریخچه، معلوماتی تقریبی است، بلکه درست به عکس، معلومات به دست داده شده در چنین فهرستی، همه درست و کاملًا دقیق و مفید است، منتها از اطناب و پرگویی و بیان جزئیات پرهیز می‌شود.

خوانندگان کتاب‌ها، به ویژه در روزگار ما، سلیقه‌های متفاوتی دارند؛ برخی به دلیل تنگی وقت یابه‌هر دلیل‌دیگر، به‌نوشته‌های مختصر وفشرده علاقه‌دارند. برخی علاقه‌مند تفاصیل و جزئیات هستند، هر چند زمان به درازا بکشد، و برخی تنها با یک تصویر یا نمودار که به فشرده‌ترینصورت، معلوماتِ مورد نیاز را باز گوید، خرسند می‌شوند.

ص:۳۹

در این فصل از کتاب حاضر، تلاش بر آن است که به کمک فهرستی تاریخی نیاز بیشتر خوانندگان که طالب بیانی فشرده و کوتاه هستند برآورده شود. البته به نیاز دیگر خوانندگان نیز توجه شده و از همین روی است که در فصل حاضر تنها در قالب این فهرست فشرده کلیاتی درباره کعبه از جنبه‌های مختلف یادآوری شده و آن‌گاه در دیگر فصل‌ها به سراغ بیان جزئیات بسیاری از آنچه در این فصل بدانها اشاره شده است رفته‌ایم تا خوانندگانی که طالب جزئیات هستند بدانها مراجعه کنند.

ناگفته نماند آنچه در دیگر فصول بیشترین اهمیت را برای نگارنده داشته، پرداختن به مسأله توسعه اماکن مذهبی مسجد الحرام و مسجد النبی و به ویژه طرح توسعه اخیر است.

آنچه اینک فرا روی دارید فهرستی تاریخی از کعبه در گذر زمان است:

تاریخچه فهرست وار بنای کعبه

کعبه دوازده بار بهصورت بنیادین از پایه بنا شده و یا مورد بازسازی همه جانبه قرار گرفته است.

آنها که کعبه را ساخته و یا بازسازی کرده‌اند عبارتند از: فرشتگان، آدم علیه السلام، شیث علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، اسماعیل علیه السلام، عمالقه، جرهم، قریش، عبداللَّه بن زبیر، حجاج‌بن یوسف ثقفی، سلطان مراد خان. «(۱)»

۱- . در قصهٔ التوسعه ص ۷۶ در این باره چنین آمده است: کعبه دوازده بار بنا شده و این بناهای دوازده‌گانه عبارتند از:

۱- بنای فرشتگان ۲- بنای آدم علیه السلام، ۳- بنای شیث علیه السلام ۴- بنای ابراهیم علیه السلام ۵- بنای عمالقه ۶- بنای جرهم ۷- بنای قصی ۸- بنای عبدالمطلب ۹- بنای قریش ۱۰- بنای عبداللَّه بن زبیر ۱۱- بنای حَجّاج ۱۲- بنای سلطان مراد خان عثمانی.

در این کتاب همچنین از:« فی رحاب البیت الحرام» ص ۱۱۷ و ۱۱۸ نقل شده است که مورخان در این باره که چه کسانی کعبه را بنا کرده‌اند اختلاف نظر دارند و به اجماعی در این باره نرسیده‌اند.

آنچه در این مورد ثابت است و به واسطه دلایل قوی‌ای که دارد در آن اختلافی نیست، این است که بنا کنندگان کعبه سه تن یا گروه هستند: ابراهیم خلیل، قریش و سرانجام ابن زبیر و حجاج. چه، بنای ابراهیم خلیل به تصریح قرآن ثابت شده، بنای قریش به روایت صحیحی که بخاری نقل کرده ثابت شده و بنای ابن زبیر و حَجّاج موضوع اتفاق نظر و اجماع مورخان و مفسّران است.« مترجم»

ص:۴۰

فرشتگان کعبه را ساختند تا خانه‌ای در مقابل بیت المعمور که در آسمان‌هاست باشد.

گفته‌انـد خانه کعبه از سـنگ‌های پنـج کوه بنا شـده و فرشـتگان این سـنگ‌ها را برای آدم می‌آوردنـد. آن پنج کوه عبارتند از: طور سینـا، حِراء، طور زیتـا، جبل لبنان و جودی «(۱)» در برخی کتاب‌هـای تـاریخی در کنار این پنـج کوه، از کوه‌های دیگر هم نام برده می‌شود که عبارتند از: جبل احمر، ثبیر، رضوی و ورقان. «(۲)» گفته‌اند: بنای آدم و بنای فرشتگان یکی است؛ آدم خانه را می‌ساخته و فرشتگان او را یاری می‌رسانده‌اند.

ابراهیم و اسـماعیل به فرمان خداوند خانه را بر پایه همان بنای آدم استوار ساختند. «(۳)» بنایی که ابراهیم ساخت، با روی هم نهادن سنگ‌ها و بدون گِل و ملاط فراهم شد.

او هر روز یک رج از سـنگ می‌چید و چون به جایی رسـید که اکنون حجرالأسود در آن است، از اسـماعیل خواست برایش سنگی بیاورد که نشان نقطه آغاز طواف باشد. در این هنگام جبرئیل برای وی حجرالأسود را آورد.

در بنایی که ابراهیم ساخت، کعبه شـکلی مسـتطیلی داشته، ارتفاع آن ۹ ذراع، طول ضـلع شرقی ۳۲ ذراع، ضلع غربی ۳۱ ذراع، ضلع جنوبی ۲۰ و ضلع شمالی ۲۲ ذراع بوده است. «(۴)» وی برای کعبه دو درگاه هم‌سطح زمین تعبیه کرد بدون آن که دری نصب کند.

۱- . نک: التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم، محمد طاهر کردی مکی، ج ۳، ص ۱۴

۲- منبع پیشین، ج ۳، ص ۴۴

۳- منبع پیشین، ج ۳، ص ۴۷

۴- درباره ابعاد کعبه، در قصهٔ التوسعه ص ۷۵ و ۷۶ چنین آمده است: مورخان درباره ابعاد کعبه اختلاف‌نظریه دارند و این اختلاف، طبیعی و ناشـی از تفاوتی است که در انـدازه‌های دقیق دو نوع ذراع؛ یعنی ذراع الیـد ذراع با دست و ذراع الحدیـد ذراع با ابزار ویژه وجود دارد؛ در« تاریـخ الکعبهٔ المعظمه» آمده است که ذراع الید میان ۴۶ تا ۵۰ سانتیمتر و ذراع حدید ۵/ ۵۶ سانتیمتر است. این در حـالی است که اخیراً گفته می‌شود ذراع یـد ۴۸ سـانتیمتر است. ابراهیم رفعت پاشـا در کتـاب مرآهٔ الحرمین با یادآوری این که خود ابعاد کعبه را انـدازه گرفته است، چنین می‌نویسد: ارتفاع کعبه ۸۵ طول ضلع شمالی ۹۲/ ۹، ضلع غربی ۱۵/ ۱۲ ضلع جنوبی ۲۵/ ۱۰ و ضـلع شرقی آن ۸۸/ ۱۱ متر است. مؤلف کتـاب تاریـخ الکعبـهٔ المعظمه بـا آنچه رفعت پاشـا به عنوان ارتفـاع کعبه معرفی می‌کند موافق نیست و می‌گوید: ظاهراً ابراهیم رفعت ارتفاع کعبه را عملًا اندازه‌گیری نکرده و تنها آن را تخمین زده است.

در پژوهشی که از سوی مرکز پژوهش‌های حج در دانشگاه امّ القرای مکه درباره حرکت در مطاف انجام گرفته این ابعاد برای کعبه گزارش شده است:

الف: از رکن اسود تا رکن شامی- یعنی همان ضلعی که درِ خانه کعبه در آن قرار گرفته- ۶۸/ ۱۱ متر است.

ب: از رکن یمانی تا رکن غربی ۰۴/ ۱۲ متر است.

ج: از رکن اسود تا رکن یمانی ۱۸/ ۱۰ متر است.

ه: و از رکن شامی تا رکن غربی ۹۰/ ۹ متر فاصله است.

امـا ارتفاع کعبه بر حسب بنای ابراهیم ۳۲/ ۴ متر، در بنای قریش ۶۴/ ۸ متر و در بنای عبداللَّه بن زبیر ۹۵/ ۱۲ متر بوده و بنای حَجّاج نیز همین ارتفاع را داشته است.

یادآور می‌شود« والتر هینس» ذراع الید را معادل ۸۷۵/ ۴۹ سانتیمتر و ذراع الحدید را معادل ۱۸۷/ ۵۸ سانتیمتر می‌داند.

برای آگـاهی بیشتر بنگریـد به: اوزان و مقیاس‌هـا در اسـلام، والتر هینس، ترجمه و حواشـی دکتر غلامرضـا ورهرام، تهران، مؤسسـه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸، صص ۸۹– ۸۸.« مترجم»

ص:۴۱

همچنین برای کعبه سقف نزد. او در داخل کعبه گودالی کند تا جایگاه نگهداری هدیه‌ها باشد. ابراهیم در سمت شمال کعبه آغلی برای گوسفندان اسماعیل ساخت و این همان است که امروزه حجر اسماعیل نام دارد.

عمر بنای ابراهیم تقریباً چهار هزار سال است.

هنگامی که قریش خواست خانه کعبه را، که از سیل و آتش سوزی آسیب کلی دیده بود، بازسازی کند تصمیم گرفت این کار تنها با مال حلالصورت پذیرد. از همین روی، چون مال‌های حلالی که فراهم بود برای ساختن همه خانه بسنده نمی‌کرد، بخشی از خانه را که حجر اسماعیل کنونی است از بنا حذف کردند.

قریش پس از بنای کعبه، هر یک از چهار سمت آن را به چهار قسمت کرد و برای تولیت آنها، میان عشایر قبایل قرعه زد و بدین سان هر قبیله‌ای عهده‌دار بخشی خاص شد.

ص:۴۲

قریش چوب‌هایی را که در بنای کعبه به کار برد، ازصاحبان کشتی‌ای رومی که در بنـدر شـیبه شکسـته بود خریـد و یکی از ملوانان این کشتی را نیز برای کمـک کردن به آنـان در بنای کعبه به شـکل بناهای شام به خـدمت گرفت. «(۱)» رسول خداصـلی الله علیه و آله در بنای کعبه با قریش همراه شد و نزاعی را هم که در هنگام نصب حجرالأسود میان آنان رخ داده بود به سر پنجه تدبیر گشود. قریش ارتفاع کعبه را هیجده ذراع قرار داد و آن را مسـقف کرد و یک در از سـمت شـرق بلندتر از سطح زمین گشود. برگرد حجر اسـماعیل دیواری کوتاه بنا کرد و داخل خانه را تزییناتی دادنـد، برای آن پلکانی داخل قرار داد که به پشت بام می‌رسـید و همچنین شش ستون برای نگهداری سقف آن در داخل نصب کرد.

پس از آن که در روزگار یزیـد بن معاویه کعبه به منجنیق بسـته شد و در آتش سوخت، عبداللَّه بن زبیر آن را بر همان وضع که- بر اساس حـدیث عایشه- پیامبرصـلی الله علیه و آله آرزوی بازسازی‌اش را داشت بنا کرد. او کعبه را بهصورت چهار گوش بر پایه‌های بنای ابراهیم بازسازی کرد. برای آن، دو در از سـمت شـرق و غرب، هم‌سطح زمین گشود و در داخل آن سه ستون برای نگه داشتن سقف قرار داد و ارتفاع آن را به بیست و هفت گز افزایش داد «(۲)» بنای حَجّاج شامل بازسازی کامل کعبه نبود. بلکه وی بخشی از بنای عبداللَّه بن زبیر را خراب کرد و آن را به همانصورت که قریش ساخته بود بازگرداند.

پس از آن که در سال ۱۰۳۹ ه. ق. سـیل عظیمی به سمت منطقه مسجد الحرام سرازیر شد و حدود شش ماه بنای کعبه را تا نیمه‌های دیوار آن دربر گرفت و در نتیجه این بنا فرو ریخت، «(۳)» سلطان مراد خان آن را به سال ۱۰۴۰ ه. ق. بازسازی کرد. البته بیست سال پیش از این، آثاری از شکستگی در دیوار کعبه رخ نموده بود که سلطان عبدالحمید با

۱- . نک:« اخبار الکرام باخبار المسجد الحرام»، احمد بن محمد مکی، تحقیق د. حافظ غلام مصطفی.

۲- منبع پیشین.

۳- نک:« تاریخ الکعبهٔ المعظمهٔ عمارتها و کسوتها و سدانتها»، حسین عبداللَّه باسلامه.

ص:۴۳

مهار کردن کعبه به وسیله کمربندی فلزی و زرکوب آن را ترمیم کرد. «(۱)» آخرین بازسازی کعبه، بازسازی اخیر است که جزئیات آن را در آخر همین بخش از کتاب خواهید خواند.

تصویرهای بنای ابراهیم و ...

فهرست نخستین‌های کعبه

نخستین سرزمینی که خداوند در هنگام آفرینش زمین آفرید بقعه کعبه است که بر روی آب رخ نمود و هسته‌ای شد که زمین از اطراف آن گسترش یافت. «(۲)» نخستین خانه‌ای که برای مردم و برای پرستش خداوند بنا نهاده شد کعبه است.

این خانه قبله همگان قرار داده شد تا کانون دل ها و مایه وحدت مسلمانان باشد.

نخستین سرزمینی که خداوند پس از آفرینش آسمان‌ها و زمین آن را حرم قرار داد، سرزمین کعبه است.

۱- . نک:« التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم»، محمد طاهر کردی مکی.

۲- نک:« الجامع اللطیف فی فضل مکهٔ و اهلها و بناء البیت الشریف»، ابن ظهیره قرشی.

ص:۴۴

نخستین خانه‌ای که در روی زمین با سنگ بنا شد کعبه است. «(۱)» نخستین کسانی که برگرد کعبه طواف کردند فرشتگان الهی بودند و همینان نخستین کسانی بودند که کعبه را ساختند.

نخستین کسانی که حج خانه خدا گزاردند، فرشتگان بودند. «(۲)» نخستین بنایی که آدم به دست خود در زمین بنا کرد کعبه است و بدین سان کعبه نخستین بنایی است که نخستین بشر آفریده است. «(۳)» نخستین کسی که کعبه را تجدید بنا کرد شیث بود. «(۴)» نخستین کسانی که مساحت کعبه را تغییر دادند قریش بودند که پنج سال پیش از بعثت چنین کردند، نخستین کسی که آن را به وضع نخستین باز گرداند عبداللّه بن زبیر بود که در سال ۶۵ ه. ق. این کار را به انجام رساند، و نخستین کسی که این بنا را خراب کرد و به وضع دوران قریش باز گرداند حَجّاج بن یوسف ثقفی بود. «(۵)» نخستین کسی که برای کعبه دری قفل‌دار قرار داد تبّع اسد حِمْیری، و به روایتی دیگر انوش بن شیث و به روایتی جرهم است. «(۶)» نخستین کسی که برای کعبه سقفی قرار داد قُصّی بن کلاب است. این سقف بعدها از میان رفت و قریش پنج سال پیش از بعثت برای آن سقفی دیگر ساخت. «(۷)» نخستین کسی که برای کعبه پوششی جزئی قرار داد حضرت اسماعیل علیه السلام بود.

نخستین کسی که کعبه را به پرده‌ای کامل پوشاند تُبّع اسد حمیری است. «(۸)» نخستین کسی که با رعایت فاصله مشخص از کعبه و واگذاشتن آن به عنوان

۱- نک:« تاریخ الکعبهٔ المعظمهٔ عمارتها و کسوتها و سدانتها.»

۲- الجامع اللطیف؛ اخبار الکرام؛ التاریخ القویم.

۳- التاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۱

۴- منبع پیشین.

۵- . منبع پیشین.

۶- نک: الجامع اللطیف.

۷- منبع پیشین.

۸- . نک: الجامع اللطیف؛ اخبار الکرام؛ التاریخ القویم؛ تاریخ الکعبهٔ المعظمه.

ص:۴۵

صحن پیرامونی کعبه، در اطراف آن خانه ساخت، قصی‌بن کلاب است که این کار را حدودصد و سی سال پیش از بعثت به انجام رساند. تا پیش از این کار، در اطراف کعبه خانه‌ای نمی‌ساختند و به احترام آن، خانه‌های خود را بیرون از مکه بنا می‌کردند. اما از آن هنگام به بعد کسانی که در اطراف کعبه خانه می‌ساختند از دیگران متمایز شدند و «قریش بواطن» نام گرفتند.

نخستین کسی که در کعبه و پیرامون آن بت نصب کرد عمرو بن لُحی خزاعی بود که بت هبل را از سرزمین جزیره در شام به مکه آورد و آن را در کنار گودالی که در درون کعبه کنده شده و جایگاه هدایا بود، نهاد. او نخستین کسی بود که مردم را در مکه به بت پرستی فرا خواند. «(۱)» نخستین کسانی که برای کعبه ناودان قرار دادند، قریش بودند. بعدها عبداللَّه بن زبیر نیز در تجدید بنا برای کعبه ناودان قرار داد و پس از او هم در هر تجدید بنا، جایی برای ناودان در نظر گرفته شد.

نخستین کسی که خانه‌ای چهار گوش به شکل کعبه ساخت حمید بن زهیر است.

پیش از آن، خانه‌ها تقریباً دایره‌ای شکل و یا به اشکال دیگری که با شکل کعبه تفاوت داشته باشد ساخته می‌شد. «(۲)» نخستین کسی که در روزگار جاهلیت کعبه را آذین کرد عبدالمطلب بن هاشم جد پیامبر گرامیصلی الله علیه و آله است. او کعبه را به دو غزال طلایی که به هنگام حفر زمزم در زیر خاک یافت و همچنین در کعبه را به سلاح‌هایی که در حفر زمزم یافته بود تزیین کرد. «(۳)» نخستین کسی که به هنگام ورود به کعبه و به گرامیداشت آن کفش و پای‌افزار از پای کند ولید بن مغیره بود که پس از فراغت قریش از بنای کعبه، پای‌افزار درآورد و به درون کعبه رفت و این کار پس از او سنت شد.

نخستین نماز واجبی که پس از شب معراج در جوار کعبه خوانده شد، نمازهای

۱- اخبار الکرام.

۲- . منبع پیشین؛« التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم»، ج ۴، ص ۸۴

۳- اخبار الکرام؛ التاریخ القویم.

ص:۴۶

پنجگانه بود که جبریل برای خواندن آنها و تعلیم دادنش به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند از آسمان فرود آمد و این نمازها را در مقابل ضلع شرقی کعبه و تقریباً در سمت راست در کعبه خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله به او اقتدا کرد. «(۱)»

نخستین کسی که کعبه را شست، رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که پس از پاک کردن کعبه از آلودگی بتان، در روز فتح مکه بدین کار اقدام فرمود. «(۲)» نخستین کسی که در مکه به پشت بام کعبه اذان گفت بلال بن رباح بود که در روز فتح بر فراز بام رفت و بانگ اذان در داد. برخی از مشرکان بر این کار طعنه زدند و خداوند آیات سوره حجرات را در این باره نازل کرد:

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا همدیگر را باز شناسید. اما در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. بی‌تردید خداوند آگاه و دانا است.» «(۳)» نخستین کسی‌که کف کعبه را با سنگ مرمر سنگفرش و دیوارهای آن را به قطعه‌های سنگ محکم کرد، ولید بن عبدالملک است. سنگی که وی برای این منظور به کار برد، رنگ‌های گوناگونی چون سفید، سبز و سرخ بود.

نخستین کسی‌که حجر اسماعیل را با مرمر سنگفرش کرد، منصور خلیفه عباسی بود که در سال ۱۴۰ ه. ق. این‌کار را انجام داد. بعدها بارها این بناتجدید شد.

نخستین کسی که در میان خلفای عثمانی حجر اسماعیل را تجدید بنا کرد، سلطان مراد خان بود و پس از او نیز سلطان عبدالمجید خان در سال ۳۶۰ ه. ق. به تجدید بنای آن همت گماشت.

نخستین کسی که کعبه را به منجنیق بست حصین بن نمیر بود که به هنگام نبرد با عبداللّٰه بن زبیر و به فرمان یزید بن معاویه، در سال ۶۴ ه. ق. بدین کار دست یازید.

نخستین قسمت کعبه که در جریان سیل بنیان کن سال ۱۰۳۹ ه. ق. تخریب شد

۱- نک: التاریخ القویم: ج ۱، ص ۲۵

۲- نک: منبع پیشین، ج ۵، ص ۴۵

۳- حجرات: ۱۳

ص:۴۷

دیواری بود که حجاج بن یوسف ثقفی آن را ساخته بود. «(۱)» نخستین فرمانروایی که پیش و پس از نماز، رکن حجرالأسود را استلام کرد عبداللَّه بن زبیر بود و پس از وی دیگر فرمانروایان و امیران این کار را پسندیدند و تکرار کردند.

نخستین کسی که چهار رکن کعبه را به هنگام طواف استلام کرد عبداللَّه بن زبیر بود. در این باره که چرا پیش از او دو رکن شامی را استلام نکرده بودند، چنین دلیل آورده‌اند که این رکن‌ها برپایه بنایی که ابراهیم ساخته بود استوار نشده بودند؛ چه، قریش در هنگام بازسازی کعبه، از مساحت کعبه در سمت شمال؛ یعنی سمتی که حجر اسماعیل در آن واقع است، از مساحت کعبه کاسته و در نتیجه بنای خویش را بر پایه‌ای جز آن که ابراهیم نهاده، بنا ساخته بود.

نخستین کسی که برای نماز برگرد کعبه،صف‌های نماز را دایره‌وار کرد خالد بن عبداللَّه قسری بود که به روزگار عبدالملك بن مروان و در سال ۷۵ ه. ق. بدین کار اقدام ورزید. پیش از اوصف‌ها تنها پشت مقام ابراهیم تشکیل می‌شد. «(۲)» نخستین کسی که برای کعبه سایه بان یا شمسیه قرار داد متوکل عباسی بود. «(۳)» شمسیه، چتر، سایه بان، انارك یا تاجی است که بر بالای درها و پنجره‌ها، برای جلوگیری از تابش نور و گاه برای تزیین قرار داده می‌شود. در مورد کعبه تنها به هدف زینت از این شمسیه استفاده می‌شد و آن را در فاصله روزهای ششم تا هشتم ذی الحجه (یوم الترویه) بر بالای در کعبه قرار می‌دادند. غالباً ابعاد آن ۳ متر در ۲۵ سانتیمتر بود و آن را به یاقوت و جواهر آذین می‌کردند. «(۴)» نخستین تمبری که تصویر کعبه بر آن نقش بسته بود، در سال ۱۳۸۴ ه. ق. و به ارزش ۴، ۶ و ۱۰ قروش چاپ شد.

۱- التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم، ج ۳، ص ۶۰۲

۲- . التاریخ القویم، ج ۲، ص ۱۲۴

۳- منبع پیشین، ج ۲، ص ۱۳۲

۴- منبع پیشین.

ص:۴۸

فهرست عناصر و اماکن پیرامونی و درونی کعبه

ارکان کعبه: ارکان چهار گانه کعبه به ترتیب طواف، بدین شرح هستند:

طواف از رکن حجرالأسود آغاز می‌شود. پس از آن به رکن عراقی، سپس به رکن شامی، که نام دیگر آن رکن مغربی است، و سرانجام به رکن یمانی می‌رسد.

هرگاه در متنی کلمه «رکن» بدون هیچ قید وصفتی به کار رود مقصود از آن، رکن حجرالأسود است و هرگاه «رکنین» (دو رکن) گفته شود، رکن حجرالأسود و رکن یمانی مورد نظر است. دیوار کعبه در فاصله میان دو رکن عراقی و شامی در روزگار ابراهیم بهصورت هلالی؛ یعنی همانند حالت امروزین حجر اسماعیل بوده و بعدها در روزگار عبداللَّه بن زبیر روی خطی مستقیم بنا شده است. از آن پس بنای کعبه بهصورت چهار گوش با چهار ضلع مستقیم حفظ شده و حجر اسماعیل بنایی جداگانه یافته است. «(۱)»

تصویر نمادی از کعبه که محمدطاهر بن عبدالقادر کردی، به سال ۱۳۶۸ ه. ق ترسیم کرده است.

روزنه‌های کعبه: کعبه دارای روزنه‌هایی است که نور خورشید را به درون آن هدایت می‌کند. عبداللَّه بن زبیر هنگامی که مکه را در اختیار داشت، بر بام کعبه، افزون بر روزنی که در مدخل پلکان کعبه به بام وجود داشت، چهار نورگیر دیگر نیز برای آن قرار داد. وی قاب پیرامونی این نورگیرها را از سنگ مرمر ساخت. این روزنه‌ها تا سال ۸۴۳ ه. ق. باقی بود و در این سال ملک اشرف برس بیک برای جلوگیری از ورود باران به درون کعبه،

۱- . التاریخ القویم، ج ۴، ص ۱۲۱

ص:۴۹

آنها را بست. «(۱)» ناودان کعبه: قریش نخستین کسانی بودند که سقف کعبه را پوشاندند و برای آن ناودانی به سمت حجر اسماعیل قرار دادند. عبداللّه بن زبیر و همچنین حَجّاج بن یوسف در بازسازی کعبه این ناودان را حفظ کردند و بعدها ولید بن عبدالملک ناودان را با ورقه‌های طلا آذین کرد و از آن پس بارها این ناودان به دست ثروتمندان و حکمرانان تجدید شد. آخرین ناودان کعبه، اهدایی سلطان عبدالمجید عثمانی است که به سال ۱۲۷۳ ه. ق. آن را اهدا کرد. همین ناودان یک بار در دوران ملک سعود و بار دیگر در دوران ملک فهد باز سازی شد. «(۲)» حجر اسماعیل: حجر اسماعیل محوطه نیم دایره‌ای است که در شمال کعبه و در مجاورت ضلعی که ناودان در آن است واقع شده و آن را «حطیم» «(۳)» نامیده‌اند. دلیل نامگذاری این بخش بدین نام آن است که این بخش در جریان نوسازی کعبه در روزگار قریش، از خانه کاسته شده است. این محوطه دو مدخل از دو سوی شرق و غرب دارد و ارتفاع دیوارچه آن از سطح مسجد الحرام حدود یک و نیم متر است و در سه نقطه از این دیوار چراغ‌هایی برای تزیین و نور دهی بر روی پایه‌های مخصوص نصب شده است.

بخشی از حجر اسماعیل به فاصله شش ذراع و یک وجب از دیوار کعبه، در واقع جزو کعبه و امتداد آن است.

حجر اسماعیل تا کنون افزون بر بیست و پنج بار ترمیم شده است.

درگذشته آن را قبرستان بانوان تبار اسماعیل می‌نامیده‌اند، چنان که روایت‌های تاریخیِ فراوانی از این حکایت دارد که اسماعیل و مادرش هاجر در همان جا به خاک

۱- التاریخ القویم، ج ۵، ص ۳۸

۲- منبع پیشین، ج ۴، ص ۸۵

۳- البته چنان که در قصهٔ التوسعه ص ۸۶ آمده است ابن اثیر در نهایه از این سخن به میان می‌آورد که دونقطه را حطیم نامیده‌اند؛ این دو نقطه یکی میان رکن حجرالأسود و در کعبه است که آن را حطیم مکه نیز گفته‌اند و دیگری حجر اسماعیل است.

ازرقی نیز روایت کرده است که حطیم منطقه میان رکن حجرالأسود و مقام ابراهیم و زمزم است، و حجر اسماعیل را نیز حطیم نامیده‌اند.« مترجم»

ص:۵۰

سپرده شده‌اند.

در برخی روایت‌های تاریخی آمده است که زیر ناودان کعبه جای التزام و برآورده شدن دعاهاست، چنان که در اثری که به پیامبرصلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند، آمده است: به هنگام طواف در قسمت مقابل ناودان، این دعا گفته شود:

«أللّهُمّ انّی أَسْأَلُکَ الرّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ». «(۱)» «پروردگارا! از تو آسایش به هنگام مرگ و بخشایش به هنگام حساب را مسألت می‌کنم.»

ملتزم: بخشی از مطاف است که میان رکن حجرالأسود و درِ کعبه واقع شده و آن را مدعی و متعوذ هم گفته‌اند. آن محل استجابت دعا و جایی است که مالیدن گونه‌ها، سینه و کف دستان و آرنج‌ها بر زمینش و نیز دعا و تضرع به درگاه خداوند درآن مستحب است.

مستجار: بخشی از مطاف است میان رکن یمانی و جای دری که در گذشته‌ها از پشت کعبه و مقابل ملتزم قرار داشته است. آن را «متعوذ» و «مستجاب» و همچنین «ملتزم عجائز قریش»؛ «جای دعای زنان قریش» نامیده‌اند و محل اجابت دعاست.

حطیم: هم حجر اسماعیل و هم منطقه میان حجر اسماعیل و حجرالأسود و مقام ابراهیم و زمزم را حطیم نامیده‌اند و آن جا مکانی است که در آن گناهان فرو ریزد و آمرزیده شود.

حجرالأسود: سنگی است که در رکن جنوب شرقی کعبه قرار گرفته و طواف از مقابل آن آغاز می‌شود. این سنگ از یاقوت‌های بهشت بوده، رنگ آن سفید به خاکستری گراییده، به سان مقام ابراهیم است.

این سنگ پیمان خدا در زمین و مقامی است که بنده در آن با خدای خویش عهد توبه می‌کند. هر که بر این سنگ دست نهد گویا به سوی خداوند دست بیعت گشوده است، و هر که آن را مسح کند همه گناهانش فرو ریزد. پیامبران،صالحان و زایران و حاجیان بر آن بوسه زده‌اند و بوسه زنند و در برِ آن، دعاها اجابت شود و در جوار آن اشک‌ها بر گونه‌ها سرازیر گردد.

۱- . التاریخ القویم، ج ۳، صص ۱۱۶ و ۱۲۲

ص:۵۱

استلام و بوسیدن این سنگ نزد مذاهب اسلامی یکی از سنت‌ها و مستحبات طواف است. «(۱)» درِ کعبه: به روزگار ابراهیمِ خلیل کعبه دری نداشت و تنها درگاهی به درون کعبه راه می‌گشود. بعدها ملک اسعد، تُبّع سوم که از پادشاهان یمن بود، برای آن دری یک لنگه قرار داد. سپس قریش دری دو لنگه بر آن نصب کرد. این در بعدها در گذر تاریخ چندین نوبت نوسازی و تجدید شد.

در، همچنین دارای قفل و کلیدی مشخص است و این کلید نزد آل شیبی نگهداری می‌شود، و هیچ کس دیگر مدعی آن نیست. گویند به فرمان پیامبرصلی الله علیه و آله کلید در اختیار این خاندان نهاده شده است.

طول کنونیِ در، ۳۱۸ سانتیمتر، عرضِ آن ۱۷۱ سانتیمتر و ارتفاع آن از شاذروان ۲۲۲ سانتیمتر است.

معجن: نام حفره‌ای کوچک است که قبلًا در کنار دیوار شرقی کعبه میان رکن عراقی و درِ کعبه قرار داشته و گفته می‌شود که نشان جای اصلی مقام در روزگار ابراهیم علیه السلام بوده است.

همچنین هنگامی که سیل امّ نهشل مقام ابراهیم را از جای کند، پس از باز گردانده شدن برای مدتی موقتاً در محل معجن قرار داده شد و بعدها عمر بن خطاب آن را به جای دائمش انتقال داد.

این حفره همچنین نشان محل نماز رسول خداصلی الله علیه و آله پس از بیرون آمدن از کعبه در روز فتح و نیز نشان جای نماز جبرئیل بوده است.

از آن‌جا که این گودال سبب زمین خوردن حاجیان به هنگام طواف می‌شد در سال ۱۳۷۷ ه. ق. آن را پر کردند و به نشان آن علامت مربعی میان سنگ‌ها قرار داده‌اند.

همچنین در مقابل جای قدیم معجن، در شاذروان سنگ مرمر برجسته‌ای وجود دارد و بر روی آن نوشته‌هایی دشوارخوان حک شده است.

۱- التاریخ القویم، ج ۳، صص ۱۲ و ۱۳

ص:۵۲

این حفره را «جب»، «بئر» «اخسف» و «غبغب» نیز نامیده‌اند. «(۱)» مقام ابراهیم: از لواحق کعبه و مسجد الحرام است؛ سنگی است که ابراهیم علیه السلام به هنگام بنا کردن کعبه و نیز به هنگام بانگ حج و فرا خوان مردم بدین مهم، بر روی آن ایستاد و در هنگام نماز آن را در سمت قبله خود قرار می‌داد.

بر روی این سنگ رد پاهای حضرت ابراهیم علیه السلام حفر شده و این خود آیتی از آیات الهی است.

هر کس در پشت مقام ابراهیم نماز بخواند گناهانش آمرزیده شود؛ چه، قرآن به نماز خواندن در پس این مقام فرمان داده است.

شاذروان: ازاره‌ای کوهانی شکل است از سنگ مرمر که در سه سمت کعبه، به جز سمتِ حجر اسماعیل، در پایین دیوار چیده شده و بنابر روایت گزیده‌تر، جزو کعبه است.

در این ردیف سنگ، حلقه‌هایی نصب شده که پوشش کعبه از پایین بدانها قلاب می‌شود.

گویند: نخستین کسی که شاذروان را ساخت عبداللَّه بن زبیر بود که به هدف تقویت دیوار کعبه و جلوگیری از نفوذ آب به پایه‌های بنا این کار را انجام داد.

شاذروان تا کنون بارها مرمت و نوسازی شده است.

سکوی نگهبانی: در کنار حجرالأسود سکویی سنگی ساخته شده است. بر این سکو که با عبور آب سرد از زیرش سرد نگه داشته می‌شود، نگهبانی می‌ایستد تا بر بوسه زدن طواف کنندگان بر حجرالأسود نظارت کند و آن را سازمان دهد.

ستون‌های درون کعبه: در درون کعبه سه ستون وجود دارد که سنگینی سقف خانه بر روی آنهاست. این ستون‌ها که کار عبداللَّه بن زبیر است هر کدام تقریباً یک گز قطر دارد و فاصله میان هر یک تا دیگری ۳۵/ ۲ متر است.

جبّ کعبه: در سمت راست کسی که به درون کعبه درآید گودالی به عمق سه گز وجود داشته است. حفر آن را به ابراهیم خلیل علیه السلام نسبت دهند و گویند هدایای کعبه در آن‌جا نگهداری می‌شده است. این حفره تا روزگار عبداللَّه بن زبیر وجود داشت و در

۱- التاریخ القویم، ج ۴، ص ۱۲۶

ص:۵۳

روزگار او از میان برداشته شد و خزانه کعبه به سرای شیبهٔ بن عثمان بن ابی طلحه انتقال یافت و به جای آن برای نگهداری هدیه‌ها در داخل کعبه قلاب‌ها و چنگک‌هایی قرار داده شد.

چند نکته خواندنی درباره کعبه

از ابوالحجاج مکی، مجاهد بن جبر، بزرگ قاریان و مفسّران و در گذشته به سال ۱۰۴ ه. ق. در مکه، نقل شده است که گوید: پسر زبیر بر این عادت بود که هر عبادتی را که دیگر مردم نمی‌توانستند انجام دهند با سختی و رنج به انجام می‌رساند. یک بار سیل آمد و خانه کعبه را در محاصره گرفت و مردم از طواف ماندند. در همین زمان ابن زبیر شنا کنان کعبه را طواف کرد.

گویند: کلید کعبه در اختیار مردی از خزاعه به نام ابوغبشان بود. وی در حال مستی آن را به یک مشک شراب به قصی بن کلاب فروخت. این داد و ستد مثلی برای تجارت‌های زیانبار شد، چونان که هر تجارت پست و زیانباری را بدان مثل زنند و گویند: «اخس مِنصفقهٔ أبی غبشان».

جلال الدین سیوطی گوید: گفته‌اند: هنگامی که مطیع، خلیفه عباسی، حجر الأسود را از ابوطاهر قرمطی [که آن را به سرقت برده بود] خرید، عبداللَّه بن عکیم که از محدثان است در مجلس حضور یافت و گفت: حجرالأسود ما را دو نشانه است:

یکی آن که بر سطح آب می‌ایستد و دیگری آن که به آتش گداخته نمی‌شود. پس سنگی عطر آگین پیچیده در پارچه‌ای دیبا آوردند تا او را به خطا اندازند و بفریبند. اما سنگ را چون در آب نهادند به زیر رفت و چون بر آتش گذاشتند گداخته شد تا جایی که نزدیک بود تکه تکه شود. سنگی دیگر آوردند و با آن نیز همان کردند و همان نتیجه داد. سپس حجرالأسود را آوردند و چون آن را در آب نهادند بر روی آب قرار گرفت و چون بر آتش گذاشتند گداخته نشد. در این هنگام عبداللَّه گفت: این همان حجرالأسود ماست. ابوطاهر قرمطی با دیدن اینصحنه در شگفت شد و پرسید: از کجا چنین نشانه‌ای را می‌دانستید؟

عبداللَّه گفت: در حدیثی از رسول خداصلی الله علیه و آله رسیده است که فرمود:

ص:۵۴

«حجرالأسود دست راست خدا در زمین است. روز قیامت در حالی که زبانی گویا دارد می‌آید و برای هر کس که آن را به حق یا باطل بوسیده باشد گواهی می‌دهد. این سنگ نه در آب غرق می‌شود و نه به آتش می‌گدازد.»

ابوطاهر با شنیدن این سخن گفت: این دینی‌است که به روایت و نقل حفظ شود.

این داستان نشان می‌دهد که درباره حجرالأسود حتی درصورتی که دزدیده شود نمی‌توان تقلب و تزویر کرد.

اموال و اراضی متعلق به کعبه را «ابرق» نامند، شاید بدان معنا که هر کس به آنها تجاوز کند به سرعتِ برق، کیفر خواهد یافت.

هنگامی که کارگران عبداللَّه بن زبیر در جریان بازسازی کعبه به پی دیوارها رسیدند و خواستند آنها را با دیلم بکنند، پایه‌های کعبه تکان خورد و مکه به لرزه درآمد.

آنان دیدند همه این پایه‌ها و پی دیوارها به یکدیگر پیوسته است. از این روی آنها را به همانصورت که بود واگذاشتند.

چون عبداللَّه بن زبیر در هفدهم رجب سال ۶۴ یا ۶۵- به اختلاف روایت‌ها در این باره- بنای کعبه را به پایان رساند، دیوارها را از داخل و خارج به مشک و عنبر خوشبو کرد و به دیبا پوشاند و آن‌گاه سنگ‌هایی را که زیاده مانده بود در اطراف خانه کعبه فرش کرد. وی سپس از تنعیم محرم شد و عمره‌ای به جا آورد و از مردم نیز خواست که به شکرانه، این کار را انجام دهند. و هرکس به اندازه توانایی خود در راه خدا قربانی کند.

از آن پس انجام عمره در ماه رجب در میان مردم مکه بهصورت سنت درآمد.

نخستین زن عرب که کعبه را به حریر پوشاند مادر عباس بن عبدالمطلب بود. او که عباس را در خردسالی گم کرده بود نذر کرد چنانچه او را یافت کعبه را به پوششی آذین کند، و چون گمشده‌اش را باز یافت به نذر خود وفا کرد.

هنگامی که قریشیان به تجدید بنای کعبه پرداختند، هرگاه می‌خواستند برای هموار کردن و تخریب باقیمانده بنای قدیم بدان نزدیک شوند، ماری با دهانِ گشاده پیش می‌آمد و مانع نزدیک شدن آنان می‌شد پس خداوند پرنده‌ای بزرگ‌تر از کرکس فرستاد که چنگال‌های خود را در آن مار افکند و آن را به طرف اجیاد انداخت. بدین سان قریشیان

ص:۵۵

پیش آمدند و بقایای خانه را با زمین هموار کردند و کار تجدید بنا را پی گرفتند. «(۱)» هنگامی که قریش به بازسازی کعبه تصمیم گرفت ابووهب بن عمر بن عائذ مخزومی، دایی پدر پیامبرصلی الله علیه و آله، سنگی از سنگ‌های کعبه را برداشت، اما سنگ از دست او پرید و به جای خویش بازگشت. پس گفت: ای جماعت قریش، در بنای کعبه جز از درآمدهای حلال خود بهره نجویید. مباد مهر زنی بدکاره یا درآمد ربا و یا حقی به ناروا ستانده از مردم، در ساختن خانه به کار آید. قریشیان این اصل را پذیرفتند و بر همین بنا، کارِ بازسازی کعبه را پیش بردند. «(۲)» میان بنای ابراهیم تا بازسازی کعبه از سوی قریش تقریباً ۲۶۴۵ سال، از این بازسازی تا بنای عبداللّه بن زبیر ۸۲ سال، از آن تا بنای حَجّاج بن یوسف ثقفی ۱۰ سال و از آن هنگام تا تجدید بنای سلطان مراد ۹۶۵ سال و از بنای سلطان مراد تا توسعه فراگیر دوران ملک فهد ۳۷۷ سال فاصله است. «(۳)» شماری از روایت‌های تاریخی از این حکایت دارد که چون قریش کعبه را برای بازسازی تخریب کرد نوشته‌هایی بر سنگ‌ها به زبان سریانی یافت. یکی از یهودیان، آن نوشته‌ها را بر ایشان خواند. یکی از آنها چنین بود:

«من‌خداوند،صاحب مکه‌ام، آن روزکه آسمان‌ها و زمین راآفریدم و خورشید و ماه راصورت وجود دادم آن را بیافریدم و به هفت پادشاه یگانه پرست در میان گرفتم. تادوکوه مکه بر جا باشد، مکه نیز پا برجاست و برای مردمانش آب و شیر خجسته و میمون دارد.»

گویند شاخ‌های قوچی که ابراهیم علیه السلام ذبح کرده بود تا دوران عبداللّه بن زبیر درون کعبه بر دیوار آویخته بود و در جریان بازسازی کعبه از سوی عبداللّه بن زبیر به سبب کهنگی و سوختگی خاکستر شد و از میان رفت.

یکی از دلایلی که حجر اسماعیل را حطیم نامیده‌اند آن است که عرب‌ها جامه‌ای را که با آن طواف می‌کردند، پس از طواف در حجر بر زمین می‌افکندند و وامی گذاشتند تا

۱- التاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۳۳

۲- منبع پیشین، ج ۳، ص ۲۴۳

۳- . منبع پیشین، ج ۳، ص ۲۴۱

ص:۵۶

گذشت زمان آن را بپوساند و از میان ببرد.

چون ابراهیم بنای کعبه را به پایان برد، جبرئیل از جانب خداوند نازل شد و مناسک حج را به وی آموخت. آن گاه ابراهیم در مقام ایستاد و بانگ فرا خوانِ حج در داد که ای مردم، دعوت خدایتان را پاسخ دهید، ای مردم، حج بر شما مقرر شده است. این ندا را به گوش همه کسانی که در پشت مردان و زهدان زنان بودند رساند، و همه کسانی که ایمان آورده بودند و به علم الهی حج برایشان تقدیر شده بود- تا روز قیامت- پاسخ دادند که: «لَبَّیکَ أَللّهُمَّ لَبَّیک».

قریشیان پیش از اسلام با آنچه از بقایای آیین حنیفی ابراهیم آموخته بودند می‌دانستند که ربا حرام است. از همین روی به هنگام بنای کعبه بر این اصرار داشتند که هیچ مال فراهم آمده از ربایی در آن به کار گرفته نشود تا آن جا که چون داشته‌هایشان بسنده نمی‌کرد ترجیح دادند به جای استفاده از اموال حرام، از مساحت بنای کعبه بکاهند تا همه بنا با حلال برپا شود.

قریش در جریان بازسازی کعبه، درگاه ورودی آن را به اندازه‌ای بلندتر از سطح زمین قرار داد که بدون استفاده از پله و نردبان، رفتن به درون آن دشوار باشد، تا از این رهگذر آسان‌تر بتوانند رفتن یا نرفتن مردمان به درون کعبه را در فرمان خویش داشته باشند و کسی جز با اجازه آنها به درون خانه نرود.

گویند هنگامی که ابراهیم می‌خواست پایه‌های خانه کعبه را بگذارد بادی به نام سکینه که دارای دو بال و سری همانند سر مار بود او را راهنمایی کرد و با خزیدن بر روی زمین جای پایه و پی کعبه را مشخص ساخت و ابراهیم و اسماعیل نیز با کلنگ پی‌های دیوار کعبه را کندند و بدین ترتیب پایه‌های کعبه را استوار ساختند.

ابراهیم علیه السلام دری را که برای کعبه قرار داد از میانه ضلع شرقی نگشود بلکه آن را نزدیک رکن قرار داد تا فاصله میان آن و رکن، محلی برای دعا و راز و نیاز باشد.

گویند: هنگامی که حَجّاج کعبه را به منجنیق بست با اصابت اولین سنگ به بنا، از آن ناله‌ای چون ناله بیمار برخاست. «(۱)»

۱- . التاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۷۲

ص:۵۷

فهرست برخی از حوادث تاریخی که بر کعبه گذشته است

دشمنان اسلام در طول تاریخ کوشیده‌اند از جایگاه و عظمت کعبه نزد مردمان بکاهند.

روایت‌های تاریخ حاکی است نخستین کسی که برای ویران کردن کعبه تلاش کرد تُبّع از شاهان حِمْیر بود. او آرزو داشت کاش می‌توانست کعبه را به یمن منتقل کند و بدین سان توجه عرب را از مکه به یمن معطوف سازد و از این رهگذر مایه‌های آبادانی و عمران این سرزمین را فراهم آورد. اما خداوند او را به دست دو تن از راهبان آن سرزمین به حق راه نمود و وی از سرکشی و گمراهی برگشت، کعبه را گرامی بداشت و آن را به دیبا پوشاند.

یکی از حقایق تاریخی که به دلالت قرآن و روایتِ تاریخ ثابت شده، داستان اصحاب فیل است. ابرهه حبشی کعبه‌ای در یمن ساخت و آن را «قلیس» نامید. او اموال فراوانی برای ساخت این کعبه هزینه کرد و تلاش کرد مردم را به جای مکه به یمن متوجه سازد. اما این تلاش با توفیق همراه نبود و از این روی درصدد برآمد کعبه را به سپاه فیل سوارِ خود ویران کند اما خداوند تلاش او را بی‌ثمر کرد و بر او و سپاهش لشکری از پرندگان ابابیل فرستاد تا مهاجمان را به سنگ‌های سجیل درهم کوبند و به سان علفی جویده شده خرد کنند. چنین نیز شد و آن مهاجمان نابود شدند.

در روزگار قریش یک بار کعبه در آتش سوخت. علت آن بود که زنی برای خوشبو کردن کعبه آتش و اسپند آورده بود و شراره‌ای از آتش به جامه کعبه رسید. در آن دوران جامه جدید کعبه بر روی جامه قدیم آویخته می‌شد و قدیم را برنمی‌داشتند. به همین سبب جامه‌هایی روی هم انباشته بود و همه در آتش سوخت.

در روزگار عمر بن خطاب سیلی سنگین مکه را در میان گرفت. این سیل که سیل «امّ نهشل» نامیده شده مقام ابراهیم را با خود به مناطق پایین مکه برد و جای مقام را نیز با زمین هموار کرد.

پس از پایان یافتن سیل، مقام را باز گرداندند و در سمت شرق کعبه به پرده‌های

ص:۵۸

خانه بستند و آن گاه در این باره به عمر نامه نوشتند، وی نگران به مکه آمد و پس از باز یافتن جای درست مقام و اطمینان یافتن نسبت به آن، مقام را در جای اصلی‌اش مستقر کرد و پایه‌های آن را استوار ساخت. و تا به امروز درست در همان جایی که عمر قرار داده بود واقع است.

حجرالأسود بارها از سوی کسانی چون جرهم، ایاد، عمالقه، خزاعه و سرانجام قرامطه از کعبه جدا شده و هر بار نیز خداوند آن را باز گردانده است، این خود یکی از نشانه‌های اعجاز حجرالأسود است. در آخرین بار، هنگامی که ابوطاهر سلیمان بن حسن قرمطی به سال ۳۱۷ ه. ق. بر مکه یورش آورد و حاجیان را هدف قتل و غارت قرار داد، حجرالأسود را نیز با خود به کوفه برد. سنگ نزد قرمطیان ماند تا هنگامی که المطیع للّه‌یا المقتدر عباسی- روایت در این باره مختلف است- آن را خرید و در سال ۳۳۹ ه. ق. به جای اصلی‌اش باز گردانده شد. قرمطیان که می‌خواستند کعبه را به هجر انتقال دهند در هنگام بردن حجرالأسود چهل شتر را در زیر آن بار گران هلاک کردند و شگفت آن که در زمان بازگشت حجرالأسود، شتر ضعیفی که آن را بر پشتش گذاشته بودند چون به مکه رسید چاق و چابک شد. «(۱)» روزگاری تولیت کعبه در اختیار جرهم بود. اما چون این طایفه نسبت به کعبه کوتاهی ورزیدند و سرکشی در پیش گرفتند، خداوند ایشان را کیفر داد و خزاعه را بر آنان چیره ساخت، خزاعه در برابر جرهم مدعی تولیت شد و سرانجام نیز آن را از ایشان ستاند.

هنگامی که، در پی شکاف برداشتن و فرو ریختن بخش‌هایی از کعبه، قریشیان آن را با زمین هموار کردند و آن گاه نوسازی‌اش را آغازیدند، چون بنا به اندازه‌ای بالا آمد که می‌بایست حجرالأسود را در جای خود قرار دهند بر سر آن که چنین افتخاری از آنِ چه کسی خواهد شد، با همدیگر اختلاف کردند. این اختلاف و نزاع به حدی بالا گرفت که آهنگ جنگ در سر پروراندند. بنی عبدالدار قدحی پر از خون آوردند و همراه با بنی‌عدی ابن کعب پیمان خون و ایستادگی تا مرگ بستند که به کسی دیگر اجازه نصب حجر

۱- التاریخ القویم، ج ۲، ص ۲۱۳

ص:۵۹

ندهنـد. آنان برای انعقاد این پیمان دست‌های خود را به زیر خونی که در آن قـدح بود بردنـد و از همین روی بعـدها «لعقهٔ الدم» نام گرفت.

در این میـان، ابوامیّهٔ بن مغیرهٔ بن عبـداللّه بن عمر بن مخزوم، که در آن زمـان پیرترین فرد قریش بود، پیش آمـد و گفت: ای طایفه قریش، بیاییـد و نخستین کسـی را که از در مسـجد- یعنی بـاب بنی شـیبه- به درون آیـد میـان خود داور کنیـد. آنها نیز پذیرفتنـد و نخستین کسـی که از باب بنی شیبه به درون آمد، پیامبر خداصـلی الله علیه و آله بود. بدین‌سان در این رخداد، که پنج سال پیش از بعثت به وقوع پیوست، پیامبرصلی الله علیه و آله را میان خود به داوری گرفتند و آن حضرت نیز نزاع را گشود، پیامبرصلی الله علیه و آله ردایی طلبیـد، سـنگ را بر روی آن نهاد و آن گاه فرمود از هر قبیله نماینـده‌ای پیش آید و گوشه‌ای از این ردا را بگیرد و آن را از زمین بلند کنند. آنها چنین کردند و چون سنگ را به برابر جایی که بنا بود نصب شود رساندند، با دست خویش آن را برداشت و در جایش نشاند و بدین ترتیب با تدبیری حکیمانه مانع از جنگی سخت میان قریش شد.

یکی از حوادث تـاریخی که بر کعبه گذشـته، آن است که چون قریش از رسول خداصـلی الله علیه و آله و بنی هـاشم به تنـگ آمد نـوعی محاصـره اقتصـادی را بر ضـد پیامبرصـلی الله علیـه و آله و این خانـدان مقرر کرد. قرشـیان سـندی دربـاره محاصـره اقتصـادی پیامبرصـلی الله علیه و آله و هر کس که او و خانـدانش را یاری دهـد نوشـتند و آن را در کعبه آویختنـد. آنصـحیفه سه سال آویخته ماند و بنی هاشم در شعب ابی طالب روزگاری سخت را پشت سر نهادند و به چشمان خویش شبح مرگ را دیدند.

اما از آن سوی خداونـد پنج تن از مردان قریش را که به آنصـحیفه و الزامهایش خرسـند نبودند برانگیخت تا در مسـجد الحرام و در حضـور مردمـان خواسـتار شکسـتن پیمـان محاصـره شونـد. چون ایـن خواسـته را آشـکارا مطرح کردنـد و میـان آنهـا و قریش نزاع درگرفت، ابوطالب که خود از نخستین محاصـره شدگان قریش بود چنین نظر داد کهصحیفه را بخوانند و آنچه را در آن نوشته شده است اجرا کنند. او یاد آور شد که قرشیان در خواندن آنچه در اینصحیفه نوشته شده گرفتار خطا شده بودند.

آن سند را بیرون آوردند و دیدند موریانه همه آن را از میان برده و تنها نام خدا را

ص:۶۰

باقی گذاشته است.

بدین سان، محاصره خاندان بنی هاشم شکسته شد.

کعبه یک بار در دوران عبداللّه بن زبیر، به سال ۶۴ ه. ق. از سوی حصین بن نمیر، فرمانده سپاه یزید بن معاویه، هدف منجنیق قرار گرفت و در نتیجه تخریب شد. دیگر بار نیز حَجّاج بن یوسف ثقفی در اواخر ذی حجه سال ۷۲ ه. ق. و در جریان محاصره عبداللّه ابن زبیر کعبه را هدف منجنیق قرار داد. «(۱)» هنگامی که عبداللّه بن زبیر به کعبه پناه برد و سپاهیان یزید او را محاصره کردند، کعبه یک بار در آتش سوخت. در آن روزگار کعبه از یک رج سنگ و یک رج چوب ساخته شده بود و از همین روی چون یکی از افراد ابن زبیر آتشی برافروخت و شراره‌هایی از آن به پوشش کعبه رسید، پوشش و چوب‌های به کار رفته در بنا، در آتش سوخت. افزون بر این، در همین زمان، کعبه از سوی سپاهیان یزید هدف منجنیق قرار گرفت و در نتیجه این دو رخداد، به اندازه‌ای تخریب شد که می‌بایست از نو بنا شود.

در طول تاریخ طولانی کعبه، سیل‌های ویرانگر و سختی به سوی آن سرازیر شده که شمار آن‌ها در تاریخ تا حدود نود مورد ثبت شده است؛ از جمله مهمترین آنهاست:

سیل‌های امّ نهشل، جحاف، مخبل، ابن حنظله، قنادیل و خدیوی.

این سیل‌ها غالباً یا به نام کسی که در جریان آن غرق شده، یا به نام بیماریی که در پی آن گسترش یافته، یا به نام زمان وقوع، یا به نام آثاری که در حرم بر جای گذاشته، یا به نام شخصیت مهمی که در آن سال حج گزارده و یا به اوصافی از قبیل تخریب کنندگی و ویرانگری نامیده شده و معمولًا در هر سی سال یک بار به وقوع پیوسته است. «(۲)» در اواخر سال ۱۳۵۱ ه. ق. مردی افغانی به حجرالأسود دست درازی کرد و قطعه‌ای از آن کند و پاره‌ای هم از پوشش کعبه را جدا کرد و به سرقت برد.

سارق به کیفر این کار اعدام شد و در روز ۲۸ ربیع الثانی همان سال ملک عبدالعزیز

۱- التاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۶۶

۲- منبع پیشین، ج ۲، ص ۲۰۰

ص:۶۱

در حضور شماری از عالمان و مجاوران کعبه، با دست خود آن قطعه را به جای قبلی‌اش بازگرداند. «(۱)» بخاری، مسلم و نسائی روایتی درباره نشانه‌های آخر الزمان از ابوهریره نقل کرده‌اند که در آن آمده است: «ذو السویقتین کعبه را خراب می‌کند.»

احمد و برخی از دیگرصاحبان مسانید وصحاح، حدیثی به همین مضمون از ابن عمر نقل کرده‌اند، با این تفاوت که در حدیث ابن عمر این افزوده نیز به چشم می‌خورد:

«... و زیورهای کعبه را از آن جدا می‌کند و آن را از پوشش برهنه می‌کند. گویا او را می‌بینم که زبون و چلاق است و بیل و کلنگ بر کعبه فرود می‌آورد.» «(۲)»

فهرست و تاریخچه آویخته‌های کعبه

مقصود از آویخته‌های کعبه چیزها یا لوح نوشته‌هایی است که بر دیوارهای کعبه و یا بر ستون‌های سه گانه درون خانه آویخته است. خلیفگان، امیران و ثروتمندان در زمان‌های مختلف هدیه‌هایی گوناگون به کعبه می‌فرستاده‌اند که در درون خانه آویخته می‌شد و در شمار دارایی‌های آن در می‌آمد. این هدیه‌ها شامل ظرف‌های طلاـ و نقره، جام‌های یاقوت نشان و مروارید نشان و همچنین جواهرها و سنگ‌های زینتی است که به اشکال گوناگونی چون هلال، جام، شمسه، زنجیر، چلچراغ و همانند آن درآمده است.

پیامبرصلی الله علیه و آله پس از فتح مکه اموال و آویخته‌هایی را که درون کعبه بود باقی گذارد و تنها پیکرها و تصویرها را از دیوار پایین کشید.

برخی از نوشته‌هایی که در داخل کعبه آویخته بوده و یا اکنون بر دیوار و ستون‌ها آویخته است عبارتند از:

- متن پیمان ستمگرانه تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی هاشم از سوی قریش که در

۱- التاریخ القویم، ج ۲، ص ۳۱۵

۲- منبع پیشین، ج ۳، ص ۲۴۴

ص:۶۲

فاصله سال‌های هفتم تا دهم بعثت در کعبه آویخته بود و سرانجام موریانه آن را از میان برد و از همه متن تنها نام خدا را باقی گذاشت

- معلّقات سبع یا ثمن یا عشر که مجموعه‌ای هفتگانه، هشتگانه و یا دهگانه از برجسته‌ترین شعرهای عرب بود که در دوران معاصر ظهور اسلام به نشان گرانسنگی و ارزش آنها و نیز به هدف محفوظ ماندن در داخل کعبه آویخته شده بود.

-صحیفه سبز سفاح.

- سند نوشته‌های بیعت با برخی کارگزاران و امیران.

- پیمان بیعت و ولایت‌عهدی که معتمد عباسی برای دو فرزندش نوشت.

- پیمان بیعت و ولایت‌عهدی امین و مأمون از سوی پدرشان هارون. این گونه پیمان نامه‌ها پس از پایان دوره تاریخی خود، از کعبه بیرون برده می‌شدند. «(۱)»- لوح‌های یادمان توسعه‌ها و ترمیم‌های کعبه و مسجد الحرام از سوی خلیفگان، امیران و پادشاهان. آخرین این لوح‌ها، یادمان توسعه حرم در دوران فهد است که تاریخ ۱۴۱۶ ه. ق. را برخود دارد.

زیورها و زینت‌های کعبه

مقصود از زیورها و زینت‌های کعبه، همه چیزهایی است که برای آراستن کعبه- از درون و برون- به کار گرفته شده است.

نخستین کسی که به تزیین کعبه پرداخت عبدالمطّلب جدّ پیامبرصلی الله علیه و آله بود. وی کعبه را به دو غزالی که در هنگام حفر زمزم یافته بود آراست و سلاحی را نیز که همراه با این دو غزال یافته بود برای تزیین بر در کعبه آویخت.

بعدها ولید بن عبدالملک، عبداللَّه بن زبیر، امین، متوکل، معتضد، مقتدر و شماری دیگر از خلیفگان و امیران، هر یک در روزگار فرمانروایی خود به شکلی کعبه را آراستند.

بخشی از تزیین کعبه شامل آراستن اجزا و عناصر آن؛ از قبیل ستون‌های داخلی،

۱- التاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۴۶

ص:۶۳

ناودان، در، قفل و هدیه‌های درون کعبه به طلا و نقره است.

برخی از ابزارهای زینتیِ داخل کعبه عبارتند: از دو غزال طلایی، سلاح‌های جواهر نشان و تزیین شده، جواهرها، هلال‌ها، شمسه‌ها، جام‌ها، قطعه‌هایی از یاقوت، مروارید و زبرجد، تاج نقره، قفل، حلقه الماس، زنجیرهای مروارید، چلچراغ‌ها و محراب‌ها، قلعه‌های چوبین، بلورین و مسین و شیشه و شمع تاج نشان.

در گذشته‌ها هدیه‌ها و ابزارهای زینتی درون کعبه در معرض آسیب‌های ناشی از عوامل طبیعی؛ چون سیل و یا عوامل تخریب انسانی همانند جنگ و تجاوز بوده است.

اما در روزگار حاضر وضعی متفاوت یافته و در مکان‌هایی محفوظ و ایمن از آسیبِ چنان عواملی نگهداری می‌شود.

متولّیان کعبه

متولیان کعبه عهده‌دار وظایفی چون خدمتگزاری آن و باز کردن و یا بستن در آن و نیز انجام مراقبت‌های لازم بوده‌اند. تولیت کعبه پیش از قریش در اختیار طایفه طسم که قبیله‌ای از قوم عاد بوده‌اند، قرار داشت و بعدها خزاعه و سپس قصی عهده‌دار آن شده‌اند و در پی او به فرزندش عبدالدار رسیده و او نیز آن را به فرزند خود عثمان سپرده است و به همین ترتیب تولیت کعبه در میان زادگان او از نسلی به نسل دیگر به ارث رسیده و سرانجام در اختیار عثمان بن طلحه و پس از وی پسر عمویش شیبه قرار گرفته و اکنون نیز در اختیار این خاندان است؛ چه این فرمان رسول خداست و آن حضرت هنگامی که پس از فتح مکه کلید کعبه را بدین خاندان سپرد، فرمود:

«ای زادگان طلحه، این [کلید] را بگیرید که جاودانه و همیشگی تا روز رستاخیز در اختیارتان بماند و هیچ کس جز ستمگری آن را از شما نستاند.»

خوشبو کردن کعبه

خوشبو کردن کعبه کاری دیرین است که به پیش از اسلام باز می‌گردد.

پیامبر خداصلی الله علیه و آله نیز این سنت را تقریر فرمود و در روزگار آن حضرت گاه کعبه را به طور

ص:۶۴

کامل به عطر خوشبو می کردند.

در روزگار معاویه خوشبو کردن کعبه، در هنگام هر نماز رسم شده بود.

در روزگار عبداللَّه بن زبیر کعبه را هر روز خوشبو می‌کردند و در روز جمعه بر عطر و بوی آن می‌افزودند. عبداللَّه، خود، با به پایان رساندن بنای کعبه دیوارهایش را از درون و برون عطر زد.

مهدی عباسی در روزگار فرمانروایی‌اش، کعبه را از درون و برون به آمیخته‌ای از مشک و عطر و عنبر خوشبو کرد و مردم پس از او این کار را پیوسته به انجام رساندند.

برخی از فقیهان بر این نظریه‌اند که خوشبو کردن کعبه گونه‌ای از همان تطهیر است که خداوند بدان فرمان داده، آن جا که فرموده است:

«و به ابراهیم و اسماعیل سپردیم که حرم خدا را برای طواف کنندگان و مقیمان و رکوع کنندگان سجده گزار پاک و پاکیزه بدارید.» «(۱)»

پوشش کعبه

نخستین کسی که پوششی ناقص بر کعبه پوشاند، اسماعیل علیه السلام بود. پس از او تُبَع حمیری پوششی کامل بر این خانه پوشاند.

پوشش کعبه در روزگار جاهلیت از مواد گوناگونی چون پارچه‌های بافته از موی شتر، پوست، پارچه‌های یمانی، چادر شب، حریر، کتان‌های قرمز رنگ یمنی، پارچه‌های قبطی مصری، پارچه‌های نرم عراقی، دیبای سیاه، سرخ، سفید، زرد و سبز و همچنین پارچه‌های راه راه تهیّه می‌شد.

در روزگار جاهلیت پوشش‌های جدید کعبه را روی پوشش‌های قدیم قرار می‌دادند.

پیامبر گرامیصلی الله علیه و آله کعبه را با پارچه‌های یمانی پوشاند و پس از آن حضرت، ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه و عبداللَّه بن زبیر همین کار را انجام دادند و از آن پس درگذر تاریخ، بسیاری از کسان برای کعبه پوشش ساختند و سرانجام در روزگار ما به وضع

۱- بقره: ۱۲۵

ص:۶۵

امروزین در آمد.

در روزگار قبل از اسلام تجدید پوشش کعبه به روز معینی از سال محدود نبود و ممکن بود در هر وقت از سال انجام گیرد اما پس از دوران اسلام، این کار معمولًا در روز عاشوار انجام می‌گرفت. بعدها در برخی دوره‌ها گاه در سال دو و یا سه نوبت و یا افزون بر آن، پوشش کعبه تجدید می‌شد. روزهایی که این کار در آنها انجام می‌گرفت معمولًا عبارت بودند از روز عاشوار، اول ماه رجب، بیست و هفتم ماه رمضان، روز ترویه (هشتم ذی الحجه) و روز عید قربان.

اما از سده ششم هجری به بعد، رسم بر این شد که تنها یک روز در سال پوشش کعبه تجدید شود. «(۱)» احرام کعبه لایه زیرین و سفید رنگ پوشش کعبه را گویند که از پایین دیوار کعبه آغاز می‌شود و تا برابر بالای حجرالأسود و اندکی بالاتر از آن، امتداد دارد. تاریخ این کار به دوران مأمون عباسی باز می‌گردد.

هنگامی که بخش پایین دیوار کعبه سفید پوش می‌شود می‌گویند کعبه احرام بسته است. احرام کعبه همه ساله در روز هفتم ذی‌الحجه و پس از شستن پارچه‌های احرام به آب زمزم و خوشبو کردن آن انجام می‌گیرد و تا هنگامی که حاجیان از عرفه باز گردند این احرام وجود دارد و پس از آن پرده‌های کعبه فرو افکنده می‌شود. «۲(۲)» حجر اسماعیل، بر خلاف کعبه، از گذشته‌های تاریخ بی‌پوشش بوده و اکنون نیز چنین است. تنها در سال ۸۵۳ ه. ق. یکی از ملوک چراکسه پوششی برای آن تقدیم کرد و دیوار حجر اسماعیل از سمت درون و برون بدین جامه درآمد. «(۳)»

آگاهی‌هایی پراکنده درباره کعبه

اگر نگوییم همه پیامبران، بیشتر پیامبران الهی حج خانه خدا را به جای آورده‌اند.

۱- التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۵۷

۲- منبع پیشین، ج ۴، ص ۲۵۷

۳- منبع پیشین، ج ۳، ص ۱۱۴

ص:۶۶

در دوران پیش از ابراهیم خلیل هر چند کعبه وجود نداشت اما جایگاه آن مشخص بود و آنجا تپه‌ای بلند وجود داشت که وقتی سیل می‌آمد و به این تپه می‌رسید از سمت چپ و راست آن روان می‌شد. پیامبران الهی پیش از ابراهیم برای حج گزاردن آهنگ آن‌جا می کردند.

مکه و از جمله خانه کعبه و مسجد الحرام از نخستین روز که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید، حرم قرار داده شد و تا آن روز که آسمان و زمین برپا باشد و زمین به بندگانصالح خدا رسد حرم خواهد بود.

به هنگام طواف خانه کعبه ذکر فرشتگان «سُبْحَانَ اللَّهِ والْحَمْدُ للَّهِ وَ لااله الَّا اللّهُ» بود و آدم بر این ذکر عبارت «وَ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ الّا بِاللَّه» را افزود. ابراهیم عبارت «الْعَلیِّ العَظیم» بدان علاوه کرد و برای ما مسلمانان ذکر «اللَّه اکْبر» نیز بر آن افزوده شد و بدین‌سان ذکر مسلمانان به هنگام طواف چنین است: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ وَ لااله الَّا اللّهُ وَاللَّهُ اکْبَرْ وَ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ الّا بِاللَّهِ الْعَلیِّ العَظیم». «(۱)» ابراهیم و اسماعیل به هنگام بنای کعبه این دعا را بر زبان داشتند که: رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ. «(۲)» در کعبه، از آن هنگام که بر این خانه دری نصب کرده‌اند، هیچ‌گاه، چه در دوره جاهلیت و چه در دوران اسلام، شبانه باز نشده است. «(۳)» شریف‌ترین سایه در روی زمین سایه کعبه است.

در خبرصحیح آمده است که زمین از مرکز کعبه به پیرامون گسترش یافته و از این روی کعبه مرکز زمین به شمار می‌آید.

کعبه در موازات بیت المعمور که در آسمان است و هر روز هفتاد هزار فرشته بر گرد آن عمره می‌گزارند، قرارگرفته و بدین‌سان کعبه زمین، کعبه و مطافِ جن و انسان، و

۱- خداوند منزه است، خدای را سپاس، هیچ خدایی جز اللَّه نیست، و هیچ توان و نیرویی نیست مگر به خداوند بلند مرتبه بزرگ.

۲- بقره: ۱۲۷، پروردگارا! از ما بپذیر که شنوای دانا تویی.

۳- . التاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۰۹

ص:۶۷

بیت المعمور کعبه و مطاف فرشتگان است. بنابر روایات، بیت المعمور در زیر عرش قرار دارد و از این روی هر کس برگرد کعبه طواف کند در زیر عرش جای می‌گیرد. «(۱)» کعبه در کلام خداوند «مبارک» خوانده شده و این وصف بدان معناست که برای هر کس که بر گرد آن طواف کند یا در جوار آن معتکف شود و یا به زیارت آن رود، پاداشی فزاینده است.

در کعبه و پیرامون آن آیاتی الهی به چشم می‌خورد که مفاهیم دینی ویژه‌ای دارند.

از آن جمله است بر جای ماندن جای پای ابراهیم بر روی سنگ، تا نمادی از آن باشد که خداوند همه پدیدارهای هستی را در برابر بندگان مخلص خود تسلیم و فرمانبر می‌سازد، هرچند آن قطعه سنگی سخت باشد. همچنین است باقی ماندن مقام ابراهیم که در گذر سده‌ها و سال‌ها از گزند حوادث در امان مانده است. حجرالأسود هم آیتی دیگر است که به رغم همه دست‌اندازی‌ها و تجاوزهایی که به آن شده، همچنان در جای خویش مانده است. سرانجام، ماندگاری کعبه در گذر روزگاران، هیبت و عظمتی که این خانه دارد و احساس ویژه‌ای که در دل زائران می‌افکند و همچنین کیفر یافتنِ دنیوی و سریعِ همه کسانی که نسبت به کعبه قصد سوئی داشته باشند؛ آیات الهی دیگری هستند که تأمل در آنها ایمان را دو چندان کند.

کعبه را «کعبه» نامیده‌اند چون چهار گوش است، یا چون در مقایسه با خانه‌های پیرامونش برجسته و از آنها جداست. آن را «بیت الحرام» نامیده‌اند؛ چرا که حرام است و قطعه سرزمینی هم که آن را در برگرفته حرم است و شکار حیوانات در این سرزمین و یا کندن درخت و گیاه این سرزمین روا نیست. آن را «بیت العتیق» گفته‌اند، از آن روی که خانه‌ای کهن و والا و گرانقدر است و نیز از آن روی که هر کس آن را با اخلاص زیارت کند از آتش دوزخ و کیفر الهی رهیده (عتیق) است.

کعبه در هر سال دو بار، یکی پس از نیمه شعبان و دیگری در هفتم ماه ذی‌الحجه شست و شو می‌شود. «(۲)»

۱- التاریخ القویم، ج ۳، ص ۱۱

۲- منبع پیشین، ج ۵، ص ۴۵

ص:۶۸

در روز فتح مکه، هنگامی که رسول خداصلی الله علیه و آله به مکه درآمد ۳۶۰ بت در کعبه و پیرامون آن نصب شده بود. رسول خداصلی الله علیه و آله عصایی در دست داشت در حالی که آیه جَاءَالْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً «(۱)» را بر زبان داشت بـا عصـای خود به آن بتـان اشاره می کرد و بت‌ها فرو می‌افتاد. «(۲)» در روزگار نوح پیامبر علیه السلام بنای کعبه پابر جا و آشکار بود. اما بعـد از طوفان، آثار آن از میان رفت. «(۳)» برخی عالمان گوینـد: نگاه کردن به کعبه عبادت است. البته بی گمان مقصود از این نگاه، نگریستنی است همراه با تفکر و تدبر و در پی یافتن آیات الهی.

در تاریخ آورده‌اند که سنگ‌های به کار رفته در پایه‌های خانه کعبه به شترهای آبستن می‌مانسته است که روی هم افتاده باشند.

پیامبر گرامیصلی الله علیه و آله در روز فتح مکه سوار بر شتر خود، هفت بار برگرد کعبه طواف کرد و با عصای خود حجرالأسود را استلام فرمود. سپس بر آستانه کعبه از شتر به زیر آمد و عثمان بن طلحه را خواست. عثمان حضور یافت و کلید کعبه را آورد و در را گشود.

پیامبرصلی الله علیه و آله در حالی که اسامهٔ بن زیـد، بلال و عثمان بن طلحه او را همراهی می کردند، به درون کعبه رفت، در را از داخل بست و آن جا نماز گزارد. مدتی در کعبه ماند و سپس بیرون آمد.

پیامبرصلی الله علیه و آله برای دومین بار در فردای آن روز به درون کعبه رفت.

روایت شـده است کـه رسـول خداصـلی الله علیـه و آلـه در عمرهٔ القضـا و نیز در حجهٔ الـوداع وارد کعبـه شـد. «(۴)» امـاکنی که رسول اللّهصلی الله علیه و آله در داخل کعبه و پیرامونش در آنها نماز گزارده؛ عبارتند از:

۱- . اسراء: ۸۱، حق آمد و باطل نابود شد؛ زیرا که باطل نابود شونده است.

۲- التاريخ القويم، ج ۲، ص ۲۴

۳- . منبع پیشین، ج ۳، ص ۱۲

۴- منبع پیشین، ج ۱، ص ۲۸۰

ص:۶۹

درون کعبه در مقابل در و به سمت دیوار غربی در فاصله سه ذراع از آن، پشت مقام ابراهیم، مقام حجرالأسود، نزدیک به رکن شامی، مقابلِ در کعبه، در مقابل رکن شمال غربی نزدیک حجر، میان دو رکنی که مقابل حجر اسماعیل است و میان رکن یمانی و حجر الأسود.

دو طایفه جرهم و عمالقه همزمان با یکدیگر در مکه می‌زیستند و پیوسته بر سر فرمانروایی این شهر و همچنین تولیت کعبه، میان آن دو جنگ و درگیری بود.

در روزگار قریش، بنای کعبه با سرمایه‌ای که از طریق همکاری مردم و از مال حلال به دست آمده بود انجام گرفت و این بدان معنا است که اندیشه گردآوری کمک و تعاون، دیرینه‌ای بسیار دارد.

هنگامی که قریشیان کعبه را از نو بنا می‌کردند، زنان و مردان در این کار همکاری داشتند؛ مردان سنگ‌ها را حمل می‌کردند و زنان گل و گچ می‌آوردند.

ص:۷۰

فصل سوم: شرحی از بنا و بازسازی کعبه در گذر تاریخ

کعبه، نخستین بنا

این نه روایتی تـاریخی است که مـا بـدان پرداخته باشـیم، بلکه آیه‌ای از آیـات کتـاب الهی است که بـاور داشـتنش از ایمان است و تردید ورزیدن در آن نشانی از کفر؛ این سخن از قول کسی است که در حق خود فرموده است: «چه کسی از خدا راستگوتر است»؛ «(۱)» هم اوست که فرمـوده: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبَارَكـاً وَهُـدىً لِلْعَـالَمِينَ. «(۲)» نگارنـده از آن روی در آغـاز این فصـل چنین حقیقتی را یـادآوری می‌کنـد که خواننـدگان را به نـادرستی گفته کسـانی توجه دهـد که به گـاه رویـارویی بـا تعارض آغـازینی که میـان آیه پیش‌گفته و روایت‌های تاریـخ می‌یابنـد، به تأویل قرآن دست می‌یازنـد. برخی از روایت‌های تاریخی موجود نزد یهودیان ومسـیحیان ازاین خبر می‌دهـدکه بیت‌المقـدس نخستین خانه‌ای است که برای بنـدگی خدا و انجام مراسم دینی بنا شده است. در این میـان برخی بـا این پنـدار که گویا آیه قرآن و روایت تاریخیِ رسـیده در آثار دیگران، دو متن هم‌عرض و هم‌رتبه‌انـد، کوشـیده‌اند میـان آیه قرآن و آنچه در تاریـخ نقـل شـده است، سازگـاری به وجود آورنـد؛ آنان گفته‌انـد: نخستین خانه‌ای که برای عبادت و بندگی خدا بنا

۱- . اشاره به آیه ۱۲۲ سوره نساء.

۲- . آل عمران: ۹۶، بی‌گمـان نخستین خـانه‌ای که برای آدمیـان بنـا شـده، همـان است که در بکّه است، مبـارك است و راهنمای آفریدگان.

ص:۷۱

شده، بیت‌المقدس است، اما نخستین خانه‌ای که در زمین بنا شده کعبه است.

نگارنده می‌گوید: برای آیه‌ای که گذشت دو تفسیر ممکن است:

یکی آن که مقصود از «اوَّلَ بَيْتٍ» به طور مطلق نخستین خانه‌ای باشد که خداوند در زمین آدمیان فراهم ساخته است. بنابراین تفسیر، کعبه بنا شده آدم در آغازین زمان فرود آمدن وی به زمین است.

تفسیر دیگر آن که مقصود از «أوَّلَ بَيْتٍ» نخستین خانه‌ای باشدکه در زمین برای عبادت و بندگی خدا ساخته شده است. طبق این تفسیر، بنای کعبه پس از نزول آدم و پس از پیدایش ساختمان‌های مسکونی و همچنین اماکن پرستش، به عنوان نخستین بنا ساخته شده است.

در این میان، سخن دیگر نیز مطرح شده و آن این که ابراهیم نخستین کسی بود که کعبه را ساخت و دیوارهای آن را تا حدی که عرفاً یک بنا خوانده شود بالا آورد.صاحبان این سخن بدین آیه استناد می‌کنند که فرموده است: وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنْ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيل. «(۱)» اما برای این آیه دو تفسیر امکان‌پذیر است:

تفسیر نخست آن که گفته شود ابراهیم بنا گذارنده کعبه و نخستین کسی است که دیوارهای آن را تا حد یک بنای عرفی بالا آورد. چنین تفسیری به روشنی با آیه پیشین یعنی آیه إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ «(۲)» تعارض دارد؛ چرا که پیش از ابراهیم نیز خانه‌هایی مسکونی و یا مکان‌هایی برای عبادت و بندگی و نیز پیامبران و رسولانی وجود داشته است و از این روی نمی‌توان گفت بنای ابراهیم نخستین بنا است، در حالی که این آیه، کعبه را نخستین بنا می‌داند. البته بدین دلیل چنین پاسخ داده‌اند که هر چند پیش از کعبه ابراهیم خانه‌ها و بناهایی وجود داشته، اما آن خانه‌ها و بناها یا از آنِ اشخاصی بوده و یا به قبایل و طوایف معینی تعلّق داشته است. اما کعبه نخستین خانه عبادت است که به هیچ

۱- بقره: ۱۲۶، و آنگاه که ابراهیم پایه‌های آن خانه را با اسماعیل بالا می‌برد ...

۲- آل عمران: ۹۶

ص:۷۲

طایفه و ملتی اختصاص ندارد و از آنِ همه مردم است؛ همان مردمی که خداوند ابراهیم را فرمان داد تا همه آنان را به حج فرا بخواند، آن جا که فرمود: وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَعَلَی کُلِّ ضَامِرٍ .... «(۱)»

تفسیر دوم آن است که گفته شود: خانه کعبه پیش از ابراهیم بنا شده و در روزگارانی پیش از او وجود داشته، اما بعدها دیوارهای کعبه و آنچه بیرون از خاک بوده از میان رفته و پی و پایه‌های خانه بر جای مانده است و بعدها ابراهیم همراه با فرزندش اسماعیل دیوارهای خانه را بر همان پی و پایه که از پیش وجود داشته بالا آورده و آن را به‌سان گذشته‌اش بازسازی کرده‌اند.

کسانی که کعبه را ساخته یا بازسازی کرده‌اند

در کتاب‌های تاریخ آمده است که خانه خدا یازده بار بازسازی شده است. منابع تاریخی نام کسانی را که بدین بازسازی همت گماشته‌اند، آورده و البته در این میان ثبوت برخی روایت‌ها یقینی و برخی دیگر ظنّی است.

مجموع کسانی که، به روایت اسناد تاریخی، کعبه را ساخته یا بازسازی کرده‌اند، عبارتند از:

۱- فرشتگان الهی؛ به فرمان خداوند.

۲- آدم علیه السلام؛ گفته‌اند که بنای آدم و فرشتگان مجموعاً یک بناست که در جریان آن، آدم کارِ ساختن و بالا آوردنِ خانه را بر عهده داشته و فرشتگان در این کار به او کمک می‌رسانده‌اند.

۳- شیث؛ فرزند آدم.

۴- ابراهیم همراه با فرزند خود اسماعیل.

۵- عمالقه.

۶- جرهم.

۷- قصی، نیای چهارم رسول خدا.

۱- حج: ۲۷، و در میان آدمیان بانگ حج در ده تا پیاده و سوار بر هر شتر لاغری ... سوی تو آیند.

ص:۷۳

۸- قریش؛ بنـای کعبه از سوی این خانـدان در سـال پنجم بعثت انجـام پـذیرفت و پیامبر خداصـلی الله علیه و آله نیز باآنان مشارکت کرد وهمراه عموی خود عباس سنگ‌هارا به محل بنا می‌آورد.

در همین بازسـازی بود که آن حضـرت نزاعی را که بر سـر قرار دادن حجرالأـسود در محل آن در گرفت و احتمال داشت به جنگی سخت منجر شود، به سر پنجه تدبیر گشود.

۹- عبـداللَّه بن زبیر؛ در سال ۶۵ ه. ق. پس از آن که حصـین بن نمیر فرمانـده سپاهیان یزید کعبه را به محاصـره درآورد و به هدف سرکوب عبداللَّه‌بن‌زبیر آن را به منجنیق بست، دیوارهای این بنا سست شد. تقریباً همزمان با آن، آتش سوزی نیز در کعبه رخ داد. بنابراین، ضروری بود که کعبه تخریب و از نو ساخته شود.

بدین ترتیب پس از پایان محاصره و بازگشت سپاه حصین بن نمیر، بازسازی کعبه آغاز شد.

۱۰- حَجّاج بن یوسف ثقفی؛ وی در سـال ۷۴ ه. ق. آنچـه راکه ابن زبیر به بنـای کعبه افزوده بـود، تخریب کرد و کعبه را به وضـع دوران قریش باز گرداند. از همین روی نمی‌توان کار حجاج را بنای کعبه یا باز سازی و نوسازی فراگیر دانست.

۱۱- سـلطان مراد خان عثمانی؛ در عصر و شب پنج‌شنبه بیستم شعبان سال ۱۳۰۹ ه. ق. سـیلی سنگین کعبه را درمیان گرفت و در پی آن بخش‌های عمده‌ای از کعبه فرو ریخت.

به دنبال این خرابی و در سال ۱۰۴۰ ه. ق. سلطان مراد خان عثمانی به نوسازی و تجدید بنای کعبه پرداخت.

این فهرستی است از کسانی که در طول تاریخ، به بنا یا تجدید بنای کعبه همّت گماشـته‌اند. البته همان‌گونه که گذشت روایت‌هایی تاریخی که از این کسان نام می‌برد، برخی قطعی و برخی دیگر تنها در حد گمان است. اما در این میان آنچه مسـلم‌تر و پذیرفته‌تر به نظر می‌رسـد، روایت‌های حاکی از بنای ابراهیم و اسـماعیل، بنای قریش، بنای عبـداللَّه بن زبیر، بنای حَجّاج و بنای سـلطان مراد خان عثمانی است و پس از همه این تلاش‌ها، آخرین تلاشی که در نوسازی کعبه و بناهای پیرامونی‌اشصورت پذیرفته طرح توسعه فراگیر دوره اخیر است.

ص:۷۴

اینک بناهای پیش‌گفته را یک به یک به بررسی می‌گذاریم:

بناهای ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

خداوند در آیاتی از قرآن کریم داستان بنای کعبه از سوی ابراهیم و اسماعیل را چنین آورده است:

«آن هنگام‌که ابراهیم پایه‌های آن خانه را بااسماعیل بالا می‌برد گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر؛ زیراکه شنوای دانا تویی. پروردگارا! ماراتسلیم شده خود قرارده واز فرزندان ما نیز امتی تسلیم شده خویش، و آداب حج‌مان را به ما بنمایان و بر ما توبه کن که توبه کننده مهربان تویی. پروردگار ما! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان تلاوت کند و به ایشان کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه‌شان کند؛ زیرا که مقتدر حکیم تویی.» «(۱)» خداوند پس از آن که جای خانه کعبه را برای ابراهیم معین ساخت. فرمود که خانه را بنا کند. ابراهیم نیز با علاقه و عشق فرمان الهی را به اجرا درآورد و در این کار، فرزندش اسماعیل او را یاری رساند.

بنایی که ابراهیم برپا کرد، به لحاظ فنی دارای مشخصه‌های زیر بود:

* نوع مصالح به کار رفته در بنا- سنگ.

* ارتفاع بنا از سطح- ۹ گز.

* طول ضلع شمالی- جنوبی، در سمت شرق؛ همان ضلعی که اکنون درِ کعبه در آن قرار گرفته است، از رکن یمانی تا رکن شمالی- ۳۲ گز.

* طول ضلع شمالی- جنوبیِ دیگر در سمت غرب- ۳۱ گز.

* طول ضلع شرقی- غربی، در سمت جنوب، یعنی از رکن حجرالأسود تا رکن یمانی- ۲۰ گز.

* طول ضلع شرقی- غربیِ دیگر در سمت شمال؛ یعنی سمت حجر اسماعیل- ۲۲ گز.

۱- بقره: ۱۲۷- ۱۲۹

ص:۷۵

بنایی که ابراهیم ساخته بود دارای دو درگاه همکف بود که یکی از سمت شرق؛ یعنی از کنار حجرالأسود و دیگری از سمت غرب؛ یعنی از مجاورت رکن یمانی به بیرون گشوده می‌شد.

ابراهیم همچنین در داخل کعبه، در سمت راست کسی که به کعبه در آید، گودالی به عمق سه گز کنده بود تا محل نگهداری هدیه‌های کعبه و نیز اموال آن باشد.

کعبه روزگار ابراهیم سقف و دری که باز و بسته شود نداشت.

در کعبه‌ای که ابراهیم ساخت سنگ‌ها بهصورت خشکه چین بود. ابراهیم علیه السلام هر روز یک رج از سنگ‌ها را می‌چید.

کعبه ابراهیم تنها در ضلع جنوبی، دو گوشه تشکیل شده از دیوارهای مستقیم داشت و بدین ترتیب این کعبه تنها دارای دو رکن یمانی و رکن حجرالأسود بود. اما ضلع شمالیِ کعبه شکلی منحنی داشت و به موازات همین دیوار منحنی کعبه، در فاصله‌ای اندک، آغلی با دیوارهای کوتاه بود که اسماعیل گوسفندان خود را درآن‌جا نگه می‌داشت.

تصویر زیرترسیمی است ازکعبه ابراهیم که نگارنده آن‌را ازتاریخ‌القویم آورده‌است:

تصویرص ۹۱؟؟؟

ص:۷۶

بنای قریش

«(۱)»

پیش از آن که قریش دست به کارِ تجدید بنای کعبه شود این خانه از ردیف‌های سنگی که خشکه چین شده بودند تشکیل می‌شد. درِ آن همکفِ زمین بود و سقفی نداشت. پرده‌ها و پوشش کعبه از سمت بیرونی به دیوار آویخته و بندهای آنها از سمت درونی در بالای دیوار بسته می‌شد. در درون کعبه بر سمت راست کسی که به کعبه درآید، گودالی وجود داشت که خزانه و محل نگهداری هدایا و اموال کعبه بود و شاخ‌های قوچی که ابراهیم پس از بنای کعبه ذبح کرده بود، از سمت داخلی بر دیوار کعبه آویخته بود.

در این میان زنی از قریش برای خوشبو کردن فضای پیرامونی کعبه اسپند دود کرد و شراره‌هایی از آتشِ او به پرده‌های کعبه رسید و در نتیجه پوشش کعبه سوخت و دیوارهایش شکاف برداشت و در برخی قسمت‌ها فرو ریخت. بعدها سیل‌های تندی هم که به درون دره سرازیر می‌شد، بر خرابی خانه افزود و بدین‌سان قریش در این اندیشه شد که باقیمانده بنا را تخریب و آن را از نو بنا کند.

در همین زمان به مکه خبر رسیده بود که یک کشتی رومی در شعیبه، بندر مجاور مکه، درهم شکسته است. از این روی ولید بن مغیره با تنی چند از قریشیان روانه شدند و چوب‌های کشتی را خریدند و افزون بر این، با یکی از سرنشینان کشتی که «باقوم» نام داشت و حرفه‌اش نجاری بود توافق کردند که به مکه برود و آنان را برای ساختن کعبه به شکل بناهای شامیِ آن روزگار راهنمایی کند.

قریشیان برای حفظ حرمت کعبه تصمیم گرفتند اجازه ندهند مال حرامی؛ اعم از ربا، یا درآمد قمار یا بدکارگی و یا مالی فراهم آمده از دزدی و ستم، در بنای کعبه به کار گرفته شود؛ چرا که خداوند پاک است و بر درگاه او جز پاکی نشاید.

قریشیان به هنگام تخریب و بازسازی، برای جلوگیری از اختلاف بر این توافق

۱- در قصّة التوسعه ص ۷۹ از بنای قصّی نیز یاد شده و درباره آن آمده است: بنای قصی چهارمین نیای پیامبر صلی الله علیه و آله، هفتمین بنای کعبه است. قصی سقف کعبه را به چوب مرغوب دَوْم درختی بزرگ از تیره خرما و همچنین شاخه‌های خرما پوشاند و هر یک از ضلع‌های کعبه را نیز ۲۵ ذراع قرار داد.« مترجم»

ص:۷۷

کردنـد که بنا را به چهار بخش و سپس هر کـدام از این قسـمت‌ها را به چهار بخش کوچک‌تر قسـمت کنند و هر یک یا چند قبیله عهده‌دار بخشی معین شود. «(۱)» در کار ساختن کعبه زنان با مردان همکاری داشـتند و وظیفه حمل سنگ‌ها با مردان و کار آوردن گل و گچ (ملاط ساروج) با زنان بود.

قرشیان پس از بازسازی کعبه، همه آنچه را در داخل کعبه نگهـداری می‌شـد و یـا بر دیوارهـای آن آویخته بود گرد آوردنـد و به ابوطلحه عبـداللَّه بن عبـدالعزی بن عثمان بن عبدالدار بن قصـی سپردند. همچنین هبل را از خانه بیرون بردند و در محل مقام ابراهیم نصب کردند.

به هنگـام نوسازی کعبه از سوی قریش رسول خداصلی الله علیه و آله سـی و پنـج سـاله بود و در جـا به جـا کردن سـنگ‌ها با آنان همکاری می‌کرد.

قریش دیوارهـای خـانه را کاملًا تخریب کرد و آن را با زمین هموار ساخت. اما چو خواسـتند با دیلم و کلنگ پی و پایه‌های کعبه را که در زمین بود بکننـد کوه‌های مکه به لرزه درآمـد و از همین روی از کندنصـرف نظر کردنـد و خانه را بر همان پی و پایه پیشـین ساختند.

بنا آغاز شد و کار ادامه یافت تا هنگامی که نوبت نصب حجرالأسود رسـید. اما در این مرحله بر سـر این که چه کسـی سـنگ را در جـای خود قرار دهـد با همـدیگر اختلاف کردنـد و چنـد روز این اختلاف و خصومت ادامه داشت و نزدیک بود جنگی خانمانسوز درگیرد. سـرانجام ابوامیه حذیفـهٔ بن مغیره مخزومی پیشـنهاد کرد نخسـتین کسـی را که از بـاب بنی شـیبه وارد شود میـان خود داور گیرنـد. همه با این پیشـنهاد موافقت کردنـد. چندی نگذشت که امین مکه و امین اسـلام محمد بن عبداللَّه از باب بنی شـیبه به درون آمد.

۱- در قصّهٔ التوسعه ص ۸۰ در این باره چنین آمده است: ضـلعی که درِ کعبه از آن گشوده می‌شود، سـهم عبد مناف و زهره، ضـلع میان رکن حجرالأسود و رکن یمانی از آنِ بنی مخزوم و تیره‌های قریشی پیوسته بدین خاندان، ضلعِ مقابل ضلعی که درِ کعبه در آن واقع اسـت، از آنِ بنی جمـح و همچنیـن سـهم دو تـن از پسـران عمروبن هصـیص بن کعب بن لـؤی و سـرانجام ضـلع مجـاور حجر اسماعیل، از آنِ بنی عبدالدار بن قصی، بنی اسد بن عبدالعزی بن قصی و نیز بنی عدی بن کعب بن لؤی بود.« مترجم»

ص:۷۸

قرشیان او را به داوری پسندیدند و آن حضرت نیز گره این نزاع را گشود؛ او ردایی طلبید سنگ را در میان آن قرار داد. آنگاه از هر قبیله نماینده‌ای خواست تا همه با هم کناره‌های ردا را بگیرند و تا برابری آن جایگاه که باید قرار گیرد، بالا آورند. آنها نیز چنین کردند و پیامبرصلی الله علیه و آله سنگ را برگرفت و در جای خویش نشاند.

قرشیان پس از گذر از این مرحله، کار بازسازی کعبه را پی گرفتند. چون دیوار را به اندازه چهار ذراع و یک وجب بالا بردند، داخل کعبه را تا همین ارتفاع با خاک پر کردند و در همین سطح دری به بیرون گشودند. سپس کار بالا بردن دیوارها را با چیدن یک رج سنگ و یک رج چوب ادامه دادند و ارتفاع دیوار را، بر خلاف بنای پیشین که تنها نُه ذراع بود، به بیش از هجده ذراع رساندند و سقف آن را نیز پوشاندند.

قرشیان در داخل کعبه دو ردیف ستون قرار دادند. در هر یک از این ردیف‌ها سه ستون و سمت ردیف‌ها از ضلع شامی، مجاور حجر، به طرف ضلع یمانی بود.

در بنای قریش جمعاً پانزده رج چوب و شانزده رج سنگ به کار رفته بود و ناودان نیز به سمت حجر اسماعیل قرار می‌گرفت. همچنین در داخل این بنا پلکان چوبی در رکن شامی و در مجاورت دیواری که در کعبه آن جا واقع است قرار داده بودند که به بام خانه راه می‌گشود. آنان سقف خانه و دیوارهای آن را از درون و نیز ستون‌ها را تزیین کرده بودند. بر ستون‌ها تصویرهایی از پیامبران الهی بود؛ تصویر ابراهیم بهصورت پیر مردی بود که تیرهای قرعه در دست داشت و با آنها قرعه می‌زد و در تصویر مریم، وی نشسته بود و عیسی را بر دامن داشت. افزون بر این، تصویرهایی از فرشتگان و درختان نیز در داخل کعبه قرار داده بودند.

قرشیان همچنین، ضمن حفظ درگاه قدیم کعبه در بنای نو، بر این درگاه دری نصب کردند.

چون بنا را به پایان بردند اموال و هدایای کعبه را که به ابوطلحه سپرده بودند، دیگر بار به درون گودالی که در گوشه نزدیک به ضلع شامی در داخل کعبه کنده شده بود باز گرداندند و زیورهای کعبه و شاخ‌های قوچی را که ابراهیم ذبح کرده بود از دیوار و ستون‌های کعبه آویختند و هبل را چنان که پیشتر بود بر کناره گودال هدایا نصب کردند

ص:۷۹

و در پایان، پارچه‌های راه راه یمانی بر کعبه پوشاندند.

تصویر زیر ترسیمی است از کعبه قریش که از «التاریخ القویم» آوردیم:

تصویرص ۹۱؟؟؟

بنای عبداللّٰه بن زبیر

پس از شورش عبداللّٰه بن زبیر، یزید بن معاویه سپاهی به فرماندهی حصین بن نمیر برای سرکوب عبداللّٰه روانه مکه ساخت. حصین بن نمیر بر مکه چیره شد و تنها مسجدالحرام بیرون از سلطه او ماند. ابن زبیر و یارانش به مسجد پناه بردند و در اطراف کعبه خانه‌هایی از چوب و نی ساختند تا از سنگ‌هایی که با منجنیق به سویشان افکنده می‌شد و همچنین از تابش آفتاب در امان باشند.

ص:۸۰

حصین بن نمیر منجنیق‌هایی بر کوه ابوقبیس و قعیقعان نصب کرده بود که به وسیله آنها کعبه را هدف قرار می‌دادند. بارش سنگ‌ها پوشش کعبه را درید و سنگ‌های آن را از جا کند. در همین زمان، شراره‌هایی از آتشی که یکی از یاران عبداللّٰه بن زبیر آماده کرده بود به پرده کعبه رسید و از آن جا که در آن روزگار دیوارهای کعبه ردیفی از سنگ و ردیفی از چوب و سقف آن نیز فراهم آمده از چوب بود آتشی سخت را در پی آورد. این رخداد در شب شنبه سوم ماه ربیع الأول سال ۶۴ ه. ق. به وقوع پیوست و به سبب آن سنگ‌های کعبه بخشی فرو ریخت و بخشی آن اندازه شل شد که اگر پرنده‌ای بر آن می‌نشست فرو می‌ریخت.

زمانی نگذشت که خبر مرگ یزید به مکه رسید و حصین بن نمیر دست از محاصره عبداللّٰه زبیر برداشت و در پنجم ربیع‌الثانی همان سال با سپاهش مکه را ترک کرد.

بدین سان ضرورت داشت برای بازسازی کعبه چاره‌ای اندیشیده شود؛ ابن زبیر در این باره با خردمندان و خبرگان رایزنی کرد و تصمیم نهایی آن شد که کعبه را کاملًا تخریب کنند و آن را از نو بسازند.

ابن زبیر سنگ‌های لازم برای بنای کامل کعبه را از کوه‌های حِرا، ثبیر، مقطع، خندمه، حلحله، کعبه و مردله فراهم ساخت و دیوارهای کعبه را بر روی پی و پایه‌ای که به روزگار ابراهیم بوده است؛ یعنی مطابق آنچه رسول خداصلی الله علیه و آله آرزوی انجامش را داشت، بالا آورد.

عبداللّٰه به هنگام بازسازی کعبه، پس از فراهم آوردن آنچه برای این کار لازم بود، همه هدیه‌ها و یا زینت‌هایی را که در داخل کعبه وجود داشت یک جا گرد آورد و به سرای شیبهٔ بن عثمان انتقال داد تا پس از پایان عملیات، دیگربار بازگردانده شود.

او خود نخستین کسی بود که در روز شنبه، نیمه جمادی الآخر سال ۶۵ ه. ق.

تخریب باقیمانده‌های بنای کعبه را آغاز کرد و پس از او مردم کار تخریب را ادامه دادند و در یک نیم روز آن را به پایان رساندند.

ابن زبیر در مدتی که کار بازسازی کعبه ادامه داشت، داربستی چوبین برگرد کعبه

ص:۸۱

قرار داد و پرده‌هایی بر آن آویخت تا مردم بر گردش طواف کنند. او همچنین پس از کنده شدن حجرالأسود از جای خود، در جریان تخریب کعبه، آن را به پارچه‌ای دیبا پیچید و در جعبه‌ای قرار داد و آن را قفل کرد و در دار الندوه گذاشت.

چون تخریب را به پایان بردند و پی و پایه کعبه آشکار شد، دیدند که آن به عمق شش ذراع و یک وجب در زمین و داخل سنگ‌ها فرو رفته و چنان به هم پیوسته است که هر قسمت از آن راکه از جای خود تکان دهند، همه ارکان این پی تکان می‌خورد.

ابن‌زبیر پنجاه تن از مردمان سرشناس را به این پی و پایه گواه گرفت و بنای جدید را روی آن استوار ساخت و درِ شرقی کعبه را بر روی همان ردیف سنگی که شاذروان را تشکیل می‌داد وبه سطح زمین نزدیک بود قرار داد و درست در مقابل آن دری دیگر در سمت غرب گشود.

چون بنا به نقطه‌ای رسید که می‌بایست حجرالأسود نصب شود عبداللّٰه بی‌خبر از مردم، خودش آن را در جای خویش قرار داد.

عبداللّٰه دیوارهای کعبه را به ارتفاع بیست و هفت ذراع و عرض دیوارها را به دو ذراع رساند و در داخل کعبه نیز سه ستون در ردیفی از شمال به جنوب برای نگه داشتن سقف قرار داد.

ابن زبیر روزنهای کعبه را از سنگ مرمرهایی که ازصنعا آورده بودند ساخت و درِ کعبه را که تا آن زمان یک لنگه بود به درِ دو لنگه‌ای به ارتفاع یازده ذراع تبدیل کرد، در داخل خانه و در مجاورت رکن شامی، پلکان چوبی ساخت که به پشت بام می‌رسید و بر پشت بام نیز ناودانی که به حجر اسماعیل می‌ریخت قرار داد.

پسر زبیر پس از فراغت از بنای کعبه، داخل آن را به مشک و عنبر خوشبو کرد و بر سطح بیرونی دیوار خانه نیز از بالا ـ تا پایین مشک و عنبر مالید و سپس خانه را به پارچه‌های دیبا پوشاند.

در پایان بنا مقداری سنگ اضافه مانده بود که با آنها اطراف کعبه را به شعاع ده ذراع از دیوارها، سنگ فرش کرد.

ص:۸۲

کـار نوسازی کعبه در هفـدهم رجب سال ۶۵ ه. ق. «(۱)» به پایـان رسـید و عبـداللّه از مردم خواست به شـکرانه آن، از تنعیم محرم شونـد و عمره گزارنـد و هر کس به هر انـدازه می‌تواند در راه خدا قربانی کند. او خود، همراه با یارانش در تپه‌ای که مقابل مسـجد عایشه در میقات تنعیم بود احرام بست و شتران بسیاری به سپاس خداوند قربانی کرد.

از آن پس، انجام عمره از تنعیم در این روز از سال میان مردمان مکه سنت شد و این سنت در گذر تاریخ پا برجای ماند.

تصویر زیر ترسیمی است از کعبه عبداللّه بن زبیر که از «تاریخ القویم» آمد:

تصویرص ۹۳؟؟؟

۱- به روایت قصهٔ التوسعه ص ۸۲ این تاریخ با سال ۶۸۴ میلادی برابری می‌کند.

ص:۸۳

بنای حَجّاج ثقفی

به شمار آوردنِ کار حَجّاج در ردیف بناها یا تجدید بناهای کعبه، نوعی مجازگویی است که به خطا بر قلم مورّخان رفته است. چه، حَجّاج هیچ بنایی نساخت و آنچه کرد تنها تخریب بخشی از بنای ابن زبیر بود.

حجاج در سال ۷۴ ه. ق./ ۶۹۳ م. به عبدالملک بن مروان نوشت که ابوخبیب عبداللّٰه بن زبیر چیزهایی به کعبه افزوده که پیشتر نبود. و همچنین دری دیگر از کعبه به بیرون گشوده است.

عبدالملک در پاسخ او چنین نوشت: درِ غربی را که ابن زبیر گشوده است مسدود کن، آنچه را بر سنگ‌های بنای کعبه افزوده است تخریب کن و کعبه را با سنگ‌های زاید فراهم آمده تا ارتفاع پیشینِ آن پر کن و آن را به همانصورت که در روزگار رسول خداصلی الله علیه و آله بوده است درآور.

حَجّاج شش ذراع و نیم وجب از کعبه در سمت حجر تخریب کرد و با سنگ‌های زاید فراهم آمده، داخل کعبه را تا ارتفاعی که می‌بایست در نصب شود پر کرد، دری را که به سمت غرب گشوده می‌شد از میان برداشت، درگاه در شرقی را در ارتفاع چهار ذراع و یک وجب قرار داد و سایر قسمت‌های بنا را بر همان حال که در روزگار ابن زبیر بود واگذاشت.

در مجموع آنچه حَجّاج بر بنای کعبه افزود یا آنجا ساخت؛ عبارت است از دیوار حجر اسماعیل، بستن در غربی کعبه، سنگچین پایین در کعبه، پلکان موجود در داخل کعبه و دو دری که بر این پلکان نصب شده است.

از هنگام بنای قریش تا بنای ابن زبیر هشتاد سال و از آن زمان تا بنای حجاج نُه یا ده سال فاصله شده و از آن پس تا سال ۱۰۳۹ کعبه به همان حالت مانده است و در فاصله نهصد و شصت و شش سال در آن هیچ تغییر یا خرابی‌ای جز برخی ترمیم‌های محدود به وجود نیامده است.

در سال ۱۰۳۹ ه. ق./ ۱۶۲۹ م. سیلی ویرانگر و بی‌سابقه کعبه را خراب کرد و بدین‌سان لازم آمد کعبه برای یازدهمین بار نوسازی شود.

ص:۸۴

یازدهمین بنا را سلطان مراد خان عثمانی در سال ۱۰۴۰ ه. ق./ ۱۶۳۰ م. به انجام رساند.

تصویر زیر ترسیمی از کعبه حَجّاج است که از کتاب «تاریخ القویم» آورده شده است:

تصویرص ۹۴ الکعبهٔ المعظّمه

بنای سلطان مراد خان

در روز چهار شنبه ۱۹ شعبان سال ۱۰۳۹ ه. ق. بارانی سیل آسا در مکه باریدن آغازید و تا شب پنج شنبه ادامه یافت و در نتیجه آن، سیلی بنیان کن جاری شد که تا آن روز همانندش را در مکه ندیده بودند. سیل مسجد الحرام را در برگرفت و دیوارهای

ص:۸۵

کعبه تا نیمه، به آب فرو رفت و دیوارها یکی پس از دیگری سقوط کرد.

در آن دوران مسعود بن ادریس بن حسن که از سادات به شمار می‌رفت امیر مکه بود و به فرمان او تدابیر لازم از قبیل جمع آوری و نگهداری اشیای گران‌بهای متعلق به کعبه و پاک‌سازی مسجد الحرام پس از فرو نشستن سیل انجام گرفت. همچنین عالمان و بزرگان شهر گرد هم آمدند و در این باره به گفت و گو نشستند تا ببینند برای بازسازی کعبه چه می‌توان کرد.

سرانجام تصمیم آن شد که در این باره به سلطان مراد خان عثمانی نامه بنویسند و از او کسب تکلیف کنند و همزمان نیز دیوارکی چوبی که از هر طرف شش ذراع با کعبه و ویرانه‌های آن فاصله داشته باشد برپا کنند.

پس از چندی یک فروند کشتی که حامل مصالح و تجهیزات لازم برای بازسازی کعبه بود به بندر جده وارد شد و بدین ترتیب در اواخر جمادی الأول سال ۱۰۴۰ ه. ق.

کار نوسازی و بازسازی آغاز شد.

بنایی که این بار ساخته شد تقریباً به همان حالت بنای حَجّاج و دارای ویژگی‌های زیر بود:

۱- سلطان مراد بنای جدید کعبه را به همان شکل که در دوران حَجّاج بود ساخت.

نه چیزی بر آن افزود و نه چیزی از آن کاست.

۲- اگر آغاز بازسازی را از ابتدای تخریب باقیمانده کعبه و هموار کردن ویرانه‌ای که بر جای مانده بود لحاظ کنیم از روز شنبه آخر جمادی الأولی و اگر آن را از بر زمین نهادن نخستین سنگ بنای کعبه به حساب آوریم، روز یکشنبه بیست و سوم جمادی الآخر سال ۱۰۴۰ ه. ق. خواهد بود.

تاریخ پایان بازسازی نیز دوم ذی الحجه سال ۱۰۴۰ ه. ق. بوده و این بنا تا روزگار حاضر نیز مانده و تنها در دوران ملک فهد و در قالب «طرح توسعه حرم» ترمیم‌هایی جزئی در آنصورت پذیرفته است.

۳- در جریان تخریب باقیمانده‌های کعبه، کار را تا رسیدن به نخستین ردیف سنگی که بر روی زمین چیده شده بود ادامه دادند و سپس بازسازی را بر روی همان ردیف اولیه

ص:۸۶

آغاز کردند. بدین ترتیب ابعاد کعبه هیچ گونه تغییری، حتی اندک، نیافت.

۴- سنگ‌های جدید مورد نیاز در بازسازی، از کوه شبیکه که آن را جبل الکعبه گفته‌اند تأمین شد.

۵- در جریـان تخریب، سه رکن کعبه را با زمین هموار ساختنـد اما از تخریب رکن حجرالأسود خودداری کردنـد و تنها سـنگ‌ها و خاک و گلی راکه روی حجرالأسود قرار گرفته بود برداشتند و اطراف آن‌را ترمیم‌کردند و بنا را ازهمین نقطه به بالا ادامه دادند.

۶- در جریان بازسازی مشاهده شد رنگ قسـمت‌هایی از حجرالأسود که در زیر دیگر سـنگ‌های دیوار کعبه پوشـیده مانده، همانند مرمرهای مقام ابراهیم سفید است.

۷- در پایان بازسازی لوح یادبودی با نام سلطان مراد و تاریخ تجدید بنا در داخل کعبه گذاشته شد.

تعمیر پشت بام کعبه در دوران ملک سعود

در اول ماه محرم سال ۱۳۷۷ ه. ق. و به تشـخیص کمیته علمی و فنی ویژه‌ای که به فرمان ملک سـعود تشکیل شده بود اعلام شد که سقف کعبه نیازمنـد مرمت است. به دنبـال آن در اواخر محرم همـان سـال به فرمان پادشاه عربسـتان، شـیخ محمـد بن عوفی بن لادن مدیر تأسیسات عمومی مأمور شد نسبت به ترمیم و باز سازی کامل سقف کعبه اقدام کند.

بدین ترتیب کار نوسازی سقف کعبه با مشخصات زیر انجام گرفت:

۱- در بیست و یکم جمـادی الثانی سال ۱۳۷۷ ه. ق. حایـل چوبی بلنـدی برگرد کعبه، به جز مقابل حجرالأسود، رکن یمانی و حجر اسماعیل برپا کردند و ممر رسیدن به سقف را از میان داربست سمت حجر اسماعیل قرار دادند.

۲- پیش از شروع بازسازی، چوب و دیگر مواد و مصالح لازم برای کار را فراهم ساختند.

۳- در ظهر روز جمعه هیجـدهم رجب، ولیعهـد وقت فیصـل بن عبـدالعزیز به نماینـدگی از طرف برادر خود ملک سـعود برای آغاز عملیات حضور یافت و به همراه تنی چند از میهمانان و مسؤولان بر بام کعبه رفت و قسمتی از دورچین پشت بام را به نشانه

ص:۸۷

شروع عملیات سقف قدیم تخریب کرد.

۴- سپس سقف فوقانی به طور کامل برداشته و آنگاه تیرچه‌هایی عرضی بر روی دیوارها سوار شد و چوب‌های سقف به‌صورت شرقی غربی بر روی این تیرچه‌ها نصب گردید و با ساروج مرغوبِ محلی محکم شد.

در انتهای چوب‌های سقف و در زیر آنها، دو تیر چوبی به دیوارهای شرقی و غربی محکم شد و در زیر این چوب‌ها در وسط تیری آهنی برای حمل سقف فوقانی تعبیه شد که یک سر آن روی دیوار شمالی و سر دیگر آن روی دیوار جنوبی کعبه قرارگرفت.

همچنین تیری دیگر برای حمل سقف تحتانی نصب و چوب‌های این سقف نیز روی آن فرش شد.

تصویرص ۱۵۵ کتاب الکعبه المعظمه

تصویر؟؟؟

ص:۸۸

پس از کامل شدن سقف فوقانی، دیوار دور چین سقف را به ارتفاع هشتاد سانتیمتر بنا کردند و در آن به جای میخ‌های چوبیِ قبلی، میخ‌های بلند آهنین به منظور آویختن جامه کعبه بدانها تعبیه کردند.

همچنین چوب‌های سقف را با سرنج رنگ کردند و آن گاه لایه‌ای از قلع نازک و سپس لایه‌ای از ساروج و پس از آن لایه‌ای از عایق رطوبتی و پس از آن لایه دیگری از ملاط و ساروج روی سقف گستردند و پس از همه این‌ها سنگ‌های مرمر سقف را فرش کردند. این کار با استفاده از سنگ‌های قدیم و پس از تمیز کردن آنهاصورت گرفت و در نصب آنها شیب بام به طرف ناودان که به حجر اسماعیل می‌ریزد مراعات شد.

به منظور جلوگیری از نفوذ آب و محکم‌تر شدن سنگ‌های فرش شده روی بام کعبه، درز آنها با سرب مذاب پر شد و پس از آن کنار دیوار دور چین تا ارتفاع ۲۵ سانتیمتر سنگ‌های مرمر نصب گردید.

همچنین درگاه ورودی پلکان به پشت بام تعمیر شد و پوششی که بر آن قرار داده می‌شود با درپوشی نو- که در لابه لای آن ورقه فلزی محکم و زیبا قرار داده شده بود- تعویض گردید.

۵- در کنار چوب‌های جدیدی که در ساختن سقف از آنها استفاده شد، چوب‌های قابل استفاده قدیم نیز به کار رفتند.

۶- سقف تحتانی کعبه نیز ترمیم شد و طی این مرمت چوب‌های فرسوده‌ای که در این سقف وجود داشت با چوب‌های جدید جایگزین گردید.

گفتنی است چوب‌های این سقف، که دو سر آنها به سمت شرق و غرب است، از پهلو کنار هم چیده شده و روی ستون‌های سه گانه‌ای که در زیر قرار دارد جای گرفته است. از این سه ستون فقط ستون میانی تعویض شد.

۷- مرمت‌هایی جزئی در بند کشی دیوار از سمت داخل کعبه و نیز سنگ‌های مرمر کف و دیوار به عمل آمد.

۸- دوصندوق بزرگ با ابعاد ۱۵۰ در ۸۰ سانتیمتر برای نگهداری چلچراغ‌های کعبه و همچنین پرده‌های داخلی آن ساخته شد.

ص:۸۹

۹- از آن جا که ناودان قـدیم کعبه؛ یعنی همان که سـلطان عبدالمجیـد خان به سال ۱۲۷۳ ه. ق. از نقره خـالص سـاخت و به طلا رو کش کرد، دچار کهنگی و فرسایش نشـده بود، همین ناودان پس از مرمّت قاعـده چوبی آن و همچنین ایجاد کنگره‌هایی در لبه آن به منظور جلوگیری از نشستن کبوتران و دیگر پرندگان، به جای خویش برگردانده شد و مجدداً نصب گردید.

۱۰- چوب‌های در کعبه، آستانه در و همچنین دیوار بازوی در مرمت شد.

۱۱- پلکان داخلی کعبه بی‌آن که از پله‌هایش کاسته یا بدان افزوده شود تعمیر شد.

۱۲- ستون‌های سه گانه‌ای که عبداللَّه بن زبیر حدود ۱۳۰۰ سال پیش برای نگه‌داشتن سقف کعبه در درون خانه نصب کرده بود، به دلیل سالم ماندن در همه این سال‌ها، تنها مرمتی سطحی شد.

گفتنی است این سـتون‌ها دارای سـر ستون‌های آذین شده و پایه‌های چهار گوش نقشدار هستند و طول هر کدام از کف کعبه تا زیر سقف ۷ متر و قطر هر یک نیز تقریباً ۴۴ سانتیمتر است.

۱۳- در دوم ماه شعبان ۱۳۷۷ ه. ق. رسماً پایان عملیات نوسازی سقف کعبه و مرمت‌های جانبی آن اعلام شد.

ص:۹۰

فصل چهارم: کعبه و لواحق آن تا پیش از توسعه دوران فهد

ابعاد کعبه

مورخان درباره ابعاد کعبه اختلاف دارند و این، البته اختلافی طبیعی است که به دقیق نبودن واحد اندازه‌گیری و تفاوت میان ذراع دست و ذراع فلزی (ذراع ید و ذراع حدید) باز می‌گردد. در کتاب «تاریخ الکعبهٔ المعظمه» آمده است که اندازه ذراع دست میان ۴۶ تا ۵۰ سانتیمتر نوسان دارد و اندازه ذراع فلزی ۵/ ۵۶ سانتیمتر است و اخیراً آن را ۴۸ سانتیمتر گفته‌اند. «(۱)» این خود سبب می‌شود در زمان‌های مختلف و در روایت‌های مختلف تفاوت‌هایی در ابعاد و اندازه‌های کعبه به چشم بخورد و به ویژه به هنگام تبدیل این واحد اندازه‌گیری به واحدهای نظام متر اختلاف پدید آید.

در آخرین اندازه‌گیری انجام شده از سوی مرکز پژوهش‌های حج در دانشگاه امّ‌القرای مکه ابعاد و اندازه‌های زیر گزارش شده است:

۱- فاصله رکن حجرالأسود تا رکن شامی، یعنی طول ضلعی که درِ کعبه در آن قرار گرفته: ۸۶/ ۱۱ سانتیمتر.

۲- فاصله رکن یمانی تا رکن غربی: ۰۴/ ۱۲ سانتیمتر.

۳- فاصله رکن حجرالأسود تا رکن یمانی: ۱۸/ ۱۰ سانتیمتر.

۱- نگارنده در تبدیل واحدهای ذراع به متر همین مقیاس را مبنا قرار داده است.

ص:۹۱

۴- فاصله رکن شامی تا رکن غربی: ۹۰/ ۹ سانتیمتر. «(۱)» ارتفاع کعبه بر حسب بنای ابراهیم ۳۲/ ۴ سانتیمتر، در بنای قریش ۶۴/ ۸ سانتیمتر و در بنای عبداللّه بن زبیر ۹۵/ ۱۲ سانتیمتر بوده و عبدالملك مروان نیز همین ارتفاع را حفظ کرده است.

تصویرص ۱۵۵ کتاب الکعبه المعظمه

برش افقی

۱- این گزارش در قصهٔ التوسعه ص ۷۵ نیز آمده و البته در آن جا اندازه‌گیری غیر دقیقی- به اظهار مؤلف- نیز بدین شرح نقل شده است:

الف: ارتفاع ۱۵ متر.

ب: ضلع شمالی ۹۲/ ۹ متر

ج: ضلع غربی ۱۵/ ۱۲ متر

د: ضلع جنوبی ۲۵/ ۱۰ متر

ه: ضلع شرقی ۸۸/ ۱۱ متر

نویسنده قصهٔ التوسعه پس از نقل این اندازه‌ها تأکید می‌کند که این اندازه‌گیری غیر دقیق است.« مترجم»

ص:۹۲

حسین باسلامه در کتاب «تاریخ الکعبهٔ المعظمه» یادآور می‌شود که خودش توفیق اندازه‌گیری کعبه از داخل آن را داشته و در اندازه‌گیری که در روز جمعه بیست و سوم ذی‌القعده سال ۱۳۵۲ ه. ق.صورت گرفته، از وسط دیوار یمانی تا وسط دیوار شامی ۱۵/ ۱۰ سانتیمتر و از وسط دیوار شرقی تا وسط دیوار غربی ۱۰/ ۸ سانتیمتر فاصله بوده است.

مصالح تشکیل دهنده بنای کعبه

بنای کنونی کعبه که در دوران ملک فهد ترمیم مختصری در آن انجام گرفته، همان بنای سلطان مراد چهارم، از پادشاهان عثمانی است که در سال ۱۰۴۰ ه. ق. به اتمام رسیده و بنایی قوی و استوار است.

در ساخت کعبه از سنگ‌های سیاه مایل به نیلی استفاده شده و این سنگ‌ها از کوه‌های مکه و مهم‌تر از همه جبل الکعبه در محله شبیکه فراهم گشته است.

البته این سنگ‌ها دارای ابعاد و اندازه‌های یکسان نیستند و بزرگ‌ترین سنگ به طول‌صد و نود سانتیمتر، عرض نیم متر و ارتفاع بیست و هشت سانتیمتر، و کوچک‌ترین سنگ نیز به طول نیم متر و عرض چهل سانتیمتر است.

سنگ‌ها از قسمت زیرین دارای برجستگی‌هایی قوسی شکل هستند تا به خوبی به درون همدیگر فرو روند و سبب استواری بیشتر بنا شوند.

در پایین دیوار کعبه، از بیرون ردیفی از سنگ‌های مرمر وجود دارد که آن را شاذروان گویند.

شاذروان

شاذروان بخش بیرونی پایین دیوار کعبه است که در گذشته‌های دور جزو خانه بوده و بعدها از عرض دیوار واگذاشته شده است.

شاذروان را «تأزیر» هم نامیده‌اند؛ چرا که برای خانه کعبه همانند ازار است.

شاذروان ردیفی از سنگ‌های اریب است که در سه ضلع از دیوارهای کعبه، در

ص:۹۳

پایین دیوار و چسبیده به زمین قرار گرفته است. در ضلع مجاور حجر اسماعیل از شاذروان اثری نیست و در پایین این ضلع تنها پاسنگی به ارتفاع ده و عرض چهل سانتیمتر وجود دارد که حاجیان بر روی آن می‌ایستند و دست وصورت و بدن خود را به دیوار کعبه می‌چسبانند و در این حال دعا و به درگاه خداوند زاری می‌کنند. علت قرار نداشتن شاذروان در این ضلع آن است که در این قسمت، دیوار خانه کعبه در واقع مرز شمالی آن نیست و حد واقعی کعبه در سمت شمال شش ذراع و یک وجب پس از دیوار به سمت حجر اسماعیل است.

آن گونه که اشاره شد، شاذروان در اصل جزوی از کعبه بوده است و گفته‌اند برای نخستین بار عبداللّه بن زبیر آن را روی پی و پایه‌ای که از دوران ابراهیم وجود داشته است نصب کرد. هدف وی از انجام این کار آن بود که دیوارهای کعبه در برابر سیل تقویت و از نفوذ آب به درون خانه جلوگیری شود، ریسمان‌های نگهدارنده پایین پرده کعبه را به حلقه‌های تعبیه شده در میان سنگ‌های شاذروان محکم کنند، وجود این ردیف سنگ اریب مانع تماس زیاد طواف کنندگان؛ با پرده کعبه و دیوارهای آن می‌شود تا هم بدن آنها از آسیب مصون بماند و هم پرده کعبه دوام بیشتری یابد و ساییده نشود.

سنگ‌های شاذروان همه مرمر سفید محکم و در ابعاد و اندازه‌های متفاوت است.

شمار آنها هفتاد و یک قطعه است و هشت قطعه از آنها که از سمت پایین در کعبه به طرف شمال قرار دارد، از بهترین سنگ‌های مرمر در دنیاست.

در لابه لای سنگ‌های شاذروان چهل و یک حلقه فلزی قرار داده شده که طناب‌های پایین پرده کعبه به آنها بسته می‌شود.

ناگفته نماند یک بار در سال ۱۰۹۸ ه. ق. احمد پاشا شاذروان را مرمت کرده است.

در کعبه

اگر بخواهیم از تاریخچه در کعبه، از نخستین دوران و از آن روزگار که تبّع حِمْیری پیش از ظهور اسلام، نخستین در را نصب کرد تا دوره‌های بعد همچنین عصر حاضر

ص:۹۴

بنویسیم سخن به درازا خواهد کشید. «(۱)» همین اندازه یادآور می‌شویم که آخرین در کعبه در پیش از دوران سعودی، دری بوده که سلطان مراد خان عثمانی دستور ساختنش راصادر کرده و در ساخت آنصد و شصت رطل نقره به کار رفته است.

در کعبه که از سمت شرق آن گشوده می‌شود، امروزه حدود دو متر و بیست و پنج سانتیمتر از کف مسجد الحرام بالاست، ارتفاع خود در سه متر و ده سانتیمتر و عرض آن حدود دو متر است و حدود نیم متر نیز به سمت درون کعبه تورفتگی دارد.

درطول تاریخ، بر شکل و رنگ و نوع ونیز تزیین‌های این در، رخدادها وتغییرهایی گذشته و سرانجام در دوره سعودی دو در برای کعبه ساخته شد.

درِ نخست؛ دری است که ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود فرمان ساخت آن راصادر کرد، این در دارای روکشی از طلا و نقره بوده، به نام‌های الهی زینت یافته و کار ساخت آن در سال ۱۳۶۳ ه‍. ق. به انجام رسیده است. «(۲)» اما دومین در کعبه آن است که به فرمان ملک خالد ساخته شد. در سال ۱۳۹۷ ه‍. ق./ ۱۹۷۷ م. ملک خالد در زیارت داخل کعبه متوجه شد مویه‌هایی روی در

۱- . در قصهٔ التوسعه ص ۸۸ از سیره ابن هشام و تاریخ مکه ازرقی نقل شده که نخستین کسی که برای کعبه در قرار داد تبع سوم یکی از شاهان یمن بود.

در همین کتاب از« تاریخ الکعبهٔ المعظمه» چنین نقل شده است: چون قریش خانه را تعمیر و نوسازی کرد برای آن دری دو لنگه قرار داد. این در یازده ذراع ارتفاع داشت. ابن زبیر نیز همین در را بر کعبه نصب کرد. اما چون دوره حَجّاج شد، وی دری به ارتفاع شش ذراع و یک وجب ساخت و محل نصب در را نیز در مقایسه با دوره ابن زبیر بالا برد. به همین دلیل به رغم آن که وی ارتفاع در را کمتر کرده بود اما چون محل نصب از قبل بلندتر بود در درست به اندازه درگاه درآمد.« مترجم»

۲- . التاریخ القویم، ج ۵، ص ۵۱، گفتنی است در این باره در قصهٔ التوسعه ص ۸۸ چنین آمده است: در دوران خاندان سعود دو در برای کعبه ساخته شد: نخستین در به روزگار ملک عبدالعزیز؛ یعنی در سال ۱۳۶۳ ه‍. ق./ ۱۹۴۴ م. ساخته شد. این در از جنس آلومینیوم، دارای تسمه‌های تقویت‌کننده آهنی، به قطر دو ونیم سانتیمتر و ارتفاع سه متر و ده سانتیمتر بود و سمت روی در به لوح‌هایی از نقره آب طلا داده شده پوشانده و به نام‌های خداوند زینت یافته بود.« مترجم»

ص:۹۵

وجود دارد. از همین روی فرمان داد دری نو از طلای ناب برای کعبه بسازند. «(۱)» ساخت این در همراه با باب التوبه «(۲)» مجموعاً ۰۰۰ /۴۲۰ /۱۳ ریال سعودی هزینه برداشت و این مبلغ جدای از ۲۸۰ کیلوگرم طلایی «(۳)» است که در ساخت در به کار رفته و هزینه آن از سوی موسسهٔ النقد العربی السعودی تأمین شده است.

کار ساخت این در از هنگام آغاز در اول ذی الحجه سال ۱۳۹۸ ه. ق. تا پایان آن دوازده ماه به طول انجامید.

مشخصات درِ کعبه

پیش از آن که عملیات ساخت در آغاز شود، مطالعات کارشناسی ویژه‌ای در این خصوص انجام گرفت تا دری با بهترین کیفیت و دقیق‌ترین جزئیات و مشخصات فنی و نیز با استفاده از بهترین مواد و اصیل‌ترین شیوه‌های تزیین فراهم گردد.

در جریان کار نیز جدیدترین شیوه‌های فنی و اصول مهندسی به کار گرفته شد تا در کعبه از بالاترین کیفیت و استحکام برخوردار باشد و بتواند شرایط مختلف آب و هوایی را تحمل کند و سالیان دراز به خوبی کار خود را انجام دهد.

در جریان ساخت و در جزئیات کار، آخرین احتیاط های فنی مهندسی برای تناسب و هماهنگی میان اجزای در، چهار چوب و نیز درگاه مورد نظر قرار گرفت و در پایین در زایده‌ای به منظور جلوگیری از ورود آب به داخل کعبه افزوده شد. همچنین در لا به لای

۱- طبق همان فرمان، باب التوبه نیز از نو ساخته شد. باب التوبه دری است که بر مدخل پلکان داخل کعبه قرار دارد. این در به لحاظ ویژگی‌های فنی همانند در کعبه ساخته شده. با این تفاوت که عرض آن ۷۰ سانتیمتر و طول آن ۳۰ /۲ سانتیمتر است. بنگرید به قصهٔ التوسعه، ص ۸۹ و ۹۱.« مترجم»

۲- چنان که در قصهٔ التوسعه ص ۸۸ آمده عیار طلای به کار رفته ۹/ ۹۹۹مترجم

۳- التاریخ القویم، ج ۵، ص ۵۱

گفتنی است در این باره در قصهٔ التوسعه ص ۸۸ آمده است: در دوران خاندان سعود دو در برای کعبه ساخته شد؛ نخستین در به روزگار ملک عبدالعزیز یعنی در سال ۱۳۶۳ ه. ق./ ۱۹۴۴ م. ساخته شد. این در از جنس آلومینیوم، دارای تسمه‌های تقویت کننده آهنی، به قطر دو و نیم سانتیمتر و ارتفاع سه متر و ده سانتیمتر بود و سمت روی در به لوح‌هایی از نقره آب طلا داده شده پوشانده و به نام‌های خداوند زینت یافته بود.« مترجم»

ص:۹۶

در تیرکی ویژه قرار داده شد تا به هنگام بسته بودن در، سنگینی آن را بهصورت متوازن به پایین منتقل کند.

در تزیین در کعبه و نوشته‌های روی آن، دقت شده است عناصری هماهنگ به کار رود و مهم‌ترین آنها قاب برجسته‌ای است که به اندازه مساوی قفل برجستگی دارد و جایگاه و اهمیت قفل در را مشخص‌تر به بیننده می‌نمایاند.

در دو گوشه بالای در دو لچکی برجسته به چشم می‌خورد و در پایین قوس‌های آن؛ یعنی متن قسمت بالایی درها کلمه «اللّه» [بر روی لنگه راست] و کلمه «محمد» [بر روی لنگه چپ] در داخل دو دایره برجسته دیده می‌شود.

پایین‌تر از این دو دایره در هر لنگه چهار کادر برجسته وجود دارد و در آنها آیات زیر ثبت شده است: «(۱)»* ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ «(۲)»

* رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَصِدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَصِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَاناً نَصِیراً «(۳)»

* کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ ألرَّحْمَةَ «(۴)»

۱- گفتنی است افزون بر آنچه در این کتاب آمده است: عبارت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ و همچنین آیه جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَةَ الْبَیْتَ الْحَرَامَ قِیاماً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ بر روی در نقش شده است.

۲- حجر: ۴۶، با سلامی ایمن به آنها درآیید.

۳- اسراء: ۸۰ ... پروردگار من، درآر مرا در آوردن راست و بیرون آر مرا بیرون آوردن راست و مرا از جانب خویش حجتی یاری کننده بده.

۴- غافر: ۶۰، پروردگارتان گفت: مرا بخوانید دعایتان را اجابت کنم.

ص:۹۷

* وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ «(۱)» در پایین این کادرها دو دایره وجود دارد و داخل هر کـدام دایره کوچک‌تری است که در آنها به ترتیب در لنگه‌های راست و چپ، دو عبارت: «لا اله الّا اللّه» و «محمّد رسول اللّه» نقش بسته است.

در پـایین این دایره‌هـای برجسته بر سـطحصاف در حلقه‌هـای در، بر هر لنگه یـک حلقه قرار دارد و این حلقه‌هـا بـا قفـل که قـدری پایین‌تر و در ذیل دو کادر برجسته دیگر قرار گرفته شکل هندسی متوازنی را به وجود می‌آورد.

در کادر برجسته‌ای که میان حلقه‌ها و قفل قرار گرفته، آیه زیر نقش بسته است:

قُلْ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ «(۲)» پایین‌تر از قفل در، کـادری مربع کـه فرو رفتـه‌تر می‌نمایـد، دو دایره برجسـته (شـبیه بـه پنجره چرخ فلکی) وجـود دارد و در وسـط هر کـدام دایره کوچک‌تر دیگری است و در حلقه میانی این دو دایره، سوره فاتحه نقش شده است.

در پـایین این دایره‌هـا بر هر لنگه دو کـادر مسـتطیل شـکل وجود دارد که بالا‌یی کوچـک‌تر از پـایینی است و در کـادر بالا‌یی این عبارت به خط زیر نوشته است:

«صنع الباب السابق فی عهد خادم الحرمین الشریفین الملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود سنهٔ ۱۳۶۳ ه. ق.» «(۳)» و در کادر پایینی هم این عبارت به چشم می‌خورد:

«صنع هذا الباب فی عهد خادم الحرمین الشریفین الملک خالد بن عبدالعزیز

۱- انعام: ۵۴، پروردگارتان بر خود رحمت را واجب کرده است.

۲- زمر: ۵۳، بگـو: ای بنـدگان من که بر خویش اسـراف کرده‌انـد، از رحمت خداونـد نومیـد مشویـد؛ که خداونـد همه گناهـان را می‌آمرزد و بی‌گمان او آمرزنده مهربان است.

۳- درِ قدیم به روزگار خدمتگزار دو حرم شریف، ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود، در سال ۱۳۶۳ ه. ق. ساخته شد.

ص:۹۸

آل‌سعود سنهٔ ۱۳۹۹ ه. ق.». «(۱)» همچنین بر روی لنگه راست در، لابه لای نقش و نگارهایی ریز این عبارت آمده است:

«تشرّف بافتتاحه بعون اللَّه تعالی الملک خالد بن عبدالعزیز آل سعود فی الثانی والعشرین من شهر ذی القعدهٔ سنهٔ ۱۳۹۹ ه. ق.». «(۲)»

بر روی لنگه چپ نیز این عبارت در لابه لای نقش و نگارهایی ریز به چشم می‌خورد:

«صنعه احمد ابراهیم بدر بمکهٔ المکرمهٔ،صحّحه منیر الجندی؛ واضع الخط عبدالرحمان امین.» «(۳)» دماغه‌ای در روی لنگه چپ قرار گرفته و خود دارای نقش و نگارهایی ریز است.

همان گونه که گذشت، دِرِ کعبه حدود نیم متر به طرف درون کعبه رفته و بنابراین، عمق درگاه حدود نیم متر است.

کناره‌های دیوار که بدین ترتیب در جلو در سه سمتِ آن پیداست، با ورقی زرّین روکش شده و بر روی این روکش لوح‌های دایره‌ای شکل برجسته‌ای قرار دارد و در آنها نام‌های خداوند نقش شده است.

درسمت بالای درگاه سه لوح وجود داردکه درآنها آمده‌است: «یا واسِعُ»، «یا مانِعُ»، «یا نافِع».

در سمت راست درگاه شش لوح وجود دارد و در آنها آمده است: «یا عالِمُ»، «یا عَلِیمُ»، «یا حَلِیمُ»، «یا عَظِیمُ»، «یا حَکِیمُ» و «یا رَحِیم».

در سمت چپ درگاه نیز شش لوح وجود دارد که عبارت‌های زیر بر آنها نقش بسته

۱- این در به روزگار خادم دو حرم شریف، ملک خالد بن عبدالعزیز آل سعود در سال ۱۳۹۹ ه. ق. ساخته شده است.

۲- به یاری خداوند متعال ملک خالد بن عبدالعزیز آل سعود در بیست و هشتم ذی العقده سال ۱۳۹۹ ه. ق. در مراسم افتتاح حضور یافتند.

۳- سازنده: احمد ابراهیم بدر در مکه مکرمه؛ طرح: منیر جندی؛ خطاط: عبدالرحیم امین.

ص:۹۹

است: «یا غَنِیُّ»، «یا مُغْنی»، «یا حَمِیدُ»، «یا مَجِید»، «یا سُبْحان» وَ «یا مُسْتَعانُ».

پایین چهار چوبِ در از جنس چوب ساخته شده و به روکشی از طلای دارای نقش و نگارهای کنده کاری و برجسته کاری آذین گشته که خود دارای سه لایه است و نقش و نگارها بر لایه فوقانی نقش بسته است. «(۱)»

قفل در

قفل قدیمِ در به دوران سلطان عبدالحمید (سال ۱۳۰۹ ه. ق.) تعلق دارد و در هنگام جایگزینی آن با قفل جدید، سعی شده است ضمن حفظ مشخصات فنی و شکل و شمایل آن، ترتیبی اتخاذ شود که قفل مطمئن‌تر و دارای مقاومت و ماندگاری بیشتر و همچنین با در جدید سازگارتر و هماهنگ‌تر باشد.

حجرالأسود

در دیوار خانه خدا سنگی ارزشمند وجود دارد که همانندش در دنیا نیست. به آن دست راست خدا در زمین می گویند. این سنگ مکه را نورانیت می‌دهد و بندگان با استلام آن، گویی که با خدا دست بیعت می‌دهند.

ترمذی در حدیثی حسن وصحیح از ابن‌عباس نقل کرده است که گوید:

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «حجرالأسود از بهشت نازل شد، در حالی که از شیر سفیدتر بود، اما گناهان آدمیزادگان آن را سیاه کرد.» «(۲)» بخاری حدیثی از عامر بن ربیعه نقل کرده و ترمذی نیز این حدیث را آورده و درباره‌اش می‌نویسد: حدیثیصحیح و حسن است. بر پایه این روایت، راوی می گوید:

عمربن خطاب را دیدم که بر حجرالأسود بوسه می‌زند و می گوید:

«در حالی که می‌دانم یک سنگ هستی بر تو بوسه می‌زنم. اگر نبود آن که خود دیده‌ام

۱- عمدهٔ الأخبار فیٔ مدینهٔ المختار، عباسی، احمد عبدالحمید، صص ۹۰- ۸۸ با تلخیص و تصرف از سوی مؤلف.

۲- سنن، ترمذی، ج ۲، ص ۱۷۵

ص:۱۰۰

رسول خداصلی الله علیه و آله بر تو بوسه می‌زند هرگز تو را نمی‌بوسیدم.» «(۱)» ترمذی حدیث دیگر آورده و آن را حدیثی حسن خوانده و ابن خزیمه و ابن حبان نیز درصحیح خود همین حدیث را نقل کرده‌اند. حدیث از ابن‌عباس است که می گوید:

رسول خداصلی الله علیه و آله درباره حجرالأسود فرمود:

«به خداوند سوگند، خداوند آن را در روز قیامت مبعوث خواهد ساخت، در حالی که چشمانی خواهد داشت که بدانها ببیند و زبانی که با آن برای هر کس که آن را به حق استلام کرده است گواهی دهد.» «(۲)» ابن خزیمه درصحیح خود حدیثی دیگر آورده و حاکم نیز آن را از وی روایت کرده و درباره‌اش گفته است: بر شرط و شیوه مسلم، حدیثیصحیح است. این حدیث از جابربن عبداللَّه است که می گوید: به هنگام بالا آمدن آفتاب به مکه درآمدیم. پیامبرصلی الله علیه و آله بر در مسجد رفت و آن جا شتر خویش را خسباند و سپس به مسجد درآمد. از حجر آغاز کرد و آن را استلام فرمود و در این حال دیدگانش پر از اشک شد ...- و حدیث را ادامه داد تا بدان‌جا رسید که می گوید:- سه شوط را هروله کنان و چهار شوط دیگر را با راه رفتن طواف کرد تا آن که طواف را به پایان برد. چون از طواف فارغ شد بر حجر بوسه زد و دستان خود بر روی آن گذاشت و سپس بهصورت خویش کشید. آیا سجده بر حجرالأسودصحیح است؟ ابویعلی فراء، از ابن عمر نقل می کند که گفته است: عمربن خطاب را دیدم که بر حجر بوسه زد و بر آن سجده کرد.

گفتنی است رجال سندِ این حدیث، همه به جز مخزومی که او نیز ثقه است، رجالصحیح هستند و حدیث را بزاز نیز به سندی خوب نقل کرده است.

به هر روی، بر خلاف برخی ادعاهای خاورشناسان که حجرالأسود قطعه‌ای از سنگی آسمانی یا شهاب است، بر پایه روایت‌های اسلامی حجرالأسود یاقوتی سفید از یاقوت‌های بهشت است که به سبب گناهان مشرکان، چهره‌اش سیاه شده است و خداوند آن را در روز قیامت برمی‌انگیزد تا برای همه کسانی که آن را استلام کرده‌اند یا بوسه بر آن

۱- سنن، ترمذی، ج ۲، ص ۱۷۵

۲- الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، منذری، ج ۲، ص ۱۹۳

ص:۱۰۱

زده‌اند گواهی دهد. «(۱)» این سنگ را یا خداوند مستقیماً به سوی ابراهیم رانده تا به وحی الهی آن را در جای معین خود قرار دهد و یا آن که از آغاز در کوه ابوقبیس به امانت قرار داده شده و ابراهیم به هنگام ساختن کعبه آن را از این کوه جدا کرده و در جای معین خود در کعبه نصب کرده است.

حجرالأسود در رکن جنوب شرقی کعبه و در ارتفاع تقریبی یک متر و نیمی از کف مسجد الحرام قرار گرفته و قابی بیضی شکل از نقره خالص، آن را در میان دارد.

توصیف دقیق و کامل حجرالأسود برای ما میسر نیست؛ زیرا آنچه از حجرالأسود اکنون دیده می‌شود، هشت قطعه کوچک با حجم‌های مختلف و بزرگترین آنها به اندازه یک خرماست. روایت می‌شود که این قطعه‌ها مجموعاً پانزده تا بوده که هفت تای آنها در میان خمیر قهوه‌ای رنگ- نگهدارنده‌ای که هر استلام کننده حجرالأسود آن را مشاهده می‌کند و مخلوطی از موم و مشک و عنبر است که بر روی سنگ قیمتی قرار گرفته- پنهان شده است. بنابراین آنچه از حجر دیده می‌شود، در داخل دیوار کعبه قرار گرفته و آنچه آن را در میان دارد سنگ‌های عادی دیوار کعبه است.

ابعاد حجرالأسود را محمد بن نافع خزاعی در هنگامی که قرامطه آن را در سده چهارم هجری از جای کندند دیده و طول آن را یک ذراع روایت کرده و گفته است تنها در قسمت بالای سنگ، سیاهی دیده و سایر قسمت‌های سنگ سفید بوده است.

در روزگار سلطان مراد عثمانی نیز یکی از عالمان مکه به نام ابن علان سنگ را دیده و طول و عرض آن را به ترتیب نیم ذراع و یک سوم ذراع گزارش کرده است.

نخستین کسی که برای حجر قاب نقره ساخت، عبداللّه بن زبیر بود و از آن پس پیوسته خلیفگان و امیران و ثروتمندان نسبت به ساخت قاب از طلا و نقره اقدام کرده‌اند.

آخرین کسی که پیش از دوران سعودی قابی از نقره خالص برای حجرالأسود تقدیم کرد سلطان محمد رشاد خان بود که در سال ۱۳۳۱ ه. ق. بدین کار همت گماشت. در سال

۱- الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، منذری، ج ۲، ص ۱۹۴

ص:۱۰۲

۱۳۶۶ ه. ق. ملك عبدالعزيز قسمتی از این قاب را نوسازی کرد و در سال ۱۳۷۵ ه. ق.

ملك سعود قاب محمد رشاد را با قاب جدید دیگری از نقره خالص جایگزین ساخت.

تصویرص ۱۱۷ کتاب الکعبه المعظمه

ترسیمی است از حجرالأسود که شیخ محمدطاهر کردی خود شخصاً با گذاشتن کاغذی نازك روی حجرالأسود آن را در اوّل ربیع الاوّل سال ۱۳۷۶ ه. ق. رسم کرده و هشت قطعه حجرالأسود در آن پیداست.

رکن یمانی

رکن یمانی رکن جنوب غربی کعبه است و در موازات رکن جنوب شرقی که حجرالأسود را در خود جای داده و طواف خانه از آن آغاز می‌شود قرار دارد. از آن روی که این رکن در سمت یمن واقع است، آن را رکن یمانی نامیده‌اند. استلام این رکن به دست مستحب است، چنان که رسول خداصلی الله علیه و آله این کار را انجام داد.

از ویژگی‌های رکن یمانی آن است که این رکن بر روی همان پی و پایه‌ای که به روزگار ابراهیم بود بنا شده و همچنین درباره آن حدیثی نبوی رسیده است که فرمود:

«دست کشیدن بر حجرالأسود و رکن یمانی تمامی گناهان انسان را فرو می‌ریزد.»

ص:۱۰۳

ناودان کعبه

ناودان کعبه در سمت حجر اسماعیل؛ یعنی در ضلع شمالیِ کعبه، بر پشت بام نصب شده و آب باران یا شست و شوی پشت بام را به حِجْر هدایت می کند.

قریش نخستین کسانی بودنـد که برای کعبه سـقفی و بر این سـقف نـاودانی قرار دادنـد. چنان که گـذشت پیش از این دوران، کعبه دارای سقف نبود و قریش در بازسازی آن در سی و پنج سال پیش از بعثت سقفش را پوشاند.

عبـداللَّه زبیر هم در بازسازی کعبه ناودانی بر آن نصب کرد و حَجّاج هم در بازسازی کعبه ضـمن از میان بردن زوایـد عبـداللَّه زبیر، ناودان را در همان جای پیشین نگه‌داشت.

ازرقی می گویـد: نـاودان چهـار ذراع طول، هشت انگشت عرض و همین انـدازه ارتفـاع دارد. نـاودان به ورقه‌های طلا روکش شـده است و نخستین کسی که آن را دارای روکش طلا ساخت ولید بن عبدالملک بود.

ناودان کعبه بارها تعویض یا تعمیر شده و این خود به دو علت بوده است:

یکی این که: ناودان خراب می‌شده و ناگزیر می‌بایست آن را با ناودانی دیگر جایگزین ساخت.

دیگر آن که شاهان و امیران و ثروتمنـدان مسـلمان ناودان‌هایی نو به کعبه تقـدیم می کردنـد و به ناگزیر این ناودان‌های نو جایگزین ناودان های قدیم می‌شد.

نـاودان کنونی کعبه همان است که به فرمان سـلطان عبدالمجیـد خان عثمانی در قسـطنطنیه ساخته و از آن‌جا به مکه حمل شـد و در سال ۱۳۷۶ ه. ق. نصب گردید. «(۱)» این ناودان دارای روکشی از جنس طلاست. «(۲)» در دوران ملک سعود و در جریان نوسازی سقف کعبه مرمت‌هایی جزئی در این ناودانصورت پـذیرفت و کنگره‌هایی به لبه‌های فوقانی آن افزوده شـد تا مانع نشسـتن پرندگان شود.

۱- عمدهٔ الأخبار، ص ۸۷

۲- در قصهٔ التوسعه ص ۸۷ مقدار این طلا حدود پنجاه رعل گزارش شده است.« مترجم»

ص:۱۰۴

جامه کعبه

جامه یا پوشش کعبه، پارچه‌ای است یک یا چند تکه که کعبه را در خود جای داده و هم دیوارهای آن را از دیده‌ها پنهان ساخته و هم نوعی تزیین برای این خانه به شمار می‌رود.

در طول تاریخ، بسته به عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی، این جامه دارای وضعیت‌های متفاوتی بوده است ...

روایت‌ها در این باره که نخستین بار چه کسی بر کعبه جامه پوشاند گونه‌گون است؛ برخی می‌گویند اسماعیل نخستین کسی بود که کعبه را دارای پوشش کرد. برخی دیگر می‌گویند عدنان بن ادّ، جد اعلای رسول خداصلی الله علیه و آله، نخستین کس بود. اما آنچه در این میان از دیدگاه نگارنده ثابت شده این است که تُبّع حمیری، پادشاه یمن نخستین کسی بود که کعبه را به جامه ستبری که راه راه سیاه و سفید بود پوشاند و پس از او بسیاری از کسان در روزگار جاهلیت بدین کار اقدام کردند و آن را از وظایف آیینی و دینی شمردند؛ از جمله می‌توان از ابوربیعهٔ بن عبداللَّه مخزومی یاد کرد که سالی او و سالی دیگر قریش جامه کعبه را فراهم می‌ساختند.

در دوران اسلام و پس از سوختن جامه کعبه به سبب آتش اسپند یکی از زنان، رسول خداصلی الله علیه و آله جامه‌ای یمانی بر کعبه پوشاند.

پس از رسول خداصلی الله علیه و آله نیز خلفای راشدین کعبه را به پارچه‌هایی مصری که قباطی نام داشت می‌پوشاندند.

در دوران پس از خلفا نیز خلیفگان اموی، عباسی، ممالیک و ترکان بر سر فراهم ساختن جامه کعبه و تفنن در آن، بر همدیگر پیشی می‌جستند. «(۱)» زمانی جامه‌های کعبه یکی بر روی دیگری انداخته می‌شد و جامه‌های کهنه را از دیوارهای کعبه پایین نمی‌کشیدند تا آن که در سال ۱۶۰ ه. ق. و در جریان حج‌گزاردن خلیفه عباسی، کلید داران کعبه از این مشکل به او شکایت بردند و او فرمان داد از آن پس

۱- عمدهٔ الأخبار، ص ۱۰۵، با تصرف و تلخیص از سوی مؤلف کتاب حاضر.

ص:۱۰۵

هیچ‌گاه جامه‌ای نو بر روی جامه کهنه قرار ندهند و همواره تنها یک لایه پوشش بر کعبه باشد که این شیوه تا به امروز ادامه یافته است.

از دوران محمد علی پاشا، حکمران مصر، اداره‌ای دولتی برای ساختن جامه کعبه بنیان گذاشته شد و دولت مصر هزینه‌های انجام این کار را عهده‌دار بود.

این وضعیت تا دوران بنیان‌گذار سعودی، ملک عبدالعزیز، ادامه یافت و در این دوران به فرمان وی کارگاه ویژه برای ساخت پوشش کعبه، در مکه ایجاد شد و با فراهم آمدن همه ابزارهای لازم برای انجام این کار در نیمه سال ۱۳۴۶ ه. ق. رسماً کار کارگاه ساخت جامه کعبه افتتاح شد.

در سال ۱۳۹۲ ه. ق./ ۱۹۷۲ م. همراه با پیشرفت‌هایصنعتی و فن آوری‌های نوین، ملک فیصل فرمان تأسیس کارخانه‌ای جدید را در «ام الجود» مکهصادر کرد. «(۱)» این کارخانه رسماً در ربیع الثانی سال ۱۳۹۷ ه. ق./ ۲۶ مارس ۱۹۷۷ م. به دست ملک فهد که آن زمان ولیعهد بود افتتاح شد. «(۲)»

۱- مکهٔ المکرمهٔ العاصمهٔ المقدسه، اتاق بازرگانی مکه، ص ۷۵

۲- در قصهٔ التوسعه صص ۱۱۰- ۱۰۵ تاریخچه جامع جامه کعبه چنین گزارش شده است:

در این باره که چه کسی برای نخستین بار بر کعبه جامه پوشاند، اختلاف وجود دارد و در روایت‌ها از اسماعیل، عدنان جد پیامبر صلی الله علیه و آله و اسعد حمیری پادشاه یمن سخن به میان آمده است.

آنچه می‌توان به تأکید بیان داشت، این است که ابراهیم پوششی بر کعبه نیاویخت؛ چرا که هیچ روایت صحیحی حاکی از این که ابراهیم بر کعبه جامه پوشانده است نرسیده و به گمان نگارنده دلیل دیگر نیز آن است که ابراهیم پس از ساختن کعبه بی‌درنگ به فلسطین باز گشته و اسماعیل را تنها واگذاشته و از آن پس او عهده‌دار امور کعبه بوده است.

البته روایت صحیحی حاکی از این که اسماعیل بر کعبه پوشش آویخته باشد نیز نرسیده و آنچه وجود دارد تنها روایتی است که نویسندگان سیره و تاریخ آن را از همدیگر گرفته‌اند و فحوایش این است که اسماعیل نخستین کسی است که بر کعبه جامه پوشاند. ما نمی‌توانیم این روایت را نفی کنیم؛ زیرا عقلًا امکان چنین چیزی وجود دارد و از دیگر سوی برهنه گذاشتن کعبه می‌توانسته است موجب ناخوشایندی بینندگان باشد. بنابراین اگر اسماعیل کعبه را به جامه پوشانده باشد این مسأله طبیعی است.

اما پس از اسماعیل سده‌ها و دوره‌هایی بر کعبه گذشته و صفحه‌های کتاب تاریخ کعبه و پوشش آن در این برهه سفید است و هیچ سخنی از آن به میان نمی‌آید تا آن که دوران عدنان فرا می‌رسد و در این مقطع روایتی از این خبر می‌دهد که عدنان کعبه را پوشش ساخته است.

سومین کسی که روایت‌ها از او سخن به میان می‌آورد تبع ابوکرب اسعد پادشاه حمیر است.

میان این سه روایت می‌توان چنین سازگاری ایجاد کرد که گفته شود: اسماعیل به طور مطلق نخستین کسی است که جامه بر کعبه پوشاند عدنان نخستین کسی است که پس از اسماعیل کعبه را به جامه‌ای پوشاند و تبع نخستین کسی است که کعبه را به پارچه‌های راه راه یمنی پوشاند.

به تأکید می‌توان گفت در دوره‌های مختلف تاریخ، جامه‌هایی- صرف نظر از نوع آنها- بر کعبه بوده است، به ویژه آن که می‌دانیم کعبه نزد عرب‌ها مقدس بوده و از دیگر سوی در هر عصری شماری از مؤمنان و گروندگان به آیین ابراهیم در این سرزمین وجود

داشته‌اند.

بنابراین، دور نمی‌دانیم که کعبه در همه دوره‌ها دارای پوشش بوده است؛ چرا که جامه پوشاندن بر آن از کارهای شایسته به شمار می‌رفته و حرمت پرستش گاه‌ها نزد آیین‌های مختلف آن را اقتضا می‌کرده است.

دوران قصی: در روزگار قصی بن کلاب کار پوشش کعبه سامان یافت. او از قبایل خواست در این باره با یکدیگر همکاری کنند و این کار را نیز همانند سقایت حاجیان به صورت مشترک به انجام رسانند.

بدین سان کار با مشارکت قبایل ادامه داشت تا هنگامی که ابوربیعهٔ بن مغیرهٔ بن عبداللّه بن عمر بن مخزوم، جد شاعر معروف عمر بن ابی ربیعه پیشنهادی دیگر به میان آورد. او که بازرگانی ثروتمند بود و با یمن داد و ستد داشت و از آن سرزمین به مکه و دیگر آبادی‌ها پارچه می‌آورد، خواستار آن شد که یک سال قریش جامه کعبه را فراهم سازد و سالی دیگر او آن را برعهده گیرد.

نتیله، دختر حباب، همسر عبدالمطلب و مادر عباس یکی از دیگر کسانی است که به تنهایی عهده‌دار جامه کعبه شد. او که به روایتی فرزند خود عباس و به روایتی دیگر ضرار را گم کرده بود نذر کرد چنانچه فرزندش را بیابد به تنهایی برای کعبه جامه‌ای فراهم آورد. پس چون فرزندش را یافت به نذر خویش وفا کرد و اولین زنی شد که به تنهایی برای کعبه جامه‌ای فراهم ساخت.

روایتی حاکی از آن است که وی کعبه را به دیبا پوشاند و روایتی دیگر می‌گوید: او جامه‌ای سفید بر کعبه آویخت. اگر روایت نخست درست باشد مادر عباس نخستین کسی است که بر کعبه جامه دیبا پوشانده است.

دوران اسلام: ابن حجر در فتح الباری به روایت واقدی از ابراهیم بن ابی ربیعه نقل کرده است که جامه کعبه در روزگار جاهلیت از تکه‌های چرم بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن پارچه‌های یمانی پوشاند، عمر و عثمان آن را به پارچه‌های قبطی پوشاندند و حَجّاج جامه دیبا بر آن کرد.

گفته‌اند که در روزگاری، در هر سال دو بار جامه کعبه نو می‌شد و زمانی هم این کار در هر سال سه بار انجام می‌گرفت. جامه کعبه در سیزده سال دوران دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در چند سالی از دوران هجرت از آنچه غیر مسلمانان هدیه می‌کردند فراهم می‌گشت. در سال فتح مکه، رسول خدا صلی الله علیه و آله پوشش کعبه را تغییر نداد و آن را بر همان وضع که بود واگذاشت. در همین سال زنی با آتشدانی که برای خوشبو کردن آورده بود به جوار کعبه آمد و شراره‌ای از آتش او به پرده‌های کعبه رسید و جامه‌ای که مشرکان بر کعبه پوشانیده بودند به کلی سوخت و کعبه برهنه ماند. پس از چندی مسلمانان به پوشش آن همت گماشتند و از آن روز تا کنون تنها مسلمانان جامه آن را عهده‌دار هستند و غیر مسلمان‌ها در این کار هیچ سهمی ندارند.

دوران خلفای راشدین: یکی از کارهای ابوبکر در دوران خلافت خود، پوشش کعبه به پارچه‌های مصری قباطی بود و پس از او عمر نیز به سفارش وی این کار را ادامه داد.

یکی از یادگارهای عمر نیز آن بود که دیوان امور حکومت را سامان داد و در این چهار چوب مقرر کرد که هزینه‌های فراهم ساختن جامه کعبه از بیت المال تأمین شود.

از آن روزگار به بعد تأمین هزینه این جامه بر عهده حکومت‌ها قرار گرفته و تنها در موارد محدودی کسانی از ثروتمندان یا دولت‌مردان و یا سران کشورهای اسلامی آن را عهده‌دار شده‌اند.

از دیگر کارهای عمر آن بود که به مصر، سرزمینی که در روزگار فرمانروایی وی گشوده شد، نامه نوشت که جامه کعبه را در آنجا ببافند و آن را که از جنس قباطی است به مکه بفرستند.

در روزگار عمر به هنگام پوشاندن جامه نو بر کعبه، پوشش کهنه برداشته می‌شد و وی خود آن را میان مسلمانان قسمت می‌کرد.

عثمان در دوران خلافت خود در این زمینه به همان شیوه که در روزگار عمر مرسوم بود عمل کرد و در دوران او نیز پارچه‌های

پوشش کعبه با هزینه بیت المال در مصر بافته می‌شد.

او نخستین کسی بود که مقرر داشت در سال دو بار پوشش کعبه تجدید شود: بار نخست به پارچه‌های دیبا در روز ترویه؛ یعنی هشتم محرم و بار دیگر به قباطی در روز بیست و هفتم ماه رمضان.

درباره سرورمان امام علی بن ابی‌طالب[علیه السلام] روایتی نرسیده است که بگوید او جامه‌ای بر کعبه پوشاند. البته این نشانگر کوتاهی آن حضرت نیست؛ چه، وی به جنگ‌هایی مشغول بود که حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان وی را بدان ها ناگزیر می‌ساخت.

عبداللّه بن عمر از دیگر کسانی است که از مال خود پوششی برای کعبه فراهم می‌ساخت؛ او قباطی ساخت مصر و حبره‌های ساخت یمن را به شیبهٔ بن عثمان بن طلحه، متولی کعبه تحویل می‌داد تا با آنها برای کعبه جامه‌ای تهیه کند.

روزگار بنی امیه: در دوران معاویهٔ بن ابوسفیان هزینه جامه کعبه از بیت المال تأمین می‌شد و پس از استقرار حکومت اموی، برای معاویه زمینه آن فراهم شد که دو جامه برای کعبه فراهم سازد. او همچنین زمان تجدید پوشش کعبه را تغییر داد تا یک بار در روز عاشورا و به روایتی به پارچه دیبا و دیگر بار در آخر ماه رمضان و به پارچه‌های قباطی انجام گیرد.

یکی از کارهای معاویه که برای نخستین بار انجام می‌شد، آن بود که ماده خوشبو کننده‌ای به کعبه اختصاص داد تا بعد از هر نماز، خانه خدا بدان خوشبو شود. او سالی دو بار این خوشبو کننده را به مکه می‌فرستاد.

خلیفگان اموی سنت پیشینیان خود را ادامه دادند و عمدتاً پس از پوششی که حجاج به فرمان عبدالملک مروان بر کعبه پوشاند، سالی یک بار خانه خدا را به جامه‌ای نو و غالباً دیبا می‌پوشاندند.

عبداللّه بن زبیر: او یکی از آنهاست که روایت‌های تاریخی از آنان به نام نخستین کسانی که کعبه را به جامه دیبا پوشاندند یاد می‌کند. عبداللّه پس از آن‌که خانه را بر پی و پایه‌ای که از دوران ابراهیم بود بناکرد جامه‌ای بر آن پوشاند و آن را به بهترین خوشبو کننده‌ها خوشبو ساخت. او تا پایان حیات خود در سال ۷۳ ه. ق. هر روز کعبه را به یک رطل عطر خوشبو می‌کرد و جمعه‌ها رطلی دیگر نیز می‌افزود.

دوره عباسیان: عباسیان به پوشش کعبه اهتمام خاصی ورزیدند و در جستجوی بهترین بافندگان برای ساخت این پوشش برآمدند و سرانجام شهر تنیس مصر را که در بافتن پارچه‌های گرانقیمت نامور بود برگزیدند و جامه‌ای فاخر از حریر سیاه و با استفاده از ماهرترین بافندگان فراهم ساختند.

کعبه در آن روزگاران هر سال دو بار تجدید جامه می‌شد و در دوره فرمانروایی مأمون این کار در هر سال سه بار انجام می‌گرفت. این رسم از سال ۲۰۶ ه. ق. و به فرمان مأمون برقرار شد و بر طبق آن سه بار در سال جامه بر کعبه پوشانده می‌شد: بار اول در روز ترویه و به دیبای سرخ، بار دوم در اول ماه رجب و به قباطی، و بار سوم در بیست و هفتم ماه رمضان و به حریر سفید.

پوشاندن جامه‌ای از دیبای سیاه بر کعبه از دوران ناصرلدین اللّه خلیفه عباسی که از سال ۵۷۵ ه. ق. حکومت را در اختیار گرفت رسم شد و تا دوران حاضر نیز همین سنت ادامه یافته است.

دوره پس از عباسیان: با ضعف و افول عباسیان، روزگار سختی بر پرده و پوشش کعبه گذشت؛ چه، در این دوران حکومت دارای ثبات کافی و همچنین بودجه‌ای که با آن بتواند امور کعبه را اداره کند نبود و از همین روی گاه کسانی بیرون از دایره حکومت فراهم آوردن جامه کعبه را بر عهده می‌گرفتند.

با پایان یافتن دوران عباسیان به سال ۶۵۶ ه. ق. ملک مظفر پادشاه یمن به تجدید پوشش کعبه همت گماشت و این کار در سال ۶۵۹ ه. ق. انجام شد. پس از او ملک ظاهر بیبرس، که یکی از بزرگترین فرمانروایان عصر ممالیک بود بر کعبه پوششی ساخت و بعدها شاهان یمن و مصر به تناوب عهده‌دار جامه کعبه می‌شدند، با این تفاوت که چند سال پی در پی ملک مظفر این مهم را بر

عهده داشت، سپس کار به تناوب ادامه یافت و سرانجام مصر به تنهایی آن را عهده‌دار شد.

جامه مصری: در سال ۷۵۰ ه. ق. شاه اسماعیل فرزند ملک ناصر بن قلاوون سه آبادی را در مصر وقف کرد تا از عایدات آنها جامه کعبه و همچنین پوشش حجره پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد النبی فراهم شود. بعدها سلطان سلیمان عثمانی هفت آبادی دیگر نیز در مصر خرید و به مجموعه اوقاف شاه اسماعیل ضمیمه کرد.

حتی پس از درآمدن مصر به زیر حکومت عثمانی در سال ۹۲۳ ه. ق. همچنان جامه کعبه در مصر ساخته می‌شد تا هنگامی که محمد علی پاشا قدرت را در مصر در اختیار گرفت و وقف ویژه جامه را منحل اعلام کرد و اداره‌ای دولتی به منظور ساخت پوشش کعبه بنیان نهاد و حکومت مصر عهده‌دار هزینه‌های این مهم شد.

دوره سعودی: در روز چهارم محرم سال ۱۲۱۸ ه. ق./ ۱۸۰۳ م. سعود، فرزند عبدالعزیز به مکه آمد. او هر چند به حج و مراسم پوشش جامه کعبه نرسید اما چون می‌دانست نوآوری‌های فراوانی در کار پوشش کعبه پدید آمده است می‌خواست از تکرار آن در سال‌های بعد جلوگیری کند.

در این دوره، به مدت هفت سال از سوی حکومت مرکزی به کعبه و جامه آن توجهی نمی‌شد و در این مدت، سعود آن را عهده‌دار بود. وی در سال ۱۲۲۱ ه. ق. کعبه را به حریر قرمز، و در سال‌های بعد به دیبای سیاه پوشاند و ازار کعبه و همچنین کمربند را از حریر طبیعی قرمز که به طلا و نقره گلدوزی شده بود قرار داد.

دوران پیش از آل سعود: این دوره؛ یعنی فاصله سال‌های ۱۳۳۳ ه. ق. تا ۱۳۴۳ ه. ق. آکنده از رخدادهای مختلف است. جنگ جهانی در این دوره رخ داد و آشفتگی‌ها و آشوب‌هایی نیز در حجاز به وقوع پیوست. اما همچنان در اغلب سال‌ها جامه کعبه از مصر می‌رسید تا آن که در سال ۱۳۴۱ ه. ق. جامه ساخته شده در مصر باز گردانده و پوشش جدید از استانبول درخواست شد. سرانجام در سال ۱۳۴۳ ه. ق. عبدالعزیز به مکه آمد و تولیت مسجد الحرام، کعبه و جامه کعبه را عهده‌دار شد.« مترجم»

ص:۱۰۶

ص:۱۰۷

ص:۱۰۸

ص:۱۰۹

بعدها بخش جدید نیز به کارخانه افزوده شد: بخش بافت ماشینی، بخش چاپ و تبلیغات، و بخش ساخت پرده‌های داخل کعبه. «(۱)»

مراحل ساخت جامه کعبه

ساخت جامه کعبه در مراحلی چندصورت می‌پذیرد که مهم ترین آنها عبارتند از:

مرحله رنگ‌آمیزی؛ ابریشم خام که بهصورت کلاف وارد می‌شود به رنگ‌های مطلوب درمی‌آید. برای پوشش خارجی کعبه از رنگ سیاه، برای پوشش داخلی و نیز پوشش حجره نبوی از رنگ سبز و برای کمربند حجره نبوی از رنگ قرمز سیر استفاده می‌شود و عملیات رنگرزی با کار آمدترین و جدیدترین شیوه‌ها انجام می گیرد.

۱- مکهٔ المکرمه العاصمهٔ المقدسه، ص ۷۶

ص:۱۱۰

مرحله بافت؛ درگذشته عملیات بافت، تنها بهصورت دستی انجام می‌یافت، اما امروزه همپای پیشرفت‌هایصنعتی، بخش عمده بافت، ماشینی است و در کنار آن همچنان بافت دستی نیز به عنوان نماد اصالت‌های هنری ادامه دارد.

شیوه و مواد به کار رفته در عملیات بافت به دو نوع است:

نوع نخست را که «بافت ساده» نامند، در بافتن کمربند، پرده داخلی- که روی آن با سیم‌های مخصوص گلدوزیصورت می گیرد- و همچنین پارچه آستریِ پوشش کعبه به کار گرفته می‌شود.

نوع دوم که آن را «جاکارد» گویند، برای بافتن آیات قرآن و دیگر عبارت‌هایی که باید روی جامه نقش شود به کار می‌آید. این شیوه شیوه‌ای کاملًا فنی است که دستانی توانمند و هنرمند می‌طلبد.

مرحله چاپ؛ در گذشته برای ثبت نوشته‌ها بر روی پوشش کعبه از روشی ابتدایی که آن را «ترب» می‌نامیدند، استفاده می‌شد. این شیوه وقت فراوانی را به هدر می‌داد و دشواری‌هایی نیز به همراه داشت. از همین روی مدیریت کارخانه بخشی ویژه برای چاپ تدارک دید و امروزه این کار با استفاده از رنگ‌های پیش ساخته و با شاولون و تور ابریشمی (سیلک اسکرین) انجام می گیرد.

مرحله زری دوزی؛ که یکی از عمده‌ترین مرحله‌هاست و درآن، مشخصه‌های انحصاریِ پرده کعبه بر روی پارچه‌های مخصوصی ایجاد می‌شود. این مرحله شامل زری دوزی وبافت برجسته کلمه‌ها ونقش ونگارهای ساده اسلامی بااستفاده از سیم‌های نقره و طلاست. از آن‌جا که ایجاد این نقش و نگارها و نوشته‌ها با ماشین امکان‌ناپذیر است این کار دستی انجام می گیرد و گاه ضخامت زری دوزی به دو سانتیمتر می‌رسد. «(۱)» مرحله ترکیب؛ در این مرحله که آخرین مرحله است، پارچه‌های «جاکارد» به یکدیگر دوخته می‌شود تا جوانب چهار گانه جامه را تشکیل دهد. سپس کمربند کعبه و همچنین پرده در روی آن، در جای مخصوص ترکیب می‌شود تا مجموعاً جامه کعبه برای

۱- مجلة عالم السعوديه، سال سوم، ۱۹۹۳ م. ص ۱۸

ص:۱۱۱

نصب آماده باشد. «(۱)»

مشخصات جامه کعبه

این جامه از ابریشم طبیعی خالص که به رنگ سیاه رنگ‌آمیزی شده است، تهیه و عبارت‌های: «لا الهَ الّا اللَّه»، «محمّدٌ رسول اللَّه»، «اللَّه جلّ جَلالُهُ»، «سبحان اللَّه و بحمدِهِ»، «سبحان اللَّه العظیم»، «یا حنّان» و «یا منّان» به شیوه جاکارد و در لوزی‌های کشیده گلدوزی می‌شود.

ارتفاع جامه ۱۴/۵ متر است و در یک سوم بالای آن، کمربند کعبه را که ۹۵ سانتیمتر عرض دارد مشاهده می‌کنیم. در پایین کمربند و در گوشه‌های کعبه سوره اخلاص در قاب‌های مربع شکل بر روی جامه گلدوزی شده است. این کتیبه‌ها را «صمدیه» گویند.

همچنین در پایین کمربند و در خطی موازی باصمدیه‌ها شش کتیبه وجود دارد که آیات قرآن بر آنها نقش بسته و در فاصله میان این کتیبه‌ها نیز کتیبه‌های کوچک قندیل شکلی به چشم می‌خورد که عبارت‌های: «یا حیّ یا قیّوم»، «یا رحمن یا رحیم» و «الحمد للَّهِ رَبِّ العالمین» بر روی آنها گلدوزی شده است.

تزیین جامه کعبه به این کتیبه‌ها، که همه به خط ثلث نوشته و بر روی جامه بهصورت برجسته گلدوزی و با سیم‌های مسی زراندود تثبیت شده‌اند، از دوره سعودی رایج شده است. «(۲)»

هزینه‌های ساخت جامه

هزینه فراهم ساختن یک جامه؛ اعم از خرید مواد اولیه و دستمزدها، به حدود ۱۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال سعودی می‌رسد. در هر جامه حدود ۶۷۰ کیلوگرم ابریشم خالص

۱- . مکهٔ المکرمهٔ العاصمهٔ المقدسه، ص ۱۷.

گفتنی است به روایت قصهٔ التوسعه ص ۱۲۴ برای ساخت کل پوشش کعبه مجموعاً ۴۵۰ کیلوگرم حریر خالص استفاده می‌شود و کل سطح این جامه ۶۵۸ متر مربع می‌شود که از ۴۷ طاقه پارچه هر کدام به طول ۱۴ متر و عرض ۹۵ سانتیمتر فراهم می‌آید.« مترجم»

۲- مکهٔ المکرمهٔ العاصمهٔ المقدسه، ص ۷۶

ص:۱۱۲

مصرف می‌شود که از آنها ۴۷ طاقه پارچه، هر یک با عرض ۹۵ سانتیمتر و ۱۴ متر تهیه شده و جامه از این پارچه فراهم می گردد. یـاد آور می‌شود شـمار کـارگرانی که در کارخـانه ویژه سـاخت جامه کعبه به کار مشـغولند از ۱۶ نفر در ابتـدای تأسیس، در حال حاضر به ۲۴۰ نفر رسیده است.

پرده داخلی کعبه

در کارخانه ساخت جامه کعبه، بخش ویژه‌ای تأسیس شـده که مسؤولیت بافت پرده داخل کعبه و نیز جامه فوقانی حجره نبوی را بر عهـده دارد. از آن جا که در مراحل مختلف کار، به دقت و مهارت فراوانی نیاز است، عمده کارها بهصورت دستی انجام می گیرد و بخشی نیز به ماشین‌هایی وارداتی که متناسب با نوع کار تغییراتی در آنها ایجاد شده است سپرده می‌شود.
کـار بـافت و آمـاده کردن این پرده شامل مراحل مختلفی؛ از قبیل فراهم کردن حریر طبیعی، بافت پارچه‌ها، رنگ‌آمیزی و مشـخص کردن خطوط و اشکال بر روی پارچه‌ها، زر دوزی این خطوط و اشکال با سیم‌های نقره‌ای و طلاست. «(۱)»

۱- عمدهٔ الأخبار، ص ۱۱۶

گفتنی است بنا بر روایت قصهٔ التوسعه ص ۱۱۷ مراحل فراهم آوری پرده داخلی کعبه از این قرار است:

الف- مرحله اول همانند نخستین مرحله در فراهم آوری پوشش بیرونی کعبه است و شامل تهیه ابریشم خام و رنگ‌آمیزی آن است، با این تفاوت که در این مرحله ابریشمی که بناست برای ساخت پرده داخلی به کار گرفته شود به رنگ سبز رنگ می‌شود.

ب- مرحله بـافت نیز هماننـد بافت پوشـش بیرونی انجام می گیرد، با این تفاوت که برای پرده داخلی کعبه از پارچه ابریشم ساده سبز استفاده می‌شود.

ج- پس از پایان بافت پارچه، اشکال و خطوطی که می‌بایست بر پرده زر دوزی شود به وسیله چاپ سیلک مشخص می گردد.

د- در این مرحله که دقیق‌ترین و طولانی‌ترین مرحله است، زر دوزی برجسـته نقش‌ها و خطوطی که پیشتر با سـیلک مشـخص شـده است با سیم‌های طلا و نقره انجام می‌پذیرد.

اما آیات و عبارت‌هایی که بر پرده داخلی نقش می‌شود عبارتند از:

*- لااِلهَ الّا اللّه، محمدٌ رسول اللّه.

*- إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدىً لِلْعَالَمِينَ.

*- قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِی السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

*- یا حَنّان یا منّان یا ذاالجلال و الإکرام.

این نوشته‌ها به رنگ سفید بر روی پارچه سبز نقش می‌بندد.

پرده داخلی کعبه دیوارهای این خانه و همچنین سقف آن را از داخل می‌پوشاند. ابعاد این پرده بدین شرح است:

۱- سمت حجر اسماعیل: ۸۰/ ۵ متر

۲- سمت مقابل؛ یعنی میان دو رکن حجرالأسود و رکن یمانی: ۴۰/ ۸ متر

۳- سمت باب ابراهیم: ۲۰/ ۱۰ متر

۴- ارتفاع پرده: ۵۰/ ۷

۵- مساحت پرده سقف: ۹* ۱۴ متر

۶- افزون بر این جامه، هر یک از ستون‌های سه گانه که قطر هر ستون ۱۶۰ سانتیمتر است.

پرده داخلی کعبه بین هر سه تا پنج سال تعویض می‌شود و نخستین پرده ساخت کارخانه ویژه در سال ۱۴۰۳ ه. ق. در درون کعبه نصب شده است.« مترجم»

ص:۱۱۳

پرده در کعبه

بخشی از پوشش کعبه پرده‌ای است که مقابل در از بیرون آویخته است.

برای نخستین بـار در سال ۸۱۰ ه. ق. پرده‌ای نقش‌دار بر در کعبه آویخته شـد و از آن زمـان تـا کنون جز در فاصلـه سال‌های ۸۱۶ تا ۸۱۸ ه. ق. همواره پرده آویخته بر در کعبه نقشدار بوده است.

این‌پرده ازحریر سیاه ساخته می‌شـود ولاـیه آستـرآن پـارچه حریر سبز کلفت است. بر روی این پرده نیز نقش ونگارهـایی اسـلامی وآیاتی ازقرآن وهمچنین عبارت‌های حاکی از تاریخ ساخت بهصورت برجسـته و با اسـتفاده از نـخ‌های نقره زرانـدود ثبت می‌شود. «(۱)»

۱- . درباره پرده در کعبه در قصـهٔ التوسـعه صـص ۱۱۶- ۱۱۳ چنین آمـده است: پرده از پنـج پاره تشـکیل شده که بالای هم دوخته شده‌اند و سپس آستر و لایه داخلی به پشت آنها دوخته شده است.

اما جمله‌ها و آیاتی که بر این پرده نوشته شده از قرار زیر است:

الف- پاره اول: بر این پاره که بخش فوقانی پرده کعبه را تشکیل می‌دهد به ترتیب جمله‌های زیر نقش بسته است:

۱- در بالای این قطعه در وسط، میان دایره‌ای کوچک:« اللَّهُ حَسْبی»

۲- موازی همین دایره در دایره کوچک دیگری در گوشه سمت راست:« اللَّهُ رَبّی»

۴- موازی همین دایره در دایره کوچک دیگری در گوشه سمت چپ:« اللَّهُ رَبّی»

۵- میان این سه دایره و به موازات آنها در داخل دو قاب مسـتطیل شکل به ترتیب در قاب سمت راست عبارت قرآنی: قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ ... و در قاب سمت چپ عبارت: فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا.

۶- در زیر این ردیف و داخـل قاب بزرگی که از کناره راست تا کناره چپ متن این قطعه را در برمی‌گیرد عبارت: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَسَارِعُوا إِلَی مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ.

۷- در حاشیه سـمت راست و در زیر دایره کوچکی که عبـارت« اللَّهُ رَبّی» بر آن نقش شـده است، به صورت عمودی از بالا به پایین آیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ نقش شده است.

۸- به موازات این عبارت در قاب حاشیه سمت چپ از پایین به بالا آیه غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّینَ نقش شده است.

۹- در پایین این قطعه آیه: اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ چهار بار و در داخل چهار طرح جقه بته مانند گلدوزی شده است.

ب- پاره دوم: بر این پاره که از بالا به پایین دومین قطعه پرده است، عبارت‌ها و آیات زیر نقش بسته است:

۱- در حاشـیه بالای آن، هماننـد قطعه اول در سه دایره کوچک و به ترتیب از راست به چپ عبارت‌های:« اللَّه رَبّی»،« اللَّه حَسْبی» و« اللَّه رَبّی».

۲- در قاب متن این قطعه و پایین حاشیه، عبارت: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْیَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِینَ.

۳- در حاشـیه بالا و به موازات دایره‌هایی که عبارت‌های:« اللَّه حَسْبی» و« اللَّه رَبّی» در آنها نقش شـده در دو کادر سـمت راست در دو سطر عبـارت: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، اللَّهُ لَاإِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَاتَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِی السَّمَوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا

الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ.

۴- به موازات آن در قاب دیگری در سمت راست ادامه آیه: مَا فِی السَّمَوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا ....

۵- در حاشیه سمت راست در قابی مستطیل شکل از بالا به پایین: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ که نخستین آیه سوره حمد است.

۶- در حاشیه سمت چپ در قابی مستطیل شکل از پایین به بالا عبارت: أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ.

ج- پاره سوم:

۱- در حاشیه بالای آن در دو دایره کوچک در سمت راست و چپ:« اللَّهُ رَبّی»

۲- در همین حاشیه در قاب سمت راست و در دو سطر ادامه آیهٔ الکرسی: خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا یَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ* لَاإِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنْ الغَیِّ.

۳- در همین حاشیه در قاب سمت چپ و در دو سطر ادامه آیهٔالکرسی: وَلَا یَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ* لَاإِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنْ الغَیِّ.

۴- در متن مربع شکل وسط و در لنگه راست سوره توحید دایره‌ای را تشکیل داده و در وسط این دایره نیز جمله بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ جای گرفته است.

۵- در متن مربع شکل وسط و در لنگه سمت چپ آیه: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً دایره‌ای را تشکیل داده و در وسط این دایره نیز جمله بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ جای گرفته است.

۶- در حاشیه سمت راست و در قابی مستطیل شکل از بالا به پایین ادامه سوره حمد: الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ.

۷- در حاشیه سمت چپ و در قابی مستطیل شکل از پایین به بالا، بخش دیگری از حمد: صِرَاطَ الَّذِینَ.

د- پاره چهارم: در این قطعه آیه‌ها و عبارت‌های زیر نقش شده است:

۱- در متن نیمه راست و در داخل قاب مستطیل شکل عبارت:« لا اله الّا اللّهُ الْمَلِکُ الْحَقّ المُبینُ».

۲- در متن نیمه چپ و در داخل قاب مستطیل عبارت:« مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصَّادِقُ الْوَعْدِ الأمینُ».

۳- در متن نیمه راست و در داخل قاب مستطیل شکلی که ردیف دوم را تشکیل می‌دهد عبارت: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ لِإِیلَافِ قُرَیْشٍ.

۴- در متن نیمه چپ و در داخل قاب مستطیلی، به موازات آن عبارت: إِیلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّیْفِ.

۵- در متن نیمه راست و در داخل قاب مستطیل شکلی که سوّمین ردیف را تشکیل می‌دهد، عبارت فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ* الَّذِی أَطْعَمَهُمْ.

۶- در متن نیمه چپ و در داخل قاب مستطیلی به موازات آن عبارت: مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

۷- در حاشیه سمت راست و در قاب مستطیل شکل از بالا به پایین عبارت: مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ

۸- در حاشیه سمت چپ و در قاب مستطیل شکل از پایین به بالا عبارت: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ

۹- در حاشیه پایین این قطعه در لنگه راست به ترتیب عبارت‌های:« اللَّه رَبّی» إِیَّاکَ نَعْبُدُ و« اللّه حَسْبی»

۱۰- در حاشیه پایین همین قطعه و در لنگه چپ به ترتیب عبارت‌های« اللّهُ حَسْبی» وَإِیَّاکَ نَسْتَعِینُ و« اللَّهُ رَبّی»

ه- پاره پنجم: در این قطعه که قطعه پایین پرده است، تاریخ و مکان ساخت پرده و نام خدمتگزار دو حرم ثبت شده و این عبارت در آن آمده است:

« صنعت هذه الستارهٔ فی مَکّهٔ المکرّمهٔ و اهداها الَی الکعبهٔ المشّرفهٔ خادم الحرمین الشریفین فهد بن عبدالعزیز آل سعود تقبل اللّه

منه.»« مترجم»

ص:۱۱۴

ص:۱۱۵

ص:۱۱۶

در پایین آیه‌های قرآنی که بر پرده ثبت شـده، این عبارت در دو قاب جداگانه آمده است: «صـنعت هذه السـتارهٔ فی مکّهٔ المکرّمهٔ و اهداها الَی الکعبهٔ المشـرّفهٔ»، «خادم الحرمین الشـریفین الملک فهد بن عبدالعزیز آل سعود تقبل اللَّه منه.» «(۱)» گفتنی است طول این پرده شـش متر و نیم و عرض آن سه متر و نیم است و از پنـج قطعه تشـکیل شده که سـر هم دوخته شده‌اند و سـپس از پشت آستری پارچه‌ای بر آن دوخته شده است. «(۲)»

کمربند کعبه

تصویرص ۱۱۷ کتاب الکعبه المعظمه

تصویر یکی از قندیلهای برجسته روی پوشش کعبه

کمربند در یک سوم بالای جامه کعبه واقع شده، عرض آن ۹۵ سانتیمتر است و بر آن آیاتی از قرآن کریم به خط ثلث ترکیبی و در قاب‌های کتیبه مانند نقش شده است.

نقش‌های روی کمربند برجسته و فراهم آمده از سیم‌های نقره طلا اندود است.

کمربنـد دور تـا دور جـامه کعبه را در بر گرفته، طول آن ۴۷ متـر، عرض آن ۹۵ سـانتیمتر و دارای ۱۶ قطعه (کـتیبه) است که در هر ضلعی از ضلع های چهارگانه کعبه، چهار قطعه قرار می گیرد.

در پایین کمربند بر روی جامه کعبه و در

۱- فی خدمهٔ ضیوف الرحمن، وزارت ارشاد عربستان، ص ۵۶

۲- عمدهٔ الأخبار، ص ۱۱۳

ص:۱۱۷

هر ضلع از آن، دو کتیبه و سه قندیل قرار دارد، جز در سمت باب ملتزم که تنها دارای یک کتیبه بزرگ به نام «اهداء» است و بدین ترتیب جمع کتیبه‌ها هفت قطعه و جمع قندیل‌ها دوازده مورد می‌شود.

در هر یک از ارکان کعبه، بر روی جامه این خانه، کتیبه هایی مربع شکل نقش بسته که آنها را «صمدیه» نامند و بر هر یک سوره اخلاص گلدوزی شده است.

بر روی هر چهار طرف کمربند آیه‌هایی از قرآن ثبت شده است. «(۱)»

۱- در قصهٔ التوسعه صص ۱۱۹- ۱۱۸ در این باره آمده است: به کمربند کعبه، آیه‌های زیر گلدوزی شده است:

الف- سمت باب الملتزم:

*- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم، وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلّيً.

*- وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.

*- وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

*- رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

*-« صنعت هذه الكسوة فى مكة المكرمة واهداها الى الكعبة المشرّفة خادم الحرمين الشريفين الملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود تقبل اللّه منه».

ب- سمت حجر اسماعیل:

*- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم، الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ.

*- ومَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُوْلِى الْأَلْبَاب.

*- لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ.

*- وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ.

*- ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ.

*- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم، نَبِّئْ عِبَادِى أَنِّى أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

*- قالَ تعالى: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ.

ج- سمت باب ابراهیم؛ یعنی سمتی که مقابل در کعبه است:

*- وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَاتُشْرِكْ بِى شَيْئاً وَطَهِّرْ بَيْتِى لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.

*- وَأَذِّنْ فِى النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.

*- لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِى أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا.

- وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

*- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم، وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيراً.

*- قالَ اللَّهُ تَعالى: وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءاً أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدْ اللَّهَ غَفُوراً رَحِيماً.

د- سمت میان دو رکن حجرالأسود و یمانی:

*- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم، قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

*- إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدیً لِلْعَالَمِينَ.

*- فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً.

*- وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنْ الْعَالَمِينَ.

*- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ.

*- قالَ تَعالی وَإِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى.« مترجم»

ص:۱۱۸

محصولات مختلف کارخانه بافت جامه کعبه

در گذشته، سالی یک بار جامه کعبه عوض می‌شد. اما اکنون این کار در هر سال دو بار انجام می‌شود. این جامه و همچنین یک جامه کامل برای احتیاط و رویارویی با وضعیت‌های پیش بینی نشده و همچنین آسترهای این پوشش و کمربند آن، در کارخانه جامه کعبه تهیه می گردد.

فعالیت تولید این کارخانه را می‌توان چنین فهرست کرد:

۱- بافت و آماده سازیِ جامه بیرونیِ کعبه، که اصلی‌ترین کار است و با دقت و مهارتِ تمامصورت می‌پذیرد.

۲- بافت و آماده سازی پرده داخلی با همان دقت و مهارت.

۳- بافت پارچه‌های حریر سیاه ساده برای تهیه کمربند و هدیه‌های زربفت از آنها.

۴- بافت پارچه‌های ساده سبز و سفید برای آستر و نیز پرده‌های داخلی کعبه.

۵- بافت و آماده سازی جامه‌ای کامل به منظور احتیاط.

۶- بافت پرچم عربستان سعودی مطابق با آیین نامه خاص و با رعایت مشخصات فنی اعلام شده از سوی کمیته فنی مشخصات و مقیاس‌ها.

گلدوزی پرچم، خود نوع ویژه‌ای از به کارگیری ابزارهای گلدوزی ماشینی را با دقت و مهارت ویژه می‌طلبد.

۷- تولید هدیه‌های زربفت؛ این هدیه‌ها که قطعه‌های کوچک پارچه‌ای است و

ص:۱۱۹

نام‌های خداوند و آیات قرآن به همان شکل وشیوه‌ای که بر روی جامه کعبه وجود دارد بر روی آنها با نخ‌های نقره‌ای و طلایی رنگ گلدوزی می‌شود، پیشتر به تعداد کمی تولید می‌شده اما در سال‌های اخیر میزان این تولید چند برابر شده است تا بتوان همه آنچه را برای تقدیم به میهمانان کشور عربستان لازم است فراهم ساخت و همه نیازی را که در این زمینه وجود دارد پوشش داد.«(۱)» بنا به گزارش «البلاد» در شماره چهارشنبه، ششم ذی‌قعده سال ۱۴۱۸ ه. ق. از سوی ملک فهد فرمانی برای نوسازی دستگاه‌های کارخانه بافت جامه کعبه صادر گردید و ماشین‌های جدیدی نیز بدین منظور وارد شد.

اوصاف داخل کعبه

در داخل کعبه، در رکن شامی و در سمت راست کسی که به درون کعبه می‌آید، پلکانی وجود دارد که به بام می‌رسد. این پلکان در داخل اتاقکی بدون پنجره قرار گرفته و دیوار کعبه، ضلع‌های شرقی و شمالیِ آن را تشکیل می‌دهد و برای دو ضلع دیگر دیواری جداگانه در داخل کعبه ساخته شده است. بنابراین، در داخل کعبه پله‌ها به چشم نمی‌آید و آنچه دیده می‌شود همین اتاقک است. این اتاقک دارای در است و آن در قفلی ویژه دارد و در جلوی آن نیز پرده

۱- عمدة الاخبار، ص ۱۲۶

گفتنی است در این باره در قصة التوسعه ص ۱۲۶ چنین آمده است:

درگذشته، کارخانه بافت جامه کعبه شمار محدودی از هدیه‌های کوچک را که بر آنها عبارت‌های« اللَّه حسبی»،« اللَّه ربّی» و« اللَّه جلّ جلاله» با نخ‌های نقره‌ای و طلایی گلدوزی شده بود تولید می‌کرد. این تولید در سال ۱۳۹۵ ه. ق. متوقف گردید و از آن به بعد تولید هدیه‌ها با اشکال و نقوش و خطوطی همانند آنچه بر جامه کعبه است و با نوشته‌هایی از قبیل« الحمد للَّه‌ربّ العالمین»،« یا رَحمن یا رحیم» و« یا حیّ یا قیّوم» صورت گرفت و افزون بر این قطعه، کتیبه‌هایی همانند کتیبه‌های بخش پایین‌تر از کمربند در روی جامه کعبه، تولید شد.

تولید این هدیه‌ها سال به سال افزایش یافت، به گونه‌ای که برای نمونه در سال ۱۴۰۹ در مقایسه با سال ۱۴۰۰ شاهد ۵۰۰٪ افزایش هستیم، در این سال ۵۰۰ هدیه تولید شد که ۱۰۰ قطعه از آن کتیبه‌هایی همانند با کتیبه‌های پایین کمربند جامه کعبه است و این رقم با تولید سه کمربند کامل برابری می‌کند.« مترجم»

ص:۱۲۰

حریر زیبایی که با رشته‌های طلا و نقره بر آن خطوط و رسومی نقش بسته، آویخته شده است.

عرض دیوار جنوبی اتاقک پلکـان، که درِ اتاقک نیز در همین ضـلع قرار دارد، ۲۲۵ سـانتیمتر و عرض دیوار غربی آن ۱۵۰ سانتیمتر است. هنگامی که از پله‌ها بالا بروید تقریباً به اندازه یک قد مانده به سـقف، دری کوچک در سمت روبرو و دری دیگر همانند آن در سمت چپ دیده می‌شود. این دو در، به فضای میان سقف تحتانی و سقف فوقانی کعبه که با همدیگر ۱۲۰ سانتیمتر فاصله دارند، راه می گشاید. در بالای پلکان روزن یا

تصویرص ۱۲۹ کتاب الکعبه المعظمه

برشی از کعبه و قسمتهای داخلی آن، پیش از مرمت اخیر

ص:۱۲۱

نورگیری وجود دارد که برای جلوگیری از ورود باران، پوشش بر روی آن قرار گرفته است و برای رفتن به بالای بام برداشته می‌شود.

در داخل کعبه سه ستون چوبی با چوب‌های بی‌نظیر قهوه‌ای مایل به سیاهی وجود دارد که از دوران عبداللَّه زبیر تاکنون؛ یعنی ۱۳۵۰ سال، بر جای مانده و سقف کعبه بر روی آنها استوار است.

قطر هر ستون ۴۴ سانتیمتر و محیط هر کدام تقریباً ۱۵۰ سانتیمتر است و قاعده آنها چوبی، مربع شکل و کنده کاری شده است.

در ارتفاعی مناسب میله‌ای میان ستون‌های سه گانه وجود دارد که برخی از هدیه‌های کعبه بدان آویخته می‌شود. در بالای هر یک از ستون‌ها تیرکی است که دو سر آن در دیوارهای شمالی و جنوبی کعبه محکم شده است.

ستون‌های سه گانه داخل کعبه تنها تا زیر سقف تحتانی امتداد دارد و به زیر سقف فوقانی نمی‌رسد.

در فاصله میان سقف‌های تحتانی و فوقانی ستون‌های چوبی باریک‌تر و بیشتری برای نگهداری سقف فوقانی قرار داده شده و پایه برخی از این ستون‌ها با واسطه بر روی ستون‌های سه گانه قرار گرفته است.

در پایین هر یک از ستون‌های سه گانه، که عمده وزن سقف را تحمل می‌کنند، طوقی برای تقویت قرار داده شده است.

سنگفرش کعبه و سنگِ نمای دیوارها از داخل

کف کعبه با سنگ‌های مرمر که بخش عمده آن سفید و باقی مانده‌اش رنگی است فرش شده و دیوار نیز از سمت داخل به سنگ نمای مرمر روکش شده و این سنگ‌ها دارای نقش و نگارهای ظریفی است.

دیوارها و سقف کعبه از داخل به پرده‌ای از حریر قرمز گلی پوشانده شده و بر این حریر عبارت‌های: «لا الهَ الّا اللَّه» و «محمّدٌ رسول اللَّه» و نیز برخی از نام‌های خداوند در

ص:۱۲۲

قاب اشکال ۷ و ۸ با نخ سفید گلدوزی شده است.

تصویرص ۱۳۱ قصهٔ التوسعه

پلان برش افقی کعبه

لوح‌های سنگی یادمان

در داخل کعبه نُه لوح مرمر وجود دارد که بر هشت تای آنها با خط ثلث کنـده کاری شده و در یکی دیگر با خط کوفی برجسـته و به شیوه همانند معرق کاری و با قطعه‌های رنگی سنگ‌های قیمتی متنی نقش بسته است.

تمامی این نُه لوح در سده ششم هجری نوشته شده است.

اما در دیوار شـرقی کعبه و میان در اصلی و باب التوبه [در پلکان داخلی] لوح بزرگی وجود دارد که یادمان توسعه دوران ملک فهد است و بدین ترتیب شمار لوح‌های سنگی

ص:۱۲۳

موجود در داخل کعبه به ده مورد می‌رسد.

این لوح‌ها هر کدام ۱۴۴ سـانتیمتر بالا-تر از کف کعبه قرار دارنـد، به جز لوحی که بر بالای سـر درِ کعبه قرار گرفته که در ارتفاعی افزون بر دو متر است.

تصویرهای زیر لوح‌های یادمان داخل کعبه را نشان می‌دهد:

لوح‌ها یادمان شماره .... ازص ۱۳۲ الکعبهٔ المعظمه

ص:۱۲۴

فصل پنجم: آخرین توسعه و مرمت کعبه

مرمت سطح خارجی کعبه

همه می‌دانند کعبه بنایی است در میان مسجد الحرام که هیچ بنای دیگری از آن حفاظت نمی‌کند و گرچه جامه‌ای به منظور زیبایی و نیز محفوظ ماندن، بر آن پوشانده شده، اما این خانه همچنان در معرض عوامل طبیعی و فرساینده مختلفی به ویژه عوامل جوّی است که در شکل فرایندهای شیمیایی یا مکانیکی بر آن اثر می‌گذارند.

از آخرین مرمت کلّی کعبه در سال ۱۰۴۰ ه. ق. نزدیک به چهار سده بر آن گذشته و از این روی، در اثر عوامل فرساینده طبیعی، بر روی سنگ‌های دیوار پوسته‌ها و شکاف‌های ریزی پدید آمده و در بند کشی میان سنگ‌ها نیز، خواه در قسمت‌های بالا و خواه در قسمت‌های پایین دیوارها، درزها و شکستگی‌هایی پدیدار شده بود.

از این روی، در اوایل ذی حجه سال ۱۴۱۴ ه. ق. طی دستوری مرمت شکاف‌ها و بر طرف کردن پوسته‌ها و اقدام‌های لازم دیگری که در نوسازی دیوار کعبه نیاز است آغاز شد.

مراحل کار بدین شرح انجام پذیرفت:

۱- بندکشی میان سنگ‌ها، تا جایی که لازم بود و به اصل بنا نیز آسیب نمی‌رساند برچیده شد و آن‌گاه شکاف میان سنگ‌ها کاملًا پاکسازی و تمیز گردید.

ص:۱۲۵

در جریان کار در لابه لای سنگ‌ها مقداری رطوبت به چشم آمد که احتمالًا از عوامل طبیعی و آب و هوایی سرچشمه می گرفت. این رطوبت نیز برطرف گردید.

همچنین در قسمت‌هایی از درز سنگ‌ها آثار موریانه وجود داشت که آنها نیز از میان رفت.

۲- پس از تمیز کردن درزهای میان ردیف‌های سنگ به تنظیف رویه سنگ‌ها و زدودن پوسته‌ها و خالی کردن اطراف شکاف‌ها و رخنه‌ها اقدام شد. پس از آن سنگ‌ها را شستند و به وسیله ماشین‌های مخصوص خشک کردند.

۳- سپس مطالعاتی در مورد مشخصات و ترکیب سنگ‌های دیوارهای کعبه و تطابق این مشخصات با کوه‌های معروف مکه انجام گرفت تا سازگارترین سنگ‌ها برای ترمیم انتخاب شود. پس از آن از سازگارترین سنگ‌ها خمیری تهیه و ضمن آمیختن آن به مواد شیمیایی ویژه، به داخل قالب‌هایی هم‌شکل با پوسته طبیعی سنگ که بر روی سنگ‌های نیازمند مرمت قرار داده شده بود تزریق شد و بدین وسیله قسمت‌های کنده شده از سنگ‌های کعبه و نیز درزها و شکاف‌های آن مرمت شد؛ به گونه‌ای که رویه جدید، درست همانند ظاهر طبیعی سنگ به چشم می‌آید.

۴- سپس به درون فواصل طبیعی میان ردیف‌های سنگ که بندکشی‌های قبلی‌اش برداشته شده بود، ملاط مخصوصی به وسیله دستگاه تزریق شد تا همه درزها را پر کند آنگاه با همین ملاط مخصوص بندکشی‌های جدید بهصورت برجسته انجام پذیرفت.

هدف از انتخاب این نوع بندکشی نیز کمک به ماندگاری و مقاومت بیشتر سنگ‌ها در برابر عوامل طبیعی بود.

همچنین به منظور یکسان سازی شکل مستطیل‌هایی که پس از بندکشی رخ می‌نمود، در جاهایی که سنگ‌های بزرگ و یکپارچه در مسیر وجود داشت، خط بندکشی روی سطح سنگ بهصورت برجسته ادامه می‌یافت تا در نهایت دیوار کعبه شکلی همسان و هماهنگ به خود گیرد.

بدین ترتیب پس از پایان این مرمت، دیواری نو رخ نمود، هر چند آن همان دیوار پیشین بود که دستان هنرمندی بدان چنین چهره‌ای تازه می‌بخشید.

ص:۱۲۶

مرمّت داخلی کعبه

مقدمات کار: در سال ۱۴۱۵ ه. ق. مرمت بیرونی دیوار کعبه به پایان رسید. این کار بدون نصب دیوارهای کارگاهیِ موقت و تنها با داربست‌های رو بازصورت پذیرفت و مجموعه عملیاتی که انجام می‌شد در معرض دید زائران و حاجیان بود.

انجام موفقیت‌آمیز مرمت بیرونی دیوار، عامل برانگیزاننده‌ای بود تا دست‌اندرکاران را به اهتمام هر چه بیشتر به ترمیم وضع داخلی دیوارها و پایه‌ها و سقف کعبه وادارد تا این خانه در آینده گرفتار خرابی‌ها یا مشکلاتی که شایسته چنین بنایی تاریخی و دینی نیست نشود، به ویژه آن که در جریان مرمت بیرونی روشن شده بود که موریانه و دیگر حشرات و همچنین عوامل آب و هوایی و رطوبت، خرابی‌هایی به بار آورده بود که هیچ دور نمی‌نمود توانسته باشد به درون دیوار و پی و پایه آن نیز نفوذ کرده باشد.

بنابراین، در چهار چوب سیاستِ «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد» مطالعات و پژوهش‌های علمی، فنی و مهندسی دقیقی در داخل کعبه آغاز شد تا وضعیت آن به درستی روشن شود و نسبت به چگونگیِ اقدام‌هایی که باید انجام گیرد، اطمینان به دست آید؛ چه، وضع ظاهری دیوار و خانه نمی‌توانست در این زمینه اطمینانی به دست دهد و چه بسا بناهایی که در ظاهر نشانی از خرابی ندارد اما در درون آن خوردگی و دیگر عوامل طبیعی بنا را در آستانه نابودی قرار داده است. این مطلب هنگامی حساس‌تر می‌شود که عامل فرساینده حشرات و عواملِ طبیعی باشد. افزون بر این که می‌دانیم بخش‌هایی از دیوارِ کعبه از داخل با لوح‌های سنگی یادمان پوشیده شده و در پشت این سنگ‌ها موریانه و رطوبت و دیگر عوامل به خوبی می‌تواند تخریبی جبران‌ناپذیر به وجود آورد.

از دیگر سوی، سیاستِ مسؤولان بر تغییرات، بی‌مطالعه و بی‌پایه نبوده و همواره درصدد در پیش گرفتن روند و اجرای برنامه‌ای است که مصلحت عمومی اقتضا می‌کند، و البته در کنار آن بدین ضرورت توجه دارد که نمی‌توان در برابر حوادث و آنچه ممکن است پیش بیاید با دستان بسته ایستاد.

به هر روی، با توجه به این جوانب و ملاحظات، بررسی‌ها و مطالعات شناسایی در

ص:۱۲۷

مورد دیوار کعبه، بـا اسـتفاده از شـیوه‌های مشاهـده مسـتقیم و نیز حفر آزمایشـی و نمونه برداری تصـادفی از عمق دیوارهـا و کف و سقفصورت پـذیرفت. این مطالعـات نشـان داد که در میان فواصل سـنگ‌ها و لوح‌ها، موریانه و قارچ وجود دارنـد و همچنین عوامل خوردگی به کنش شـیمیایی خود ادامه می‌دهند و در مورد سـقف نیز حشرات و فرساینده‌های طبیعی در لابه لای ستون‌های چوبی و پوشـش‌های گـل و شن و ماسه و گـچ جای گرفته و در این میان وجود رطوبت به آنها امکان تکثیر و رشـد داده است و توانسـته‌اند بخش‌های عمده‌ای از این سقف را، که همچنان در زیر لایه سطحی خود سالم به نظر می‌رسد، از میان ببرند.

این مطالعات ثابت کرد مرمت همه جانبه دیوارها و سـقف کعبه، کاری لازم است و می‌بایست قسمت‌های تخریب شده را ترمیم و یا با مواد و مصالـح نو و مقاوم‌تر جایگزین کرد و البته در این کار تدابیر پیش‌گیرانه لازم را نیز فراهم دید تا از وقوع چنین خوردگی‌ها و خرابی‌هایی در آینده جلوگیری شود.

تصویرص ۱۲۹ کتاب الکعبه المعظمه

خوردگی در چوبهای قرار گرفته در لابه‌لای دیوار

آغاز کار: انجام کار مرمت و نوسازی به مجموعه بن لادن تعلق گرفت. این شرکت در ماه شعبان ۱۴۱۶ ه. ق. آمادگی خود را اعلام کرد اما این موقعیتِ زمانی، برای انجام

ص:۱۲۸

کـار منـاسب نبود؛ چه، مـاه رمضان و ماه‌های پس از آن تا ذی‌حجه در پیش بود و این دوره زمانی اوج مراسم حـج و عمره بود و از این روی انجام عملیات در این مقطع زمانی موجب محروم شـدن حاجیان و زائران از مشاهـده خانه خـدا می‌شد. این در حالی اسـت که بنـابر سیاست اتخاذ شـده، طرح‌های این گونه اماکن می‌بایست به موازات هم و به‌گونه‌ای پیش رود که کمترین خلل را در بهره بردن زائران و حاجیان از این مکان‌های مقدس به وجود آورد.

بـدین ترتیب، به رغم همه علاقـه‌ای که به انجام کار در کوتاه‌ترین زمانِ ممکن وجود داشت، طرح مرمّت درون کعبه در دهم محرم سال ۱۴۱۷ ه. ق. عملی گردید.

مراحـل عملیِ کـار: در آغـاز عملیات مرمت کعبه، حصاری چوبی با ارتفاع انـدکی بیشتر از ارتفاع کعبه و با فاصـله مناسب از دیوار ایجاد شد. این حصار به‌گونه‌ای بود که ارکان و نقاطی از کعبه که حاجیان اسـتلام می‌کنند در معرض رؤیت بماند. برای این حصار دو در؛ یکی در سمت شمال غرب برای ورود به محوطه حصار و دیگری در سمت جنوب غرب برای خروج از آن قرار داده شد.

یکی از ابتکارهـایی که در این مرحله انجـام گرفت آن بود که در سه هفته اول به حاجیان اجازه دادنـد به حصار پیرامونی وارد و از آن جا به داخل کعبه مشـرف شوند. مردم پس از هر نماز برای ورود به داخل کعبه بهصف می‌ایستادند و بهصورت منظم و به اندازه گنجـایش داخـل کعبه، تشـرف می‌یافتنـد تـا لحظه‌هایی را در مقـدس‌ترین مکان دینی، در خلوت انس سپری کننـد و هم از نزدیک ببیننـد که چگونه در سـنگ‌ها و بندکشـی‌های میان سـنگ‌ها درزها و ترک‌هایی پدیـد آمـده و نیازمنـد نوسازی است و آنچه انجام می‌گیرد برخاسـته از یک ضرورت است. «(۱)» همه هـدیه‌ها و لوح‌هـای یادمان که در داخل کعبه وجود داشت یا به دیوارها الصاق شده بود، برچیده و پس از تمیز شدن در جایی محفوظ نگهداری شد.

۱- گواه گرفتن مردم بر آنچه درباره کعبه انجام می‌پـذیرد یا بایستی انجام پذیرد، سـنتی است که عبداللَّه بن زبیر گذارد. او هنگامی که تصمیم به نوسازی کعبه داشت مردم را به دیدن خانه فرا خواند تا خود تأیید کنند و ببینند که خانه نیازمند مرمّت کلی است.

ص:۱۲۹

از آنجا که بیشترین آسیب‌ها و فرسودگی‌ها در سقف و ستون‌های چوبیِ نگهدارنده آن پیش بینی می‌شد سقف و ستون‌ها به طور کامل برداشته شد.

در سطح داخلی دیوار کعبه، همه بندکشی‌های درز سنگ‌ها و همچنین ملاط میان سنگ‌های درون دیوار برداشته شد. در آغاز پیش بینی می‌شد ضرورتی به برداشتن سنگ‌های تشکیل دهنده لایه میانی دیوار نباشد، اما با برداشتن مقداری از ملاط مشخص شد که این ملاط کیفیت و چسبندگی خود را از دست داده است. از همین روی سنگ‌های لایه داخلی دیوار شماره‌گذاری و سپس بر داشته شد و از نو با استفاده از ملاط تازه و سازگار با فنون و شیوه‌های جدید ساخت و ساز در جای خود قرار گرفت.

مشاهده شد که سطح خارجی دیوار هیچ گونه عیب ساختاری ندارد و سنگ‌های لایه داخلی از پشت تهیگاه‌های میان سنگ‌های سطح خارجی، دیوار را پر کرده و برآمدگی‌های قبه شکل سنگ‌ها در فرورفتگی‌های سنگ‌های دیگر جای گرفته و آنها را محکم نگه داشته است. در این میان تنها در ملاط پرکننده فضاهای خالی میان سنگ‌ها اشکال وجود داشت که آن نیز- همان گونه که گذشت- با ملاط نو جایگزین گردید.

در دیوارها بهصورت کلّی عیبی اساسی؛ همانند نشست در پی و پایه، یا انحراف و کج شدن، مشاهده نشد.

در تخته‌ها و چوب‌های حمایتیِ به کار رفته در داخل دیوارها، تخریب طبیعی فراوانی به چشم آمد. دلیل این امر نیز روشن بود؛ چرا که چوب بیش از سنگ در گذر زمان از عوامل طبیعی و آب و هوایی و موریانه و همانند آن آسیب می‌بیند.

برای آن که انجام کار در هیچ بخش از دیوار بر بخش‌های دیگر اثر نگذارد و به‌ویژه کار در ردیف‌های پایینی سنگ‌های دیوار، در ردیف‌های بالاتر مشکلی به وجود نیاورد، انجام کار به ترتیب در طی سه مرحله جدا از همصورت پذیرفت.

مرحله اول: تنها به سنگ‌های چهار ردیف یا رج بالاتر دیوار محدود شد.

مرحله دوم: سنگ‌های ردیف‌های پایین‌تر تا ردیف موازی با کف کعبه مرمّت شد.

مرحله سوم: به ردیف‌های پایین‌تر از کف کعبه تا ردیف موازی با کف مسجدالحرام پرداخته شد و مرمت تا عمق میان ۴۰ تا ۷۰ سانتیمتر ادامه یافت.

ص:۱۳۰

در همین مرحله پی و پایه دیوارها مورد معاینه قرار گرفت و معلوم شد که کاملًا فاقد عیب و در وضعیت بسیار خوبی است.

تصویرص ۱۲۹ کتاب الکعبه المعظمه

سطح داخلی دیوار کعبه و مراحل مرمّت آن

اینک به شرح هر یک از این سه مرحله می‌پردازیم:

مرحله اول: همان گونه که یادآوری شـد، در این مرحله تنها چهار رج بالایی دیوارهای کعبه از داخل هـدف مرمت قرار گرفت. در این مرحله، ملاـط لاـی سـنگ‌های بزرگ تراشـیده، سـنگ‌های کوچکتری که در فاصـله میـان آنها و یا در لایه داخلی دیوار وجود داشت برداشـته و شـماره گذاری، تمیز و شسـته شـد تـا پس از انجـام مراحـل کـاری لاـزم، به جای خود برگردانـده شود. پس از آن فاصله‌های خالی به وجود آمده؛ با ملاطی

ص:۱۳۱

کاملًا قوی و دارای قابلیت‌های بالا در نگهداری سنگ، پر شد و سپس سنگ‌های لایه میانی و همچنین سطح نمای درونی کعبه با توجه به شماره گذاریصورت پذیرفته، در جای قبلی خود قرار گرفت و فواصل میان این سنگ‌ها نیز با ملاط سیمان با مشخصات فنی مناسب پر شد. در این مرحله در لا به لای سیمان قطعات فلزی مخصوصی قرار گرفت تا نگهدارندگی سیمان را دو چندان کند و سنگ‌های نمای درونی را با سنگ‌های لایه دیوار به خوبی به هم کلاف کند.

بدین ترتیب کار مرمت چهار رج بالایی دیوار انجام پذیرفت و سنگ‌های این رج کاملًا به همدیگر محکم شدند تا در هنگام انجام عملیات ترمیم، در رج‌های پایین‌تر مشکلی در این قسمت به وجود نیاید.

همچنین برای احتیاط هر چه بیشتر، کار در مراحل بعدی و در رج‌های پایین‌تر در مقطع‌های عمودی از بالا به پایینصورت گرفت و از کار کردن در محدوده‌های افقی خودداری شد.

مرحله دوم: این مرحله دربردارنده عمده بخش‌های دیوار، به استثنای چهار رج

اشاره

بالایی و قسمت‌های کرسی چینی پایین است. در این مرحله، دیوار به بخش‌هایی مستطیل شکل- و مستطیل‌های عمودی- قسمت شد و مرحله به مرحله کار در هر یک از این نوارها یا باریکه‌های فرضی پیش رفت. عرض هر یک از این نوارهای عمودی بسته به ابعاد سنگ‌های موضوع مرمت میان یک و نیم متر تا ۱/۷۰ سانتیمتر بود، و در هر یک از این نوارها سنگ‌های لایه داخلی دیوار و همچنین سنگ‌های نمای درونی، پس از شماره گذاری برچیده و تنها سنگ‌های نمای بیرونی کعبه باقی گذاشته شد.

به منظور جلوگیری از هر گونه لغزش و از جا در رفتن سنگ‌های دیوار، در دو طرف باریکه‌هایی که موضوع مرمت قرار می‌گرفت تیرکهای حایلی بهصورت افقی و در فاصله‌های مناسب نصب می‌شد.

در جریان مرمت دیوار، در هر یک از نوارها یا باریکه‌هایی که مرمت در آنهاصورت می‌پذیرفت کار بهصورت بخش بخش و هر بخش شامل چهار رج از بالا به پایین ادامه یافت و در هر رج درزهای میان سنگ‌ها خالی و سنگ‌ها تمیز و سپس با

ص:۱۳۲

دستگاه‌های مخصوص خشک شد آنگاه ملاطی مناسب با درجه چسبندگی و استقامت بالا به این درزها تزریق گردید و پس از اطمینان نسبت به خشک شدن و استحکام یافتن آنها، بندکشی مناسبی با مواد دارای کیفیت بی‌نظیرصورت پذیرفت.

تصویرص ۱۲۹ کتاب الکعبه المعظمه

تصویری از نمای درونی دیوار کعبه در مراحل مرمّت

به هدف بالا- بردن میزان استحکام دیوارها و کلاف شدن کامل سنگ‌های نمای بیرونی دیوارها با سنگ‌های درون دیوار و نیز سنگ‌های نمای درونی کعبه بتون و ملاط به کار رفته در فواصل آنها با میله‌هایی از فلزهای آزمایش شده مسلح شد.

پس از مرمّتِ لایه درونی دیوار، در هر یک از نوارهای عمودی‌ای که موضوع مرمت قرار گرفتند، بدین ترتیب در مورد سنگ‌های نمای درونی عمل شد:

* در پایین‌ترین رج؛ یعنی رجی که موازی با کف کعبه قرار می‌گیرد، حشره کش‌هایی با اثر دراز مدت استفاده شد تا از لانه کردن حشرات جلوگیری کند.

* سنگ‌ها، بر حسب شماره گذاری قبلی و پس از شست و شوی کامل و خشک کردن، از پایین به بالا در جای خود قرار داده شدند و پس از آن

ص:۱۳۳

درزهای میان سنگ‌ها با ملاط و بتون مسلّحی با شبکه‌های عمودی- افقی پر شد.

* پس از پایان کار در هر باریکه عمودی، کار نوسازی باریکه بعدی آغاز و به همین ترتیب در مورد آن عمل شد.

سرانجام با پر کردن همه فاصله‌ها، درزها و شکاف‌های موجود با ملاطی قوی پایان پذیرفت.

مرحله سوم: این مرحله شامل کندن کف کعبه و رساندن کف آن به سطحی موازی با مسجد الحرام؛ یعنی عمق دو متر و بیست سانتیمتر و انجام تعمیرات در دیوارها شده است.

در اصل کندن کف خانه کعبه کاری نبود که بتوان در آن شتابزده عمل کرد، همچنین مصلحت نبود مرمت کامل دیوار کعبه در این قسمت بدون بررسی همه جانبه‌ای از پی دیوار انجام پذیرد. به همین دلیل نخستین گام انجام آزمایش‌هایی در این خصوص بود. بدین منظور در نزدیک رکن شامی قسمتی با عرض و طول کافی، تا سطح موازی مطاف حفر شد تا از وضعیت دیوار و بخشی از پی، اطلاعات دقیقی به دست آید.

پس از انجام این حفرِ آزمایشی، مشاهده شد وضعیت دیوارها در این بخش بسیار مطلوب‌تر و سالم‌تر از بخش‌های فوقانی است و تنها نشانه‌هایی از احتمال تأثیرهای تخریبی عوامل محیطی در آینده، البته درصورت واگذاشتن وضع، وجود دارد.

بدین ترتیب تصمیم نهایی بر کندنِ کفِ کعبه و انجام تعمیرات در این بخش از کرسی چینی دیوار قرار گرفت. در مرحله بعد داخل کعبه تا سطح موازی مطاف خالی شد و سپس مرمت دیوار به همان ترتیبی که در مرحله پیشین و در مورد دیوارهای فوقانیصورت پذیرفته بود انجام گرفت. همچنین برای احتیاط هر چه بیشتر کار ترمیم تا عمقی میان نیم متر تا سه چهارم متر پایین‌تر از سطح موازی مطاف نیز ادامه یافت. در پایین این عمق سنگ‌های بزرگ و محکم شده‌ای وجود دارد که هیچ نیازی به مرمت آنها نیست.

چرا مرمت تنها تا سطح پی دیوار ادامه یافت؟ در مرمت هر بنای تاریخی و اصولًا در هرگونه عملیات معماری فراگیر می‌بایست وضع پی و پایه بنا، به خوبی روشن و

ص:۱۳۴

ارزیابی شود. این اصل کلی را در مورد هیچ بنایی نمی‌توان نادیده گرفت و تنها شیوه‌های بررسی و ارزیابی از بنایی تا بنای دیگر تفاوت دارد.

از دیگر سوی، می‌دانیم کعبه بنایی مقدس است و بر پی و پایه‌ای که خداوند بدان راه نموده، استوار شده و از این روی بررسی و وارسی این پی و پایه لزوماً می‌بایست شیوه‌ای ویژه داشته باشد؛ به گونه‌ای که به هیچ وجه در قداست آن مکانِ با عظمت، خللی وارد نیاورد.

وضعیت پایین‌ترین رج‌های دیوار کعبه و وضعیت پی دیوار: برای روشن شدن وضعیت بخش‌هایی از دیوار که پایین‌تر از سطحِ کفِ مسجد الحرام قرار گرفته است، دو حفر شناساییصورت گرفت؛ یکی در فاصله دو متری رکن شامی و میان این رکن و رکن یمانی و دیگری در فاصله ۲/۱۰ سانتیمتر از رکن حجرالأسود و میان این رکن و رکن یمانی.

پس از نمونه‌برداری‌ها و مشاهدات انجام گرفته، نتایجی بدین شرح به دست آمد:

الف) حفره اول:

ابعاد: ۱/۱۰ سانتیمتر به موازات دیوار کعبه، در یک متر عمود بر دیوار با عمق متوسط ۱/۴۰ سانتیمتر از سطح کف فعلی کعبه؛ یعنی ۲۰ سانتیمتر پایین‌تر از سطح کنونی مطاف.

نتایج مشاهدات: روشن شد عملیات ترمیمی که در مورد دیوارها انجام گرفته تا عمق ۷۰ سانتیمتر پایین‌تر از سطحی که حفاری در آن انجام شده پیش رفته و پایین‌تر از آن تا سه یا چهار رج سنگ‌هایی همانند سنگ‌های بخش‌های فوقانی دیوار وجود دارد و این سنگ‌ها به شیوه خشکه چین (شیوه‌ای که در قدیم در بنای چهار دیواری‌ها مرسوم بوده) روی هم قرار گرفته و از نظر عرض نیز در مقایسه با قسمت‌های بالاتر دیوار عرض بیشتری دارند.

ب) حفره دوم:

ابعاد: ۱/۱۰ سانتیمتر موازی با دیوار کعبه، در ۱/۰۵ سانتیمتر عمود بر دیوار، با عمق متوسط ۱/۲۵ سانتیمتر از سطحی که حفاری در آن آغاز شده است؛ یعنی عمق ۱۰

ص:۱۳۵

سانتیمتر پایین‌تر از سطح فعلی مطاف.

نتیجه مشاهدات: روشن شد عملیات ترمیمی که در مورد دیوارها انجام گرفته تا عمق ۴۵ سانتیمتر پایین‌تر از سطحی که حفر در آن آغاز شده ادامه یافته و پایین‌تر از آن چهار یا پنج ردیف سنگ همانند سنگ‌های قسمت‌های فوقانی دیوار وجود دارد و این سنگ‌ها به شیوه خشکه چین روی هم قرار گرفته‌اند و عرض آنها از عرض دیوار بیشتر است.

ارزیابی وضع کنونی پی دیوارها: آن جا که هر گونه عملیات شناسایی در مورد پی دیوارهای کعبه با محدودیت نسبی مواجه است و به دلایل پیش گفته، پایین رفتن به بیش از عمقی که انجام گرفته امکان‌پذیر نیست، ارزیابی وضعیت پی دیوارها افزون بر مشاهدات فعلی، تا حدی نیز به مشاهدات گذشته و برخی از شرایط و اوضاع تاریخی این خانه بستگی دارد.

روایت‌های تاریخی موجود گویای این امر است که پی و پایه کعبه از روزگار ابراهیم، از سنگ‌هایی متداخل که به خوبی در هم فرو رفته‌اند تشکیل شده و با آن که کعبه در گذر تاریخ بارها نوسازی و مرمت شده، اما در هیچ یک از این نوسازی‌ها و مرمت‌ها تغییری در این پی و پایهصورت نپذیرفته است.

درباره نوسازی دوران عبداللّه زبیر روایت کرده‌اند که چون دیوارها را تا سطح پی تخریب کرد، سنگ‌های متداخلی که از دوران ابراهیم بهصورت خشکه چین نهاده شده بود و شترانی را می‌مانست که گردن در همدیگر فرو برده باشند، پدیدار شد. این نحوه از سنگ چینی به گونه‌ای است که فرو نشستن یا جا به جایی آنها در اثر سنگینی دیوارهای کعبه؛ یعنی همان وزنی که در سده‌های طولانی آن را تحمل کرده است، امکان‌پذیر نیست؛ چه، وضعیت مکانیکی چنین پشته‌ای سنگی، باعث می‌شود هر گونه فرو نشستنِ ناشی از تحمل وزن بهصورتی فوری انجام گیرد و با گذشت زمانی اندک با رسیدن پشته سنگی به حالت توازن، در حالی که کمترین فضای خالی میان سنگ‌ها وجود دارد این فرو نشستن متوقف می‌شود و امکان هر گونه جا به جایی سنگ‌ها در آینده و در اثر تحمل وزن پیشین از میان می‌رود.

ص:۱۳۶

رج‌های پایین و پی دیوارهای کعبه از چنین وضعیتی برخوردار است و مشاهدات گذشته و حال هیچ گونه نشانی از فرو نشستن یا جابه جایی خاک و سنگ ردیف‌های پایین یا پی و پایه دیوارها در دوره حدوداً چهارصد ساله میان مرمت‌های دوران حاضر و آخرین مرمت دوران عثمانی و همچنین دوره افزون بر نهصد سال میان مرمت عبداللّه بن زبیر تا آخرین مرمت دوران عثمانی به دست نمی‌دهد.

گفتنی است در بناهای سنگی از این نوع، هر گونه نشست یا جا به جایی در ردیف‌های پایین و یا پی دیوار، فروپاشی‌ها و مشکلات سریعی را در دیوارها موجب می‌شود، چنان که مشکلاتی از این دست در مورد برج پیزای ایتالیا به وجود آمده است.

اما در مورد کعبه تا کنون مشکلی از این قبیل دیده نشده و این خود دلیلی دیگر است که از وضعیت مناسب پی و پایه کعبه خبر می‌دهد.

*** به هر حال، به ترتیبی که ذکر شد، در بخش‌هایی از دیوار کعبه که بالاتر از سطح مطاف است و دیده می‌شود سنگ‌ها از نو با همدیگر ترکیب شده و با توجه به بتون‌های مسلحی که در لابه لای آنها به کار رفته است، دیوار حالتی یکپارچه یافته و از قدرت و استحکام فراوانی برخوردار شده است و در این میان تسلیح عمودی بتون مقصود عمود بر سطح نمای دیوار است- یکپارچگی و ارتباط سنگ‌های نمای بیرونی و نمای درونی را حفظ کرده و تسلیح افقی و موازی بتون بخش‌های مختلف دیوار را به همدیگر کلاف کرده است.

همچنین تجانس کامل دیوار با ارتفاع افزون بر ۱۳ متر منظم بودن و توازن توزیع سنگینی دیوارها را بر ردیف‌ها و رج‌های پایینی و نیز پی و پایه تضمین می‌کند و این توازن، استحکام وقدرتی رابه بنا می‌بخشد که حتی درصورت وجود گسستگی‌ها یا نقاط ضعیف اندکی درپایین دیوار، همچنان سر پا بماند و وزن خود را بر پیِ بنا توزیع کند.

با عنایت به همه آنچه یاد شد، می‌توان با اطمینان گفت: پی دیوارهای کعبه در حالت بسیار مناسبی است و به هیچ گونه مرمت و نوسازیی نیاز ندارد، تا آن روز که خداوند مستضعفان را وارث زمین سازد.

ص:۱۳۷

سقف کعبه

چوب، اساسی‌ترین عنصر تشکیل دهنده سقف کعبه است. مناسب‌ترین چوبی که می‌تواند در این سقف به کار رود، چوبی است که دارای ویژگی‌های فنی متعددی؛ از جمله ویژگی‌های زیر باشد:

۱- مقاومت در برابر وزن برای طولانی‌ترین عمر فرضی.

۲- پایین بودن میزان انقباض تا حد نزدیک بهصفر.

۳- مقاومت در برابر تغییرات آب و هوایی مناطق گرم و خشک.

۴- مقاومت در برابر موریانه و قارچ‌ها و دیگر حشرات ریز و همچنین رطوبت هوا.

۵- برخوردار بودن از طول، افزون بر ۱۰ متر و داشتن قطری که پس از آماده‌سازی نهایی، کمتر از یک متر نباشد.

روشن‌است دست یافتن به چوب‌هایی بااین مشخصات و آن هم برخوردار از بالاترین کیفیت، بدون رایزنی بامراکزجهانی پژوهشی درصنعت چوب امکان‌پذیر نبود.

به همین دلیل با مراکزی در اروپا، استرالیا و نیوزیلند تماس برقرار شد و در نتیجه مطالعات و رایزنی‌هایصورت پذیرفته و از میان انواع درخت‌های مورد بررسی، چوب درخت تیک، که پیشتر نیز در برخی از طرح‌های توسعه در عربستان از آنها استفاده شده بود و ویژگی‌های مورد نظر؛ از جمله طول کافی و قطر افزون بر ۱/ ۵ متر را داشت و دفع‌کننده موریانه بود وامکان خشک کردن آن درکوتاهترین زمان ممکن نیز وجود داشت و علاوه بر این، پس از روغن خوردن درخشش خیره کننده‌ای می‌یافت انتخاب شد.

انتخاب درختان مناسب: درختان تیک در جنگل‌های هند و برمه می‌رویند. از این روی دیدارهایی از جنگل‌های نیلمپور در هند و رانگون در بِرمه انجام گرفت تا درخت‌های موجود در آنها بررسی شود. در نتیجه بررسی‌ها مشخص شد چوب مورد نظر در جنگل‌های برمه راحت‌تر در دسترس قرار می‌گیرد. به همین دلیل دو نماینده از شرکت بن لادن مأمور شدند از طریق وزارت جنگل در برمه با شرکت‌های فراوری چوب هماهنگی‌های لازم را انجام دهند تا درختان مناسب انتخاب و قطع شود و چوب آنها به کارگاه‌های آماده سازی اولیه و از آنجا پس از گزینش تنه‌های مرغوب‌تر به

ص:۱۳۸

عربستان سعودی انتقال یابد.

جست و جوی درختـان منـاسب در مسـاحتی حـدود ۱۳۰۰۰ هکتـار در جنگل‌هـای بـایو، کانـا و مـدییک که بـا پایتخت برمه ۱۰۰۰ کیلومتر فاصـله دارنـد انجام پـذیرفت و سـرانجام درختان مورد نیاز در جنگل‌هایی با فاصـله ۲۵۰ کیلومـتر از رانگون که درختـانی با کیفیت برتر داشت انتخاب شد.

در این عملیات مجموعاً ۱۳۷ اصـله درخت قطع شد و پس از انتقال آنها به کارگاه فراوری ۴۹ تنه مرغوب‌تر برای استفاده در سقف و ستون‌های کعبه به عربستان انتقال یافت.

انتقال و آماده سازی: چوب‌های انتخاب شده به بندر جده منتقل شد و در آن جا به منظور خشک شدن نسبی، به مدت شـش ماه در هوای آزاد گذاشـته شـد و پس از این مـدت به کوره‌هـای ویژه خشـک کردن انتقال داده شـد و نسـبت رطوبت آنها تا ۱۵٪ کاهش یافت.

پس از این مرحله نوعی ماده نگهدارنده غیر سمی و فاقد رنگ و بو به نام برای محافظت، بر این چوب‌ها پاشیده شد.

سپس در پی برش چوب‌ها به اندازه‌های مناسب سر تیرک‌ها و نقاطی از آنها که سنگینی را مستقیماً تحمل می‌کرد با ورقه‌های فلزی مقاوم در برابر زنگ زدگی پوشش شد.

طراحی سـقف: قطعه‌های چوب به کیفیتی انتخاب شـد که انـدازه‌های سـتون‌ها و تیرک‌ها با آنچه از پیش وجود داشـته است برابری کند. سـپس ستون و تیرک‌ها در فاصله‌های مناسب و مساوی نصب گردید، به گونه‌ای که وزن سقف بهصورت مساوی و متوازن بر آنها و سپس بر دیوارها توزیع شود.

عـایق بنـدی: پس از نصب سـقف چوبی کعبه، لا‌یه‌ای از عـایق رطوبـتی روی آن قرار گرفت و روی این لا‌یه نیز بـا لا‌یه‌ای از بتون سبک تقویت و برای جریان آب بام، شیب بندی شد. در مرحله بعد سر تا سر روی بام با سنگ مرمر سنگفرش گردید.

ناودان: پس از پایان کار سـقف و بام کعبه ناودان قدیم با ناودانی نو با همان اندازه‌ها و ابعاد و نیز نقش‌ها و کتابت‌های ناودان قدیم جایگزین گردید، با این تفاوت که ناودان

ص:۱۳۹

جدید در مقایسه با قدیم محکم‌تر، زیباتر و بادوام‌تر ساخته شد.

پایه‌های ستون‌ها: در این مرمت به جای پایه‌های سنگیِ ستون‌های داخلی کعبه، پایه‌هایی از بتون مسلح ساخته و اطراف آنها کاملًا عایق بندی شد. همچنین برای آن که فشار خاک‌ها و مصالحی که درون کعبه را از سطح موازیِ در تا سطح موازی مطاف پر کرده است، مستقیماً به دیوار اصلیِ کعبه وارد نیاید، در کنار دیوارهای اصلی، در چهار سمت، دیوارهای حمایتی با بتون مسلح و با عایق بندی کامل تا ارتفاع موازی در کعبه بنا گردید.

تصویرص ۱۲۹ کتاب الکعبه المعظمه

برشی از سقف و ستونهای کعبه

شاذروان: همچنین در این مرمت، سنگ‌های کهنه شاذروان با سنگ‌های جدید، البته با همان رنگ و کیفیتِ سنگ‌های قدیم، جایگزین شد.

ص:۱۴۰

گفتنی است در جریان کار، بخشی از شاذروان قدیم که در ناحیه پایین در کعبه قرار گرفته است، به دلیل مرغوبیت و استحکام و همچنین زیبایی سنگ‌ها، واگذاشته و از تعویض سنگ‌های آن خودداری شد.

حجر اسماعیل و نوسازی آن

در این مرمت سنگ‌های نمای دیوار حجر و نیز سنگ‌های کف آن برچیده و سنگ‌های جدیدی جایگزین آنها شد. همچنین چلچراغ‌های نصب شده بر روی دیوار تنظیف گردید و پس از آن به جای قبلی خود برگردانده شد. افزون بر این، برای درگاه‌های حجر از دو سوی، نرده‌ای مناسب از طناب‌های محکم و زیبا و سازگار با جایگاه و عظمت حجر اسماعیل فراهم گشت تا بتوان در مواقع ضرورت برای بستن حجر از آنها استفاده کرد.

دکه نگهبانی

در آخرین مرمت کعبه، در کنار رکن حجرالأسود برای نگهبانی و ساماندهی استلام حجرالأسود از سوی حاجیان، دکه‌ای بنا شد. این دکه از سنگ مرمر ساخته شده و با عبور آب سرد از کف آن، سرد نگه داشته می‌شود.

ص:۱۴۱

بخش سوّم: تعمیر وتاریخ مسجد الحرام

اشاره

ص:۱۴۲

ص:۱۴۳

فصل اول: نگاهی اجمالی به مسجد الحرام

مسجد الحرام کدام است؟

«مسجد الحرام» مسجدی را گویند که کعبه در آن واقع است، چنان که آن را «مسجد الکعبه» نیز گفته‌اند؛ درصحیح بخاری، کتاب التوحید، در ذیل باب وَکَلَّمَ اللَّهُ مُوسَی تَکْلِیماً «(۱)» آمده است: عبدالعزیز بن عبداللَّه برای ما حدیث کرد و گفت: سلیمان، از شریک بن عبداللَّه برایم نقل کرد که گفته است: از ابن مالک شنیدم که گفت: شبی که رسول خداصلی الله علیه و آله از مسجد کعبه به معراج رفت سه نفر نزد او آمدند ...- تا پایان حدیث.

علامه ابن ظهیره قرشی در کتاب «الجامع اللطیف فی فضل مکهٔ و اهلها و بناء البیت الشریف» می‌نویسد:

خداوند در کتاب خود، حدود پانزده جا از مسجد الحرام نام برده است.

اما در این باره که مسجد الحرام؛ یعنی همان مسجدی که بنا به روایت ابن زبیر در حدیثی نبوی پاداش نماز در آن ازصد نماز در مسجد من برتر است. «(۲)» کدام مسجد است، اختلاف شده؛ برخی گفته‌اند: مقصود از آن، همه سرزمین حرم است و برخی دیگر گفته‌اند مقصود از آن، کعبه و بخشی از کعبه است که امروزه در حِجْر اسماعیل قرار دارد.

۱- نساء: ۱۶۴، ... و خداوند با موسی آشکارا سخن گفت.

۲- . آن حدیث چنین است: «وصلاهٔ فی المسجد الحرام افضل من مائهٔصلاهٔ فی مسجدی»؛ «نماز در مسجدالحرامصد بار برتر از نماز در مسجد من است.»

ص:۱۴۴

این تفسیر را روایت نسائی به نقل از ابوهریره از رسول خداصلی الله علیه و آله تأیید می کند، آن جا که بنا بر روایت فرموده است: «نماز در مسجد من از هزار نماز در غیر آن برتر است، مگر در کعبه.» سرانجام، تفسیر دیگر نیز آن است که مقصود از مسجد الحرام کعبه و بخشی از زمین پیرامونیِ آن است که مسجد را تشکیل می‌دهد. نووی همین تفسیر اخیر را پذیرفته و گفته است: ظاهر از ادله همین می‌باشد.

فهرست آیات قرآنی درباره مسجد الحرام

به هر روی، از باب تبرک در این آغازین فصل، فهرست آیاتی از قرآن کریم را که در آنها از مسجد الحرام نام برده شده است فرا روی می گذاریم:

قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا کُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ لَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا یَعْمَلُونَ «(۱)».

وَمِنْ حَیْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ. «(۲)» وَمِنْ حَیْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا کُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَیْکُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِی عَلَیْکُمْ وَلَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ. «(۳)»

۱- بقره: ۱۴۴،« بـه یقین گردانـدن رویت را در آسـمان می‌بینیم. پس تـو را به قبله‌ای که می‌پسـندی می گردانیم. اینـک رویت را به سوی مسجد الحرام بگردان و هر جا که بودید رویتان را به جانبش بگردانید. بی گمان کسانی که کتاب داده شدند البته می‌دانند آن حقی است از جانب پروردگارشان و خدا از آنچه می کنند بی‌خبر نیست.»

۲- بقره: ۱۴۹،« و از هر جا که برون آمدی رویت را به جانب مسجد الحرام بگردان و بی گمان آن حقی است از جانب پروردگارت و خدا از آنچه می کنید بی‌خبر نیست.»

۳- بقره: ۱۵۰،« و از هر جـا که بیرون آمـدی رویت را به جـانب مسـجد الحرام بگردان و هر جـا که باشـید- رویتـان را به جانب آن بگردانید تا آدمیان را در برابر شـما بهانه‌ای نباشد. مگر کسانی از آنان که ستم کردند، که از آنان نیز نترسید و از من بترسید و برای این که نعمتم را بر شما تمام کنم و تا باشد که راه یابید.»

ص:۱۴۵

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ. «(۱)» وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْصَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. «(۲)» يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

۱- بقره: ۱۹۱،« هر جا که آنان را یافتید بکشیدشان، و از هر جا که بیرونتان کردند بیرون برانیدشان و فتنه از کشتن بدتر است، و نزدیک مسجد الحرام با آنان نجنگید مگر آن که با شما در آنجا بجنگند پس هر گاه که با شما جنگیدند آنان را بکشید که چنین است جزای کافران.»

۲- بقره: ۱۹۶،« حج و عمره را برای خدا به پایان برید. پس اگر بازمانده شدید هر چه از قربانی برایتان میسر است بگذرانید و موی سرتان را نتراشید تا وقتی که قربانی به جایگاهش برسد. پس کسی از شما که بیمار بود یا زخمی بر سرش بود باید از روزه یا صدقه یا قربانی فدیه‌ای دهد. پس هنگامی که ایمن شدید هر که پس از عمره آهنگ حج کند باید که از قربانی آنچه میسّر باشد بگذراند و کسی که نیابد باید سه روز در حج و هفت روز آنگاه که برگشتید روزه بدارد. آن ده روز کامل است. این حکم برای کسی است که خاندان وی در بر مسجد الحرام نباشند و از خدا بترسید و بدانید خدا سخت کیفر است.»

ص:۱۴۶

وَأُوْلَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ. «(۱)» یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَاتُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْیَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّینَ الْبَیْتَ الْحَرَامَ یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَاناً وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْصَدُّوکُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ. «(۲)»

وَمَا لَهُمْ أَلَّا یُعَذِّبَهُمْ اللَّهُ وَهُمْ یَصُدُّونَ عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا کَانُوا أَوْلِیَاءَهُ إِنْ أَوْلِیَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَایَعْلَمُونَ. «(۳)» کَیْفَ یَکُونُ لِلْمُشْرِکِینَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِینَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَکُمْ فَاسْتَقِیمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ. «(۴)»

۱- بقره: ۲۱۷،« از تو درباره جنگیدن در ماه حرام می‌پرسند. بگو: جنگیدن در آن گناهی سهمگین است و بر بستن راه خدا و کافر شدن به آن و بر بستن راه مسجد الحرام و بیرون کردن اهالی‌اش از آن، نزد خداوند سهمگین‌تر است و فتنه سهمگین‌تر از کشتن است. هنوز هم با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و هر کس از شما که از دینش برگردد پس در حالی که کافر است بمیرد. پس اینان در دنیا و آخرت کارهایشان بر باد رفته باشد و اینان همدم آتش باشند. آنان در آن ماندگارند.»

۲- . مائده: ۲،« هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شعائر خدا را حرمت فرو منهید و نه ماه حرام را و نه قربانی و نه گردنبندش را و نه قاصدان خانه مقدس را که بخشایش و خشنودی از پروردگارشان می‌جویند، و چون از احرام بیرون آیید شکار کنید و مباد دشمن با قومی که راه مسجد الحرام به رویتان بستند شما را وادارد که تجاوز کنید بر سر نیکی و پرهیزگاری همکاری کنید و بر سر گناه و تجاوز همکاری مکنید و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.»

۳- . انفال: ۳۴،« چرا خداوند کیفرشان ندهد در حالی که آنان بی‌آن که صاحب مسجد الحرام باشند مردم را از آن باز می‌دارند. صاحبان آن تنها پرهیزگارانند، اما بیشترینشان نمی‌دانند.»

۴- توبه: ۶،« چگونه برای مشرکان نزد خداوند و پیامبرش پیمانی باشد؟ مگر کسانی که نزدیک مسجد الحرام با آنان پیمان بستید. پس تا زمانی که با شما به پیمان استوار ماندند با آنان به پیمان استوار مانید، که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.»

ص:۱۴۷

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَايَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَايَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. «(۱)» يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. «(۲)» سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. «(۳)» إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِي وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ. «(۴)» هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفاً أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ

۱- . توبه: ۱۹:« آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را مانند کار کسی شمردید که به خدا و روز واپسین ایمان آورد و در راه خدا جهاد کرد؟ نزد خدا یکسان نیستند و خداوند مردم ستمکار را هدایت نکند.»

۲- توبه: ۲۸،« ای کسانی که ایمان آوردید، مشرکان به راستی نجسند. از این رو پس از امسال نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند. اگر از فقر بیمناک شدید بدانید که به زودی خداوند اگر بخواهد شما را به فضل خویش بی‌نیاز گرداند، که خداوند دانایی حکیم است.»

۳- . اسراء: ۱،« منزه است آن که شبانگاهی بنده‌اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی، که گرداگردش را برکت دادیم، برد تا از آیت‌هایمان به او بنمایانیم. بی‌گمان اوست که شنوای بیناست.»

۴- حج: ۲۵،« آنهایی را که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجد الحرام، که برای مردم، چه مقیم و چه غریب، یکسانش قرار دادیم، باز می‌دارند و نیز هر که را که در آنجا قصد کجروی یا ستم‌کاری داشته باشد عذاب دردآوری می‌چشانیم.»

ص:۱۴۸

کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِیماً. «(۱)» لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْیَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِینَ مُحَلِّقِینَ رُءُوسَکُمْ وَمُقَصِّرِینَ لَاتَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِکَ فَتْحاً قَرِیباً. «(۲)»

موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی مکه

طول و عرض جغرافیایی: مکه بر روی طول ۳۹ درجه و ۴۹ دقیقه و ۴۶ ثانیه شرقی و عرض ۲۱ درجه و ۲۵ دقیقه و ۱۹ ثانیه شمالی واقع است.

موقعیت جغرافیایی: مکه در دامنه کوه‌های سروات قرار گرفته و محل تلاقی دشت‌های تمامه با سلسله کوه‌هایی است که این شهر را در برمی گیرد.

مکه دربردارنده مجموعه‌ای از وادی‌ها و درّه‌هاست که به ویژه در سمت غرب و به طرف ساحل فزونی می‌یابد و گلوگاه‌های ورود و خروج به این منطقه به شمار می‌رود.

این شهر در گذشته اهمیت فراوانی داشته و دلیل آن نیز قرار گرفتن شهر در میانه راه کاروان‌های تجاری یمن و شام بوده است.

ارتفاعات: بلندی‌های مکه عمدتاً کوه‌هایی گرانیتی است که خود بخشی از دیواره غربی این منطقه را تشکیل می‌دهد. لایه‌های زیرین این ارتفاعات در دوره‌های کهن زمین ساختی پدید آمده است.

۱- . فتح: ۲۵،« آنان هستند که کافر شدند و راه مسجد الحرام را بر رویتان بستند و نگذاشتند قربانی که محبوس مانده بود به جایگاه خویش برسد. اگر در میان آنان مردان و زنانی نبودند که شما آنها را نمی‌شناسید و اگر بیم آن نبود که آنها را زیر پای درنوردید و نادانسته مرتکب گناه شوید خدا دست شما را بر آنان می گشود. خدا هر که را بخواهد مشمول رحمت خود کند. اگر آنها از یکدیگر جدا می‌بودند کافرانشان را به عذابی دردناک کیفر می‌دادیم.»

۲- فتح: ۲۷،« خدا آن رؤیای پیامبرش را راست آورد که اگر خدا بخواهد ایمن، گروهی سر تراشیده و گروهی موی کوتاه کرده، بی‌هیچ بیمی به مسجد الحرام درخواهید آمد. او چیزها می‌دانست که شما نمی‌دانستید، و جز آن در همین نزدیک فتحی نصیب شما کرده بود.»

ص:۱۴۹

در این بلندی‌ها وادی‌های کهن فراوانی وجود دارد و وادی ابراهیم که مسجد الحرام در آن قرار گرفته، یکی از مهم ترین آنهاست. آب و هوا: آب و هوای مکه تحت تأثیر عواملی چند، از قبیل ارتفاع اندک از سطح دریا و نیز بلندی‌هایی است که آن را در میان می گیرد. این شهر تنها ۳۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و این خود ارتفاعی پایین است که به بالا بودن درجه حرارت می‌انجامد.

افزون بر این، قرار گرفتن مکه در میان مجموعه‌ای بسته از کوه‌ها، عامل دیگری است که موجب تشدید گرمای هوا می‌شود.

بادها: مکه در طول سال، در معرض بادهای مختلف شمال غربی، شمال شرقی و جنوب غربی است. این بادها معمولًا خشک هستند و گاه در فصل زمستان موجب بارش می‌شوند.

فضایل و نام‌های مکه

فضایل مکه: خداوند به حکمت ازلیِ خویش، چنین خواسته است که برخی از پدیدارهای هستی را بر برخی دیگر برتری دهد؛ او میان ماه‌ها، روزها، دوره‌ها، امت‌ها، پیامبران، سرزمین‌ها، مردمان، جای‌ها و آبادی‌ها برخی را برتری داده و در این میان از همه سرزمین‌ها و آبادی‌ها، مکه و مدینه و از آن پس عرفات و منا و دیگر مشاعر مقدس حج را از برترین‌ها قرار داده است. در این سرزمین‌ها مردم به خدا پناه می‌برند و از درگاه او بهره‌های قدسی و الهی معنویت را می‌جویند. از هر سرزمینی دور و نزدیک آهنگ این سامان می کنند و خشنودی خدا و بخشایش او را می‌جویند.

مکه، همان شهر که «امّ القری» نام گرفته، فضیلت‌هایی بی‌همانند دارد و از مهم‌ترین آنهاست:

* مکه بهترین زمین خدا و دوست داشتنی‌ترین آن در پیشگاه خداوند است.

رسول خداصلی الله علیه و آله روزی بر بلندای حزوره رو به مکه کرد و فرمود:

«به خداوند سوگند، تو برترین زمین خدایی و دوست داشتنی‌ترین سرزمین خداوند در پیشگاه اویی. اگر نبود آن که از تو بیرون رانده شدم هرگز بیرون نمی‌رفتم.»

ص:۱۵۰

* نماز در مسجدِ این شهر، مسجد الحرام، به اندازهصد هزار نماز پاداش دارد.

* مکه و مدینه تنها شهری هستند که در آنها تنها یک دین وجود دارد.

* مناسک حج و عمره در این شهر و سرزمین مجاور آن انجام می گیرد.

* در هر جا که نمازی خوانده شود باید قبله‌اش مکه باشد.

* درآمدن بدین شهر تنها با احرام امکان‌پذیر است و غسل کردن نیز برای ورود به آن مستحب است.

* هم در روزگار جاهلیت حرم امن بوده و هم در روزگار اسلام حرم امن است و خداوند از آن روز که هستی را بیافرید آن را حرم امن قرار داد.

نام‌های مکه:

مکه دارای نام‌هایی چند است که مورخان و محدثان آنها را در نظم و نثر آورده‌اند. از آن جمله است:

۱- اسمکه، در این نام مفهوم جذب و کشش نهفته است، چنان که مکه خود، نیز همه را به سوی خویش می کشاند.

۲- بکه، چرا که گردن ستمکاران و سرکشان را در هم می‌شکنند.

۳- بلد امین، که در سوره بلد از آن یاد شده است.

۴- بلده، که آیتی دیگر از قرآن بدین نامش خوانده است. «(۱)» ۵- امّ القری، از آن روی که نقطه آغازین پیدایش زمین بوده است.

۱- آن‌جا که در سوره نمل آیه ۹۱ می‌فرماید: إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ؛« من فقط فرمان یافته‌ام که پرورگار این شهر را بپرستم.»

ص:۱۵۱

فصل دوّم: نخستین‌های مکه

اشاره

۱- نخستین کسی که در مسجد الحرام بر او نماز میت خوانده شد ابواهاب بن عزیز بن قیس بود.

۲- در روزگار قریش، کف حجر اسماعیل و مطاف خاک و شن بود و نخستین کسی که آن را به ریگ فرش کرد عمر بن خطاب بود. «(۱)» ۳- نخستین کسی که مطاف را سنگفرش کرد عبداللّه بن زبیر بود که این کار را در شعاع حدود ده ذراع از دیوار و با سنگ‌هایی که زاید بر بنای کعبه مانده بود به انجام رساند. «(۲)» ۴- نخستین کسی که در شب برای طواف کنندگان چراغی روشن ساخت عقبهٔ بن ازرق بن عمرو غسّانی بود که خانه‌اش چسبیده به مسجد الحرام و در سمت مقابل باب کعبه قرار داشت. بعدها در روزگار عبدالملک مروان، خالد بن عبداللّه قسری عهده‌دار این کار شد.

۵- برای نخستین بار در سال ۱۳۴۶ ه. ق. در مسجد الحرام نیروی برق به کار گرفته شد. «(۳)»

۱- التاریخ القویم، ج ۵، ص ۹۳

۲- منبع پیشین.

۳- منبع پیشین، ج ۲، ص ۱۲۴

ص:۱۵۲

۶- برای نخستین بـار در سال ۱۳۶۶ ه. ق. در مسـجد الحرام از پنکه‌های برقی استفاده شد. «(۱)» ۷- نخستین به کارگیری بلندگو در مسجد الحرام، به سال ۱۳۷۵ ه. ق. باز می‌گردد. «(۲)» ۸- توسعه مسجد الحرام در دوران آل سعود، نخستین بار در سال ۱۳۷۵ ه. ق. آغاز گردید. «(۳)» ۹- برای نخستین بـار در سال ۱۳۷۷ ه. ق. مطاف توسـعه یافت. «(۴)» ۱۰- برای نخستین بـار در سال ۱۳۷۹ محل برداشـتن آب از زمزم به طبقه زیر زمین انتقـال یافت. «(۵)» ۱۱- در سال ۱۳۷۹ ه. ق. برای نخستین بـار در طبقه بالای مسـجد الحرام که در جریان توسعه سعودی ساخته شده بود، نماز گزاردند. «(۶)»

نکته‌ها و ناگفته‌هایی از مسجد الحرام

رسـول خداصـلی الله علیه و آله از مسـجد الحرام، به سـیر شـبانه مسـجد الأقصـی و معراج رفت؛ آن حضـرت در حطیم خفته بـود که جبرئیل نزد وی آمد و وی را به سیر شبانه برد. «(۷)»صبحگاهِ روزِ پس از معراج، جبرئیل در محل کعبه، پیشاپیش پیامبرصلی الله علیه و آله به نماز ایسـتاد و نمازهای پنجگانه را بـدان حضـرت تعلیم داد: «(۸)» رسول خداصـلی الله علیه و آله چون در روز فتـح به مکه درآمد سمت آب دادن حاجیان را از عباس‌بن عبدالمطلب و سمت پرده داری و کلیدداری را از عثمان بن طلحه ستاند. اما

۱- التاریخ القویم، ج ۲، ص ۱۲۴

۲- . همان.

۳- همان.

۴- . همان.

۵- منبع پیشین، ج ۲، ص ۲۷۰

۶- منبع پیشین، ج ۲، ص ۲۷۰

۷- منبع پیشین، ج ۱، ص ۲۰۲

۸- منبع پیشین، ج ۱، ص ۲۲

ص:۱۵۳

دیگر بار بر آستانه در کعبه این دو سمت را بدین دو تن باز گردانید و همان‌جا اعلام کرد:

هر خونی و هر امتیازی که در روزگار جاهلیت بوده، همه را زیر پا می گذارم و بی‌اثر اعلام می‌دارم، مگر همین سقایت حاجیان و کلیدداری کعبه را. «(۱)» چون رسول خدا در روز فتح مکه طواف خود را سوار بر شتر به پایان برد، از مرکب فرود آمد و آن را از مسجد الحرام بیرون بردند. پس دو رکعت نماز گزارد و سپس به سراغ زمزم رفت و در آن نگریست. او می‌خواست با دستان خود از زمزم آب بردارد، اما به کناره‌ای از مسجد نزدیک مقام ابراهیم رفت.

در آن روزگار مقام ابراهیم چسبیده به خانه خدا بود و پیامبرصلی الله علیه و آله آن را دور کرد.

همچنین رسول خداصلی الله علیه و آله ظرف آبی خواست و قدری نوشید و وضو ساخت. در این هنگام مسلمانان قطره‌های آب وضوی او را بی‌درنگ برمی گرفتند و برصورت خویش می‌ریختند و مشرکان نیز می‌نگریستند و می گفتند: هیچ پادشاهی نه دیده و نه شنیده‌ایم که به چنین جایگاهی در میان قوم خود رسیده باشد.

پیامبرصلی الله علیه و آله پس از فتح مکه، در روز جمعه ده روز مانده از ماه رمضان، بر گرد خانه خدا طواف می کرد که فضالهٔ بن عمر بن ملوح لیثی آهنگ قتل وی داشت. پیامبرصلی الله علیه و آله چون به او نزدیک شد فرمود: ای فضاله؟ گفت: بله، ای رسول خدا. فرمود: با خویشتن در چه اندیشه بودی؟ گفت: چیزی نیست، ذکر خدا می گفتم. پیامبر خندید و سپس فرمود: از خداوند آمرزش بخواه. آن گاه دستان خود بر روی سینه وی گذاشت و دل آن مرد آرام گرفت. وی خود بعدها گفته بود: به خداوند سوگند هنوز دست خود از روی سینه‌ام برنداشت که احساس کردم خداوند هیچ چیز را برای من دوست داشتنی‌تر از او نیافریده است. «(۲)» پیامبر خدا در روز فتح مکه پس از آن که به درون کعبه رفت، بلال را که همراهش بود فرمود تا اذان بگوید. در همین زمان ابوسفیان بن حرب، عتاب بن اسید و حارث بن هشام در آستانه کعبه نشسته بودند. عتاب رو به همراهانش کرد و گفت: خداوند بر اسید

۱- التاریخ القویم، ج ۱، ص ۲۸۹

۲- منبع پیشین، ج ۱، ص ۲۹۱

ص:۱۵۴

منت نهاد که در این جا نباشد و چیزی نشنود که او را به خشم آورد. حارث گفت: به خداوند سوگند، اگر او را به حق می‌دانستم از وی پیروی می‌کردم. ابوسفیان نیز گفت: من هیچ نمی‌گویم، که اگر چیزی بگویم این ریگ به او خبر می‌رساند!

دیری نپایید که رسول خدا از کعبه بیرون آمد و به این جمع فرمود: من همه آنچه را که گفتید می‌دانم- و سپس همه آنچه را که گذشته بود برایشان بازگو کرد. در این هنگام حارث و عتاب هر دو گفتند: گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خدایی. به خداوند سوگند، هیچ کس از آنچه میان ما گذشت خبر نیافته بود تا بگوییم به تو خبر رسانده است. «(۱)» در گذشته‌ها، در فصل تابستان مطاف را برای سرد شدن پیوسته آب پاشی می‌کردند.

در تاریخ مسجد الحرام به ده‌ها رخداد طبیعی؛ از قبیلصاعقه، لرزش‌های شبیه زلزله، خورشید گرفتگی و همانند آن برمی‌خوریم که آیاتی از حکمت خداوند را نشان داده و مایه عبرت مردمان در دوری از گناه و آمرزش طلبیدن برکرده‌های خویش بوده است.

تاریخچه زمزم

چنان کهصاحب «مرآة الحرمین» آورده، چاه زمزم در مقابل ضلع حجرالأسود به فاصله هیجده متری کعبه و در کنار مقام ابراهیم قرار داشته است.

پیدایش این چاه به روزگار ابراهیم باز می‌گردد. چون ابراهیم به فرمان خداوند زن و فرزند خویش هاجر و اسماعیل را در بیابانی بی‌کشت و ذرع رها کرد، همسرش از او پرسید: چرا ما را وامی‌گذاری؟ آیا خداوند تو را چنین فرمان داده است؟ ابراهیم در پاسخ گفت: آری. همسرش آنگاه گفت: اگر چنین است تباه نخواهیم شد.

هاجر و اسماعیل در جوار خانه ماندند و چون ذخیره آبی که همراه داشتند به پایان رسید میان دو کوهصفا و مروه از این سوی بدان سوی دوید تا مگر آبی بیابد. آن گاه که

۱- التاریخ القویم، ج ۱، ص ۲۹۱

ص:۱۵۵

همه تلاش خود را انجام داد و توانش به کرانه رسید، او را از جانب پروردگار پاسخ آمد و خداوند زمزم را در زیر پای اسماعیل برجوشاند.

چون زمزم از خاک برجوشید، هاجر از این بیم که مباد تا آوردن مشک، این آب از میان برود، برگرد آن با خاک حصار ساخت و چنین بدان خطاب کرد: «زمی، زمی»؛ «بر جای خویش بمان». از آن روز و به سبب این خطاب، زمزم به چنین نامی خوانده شد.

گویند: اگر هاجر بر گرد این آب که از زمین برمی‌جوشید، حوضچه و حصار نمی‌ساخت چشمه‌ای همیشه جاری می‌ماند.

با گذشت زمان و به سبب شرایط و اوضاع جغرافیایی و سیاسی که به واگذاشته شدن مسجد الحرام و زمزم انجامید این چاه پر شد و آثار آن هم از میان رفت، تا آن که بعدها عبدالمطلب در پی رؤیایی که دیده بود، به الهام خداوند آن را دیگر بار آشکار ساخت.

به واسطه زمزم و در وفای به نذری که عبدالمطلب کرده بود، عبداللّٰه فرزند وی و پدر رسول خداصلی الله علیه و آله در معرض قربانی شدن قرار گرفت. اما زمزم که چشمه آب حیات است و زندگی را به اسماعیل باز گردانده بود چگونه امکان داشت واسطه مرگ شود؟

چنین بود که خداوند راهی دیگر در پیش عبدالمطلب گذاشت و بدین‌سان عبداللّٰه از کشته شدن رهایی یافت. «(۱)» به واسطه زمزم و در هنگام فدیه دادن برای عبداللّٰه و رهایی او از کشته شدن بود که مقرر شد دیه هر مردصد نفر شتر باشد. اسلام هم این سنت عرب را پذیرفت و در

۱- . در این باره در قصهٔ التوسعه ص ۱۴۰ به نقل از« الکعبهٔ والکسوه» آمده است: شبی عبدالمطلب در خواب دید که بانگی غیبی از او می‌خواهد زمزم را حفر کند. آن بانگ تکرار شد و جای حفر را به او نمایاند.

بدین‌سان عبدالمطلب کندن را آغاز کرد در حالی که یگانه فرزندش حارث او را یاری می‌داد و البته جز او فرزندی هم نداشت. هنگامی که کار در شرف پایان یافتن بود قریش در انجام بقیه‌اش مدعی شدند و از او خواستند آنان را نیز در کار این چاه که هدیه پدرشان اسماعیل است شریک کند. عبدالمطلب از پذیرفتن سر باز زد و آنان به فزونی شمار خود در برابر وی حجت آوردند.

عبدالمطلب نذر کرد که اگر خداوند او را ده فرزند پسر دهد یکی را در راه خدا قربانی کند.

ص:۱۵۶

آیین دیه چنین مقرر کرد.

زمزم آبی است که هر کس از آن بخورد از نفاق رهایی یابد.

زمزم شربت پذیرایی از میهمانان خداست که خانه او را زیارت کنند.

گویند ابوذر سی روز تنها به آب زمزم گذراند و در این مدت آن اندازه فربه شد که چین خوردگی‌های شکمش شکافت.

آب زمزم بر هر آب دیگری برتری دارد؛ چه، آن که سبب برجوشیدنش از زمین شده، پیامبری از پیامبران الهی بوده و آنچه واسطه این بر جوشیدن شده پای جبرئیل بوده است، در جوار کعبه و در مقدس‌ترین جای زمین برجوشیده است. آب زمزم از سه سوی یعنی سمت حجرالأسود،صفا و نیز مروه می‌آید، پیامبران و برگزیدگان و پرهیزگاران از این آب نوشیده‌اند، قلب رسول خداصلی الله علیه و آله بدان شسته شده است، و آب زمزم را به دلیل گوارا بودن و تبرک برای رسول خداصلی الله علیه و آله به مدینه می‌بردند.

پس از آن که عبدالمطلب زمزم را دیگر بار زنده ساخت، در جوار این چاه جایی آماده کرد و خود در این جای عهده‌دار آب دادن به مردم از زمزم می‌شد. چون درگذشت فرزندش ابوطالب این سمت را عهده‌دار شد. ابوطالب سالی از برادر خود عباس بن عبدالمطلب ده هزار درهم قرض طلبید و آن را در موسم حج مصرف کرد و هیچ برای خویش نگذاشت. چون سال بعد موسم حج شد ابوطالب هیچ نداشت و از این روی دیگر بار از برادر خود عباس چهارده هزار درهم وام خواست، بر این شرط که اگر نتواند آن را باز پس دهد، منصب سقایت حاجیان را به وی واگذارد.

چون سال بعد شد و ابوطالب در این مدت نتوانسته بود بدهی برادر را باز پس دهد سقایت را به او واگذاشت. این سمت در دست بنی عباس بود و تا پایان خلافت عباسیان در اختیار آنان ماند.

ایوبصبری در «مرآة جزیرة العرب» در این باره چنین آورده است:

چون عباسیان حکومت را در اختیار گرفتند، کارهای حکومتی آنان را از پرداختن به امور سقایت باز داشت و از این روی این کار را به خاندان زبیر که خود عهده‌دار اوقات حرم بودند می‌سپردند تا به نیابت از خاندان عباسی آن را به انجام رسانند.

ص:۱۵۷

تصویرص ۱۴۵ قصهٔ التوسعه یک صفحه کامل

ص:۱۵۸

بعدها خاندان زبیر از عباسیان خواستند این سمت را رسماً بدیشان واگذار کنند.

عباسیان هم بر اساس سندی این کار را بدین خاندان واگذاشتند، هر چند به دلیل فزونی یافتن حاجیان، کسانی دیگر نیز در انجام این مهم با آنان همکاری می‌کردند. اینان را «زمازمه» می‌نامیدند.

بعدها خلفای عثمانی نیز این سمت را برای خاندان زبیر تثبیت کردند.

امروزه این خاندان به «بیت ریس» نامورند. «(۱)» روزگاری بر زمزم غرفه‌ای و گنبدی بوده و آن جا سایبانی برای سرد کردن سبوهای آب وجود داشته است. اما این بنا در سال ۱۳۸۳ ه. ق. در جریان توسعه مطاف و بر اقتضای ضرورت برداشته شد. «(۲)»

۱- التاریخ القویم، ج ۳، ص ۸۰

۲- در قصهٔ التوسعه ص ۱۳۷ درباره تاریخ زمزم چنین آمده است:

بنابر پژوهش‌های انجام گرفته از سوی کسانی که در رخدادهای مذکور در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان تحقیق می‌کنند، اسماعیل در سال ۱۹۱۰ قبل از میلاد به دنیا آمده است. این تاریخ با آنچه برخی مورخان مسلمان؛ همانند مسعودی پیش از این محققان یادآور شده‌اند، سازگاری و هماهنگی دارد.

از آن زمان تا سال ۱۹۹۵ میلادی ۳۹۰۵ سال شمسی و ۳۹۸۷ سال قمری فاصله است.

در قصهٔ التوسعه ص ۱۳۸ از نام‌های زمزم چنین یاد شده است: زمزم، شباعه، مرویه، نافعه، عافیه، میمونه، برکه، مضنونه، کافیه، معذبه، شفاء سقم، طعام طعم، هزمهٔ جبریل، و سقیا اسماعیل.

در همین کتاب درباره سرچشمه، میزان آب‌دهی و نیز ابعاد و اندازه‌ها و مرمت‌های زمزم چنین آمده است:

سرچشمه زمزم و میزان آب‌دهی آن: مطالعاتی چند به هدف شناخت سرچشمه آب زمزم صورت پذیرفته و پس از بررسی‌هایی علمی که در شرایط مختلف از جمله زمان بارش باران و جاری شدن سیل انجام گرفته مشخص شده است که سرچشمه آب زمزم با دیگر آب‌های زیر زمینی تفاوت دارد و باید سرچشمه‌ای مستقل داشته باشد.

بر پایه همین بررسی‌ها، سرچشمه اصلی آب زمزم از لابه لای صخره‌های مسطحی است که در دوره‌های کهن زمین ساختی شکل گرفته است. این آب از طریق سه رخنه که در میان سنگ‌ها پدید آمده، از سمت کعبه، صفا و همچنین مروه به طرف چاه زمزم می‌آید.

فشار آبی که در زیر این صخره‌ها به سمت چاه سرازیر می‌شود به حدود ده متر آب می‌رسد.

در بالای طبقات سنگی که آب از زیر آنها جریان می‌یابد طبقه‌ای به ضخامت حدود ۱۶ متر از شن و ماسه وجود دارد.

طبق آخرین بررسی‌ها میزان دبی آب زمزم میان ۱۱ تا ۵/ ۱۸ لیتر در ثانیه است.

اگر ما کمترین میزان دبی زمزم را لحاظ کنیم کل دبی این چاه در هر ساعت ۶۰۰/ ۳۹، در هر روز ۴۰۰/ ۹۵۰، در هر ماه سی روزه ۰۰۰/ ۵۱۲/ ۲۸ و در هر سال افزون بر ۰۰۰/ ۱۴۴/ ۳۴۲ لیتر خواهد بود.

بر این پایه می‌توان پیش بینی کرد از روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون که افزون بر چهارده سده می‌گذرد، چه اندازه از زمزم آب برداشت شده است و چه اندازه کسان از آن سیراب شده‌اند.

ابعاد زمزم: از دیر باز مورخان به اندازه‌گیری ابعاد زمزم اهتمام داشته و گزارش‌هایی از عمق و قطر آن در آثار خویش بر جای گذاشته‌اند. اخیراً نیز بررسی‌هایی علمی درباره این امر صورت پذیرفته و در نتیجه آن مشخص شده که عرض چاه حدود چهار متر

است و داخل چاه تا عمق ۸۰/ ۱۴ سانتیمتر از دور چین محکمی برخوردار است. در پایین این عمق دو دهانه تونل وجود دارد که یکی از سمت کعبه و دیگری از سمت اجیاد می‌آید، و پایین‌تر از آن تا عمق ۲۰/ ۱۷ سانتیمتر در داخل سنگ حفر شده است.

جالب آن که این اندازه‌ها به آنچه در اسناد تاریخی کهن نیز آمده و عمق چاه را چهل ذراع گزارش می‌کند نزدیک است.

قطر چاه در عمق‌های مختلف آن متفاوت و میان یک و نیم و دو متر در نوسان است و در محل تلاقی دو بخش دارای دورچین و حفر شده در دل سنگ‌ها به ۸۰/ ۱ سانتیمتر می‌رسد.

مرمت و بنای بر زمزم: در گذر روزگاران با توجه به جایگاه زمزم، اهتمام فراوانی بدان شده است و خلیفگان و شاهان و حکمرانان عنایتی بسیار بدان داشته و به ساختن بنا، بر آن پرداخته و آذین‌هایی مناسب با جایگاه و منزلت این چاه، بدان افزوده‌اند و این اهتمام تا به امروز ادامه یافته است.

از آنجا که در روزگاران کهن منصب سقایت حاجیان از آب زمزم در اختیار عباس بوده، عباسیان علاقه و اهتمام فراوانی به زمزم و ابنیه آن داشتند. منصور نخستین کسی بود که نرده‌هایی بر چاه گذاشت و اطراف آن را سنگفرش کرد. عباسیان همچنین بر روی چاه گنبدی بنا کردند که یاقوت حموی از آن یاد کرده است. ابن عبد ربه این گنبد را کاشی کاری شده توصیف کرده و در گزارشی که ابن جبیر از آن به دست داده، گنبدی است با نمای سنگ سفید، و گنبد خانه آن دری به سمت شرق دارد و در داخل آن دلوی است که پر آب می‌کنند و بر کنار گنبد نیز اقامتگاه موذن زمزم است. در این گزارش، همچنین گرداگرد چاه کاملًا با سنگ دورچین شده است.

در دوره‌های بعد گنبد و بنایی که بر زمزم بوده بارها مرمت شده و در آخرین مرحله پیش از توسعه فراگیر سعودی، دهانه چاه گرد بوده، بر آن قطعه سنگی مرمر به اندازه دهانه قرار داشته، سطح اطراف آن با مرمر فرش شده، بر گرد آن حصاری فلزی وجود داشته تا مانع سقوط به چاه شود و بر روی این حصار نیز نرده‌هایی فلزی بوده است.

بنای گنبد خانه‌ای که تا این دوران بر زمزم بوده، بنایی چهار گوش و طول هر ضلع آن ۱۱ ذراع برابر ۵/ ۵ متر بوده است. درِ گنبد خانه از سمت شرق گشوده می‌شده، در ارتفاع نیمه دیوار و در سمت مقابل کعبه یعنی ضلع غربی بنا کتیبه‌ای وجود داشته، بر فراز بنا سقفی چوبی و بر روی این سقف گنبدچه‌ای کوهان شکل با اضلاع مسطح قرار گرفته بوده، و مجموع این سایه بان چوبی به رییس وقت نگه‌داران، که وظیفه اعلام وقت اذان در اوقات پنج گانه به مؤذنان را عهده‌دار بوده، اختصاص داشته است.

تا سال ۱۳۷۳ ه. ق. برای برداشتن آب از دلو استفاده می‌شده و در این سال پمپ آبی بدین منظور نصب شده که آب را به منبعی فلزی در بالا می‌رسانده و از آنجا آب به شیرهایی که در اطراف چاه قرار داده شده می‌رسیده است. البته در این زمان همچنان دلو چاه نیز برای کسانی که علاقه داشته‌اند باقی گذاشته شده بود.

در دومین مرحله از نخستین توسعه دوران سعودی که در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ ه. ق. صورت پذیرفت، بناهای موجود بر زمزم برچیده شد و دهانه چاه نیز به طبقه زیر زمین؛ یعنی عمق دو متر و هفتاد سانتیمتر از سطح مطاف انتقال یافت و پلکانهایی برای رفتن به سالن‌های جداگانه زنان و مردان که در هر کدام تعدادی شیر نصب شده بود ساخته شد. در همین مرحله، دوران به کارگیری دلو برای برداشتن آب به کلی پایان یافت.

در مراحل بعد به وسعت و امکانات سالن زیر زمین افزوده شد. همچنین آب زمزم در سر تا سر مسجد الحرام در مخزن‌های ویژه یک شکل در دسترس حاجیان قرار گرفت.

تا پیش از دوران حاضر که آب زمزم با دستگاه‌های ویژه سرد می‌شود، یخ‌های مورد استفاده برای سرد کردن آب از خود زمزم تهیه می‌شده است و اکنون نیز همین شیوه در کنار استفاده از سرد کن‌ها استمرار دارد بنگرید به قصهٔ التوسعه، صص ۱۴۱ – ۱۲۷.« مترجم»

ص:۱۵۹

ص:۱۶۰

ص:۱۶۱

تاریخچه مقام ابراهیم

خداوند درباره مقام ابراهیم در قرآن کریم چنین فرموده است: «و آن گاه که آن خانه را پناهگاه و مأمن آدمیان قرار دادیم و شما از مقام ابراهیم برای خویشتن نمازگاه بگیرد.» «(۱)»- یعنی آن که در جوار مقام ابراهیم نماز بگزارید.

برخی گفته‌اند: مسجد الحرام همه جایش مقام ابراهیم است. برخی گفته‌اند: همه حرم مقام ابراهیم است. کسانی گفته‌اند: همه مکان‌های حج از قبیل منا، عرفات و مزدلفه مقام ابراهیم است. و سرانجام کسانی دیگر نیز گفته‌اند: مقام ابراهیم همان سنگی است که ابراهیم به هنگام بنای کعبه بر روی آن می‌ایستاد و هر اندازه دیوارهای کعبه بالاتر می‌رفت آن را نیز بالاتر می‌برد.

در این میان، نظر اخیر درست‌تر از بقیه می‌نماید و همین نیز از نام مقام ابراهیم به ذهن انسان تبادر می‌کند.

پس مقام ابراهیم همان سنگ است که خداوند خواسته جای پای او بر آن بماند تا یادمانی از ایمان کامل و دلدادگی تام او به خداوند باشد. «(۲)» بنا بر روایتی که ترمذی، احمد، حاکم و ابن حِبّان نقل کرده‌اند، مقام ابراهیم در اصل از سنگ‌های بهشت است؛ از رسول خداصلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «رکن و مقام دو یاقوت از یاقوت‌های بهشت هستند که خداوند درخشش آنها را خاموش کرده است و اگر خداوند نور آنها را خاموش نمی‌کرد از مشرق تا مغرب را روشن می‌ساختند.

با آن که اعراب در روزگار جاهلیت نیز حجرالأسود و مقام را در کنار کعبه احترام می‌گزاردند، اما خداوند چنین مقدر داشت که این سه از بت شدن مصون بمانند تا این

۱- بقره: ۱۲۵

۲- التاریخ القویم، ج ۴، ص ۱۱

ص:۱۶۲

مقدسات آیین محمدی از هر گونه شائبه شرک در تاریخ خود به دور باشند.

جای پاهایی که بر سنگ مقام است حالت اولیه خود را از دست داده؛ چرا که جز در دوره‌های اخیر، در فضای آزاد و در زیر آفتاب و دیگر عوامل طبیعی بوده و افزون بر این، فراوان آن را لمس کرده‌اند و مجموع این عوامل سبب از میان رفتن نقش انگشتان شده است.

آنچه از جای پاهای موجود بر سنگ به نظر می‌رسد این است که ابراهیم به هنگام بنای کعبه و قرار گرفتن بر روی این سنگ پا برهنه بوده است.

بخاری از انس بن مالک نقل کرده است که عمر بن خطاب گفته:

«در سه چیز با خدایم بر یک خواسته شدم: یکی آن که گفتم: ای رسول خدا، چه خوب بود مقام ابراهیم را نماز گاه می کردی. پس این آیه نازل شد که وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلّیً «(۱)» ....»

سنت آن است که نماز در پشت مقام ابراهیم خوانده شود. البته حتماً نمی‌بایست به‌طور دقیق پشت مقام قرارگرفت، بلکه‌به همان اندازه که‌عرفاً پشت‌مقام‌باشد کافی است، آن‌گونه که نمازگزاران جماعت، در فاصله‌های دور ونزدیک پشت سر امام قرار می گیرند.

در دوران جاهلیت و در روزگار رسول خداصلی الله علیه و آله تا روز فتح مکه، مقام ابراهیم چسبیده به خانه خدا بود، اما پیامبرصلی الله علیه و آله پس از نزول آیه وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلّیً و برای آن که نمازگزاران در پشت مقام ابراهیم سد راه طواف کنندگان کعبه نشوند آن را از خانه خدا فاصله داد و به جای کنونی برد. مقام در دوران ابوبکر و عمر نیز در همین جا بود و چون در این دوران سیل آن را از جای خود کند و دور کرد آن را به مسجد الحرام برگرداندند و چسبیده به کعبه گذاشتند. اما عمر خود از مدینه به مکه آمد و در ماه رمضان سال ۱۷ ه. ق. در حضور جمعی ازصحابه آن را به همان موضع خویش در دوران پیامبرصلی الله علیه و آله برگرداند. اکنون نیز مقام در همان جا قرار دارد.

مهدی خلیفه عباسی نخستین کسی بود که در سال ۱۶۱ ه. ق. برای مقام ابراهیم

۱- بقره: ۱۲۵

ص:۱۶۳

قابی از طلا- فراهم ساخت، سپس دیگر خلیفگان و کلید داران کار نگهداری از مقام و ترمیم قاب آن و یا فراهم ساختن قاب‌های جدید را برای آن پی گرفتند.

مقام ابراهیم در آغاز در فضای روباز قرار داشت، در جریان فتنه قرمطیان که حجرالأسود را دزدیدند، خواستند مقام را هم بربایند، اما یکی از کلیدداران کعبه آن را پنهان ساخت و بدین سان از گزند ایمن نگه داشت. از آن پس بود که مردم برای حفاظت از مقام، در اندیشه برآمدند و بدین سان برای آن، دو قبه متحرک؛ یکی چوبی و دیگری آهنین‌فراهم گردید. بعدها برای مقامصندوقی ویژه ساختند و آن را در اینصندوق می گذاشتند.

در زمان‌های پسین و با پیشرفت اوضاع، برای مقام مقصوره‌ای ساختند و در انتهای این مقصوره سایه بانی بود تا مردم نماز طواف را در آن انجام دهند.

گفته می‌شود نخستین بار در سال ۸۱۰ ه. ق. مقصوره‌ای بر مقام ساخته شد. بنای ساخته شده بر مقام، بعدها بارها مرمت و نوسازی شد و سرانجام در دوران سعودی و به هدف فراخ‌تر کردن مطاف بر حاجیان، آن را برداشتند و ضریح شیشه‌ای کوچکی جایگزینش کردند.

تا سال ۱۳۸۵ ه. ق. مقام ابراهیم در داخل بنای مقصوره قرار داشت و پرده‌ای که مقام را در میان گرفته بود مانع دسترسی بدان می‌شد. در سال ۱۳۷۷ ه. ق. محمد طاهر کردی فاصله میان شاذروان کعبه تا نخستین پنجره ضریح مقام ابراهیم را اندازه‌گیری و آن را یازده متر گزارش کرده است. «(۱)»

۱- محمد طاهر کردی همچنین در« التاریخ القویم» این طرح تقریبی را از مقام ابراهیم آورده و در مورد آن که در صفحه بعد آمده چنین نوشته است:

این طرحی است تقریبی اما نزدیک به حقیقت که ما خود، هنگامی که در ۱۷ شعبان ۱۳۶۷ ه. ق. درهای ضریح مقام را برایمان باز کردند به دست خویش ترسیم کرده‌ایم؛ چنان که در این طرح به خوبی پیداست روی مقام ابراهیم و چهار ضلع جانبی آن با قاب نقره پوشیده شده و تنها جای پاها بازمانده است. این قاب نقره از سمت پایین به سنگی که قاعده مقام را تشکیل می‌دهد و در زیر آن جای گرفته، چسبیده است و نمی‌توان آن را جا به جا کرد.

کردی همچنین شعری بدین مضمون نقل می کند:

« هر اندازه بنا بالا می‌رفت ابراهیم و اسماعیل مقام را بالاتر می‌بردند و بدین سان به کمک آن، پایه‌های خانه را بالا بردند. بر این سنگ جای پایی است که بیش از هر چیز جای پای آن هاشمی را می‌ماند.»

تصویر؟؟؟؟؟

کردی سپس می‌افزاید: واقعاً نیز چنین است؛ چه، هم در این باره احادیثی صحیح رسیده و هم شکل جا پاهای موجود بر مقام این همانندی را گواهی می کند. ابوجهم ابن حذیفه قرشی- که خود دوبار؛ یکی در روزگار قریش و دیگری در روزگار عبداللّه زبیر در بنای کعبه شرکت داشته است- می گوید: هیچ شباهتی به سان شباهت جای پای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با جای پای ابراهیم علیه السلام که بر مقام می‌یابیم ندیده‌ام.

کسانی از بنی مدلج؛ یعنی خاندانی که در علم شناخت کسان از طریق جای پا و دیگر نشانه‌های بدنی نامورترین خاندان عرب بوده‌اند، هنگامی که عبدالمطلب پس از درگذشت آمنه مادر پیامبر صلی الله علیه و آله عهده‌دار کفالت آن حضرت شده به او

گفته‌انـد: از محمد خوب نگهداری کن که ما هیچ جای پایی به همانندیِ جای پای او با آن که بر مقام ابراهیم است ندیده‌ایم. نک: التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰

ص:۱۶۴

تصـمیم به برداشـتن بنای ساخته شده بر مقام ابراهیم بنابر توصـیه کنگره تأسـیس رابطه العالم الاسلامی (انجمن جهان اسلام) در ۲۵/ ۱۲/ ۸۴ ه. ق. آغاز شـد. در مقـدمه آن توصـیه چنین آمده بود: «به منظور از میان بردن خطر ازدحام درایام برگزاری حجّ و همچنین جلوگیری از تکرار قربـانی شـدن بی‌گناهـان در زیر دست و پـای طواف‌کننـدگان یعنی فاجعه‌ای که همه ساله شاهـد آن هستیم و با تسامح و تساهل آیین اسلام و مکلّف نکردن مردم به بیش از آنچه در توانشان است ناسازگاری دارد، این کنگره طرح زیر را

ص:۱۶۵

تصویب و برداشتن مقام را به نهادهای دست‌اندرکار عربستان سعودی واگذار می‌کند ...»

به دنبال این تصمیم مشخصات فنّی طرح اعلام و مسؤولان بی‌درنگ دست به کار اجرای آن شدند و در نتیجه اقدام‌های انجام گرفته، حفاظ شیشه‌ای و ضریح امروزین بر روی مقام قرار داده شد.

در سال‌های اخیر و در چهار چوب طرح توسعه ملک فهد فرمانی از سوی وی درباره مرمت مقام ابراهیم، بی‌آن که ذره‌ای جابه جا شود یا در آن تغییرصورت پذیردصادر شد و در پی آن فرمان، مرمت مقام ابراهیم با ویژگی‌های زیر انجام گرفت:

۱- ضریح فلزی که بر مقام ساخته بودند با ضریح مسی جدید جایگزین گردید. در این ضریح، پنجره‌های مشبک داخل، آب طلا داده شد و بر روی این، پنجره‌ای شیشه‌ای به قطر ۱۰ میلیمتر و از نوع مقاوم در برابر ضربه و حرارت قرار گرفته است.

۲- نمای قاعده سنگی مقام از گرانیت سیاه و مرمر وادی فاطمه به مرمر سفید یکدست کرار که با گرانیت سبز تزیین شده بود تغییر یافت تا با نمای حجر اسماعیل همانند شود.

۳- لبه‌های تیز قاعده سنگی مقام به شکل منحنی و گرد درآمد.

۴- عملیات مرمت در بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۱/ ۱۰/ ۱۴۱۸ ه. ق. پایان پذیرفت. «(۱)»

۱- در کتاب قصهٔ التوسعه درباره مشخصات سنگ مقام ابراهیم، تاریخچه این سنگ، مراحل تاریخی ساخت بنا بر سنگ و همچنین وضع کنونیِ سنگ، آگاهی‌هایی به دست داده شده که یادآوری آنها بر فایده این کتاب می‌افزاید. در آن کتاب چنین آمده است: مشخصات سنگ مقام:[باسلامه در کتاب تاریخ عمارهٔ المسجد الحرام درباره سنگ مقام ابراهیم چنین گزارش می‌کند:]« سنگی است از نوع سنگ‌های نرم، شکل کلی آن مربع و طول، عرض و ارتفاع آن هر کدام یک ذراع ۵۰ سانتیمتر* ۵۰ سانتیمتر* ۵۰ سانتیمتر است. در وسط آن جای پای ابراهیم به چشم می‌خورد. اکنون این جای پا دو حفره بیضی شکل است که البته دراثر دست کشیدن‌های فراوان بر آن در گذر تاریخ و همچنین پر کردن آن با آب زمزم و دیگر عوامل بدین صورت درآمده است.

من[باسلامه] در سال ۱۳۳۲ ه. ق. همراه با رییس کلید داران وقت، مرحوم شیخ محمد صالح بن احمد بن محمد شیبی سنگ مقام را به چشم دیدیم و مشاهده کردیم که با ورقه‌های نقره پوشانده شده و بر روی قاعده‌ای قرار گرفته و چنان که یادآور شده‌ام مکعب شکل و به رنگی میان سفید، سیاه و زرد است، و جای پاهایی بر روی آن نقش بسته است.»

محمد طاهر کردی تاریخ‌نگار دیگری است که خود سنگ مقام را دیده و آن را چنین گزارش کرده است:« مشاهده کردیم که سنگ مقام ابراهیم خلیل بر روی قاعده‌ای از سنگ مرمر سفید و با طول و عرض همانند طول و عرض مقام ولی با ارتفاع ۱۳ سانتیمتر سوار شده و قاب نقره‌ای که سنگ اصلی مقام را در برگرفته اندکی از این قاعده را هم گرفته و بدین ترتیب آنها را به همدیگر محکم کرده است، به گونه‌ای که سنگ اصلی مقام را نمی‌توان از این قاعده جدا کرد.»

سنگ اصلی و این قاعده کوچک، با هم، بر روی قاعده بزرگتری سکو مانند قرار گرفته که از جنس سنگ مرمر سفید و طول و عرض آن یک متر و ارتفاعش از زمین ۳۶ سانتیمتر است.

این قاعده، خود در میان صندوق یا ضریح چوبی مکعب شکلی به ارتفاع قد انسان قرار گرفته و این ضریح دارای هیچ منفذی نیست و تنها از طریق درِ آن می‌توان مقام را مشاهده کرد.

البته هم در اندازه‌ها و هم در مشخصاتی که برای سنگ و مقام ذکر شده، اختلاف‌هایی میان کردی و باسلامه وجود دارد. آنچه درباره ابعاد و مشخصات در آغاز این بحث آوردیم گزارش باسلامه است، اینک بنگریم کردی در این باره چه می‌نویسد. او ابعاد

مقام را چنین گزارش می‌کند:« سنگ مقام شبیه به مکعب است، ارتفاع آن بیست سانتیمتر، طول سه ضلع از اضلاع آن، در برش افقی، ۳۶ سانتیمتر و طول ضلع دیگر ۳۸ سانتیمتر است. بنابراین محیط سنگ؛ یعنی محیط شامل ضلع‌های چهار طرف جمعاً صد و چهل و شش سانتیمتر خواهد بود. اما سطح ضلع پایین مقام اندکی از سطح ضلع فوقانی بیشتر است و بدین ترتیب محیط سنگ یعنی محیط شامل ضلع‌های پایین و بالا و دو ضلع جانبی جمعاً حدود صد و پنجاه سانتیمتر خواهد بود.»

به نظر می‌رسد در میان این گزارش‌ها گزارش محمد طاهر کردی دقیق‌تر است؛ زیرا او این فرصت را در اختیار داشته که با دقت و حوصله ابعاد را اندازه بگیرد و مشخصات را بررسی کند هر چند که اختلاف میان او و باسلامه اندک است و از چند سانتیمتر تجاوز نمی‌کند.

فاصله سنگ مقام تا کعبه و دیگر اماکن: شماری از عالمان این فاصله را در آثار خود یادآور شده‌اند؛ از جمله ازرقی در اخبار مکه ج ۲، ص ۲۸ آورده است: فاصله میان رکن حجرالأسود تا مقام ابراهیم بیست و نه ذراع حدود ۵/ ۱۴ متر، فاصله میان شاذروان کعبه و مقام بیست و شش ذراع و نصف حدود ۲۵/ ۱۳ متر، از رکن شامی تا مقام ۲۸ ذراع و هفت انگشت حدود ۱۴ متر، و از مقام تا کنار چاه زمزم بیست و چهار ذراع و ۲۰ انگشت حدود ۰۵/ ۱۲ متر است.

مراحل تاریخی مقام: سنگ مقام همانند حجرالأسود در کانون اهتمام و توجه خلیفگان، شاهان، فرمانروایان و امیران بوده است؛ نخستین کسی که این سنگ را آذین فراهم ساخت مهدی عباسی بود. او هزار دینار فرستاد و با آن برای سنگ مقام ابراهیم حفاظ ساختند. هارون در دوران خلافت خود پس از مشاهده این که حفاظ نقره سنگ آسیب‌هایی برداشته است فرمان داد آن را مرمت و نوسازی کنند. در دوران متوکل عباسی نیز بر این حفاظ افزوده شد.

در سال ۸۱۰ ه. ق. به نام ملک ناصر فرج فرمانروای مصر و شام گنبدی بر مقام ساخته شد. در سال ۹۰۰ ه. ق. این گنبد تعویض و در سال ۹۱۵ مقام ابراهیم مرمت شد. در سال ۱۰۰۱ ه. ق. نیز سقف بنایی که بر مقام بود تعویض گردید و از آن پس بارها این بنا و نیز ضریح و قاب سنگ نوسازی یا مرمت شد.

در روزگار حکمرانان عثمانی رسم بر این بود که هر سال به هنگام تعویض جامه کعبه، بر مقام ابراهیم نیز جامه‌ای سیاه بپوشانند. این جامه همانند پوشش کعبه با سیم‌های نقره و طلایی رنگ و به سبکی همانندِ سبک مورد استفاده در پرده و کمربند کعبه گلدوزی شده بود و بر روی صندوق چوبیی که در داخل ضریح فولادی و بر روی مقام قرار داشت آویخته می‌شد.

در چهار سوی این پوشش نوشته‌هایی عربی و یا آیه‌هایی از قرآن گلدوزی شده بود. این نوشته‌ها که از سمت درِ مقام ابراهیم آغاز می‌شد عبارت بودند از:

سطر اول: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم، وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ مُصَلّیً وَعَهِدْنَا إِلَی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ أَنْ طَهِّرَا بَیْتِی لِلطَّائِفِینَ وَالْعَاکِفِینَ وَالرُّکَّعِ السُّجُودِ

سطر دوم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبِّ أَرِنِی کَیْفَ تُحْیِ الْمَوْتَی قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَی وَلَکِنْ لِیَطْمَئِنَّ قَلْبِی قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنْ الطَّیْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیْکَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَی کُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ یَأْتِینَکَ سَعْیاً وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ

سطر سوم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکاً وَهُدیً لِلْعَالَمِینَ* فِیهِ آیَاتٌ بَیِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِیمَ وَمَنْ دَخَلَهُ کَانَ آمِناً وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَمَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنْ الْعَالَمِینَ

سطر چهارم:« االلَّه جَلَّ جَلالُهُ، مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله، ابوبکر رضی الله عنه، عمر رضی الله عنه، عثمان رضی الله عنه، علی رضی الله عنه، حسین رضی الله عنه»

سطر پنجم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم، قُلْ کُلٌّ یَعْمَلُ عَلَی شَاکِلَتِهِ فَرَبُّکُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَی سَبِیلًا

سطر ششم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم، هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ.

وضع کنونی مقـام ابراهیم: تا پیش از سال ۱۳۸۷ ه. ق./ ۱۹۶۷ م. مقام ابراهیم در داخل ضـریحی مسـی و مکعب شکل قرار داشته و این ضریح را گنبد خانه‌ای چهار ستونی با ابعاد سه در شش متر در میان می‌گرفته و بر فراز آن بنا گنبدی وجود داشته است.

اما افزایش روز به روز حاجیان در آن روزگار به گونه‌ای بود که مطاف گنجایش آنان را نـداشت و در این میان، بنای مقام ابراهیم، خود یکی از عوامـل کنـدی حرکت طواف کننـدگان برگرد کعبه بود. این مسأله گفت و گوهای پردامنه‌ای را میان عالمان مسـلمان سبب گردید و سرانجام انجمن جهان اسلام در کنگره

بنای مقام ابراهیم که در جریان توسعه مطاف برچیده شد

تأسـیس خود در ۲۵/ ۱۲/ ۱۳۸۴ ه. ق. مصوبه‌ای را دربـاره مقـام ابراهیم صـادر کرد، مبنی بر این که همه بناهـای زایـد پیرامون مقام برچیده و تنها مقام در جای اصـلی خود باقی گذارده و برای حفاظت از مقام‌ابراهیم حفاظ یا ضـریح مخصوصـی از شیشه و با ارتفاع مناسبی که مانع بر زمین خوردن طواف کنندگان شود بر آن قرار گیرد.

بدین ترتیب ضـریحی شـیشه‌ای با حفاظی محکم ساخته شد و در رجب سال ۱۳۸۷ ه. ق./ ۱۹۶۷ م. سـنگ مقام در درون این ضریح برروی قاعده‌ای سنگی با ابعاد ۱۸۰* ۱۳۰ سانتیمتر و ارتفاع ۷۵ سانتیمتر نصب شد.

در روز شنبه ۱۸/ ۷/ ۱۳۸۷ ه. ق. طی مراسـمی با حضور ملک فیصل از ضـریح جدید پرده برداری شد. قصهٔ التوسـعه، صـص ۱۵۱- ۱۴۷ به نقل از منابع دیگر.« مترجم»

ص:۱۶۶

ص:۱۶۷

ص:۱۶۸

ص:۱۶۹

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ص:۱۷۰

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ص:۱۷۱

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ص:۱۷۲

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ص:۱۷۳

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ازصفحه ۱۸۵ تا ۱۸۹ از کتاب کعبه المعظمه

ص:۱۷۴

مسعی

خداوند در قرآن کریم دربارهصفا و مروه فرموده است: «بی‌گمانصفا و مروه از شعائر خداست ...» «(۱)» سعی یکی از اعمال مخصوص حج است و از کارهایی تعبدی که آیین الهی مقرر داشته است و باید در جای ویژه خود؛ یعنی میان دو کوهصفا و مروه انجام گیرد و عدول از آن جایز نیست.

کوهصفا در پایین کوه ابوقبیس و تقریباً در موازات حجرالأسود قرار گرفته و سعی از آن آغاز می‌شود. مروه نیز در سمت مدعی و کوه آن در بیخ کوه قعیقعان قرار دارد و سعی در آن پایان می‌پذیرد.

هر چند سعیصفا و مروه از امور تعبدی است و در علت و فلسفه آن نتوان چند و چون کرد، اما ممکن است پاره‌ای از حکمت‌های این عمل عبادی با تدبر در اصول و مبانی تشریع به دست آید. درباره سعیصفا و مروه، شاید یکی از حکمت‌ها آن باشد که خداوند خواسته است چنین مراسمی در حج نماد ایمان والای مادرِ اسماعیل و یادآور آن داستان و آن ایمان و یقینی باشد که چون ابراهیم در پاسخ پرسش او گفت خداوند چنین فرموده است، اظهار داشت: اگر چنین است تباه نخواهیم شد. او این پاسخ را در حالی داد که همه قراین می‌گفت این بیابان بی‌آب و علف جای تلف شدن است. اما او قیوم بودن خداوند را باور داشت و می‌دانست خدا او را وانخواهد گذاشت.

در روزگار رسول خدا، مسعی پر پهن بود. اما بعدها خانه‌هایی در دو سویش ساخته شد و عرض آن را کم کرد. مهدی عباسی به روزگار فرمانروایی‌اش این خانه‌ها را خراب کرد، بخشی از زمین آنها را جزو مسعی و بخشی دیگر را جزو مسجد الحرام قرار داد.

در دوره‌های قدیم بر کوه‌های مروه وصفا پلکانی وجود داشته است. در دوران فرمانروایی منصور، کارگزار او در مکه، عبدالصمد بن علی بن عبداللَّه بن عباس، دوازده

۱- بقره: ۱۵۸

ص:۱۷۵

پله در دامنهصفا و پانزده پله در دامنه مروه بنا کرده بود.

در دوره‌های قدیم همچنین بر دو کوهصفا و مروه به نشانیِ نقطه شروع و پایان سعی، دو گنبد کوچک وجود داشته که با پله به گنبدخانه‌های آنها می‌رفته‌اند. تاریخ این دو به سده سوم باز می‌گشته و بر گنبد مروه آیه إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ... نقش شده بود.

در زیر گنبدها و در بالای پله‌ها دو هشتی (گنبدخانه) وسیع برای توقف و دعا، دور زدن و همچنین استراحت وجود داشته است.

در ۲۴/ ۱۰/ ۱۳۷۷ ه. ق. و در توسعه دوران ملک سعود گنبدصفا برداشته و دو پلکان سیمانی یکی برایصعود بهصفا و دیگری برای فرود از آن ساخته شد.

بنا بر گزارش محمد طاهر کردی که خود پس از توسعه مسجد الحرام در دوران سعودی فاصله میانصفا و مروه را اندازه گرفته، ازصفا تا مروه ۳۷۵ متر است. «(۱)» درگذشته زمین مسعی ناهموار و منطقه هروله دارای شیبی بوده است که سعی‌کنندگان را به تندتر رفتن و هروله کردن وادار می‌ساخته است. اما پس از هموار کردن زمین مسعی لازم آمده است برای مشخص شدن بخشی از مسعی که هروله کنان طی می‌شود نشانی‌هایی گذاشته شود تا این عمل تعبدی به درستی انجام گیرد.

دو تیرک سبز، نشان دهنده بخش هروله مسعی هستند. در جریان توسعه و بازسازی مسجدالحرام و مسعی در سال ۱۳۷۵ یکی از این دو تیرک تخریب ولی تیرک دیگر واگذاشته شد تا نشان دهنده مرز این بخش باشد. پس از بازسازی این تیرک و به سال ۱۳۷۶ ه. ق. تیرک دوم برداشته و آن نیز نوسازی و به جای خویش بازگردانده شد.

بدین سان تیرک‌هایی که امروزه در دو نقطه آغاز و پایان بخش هروله مسعی وجود دارند درست در جای تیرک‌های اولیه قرار گرفته‌اند.

از بررسی روایت‌های تاریخی می‌توان به دست آورد که دو تیرک سبز، نشان

۱- قصهٔ التوسعه ص ۱۹۷ به نقل از اخبار مکه ازرقی، فاصله صفا تا مروه را ۵/ ۷۶۶ ذراع؛ یعنی حدود ۲۵/ ۳۸۳ متر گزارش کرده است.« مترجم»

ص:۱۷۶

دهنده این بخش از مسـعی خیلی جدید نیستند و از همان سده نخست هجرت برای مشخص کردن بخش ویژه مسعی که در آن باید هروله کنان سعیصفا و مروه کرد نصب شده‌اند.

مسعی تا سال ۱۳۴۱ ه. ق. بدون سـقف بوده و در این سال به فرمان شـریف حسین بن علی بن محمد بن عون سقفی بر قسمت اعظم مسـعی قرار داده شـده و این سـقف در سال ۱۳۶۶ به فرمـان ملـک عبـدالعزیز بـا سـقفی نو به عرض بیست مـتر و نیم و برخوردار از کیفیت فنی بالا جایگزین شده است.

برای نخستین بار در دوران ملک عبـدالعزیز (به سال ۱۳۴۵ ه. ق. در پی فرمان وی و به هـدف جلوگیری از بلنـد شدن گرد و خاک در هنگام سعیصفا و مروه، سطح مسعی سنگفرش شد.

در دوران ملک سعود کل مسعی؛ اعم از کف و سقف با بتون مسلح به شکلی زیبا تجدید بنا گردید.

هم‌اکنون نیز مسعی دارای وسعت کافی، امکانات تهویه و سنگفرش مناسب است. «(۱)»

درهای مسجد الحرام

«(۲)»

تا پیش از اسـلام، حد مسجد الحرام همان دایره طواف بوده و این مسجد دارای دیوار و بارویی نبوده و خانه‌های قریش دایره مطاف را در میـان داشـته است. میـان هر دو یـا سه خانه ممری وجود داشـته که مردم از طریق آن به دایره مطاف یا همان مسـجد الحرام راه می‌یافته‌اند.

عمربن خطاب در توسـعه مسـجد الحرام دیواری بر گرد آن ساخت. بنابراین، او نخستین کسی است که مسجد الحرام را توسعه داد و اطراف آن را دیوار کرد.

مورخان نیاورده‌اند که عمر برای مسجد الحرام دری قرار داده باشد، اما با توجه به

۱- در قصهٔ التوسعه ص ۲۴۴ مساحت فعلی مسعی ۱۰۱۷۲ متر مربع گزارش شده است.« مترجم»

۲- نک: التاریخ القویم، ج ۵، ص ۷۸۱

ص:۱۷۷

این که معمولًا ساختن حصار و دیوار با گذاشتن در و درگاه همراه است می‌توان حدس زد که وی در یا درهایی نیز بر مسجد الحرام نصب کرده باشد.

به هر حال، در گذر زمان و با توسعه‌های مسجد الحرام درهای آن نیز فزونی یافته و به بیست و شش مورد رسیده است.

در جدول زیر نام این درها آمده است:

ردیف نام درملاحظات

۱ باب السلام دلیل نامگذاری آن را نمی‌دانیم. گفتنی است باب بنی شیبه که در گذشته‌ها در مقابل مقام ابراهیم قرار داشته پیشتر بدین نام خوانده می‌شده است.

۲ باب قایتبای مئذنه سلطان قایتبای پادشاه مصر بر ایوان همین درگاه قرار دارد و آن را باب القواریرهم می‌گفتند.

۳ باب النبیصلی الله علیه و آله آن را از این روی باب‌النبی نامیده‌اند که‌پیامبرصلی الله علیه و آله ازخانه‌خود، خانه خدیجه که در توجه عطاران بود، از طریق این در به مسجد الحرام وارد می‌شد.

این در را «باب الجنائز» هم گفته‌اند، بدان دلیل که در گذشته جنازه‌ها را از این در بیرون می‌بردند. باب الحریر نام دیگر این در است، از آن روی که دکان‌های مجاور این درگاه حریر می‌فروخته‌اند. سرانجام نام دیگر این در «باب النساء» است.

۴ باب العباس این در از آن روی به نام عباس بن عبدالمطلب نامور شده که در مقابل خانه او که در مسعی واقع شده قرار داشت.

۵ باب علی علیه السلام نام‌های دیگر آن «باب بنی‌هاشم» و «باب البطحاء» است.

۶ باب بازان چنان که ازرقی در اخبار مکه آورده، آن را باب بنی عائذ هم گویند.

امروزه آن را «باب قره قول» یا «باب مخفر الشرطه» (پاسگاه پلیس) می‌نامیم.

۷ باب البغله ازرقی از آن به نام باب بنی‌سفیان هم نام برده است.

۸ باب الصفا چون در برابرصفا قرار دارد بدین نام معروف شده است. «باب بنی‌مخزوم» و «باب اجیاد الصغیر» نام‌های دیگر آن است.

۹ باب اجیاد از آن روی بدین نام خوانده شده که خط مستقیمی آن را به اجیاد وصل می‌کند.

ص:۱۷۸

ردیف نام درملاحظات

۱۰ باب الرحمه آن را «باب المجاهـدیه» نیز گویند. از آن روی که مدرسه ملك مجاهد فرمانروای‌یمن در مقابل آن‌بوده است. «باب اجیاد» نام دیگر این در است.

۱۱ باب التکیه مقصود تکیه مصـریان است که در برابر این در قرار داشـته است. این در را «باب الشریف عجلان» و «باب بنی‌تیم» نیز گفته‌اند.

۱۲ باب ام هانی نام دختر ابوطالب است. این در را «باب الحمیدیه»- که دار الحکومه بوده است- و نیز «باب اجیاد الکبیر» گویند.

۱۳ باب الوداع «باب الحزوره»، «باب الحزامیه» و «باب بنی‌حکیم بن حزام» نام‌های دیگر آن است.

۱۴ باب ابراهیم گویند خیاطی به نام ابراهیم در جوار این در دکانی داشته و بدین دلیل در را باب ابراهیم گفته‌اند.

۱۵ بابصغیر این در به مدرسه شریف عبدالمطلب گشوده می‌شده است.

۱۶ باب الداوودیه از آن روی بدین نام خوانده شده که به مدرسه داوودیه راه داشته است.

۱۷ بـاب العمره آن را از ایـن روی بـاب العمره گفته‌انـد کـه عمره گزارانی کـه از تنعیـم محرم می‌شونـد. از طریـق شـبیکه به‌سـمت مسجدالحرام می‌آیند وازاین‌دربه مسجد واردمی‌شوند. این‌در را «باب‌بنی‌سهم» وهمچنین «باب‌بنی‌جمح» نامیده‌اند.

۱۸ باب العتیق آن را «باب السده» و «باب عمرو بن عاص» هم گویند.

۱۹ باب الزمامیه میان «باب العتیق» و «باب الباسطیه» قرار دارد.

۲۰ باب الباسـطیه دلیل این نامگـذاری اتصال این در به مدرسه عبدالباسط بوده است. نام دیگر آن «باب العجله» است، بدان علت که ابن زبیر در هنگام نوسازی کعبه در نزدیك این در سرایی داشت و با عجله، شب و روز کار نوسازی را پی می‌گرفت.

۲۱ باب القطبی در کنار میدان باب الزیاده واقع است و آن را «باب الزیاده» هم گفته‌اند.

مقصود از این قطبی که نام در به او منسوب است عبدالکریم قطبی است.

۲۲ باب الزیاده آن را «باب السویقه» نیز گویند؛ زیرا بدین منطقه راه دارد.

۲۳ باب المحکمه آن را بدین نام خوانده‌اند، چون به محکمه راه داشته است.

۲۴ باب الکتبخانه از آن راهی است به کتابخانه مسجد الحرام

۲۵ باب دریبه از آن روی بدین نام معروف شده که دری کوچک به سمت سویقه دارد.

۲۶ باب مراد در سمت مروه قرار دارد.

ص:۱۷۹

فصل سوّم: توسعه‌ها و نوسازی‌های مسجد الحرام

تاریخچه‌ای از توسعه‌ها از دوران پیامبرصلی الله علیه و آله تا نخستین توسعه سعودی

مسجد الحرام از همان آغاز با کعبه پیوندی استوار داشته است. در روزگار کهن؛ یعنی دوران آغازین اسلام و پیش از آن، مرز مسجد الحرام همان دایره مطاف بود که امروزه با سنگ‌های سفید مرمر فرش شده و آن راصحن می‌نامیم. بسیاری از مردم، اینصحن را پیش از نخستین توسعه سعودی دیده‌اند. همین مساحت اندك از آغاز حد مطاف بوده و برگرد خانه کعبه خانه‌های مردم قرار داشته و دیوار این خانه‌ها حد مسجدالحرام را مشخص می‌کرده است. چنان که پیشتر گذشت از میان این خانه‌ها راه‌هایی به مطاف گشوده می‌شده است.

بعدها به دلیل فزونی یافتن شمار مسلمانان، این مساحتِ اندك بسنده نمی‌کرد و توسعه مسجد الحرام ضروری می‌نمود. بدین‌سان درگذر دوره‌ها و سال‌ها، توسعه‌هایی چند در مسجد الحرامصورت گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- توسعه عمر بن خطاب: «(۱)»

در سال ۱۷ ه. ق. پس از آن که سیل امّ‌نهشل مقام ابراهیم

۱- عمر در رمضان سال ۱۷ ه. ق./ ۶۳۸ م. پس از شنیدن این خبر که سیل مقام ابراهیم را از جای کنده و دورکرده است، به مکه آمد و مقام را به جای خویش برگرداند.

او در همین سفر مشاهده کرد مساحت مسجد الحرام گنجایش نماز گزاران را ندارد و از همین روی دستور داد شماری از خانه‌های مجاور مسجد الحرام را بخرند و به مسجد ضمیمه کنند. از آنجا که این مساحت نیز بسنده نمی‌کرد و نیاز به توسعه بیشتر بود، عمر کوشید با مالکان خانه‌های دیگر هم که آنجا وجود داشت گفت و گو کند تا خانه‌هایشان را به منظور توسعه مسجد الحرام در اختیار گذارند. گروهی از آنان از پذیرش این درخواست خودداری ورزیدند و از این روی عمر به آنان گفت:« این شمایید که در جوار کعبه منزل کرده‌اید و خانه ساخته‌اید، در حالی که نه مالك اطراف کعبه هستید و نه می‌توان گفت کعبه به سرای شما درآمده و در آن جای گرفته است.» عمر سپس دستور داد خانه‌ها را قیمت گذاری کنند و بهای آنها را به صندوق کعبه بسپارند.

این نخستین توسعه مسجد الحرام بود که در آن ۱۴۸۷ متر مربع، یعنی حدود ۷۰

عمر همچنین دستور داد برای جلوگیری از ورود سیلاب‌ها به اطراف مسجد الحرام در بالای مکه، در فاصله نیم میلی حرم و در منطقه‌ای به نام مدعا سدی بسازند و آب‌های آن را به سمت وادی ابراهیم برانند. قصة التوسعه، صص ۱۹۲- ۱۹۱.« مترجم»

ص:۱۸۰

را از جای کنـد و به مناطق پایین مکه برد، عمر بن خطاب از مـدینه به مکه آمد و مقام را به جای خود بازگردانید. او در همین سال، شماری از خانه‌های مجاور به مسجد الحرام را خرید و پس از تخریب، زمین آنها را به مسجد ضمیمه کرد و بدین سان مسجد الحرام را به گونه‌ای توسعه داد.

عمر همچنین دیواری به ارتفاع کمتر از قد انسان، که دارای چند در نیز بود برگرد مسـجد بنا کرد و برای روشنایی مسجد چراغ‌هایی بر روی این دیوار قرار می‌دادند.

بدین ترتیب می‌توان گفت: عمر نخستین کسی بود که مسجد را توسعه داد، برگرد آن دیوار ساخت و کف آن را ریگفرش کرد.

گفتنی است مساحت توسعه عمر بن‌خطاب حدود ۱۴۰۰ متر مربع تخمین زده می‌شود.

۲- توسعه عثمان بن عفان: «(۱)»

بـا توجه به این که مسـجد الحرام گنجـایش نماز گزاران را نـداشت، عثمان در سال ۲۶ ه. ق. شـماری از خانه‌های اطراف مسـجد را خرید و پس از تخریب، زمین آنها را به مسجد ضمیمه ساخت.

همچنین از آن جا که مسجد هیچ رواق و سایه بانی نداشت عثمان در اطراف مسجد

۱- توسـعه عثمـان بن عفان در سال ۲۶ ه. ق./ ۶۴۶ م. بـه میزان ۸۶۹ مـتر مربع؛ یعنی ۲۴٪ مساحت قبلی‌صورت پـذیرفت و مساحت مسجد الحرام پس از این توسعه به ۴۴۸۲ متر مربع رسید. قصهٔ التوسعه، ص ۱۹۲.« مترجم»

ص:۱۸۱

رواق‌ها و سایه‌بان‌هایی بنا کرد.

مساحت توسعه دوران عثمان بن عفان حدود ۱۴۷۵ متر مربع تخمین زده می‌شود.

۳- توسعه عبداللّه بن زبیر: «(۱)»

عبداللّه بن زبیر در سال ۶۵ ه. ق. و پس از بازسازی کعبه، خانه‌های اطراف مسجدالحرام را خرید وبه مسجدضمیمه کرد. یکی از این خانه‌ها، قسمتی از سرای ازرقی،صاحب کتاب اخبار مکه بود که به چند ده هزار دینار خریداری شد.

توسعه عبداللّه در مقایسه با دو توسعه پیشین عمده‌تر بود و مجموع مساحت توسعه او ۳۲۲۵ متر مربع تخمین زده می‌شود. این مساحت فراوان می‌طلبید که بخشی از آن سقف دار شود.

۴- توسعه ولید بن عبدالملک بن مروان: «(۲)»

در سال ۹۱ ه. ق. ولید فرمان توسعه و بازسازی مسجد الحرام راصادر کرد. در این دوره برای نوسازی مسجد ستون‌هایی سنگی از شام و مصر آوردند، بر سر این ستون‌ها ورقه‌هایی از طلا قرار دادند و سقف بخش‌هایی از مسجد را به ساج آذین شده پوشاندند. همچنین بر سر دیوارها کنگره‌هایی ساختند و در دیوارها طاق‌هایی قرار دادند و بالای این طاق‌ها را کاشی کاری کردند.

توسعه ولید در سمت شرق مسجد الحرامصورت گرفت و مقدار آن ۱۷۲۵ متر مربع تخمین زده می‌شود.

۵- توسعه منصور عباسی: «(۳)»

در محرم سال ۱۳۷ ه. ق. منصور به زیاد بن عبداللّه

۱- بنا بر گزارش قصهٔ التوسعه، صص ۱۹۲ و ۱۹۳ حدس زده می‌شود که این توسعه در سال ۶۵ ه. ق./ ۶۸۴ م. صورت پذیرفته باشد. عبداللّه در جریان توسعه و نوسازی خود ۹۶/ ۲۹۸۲ متر مربع؛ یعنی ۶۷٪ مساحت قبل از توسعه به مسجد الحرام افزوده و پس از آن مساحت مسجد به ۹۶/ ۷۴۶۴ متر مربع رسیده است.« مترجم»

۲- بنا به گزارش قصهٔ التوسعه، ص ۱۹۳ توسعه ولید در سال ۹۱ ه. ق./ ۷۰۹ م. به میزان ۰۴/ ۲۸۰۵ مترمربع یعنی ۳۸٪ مساحت قبلی صورت پذیرفته و پس از آن مساحت کل مسجد به ۱۰۲۷۰ متر مربع رسیده است.

به گزارش همین کتاب، ولید کنگره‌هایی بر دیوارهای اطراف مسجد الحرام ساخت و نمای آنها را کاشی‌کاری کرد. او همچنین کف مسجد الحرام را به سنگ‌های مرمر قرمز، سبز و سفید فرش کرد.« مترجم»

۳- بنا به گزارش قصهٔ التوسعه، ص ۱۹۳ توسعه منصور در سال ۱۳۷ ه. ق./ ۷۵۴ م. به میزان ۵۲۲۱ مترمربع؛ یعنی ۵۱٪ مساحت قبل از توسعه صورت پذیرفته و مساحت کل مسجد الحرام پس از این توسعه به ۱۵۴۹۱ متر مربع رسیده است.

از دیگر کارهای منصور آن است که صحنی گرداگرد مسجد الحرام ساخت. در این صحن ستون‌هایی سنگی به کار رفته بود.« مترجم»

ص:۱۸۲

حارثی کارگزار خود در مکه فرمان داد مسجد الحرام را توسعه دهد. او مسجد را از سمت شامی؛ یعنی سمت دار الندوه و همچنین از سمت پایین مسجد تا مناره باب العمره و از سمت غرب تا باب ابراهیم توسعه داد. او همچنین بر امکانات موجود در مسجد افزود، آن‌را به طلا وکاشی تزیین‌کرد ونمای‌بیرونی، نمای‌درونی وبالای دیوارچه حِجر اسماعیل را سنگ کرد و بدین سان نخستین کسی شد که این دیوار را به نمای سنگی مرمر می‌آراید.

کار توسعه سه سال به درازا انجامید و در ذی الحجه سال ۱۴۰ ه. ق. به پایان رسید.

در این سال منصور خود حج گزارد و در جریان سفر خود اموال فراوانی هدیه کعبه و مسجد الحرام کرد.

گفتنی است مساحت توسعه منصور ۴۹۵۰ متر مربع تخمین زده شده است.

۶- توسعه‌های مهدی عباسی: «(۱)»

در دوران مهدی عباسی و در سال‌های ۱۶۰

۱- در توسعه دوران مهدی جمعاً ۱۲۵۱۲ متر مربع؛ یعنی ۸۱٪ به مساحت مسجد الحرام افزوده شد و کلّ‌مساحت آن پس از توسعه به ۲۸۰۰۳ متر مربع رسیده است.

این توسعه در دو مرحله انجام پذیرفته است:

مرحله اول، در سال ۱۶۰ ه. ق./ ۷۷۶ م. صورت گرفته و شامل توسعه مسجد از سمت شمال بوده و برای بناهای این توسعه ستون‌هایی سنگی از شام به مکه آورده شده است. همچنین در این مرحله از توسعه پنج در به درهای کعبه افزوده‌اند.

مرحله دوم، فرمان آن در سال ۱۶۴ ه. ق./ ۷۸۰ م. صادر شده، سه سال مطالعات پیرامونی آن به هدف تغییر مجرای سیل وادی ابراهیم و چهار گوش کردن مسجد به درازا انجامیده و عملًا کار توسعه از سال ۱۶۷ ه. ق. آغاز گردیده است. پیش از پایان عملیات توسعه، خلیفه در گذشته و پس از او جانشینش هادی کار را در سال‌های ۱۶۹ و ۱۷۰ ه. ق. پی گرفته و به پایان برده است.

توسعه و نوسازی مهدی تا آن زمان بزرگ‌ترین توسعه به شمار رفته است؛ چه، بناهایی که او در جریان توسعه ساخته است دربردارنده ۴۸۴ ستون سنگی و هر کدام با ارتفاع ۸/ ۴ متر و محیط ۴۴/ ۱ متر بوده است. در بناهای دوران مهدی دیوار مسجد ۶/ ۹ متر ارتفاع داشته است.

بنابر محاسبه باسلامه در« تاریخ عمارة مسجد الحرام» مجموع هزینه‌های این توسعه دست کم به ۷۵۰/ ۵۷۸/ ۴ دینار می‌رسیده است.« مترجم»

ص:۱۸۳

و ۱۶۴ ه. ق. دو توسعه عمده در مسجد الحرامصورت پذیرفت. این توسعه با مجموع همه توسعه‌های پیشین برابری می‌کرد و آن اندازه بر مساحت مسجد افزود که می‌توان گفت مساحت کنونی مسجد جز بخش‌هایی که در سمت باب ابراهیم و باب الزیارهصورت گرفته، تقریباً همان مساحت دوران مهدی است.

نخستین توسعه مهدی به هنگامی باز می‌گردد که وی در سال ۱۶۰ ه. ق. برای حج به مکه آمد و اموال فراوانی که حدود سی میلیون درهم تخمین زده می‌شود، با خود به مکه آورد. او قاضی وقت مکه، محمد اقوص مخزومی را فرا خواند و به او فرمان داد خانه‌هایی را که در سمت بالای مسجد الحرام قرار گرفته است بخرد و پس از تخریب به مسجد الحرام ضمیمه کند. قاضی مکه همه خانه‌های میان مسجد الحرام و مسعی را خرید و حتی به جای رباطها یا به تعبیر مصری‌ها، تکیه‌هایی که در این قسمت وجود داشت و جزو اوقاف یاصدقه‌ها بود برای ساکنانش خانه‌هایی در دره‌های اطراف مکه خریداری کرد. بسیاری از خانه‌های مشهور واقع در شرق مسجد الحرام و از جمله باقیمانده سرای ازرقی، که بخشی از آن در دوره عبداللّٰه زبیر جز و مسجد شده بود، در این دوره به مسجد ضمیمه شد.

در این دوره افزون بر توسعه عمده بخش شرقی، خانه‌هایی در سمت غرب، شمال و جنوب نیز خریداری و زمین آنها جزو مسجد گردید.

مجموع توسعه نخست مهدی عباسی ۸۳۸۰ متر مربع تخمین زده می‌شود.

دومین توسعه مهدی نیز در سال ۱۶۴ ه. ق. سامان یافت. او در این سال و در جریان سفر حج پس از مشاهده این که مسجد الحرام کاملًا چهارگوش نیست و کعبه نیز در وسط مسجد قرارنگرفته‌است معماران وبنایان چیره دست را فراخواند و از آنان خواست به مسجد شکل مربع دهند، به گونه‌ای که کعبه درست در وسط آن قرار گیرد. آنان در آغاز اجرای این کار را ناشدنی خواندند و از این بابت عذر خواستند؛ چراکه توسعه در سمت جنوب تقریباً امکان‌ناپذیر بود؛ گذرگاه سیل وادی ابراهیم در آن سمت قرار داشت و پس از آن خانه‌های مردم واقع می‌شد و امکان داشت ضمیمه کردن این مسیل به مسجد دشواری‌هایی پدیدآورد و یا بناهای جدیدی که در این قسمت ساخته می‌شود در معرض

ص:۱۸۴

خطر سیل و یا لغزش قرار داشته باشد. اما خلیفه براجرای فرمان خود اصرار ورزید و اعلام داشت که این کار، هرچند به بهای هزینه کردن همه بیت‌المال، باید انجام پذیرد.

بنایان و معماران که تصمیم جدی خلیفه را دیدند بدین کار همت گماشتند و آنچه در توان داشتند به کار گرفتند. آنان مجرای سیل وادی ابراهیم را تغییر دادند و برای این منظور بر پشت بام خانه‌های مدخل وادی نیزه‌ها و تیرک‌هایی نصب کردند تا مانع جریان آب شود. همچنین خانه‌هایی راکه باید تخریب شود و نیز محل مسعی و مجرای سیل را مشخص کردند ونقشه‌ای جامع برای چهارگوش کردن مسجد الحرام فراهم ساختند.

مهدی پس از اطمینان یافتن نسبت به این طرح و اجرای آن مکه را ترک گفت و با برجای گذاشتن اموال فراوانی برای هزینه شدن در این توسعه به عراق بازگشت.

مساحت توسعه اخیر ۶۵۶۰ متر مربع تخمین زده می‌شود و در نتیجه توسعه‌های دوران مهدی، مسجد الحرام شکل چهارگوش به خود گرفت، این شکل در گذر تاریخ همچنان محفوظ مانده و توسعه‌های اندکی که بعدها در مسجد انجام پذیرفته، در مقایسه با توسعه دوران مهدی اندک و بیرون از شکل مربع مسجد است.

۷- توسعه معتضد عباسی: «(۱)»

در سال ۲۸۱ ه. ق. معتضد عباسی فرمان داد دار الندوه را

۱- در قصهٔ التوسعه، ص ۱۹۴ از نوسازیی دیگر، پیش از این توسعه نیز یاد شده است: نوسازی معتمدعباسی در سال ۲۷۱ ه. ق. خانه زبیده دختر جعفر بن منصور بر بام مسجد الحرام خراب شد و چوب‌های بنای مسجد الحرام را در هم شکست و همچنین موجب فرو ریختن دو ستون از ستون‌های مسجد شد. در آن روزگار کارگزار خلیفه در مکه هارون بن محمد بن اسحاق بود. وی در این باره به بغداد نامه نوشت و در پی آن، موفق، برادر خلیفه به هارون فرمان داد مسجد الحرام را باز سازی کند.

وی ستون‌های خراب شده را دوباره ساخت، ایوان‌های این ستون‌ها را از نو بنا کرد و برای مسجد سقفی نو از چوب ساج بر افراشت و آن را به رنگ و نقش و نگار تزیین کرد.

این نوسازی در سال ۲۷۲ ه. ق. پایان پذیرفت.« مترجم»

همچنین در قصهٔ التوسعه، ص ۱۹۴ درباره توسعه معتضد آمده است: در سال ۲۸۱ ه. ق./ ۸۹۴ م. دو توسعه در مسجد الحرام صورت گرفت که هر دو از مربع مسجد الحرام بیرون است. یکی از این توسعه‌ها توسعه در ضلع شمالی است که دارالندوه را خراب کردند و به صورت مسجد درآوردند. این بخش یکی از رواق‌های مسجد الحرام شد که شش در از درهای مسجد الحرام را در برمی‌گرفت. سقف این مسجد یا رواق از چوب و به موازات سقف مسجد الحرام بود. رواق دوازده در به سمت داخل مسجد الحرام و سه در به سمت خارج داشت.« مترجم»

ص:۱۸۵

که در جلوی میدان باب الزیاده قرار داشت به مسجد الحرام ضمیمه کنند.

این کار به فرمان او انجام گرفت و افزون بر این، ستون‌ها، طاق‌ها و رواق‌هایی دارای سقف‌های ساج آذین شده ساخته شد. دوازده در که شش تای آنها دارای درگاه و طاق بزرگ شش طاق کوچک در بین آنها، بود برای مسجد الحرام قرار داده شد و در آن مناره‌ای نیز بنا گردید.

این عملیات توسعه که مساحت آن ۲۵۰۰ متر مربع تخمین زده می‌شود سه سال به درازا انجامید.

۸- توسعه مقتدر عباسی: «(۱)»

وی در سال ۳۰۶ ه. ق. فرمان داد میدانگاهی جلو باب ابراهیم- ابراهیم نام خیاطی است که آن جا می‌نشسته است- و همچنین رواق مجاور را جزو مسجد کنند و بدین ترتیب مسجد را توسعه دهند، و نشانه‌های حرم را نیز نوسازی کنند.

مجموع مساحت توسعه دوران مقتدر عباسی ۹۸۰ متر مربع تخمین زده می‌شود.

این بود چکیده‌ای از مجموع توسعه‌هایی که از آغاز اسلام تا اوایل سده چهارمصورت پذیرفته است.

پس‌از آن به‌مدت هزارسال هیچ‌توسعه‌ای در مسجدالحرامصورت نپذیرفته است. «(۲)»

۱- بنابر گزارش قصهٔ التوسعه، ص ۱۹۵ این توسعه در فاصله سال‌های ۳۰۶ ه. ق./ ۹۱۸ م. تا ۳۰۷ ه. ق./ ۹۱۹ م. صورت گرفته و طی آن دو خانه که به زبیده تعلق داشته جزو مسجد الحرام شده و بر این قسمت جدید ازمسجد که آن را زیاده باب ابراهیم گویند، دری بزرگ قرار گرفته که به باب ابراهیم معروف است.« مترجم»

۲- البته در قصهٔ التوسعه به پاره‌ای از نوسازی‌ها و مرمت‌های دوران ممالیک و عثمانی پرداخته شده و در این باره چنین آمده است: از آخرین توسعه‌ای که مقتدر عباسی در سال ۳۰۶ ه. ق. انجام داد تا سال ۷۳۶ ه. ق. یعنی هنگامی که ممالیک استوانه‌های اطراف مطاف را نوسازی کردند یا اصولًا هیچ نوسازی و توسعه‌ای در مسجد الحرام صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته در تاریخ انعکاسی نیافته است.

ممالیک خود در نوسازی مسجدالحرام و مراقبت از آن جایگاهی ویژه و سهمی به سزا دارند، برای نمونه:

- در روزگار ناصر محمد قلاوون سنگ‌های نمای دیوار حجر اسماعیل تعویض شد.

- در سال ۸۰۱ ه. ق. برقوق ایوان بنا شده بر مروه را نوسازی و پله‌های آن را نیز مرمت کرد.

- در سال ۸۰۳ ه. ق. در پی آتش سوزی‌هایی که در بخش غربی مسجد الحرام رخ داده و به بخش شمالی نیز سرایت کرده بود، بیسق ظاهری به نمایندگی از سلطان ابوالسعادات بن ظاهر برقوق به مرمت مسجدالحرام همت گماشت. او ستون‌های چوبی مسجد را که شمارشان به ۱۳۰ مورد می‌رسید با ستون‌های سنگی که از جبل کعبه فراهم آمده بود جایگزین ساخت. وی این کار را در مدت دو سال به انجام رسانید، اما نصب سقف در دو بخش شمالی و غربی تا سال ۸۰۷ ه. ق. به تأخیر افتاد تا بتوانند در این مدت چوب‌های لازم را از سرزمین روم بیاورند. او همچنین برای این کار از چوب‌های عرعر که از طائف آورده‌بودند بهره‌جست، برسقف نقش و نگار و آن را تزیین کرد و همچنین زنجیرهایی از سقف آویخت تا چراغ‌های مسجد الحرام را از آنها آویزان کنند و بدین ترتیب از تکرار آتش سوزی جلوگیری کرد.

- در سال ۸۸۲ ه. ق. سلطان قایتبای مدرسه‌هایی دینی را که علمای مذاهب چهارگانه در آنها تدریس می‌کردند و بعدها به مسجد الحرام ضمیمه شد نوسازی کرد و اوقافی ویژه برای آنها مقرر داشت تا برای مدارس مصرف شود یا در اختیار مدرسان و طلاب

نیازمند قرار گیرد. او همچنین ۷۲ حجره، و نیز مناره ساخت و کتابخانه‌ای برای این مدارس فرستاد.

نوسازی‌های دوره عثمانی: سلاطین عثمانی اهتمام فراوانی به حرم مکه داشتند و در روزگار آنان نوسازی‌هایی انجام گرفت که با ساخت و سازهای دوران مهدی عباسی برابری می‌کند.

یکی از مهمترین اقدام‌های عثمانیان مرمت و نوسازی دوران سلطان سلیمان است که در سال ۹۷۲ ه. ق. آغاز گردید و در طی آن سقف کعبه ترمیم شد، سنگفرش مطاف نوسازی شد، به مسجد الحرام منبری بزرگ از سنگ که با مرمر نیز تزیین شده بود اهدا گشت و مناره‌ای بلند برپا گردید.

از دوران مهدی عباسی و توسعه او تا این زمان ۸۱۰ سال گذشته و در این مدت خرابی‌های چندانی در بنا رخ نداده بود. تا این که در سال ۹۷۹ ه. ق. در نمای سمت مسجد الحرام رواق‌ها، شکاف‌ها و کج شدگی‌هایی مشاهده شد که دیگر انجام تعمیرهای جزئی برای رفع آنها بسنده نمی‌کرد و می‌طلبید کل بنای مسجد الحرام از نو و به صورت محکم‌تر ساخته شود. از همین روی سلطان سلیمان عثمانی، احمدبک کدخدا را به نظارت این مرمت گماشت و مرمت آغاز شد.

در این عملیات سقف‌های چوبی قدیم با گنبدهای جدید جایگزین گردید و ضمن استفاده از ستون‌های سنگین که از بنای دوران مهدی مانده بود، ستون‌هایی نو نیز از سنگ ساخته شد. مجموع این ستون‌ها تا پایان کار به ۵۸۹ ستون در چهار سمت مسجد الحرام رسید که جمعاً ۸۸۱ طاق، ۱۵۲ گنبد و ۲۳۲ نیم گنبد بر روی آنها قرار گرفته بود.

در این بنای عثمانی که در سال ۹۸۴ ه. ق. پایان یافت درهای مسجد الحرام به ۲۶ باب و مجموع مساحت به ۲۸۰۰۳ مترمربع رسیدکه دقیقاً بامساحت کل بناهای ساخته شده تا دوران مهدی عباسی برابری می‌کند.

از آن پس نیز در دوره عثمانی مرمت‌هایی در مسجد الحرام صورت گرفته که نوسازی سلطان محمد خان در سال ۱۰۰۵ ه. ق. و مرمت‌های سلطان عبدالعزیز سال ۱۲۸۷ ه. ق.، سلطان عبدالحمید سال ۱۳۱۴ ه. ق. و سلطان محمود رشاد سال ۱۳۲۷ ه. ق. از آن جمله است.

ستون‌های مسجد الحرام در دوره عثمانی: مجموع ستون‌های سنگی در بنای مسجد الحرام پیش از نوسازی سال ۹۸۴ ه. ق. در چهار سمت مسجد و با قطع نظر از ستون‌های دو بخش زیاده دار الندوه و زیاده باب ابراهیم ۴۶۹ مورد، ستون‌های درگاه‌ها ۲۷ مورد، ستون‌های بخش زیاده دار الندوه ۲۷ مورد و ستون‌های بخش زیاده باب ابراهیم نیز ۲۷ مورد بوده است.

در دوران مهدی عباسی پس از پایان عملیات توسعه، رواق‌های مسجد الحرام مجموعاً دارای ۴۸۴ طاق، بخش زیاده دار الندوه دارای ۶۸ طاق و زیاده باب ابراهیم نیز دارای ۳۶ طاق بوده و شمار این طاق‌ها در نوسازی سال ۹۸۴ به گزارش باسلامه در« تاریخ عمارة المسجد الحرام» به ۹۸۴ طاق رسیده است.

شمار گنبدها و نیم گنبدها تاس وارونه‌ها ی پس از نوسازی سال ۹۸۴ ه. ق.، ۱۵۲ گنبد و ۲۳۲ نیم گنبد تاس وارونه و شمار کنگره‌های لب دیوارها از سمت داخل مسجد الحرام ۴۹۸ و از سمت خارج ۴۹۵ مورد؛ یعنی جمعاً ۹۹۳ مورد بوده که در نوسازی سلطان سلیم و فرزندش به ۱۳۸۰ مورد رسیده است.

درهای دوره عثمانی: به روزگار مهدی عباسی مسجد الحرام دارای ۳۸ درگاه و ۱۹ در بوده که بیشترین آنها را مهدی بنا کرده است. بعدها هفت باب به این درها افزوده شده و شمار آنها در نوسازی‌های عثمانی به ۲۶ باب رسیده است که بدین ترتیب توزیع شده‌اند:

– در سمت شرقی مسجد الحرام پنج در به نام‌های باب السلام، باب مدرسه قایتبای، باب‌النبی باب الجنائز، باب العباس بن عبدالمطلب و باب الامام علی کرّم اللّه وجهه.

– در سمت جنوبی هفت در به نام‌های باب بازان باب النعوش، باب بنی سفیان، باب الصفا، باب اجیاد الصغیر، باب المجاهدین، باب

بنی تمیم و باب امّ هانی.

- در سمت غربی شش در به نامهای: باب الحزوره، باب ابراهیم، باب خوزی، باب مدرسهٔ الشریف غالب، باب مدرسه الداوودیه و باب العمره.

- در سمت شمالی هشت در به نامهای: باب السده العتیق، باب مدرسهٔ الزمامیه، باب الباسطیه، باب القطبی، باب المحکمه، باب السلیمانیه، باب الدریبه و باب بنی شیبه.

گفتنی است باب بنی شیبه پشت مقام ابراهیم قرار داشته و دارای طاقی نیم دایره و آذین شده به نقش و نگارهای بدیع بوده است.

منبر مسجد الحرام تا دوره عثمانی: خطبای مسجد الحرام در گذشته‌ها منبر را نمی‌شناختند؛ زیرا آنان در جمعه‌ها و عیدها ایستاده خطبه می‌خواندند تا آن که در سال ۴۴ ه. ق./ ۶۶۴ م. معاویهٔ بن ابی سفیان برای نخستین بار و در جریان سفر حج بر منبری که سه پله داشت و از چوب ساخته شده بود برای مردم سخن گفت و بدین‌سان نخستین کسی شد که در حرم مکه بر منبر خطبه می‌خواند. این منبر تا دوران هارون در حرم مانـد و در این دوره منبر جدیدی که نُه پله داشت به مسجد الحرام اهدا و منبر قدیم به عرفات برده شد.

از آن پس در طول سالیان، منبرهایی چند به مسجد الحرام اهدا شد تا آن که سرانجام در سال ۹۷۲ ه. ق./ ۱۵۶۴ م. سلطان سلیمان عثمانی منبری جدید ساخت و به مسجد اهدا کرد. این منبر از مرمر براق و سفید یکدست ساخته شده، دارای سیزده پله است و در بالای آن چهار ستون قرار دارد و بر فراز ستون‌ها سایه بانی از چوب است که با ورقه‌های نقره آب طلا داده شده پوشانده شده است. بر بالای این سقف هم هلالی به چشم می‌خورد و کلّ ارتفاع منبر از زمین تا هلال به دوازده متر می‌رسد.

مئذنه‌های مسجد الحرام تا دوره عثمانی: چنین به نظر می‌رسد که نخستین مناره مسجد الحرام مناره‌ای است که به فرمان منصور عباسی در کنار باب العمره ساخته شد، و از مشخصات فنی و ارتفاع آن اطلاعی در دست نیست.

بعدها مهدی عباسی سه مناره دیگر ساخت که یکی بر باب السلام، دیگری بر باب علی و سومین آنها بر باب الوداع بود.

سپس معتضد عباسی مناره‌ای پنجم در زیاده دارالندوه و میان باب الزیاده و باب القطبی ساخت.

از آن پس ملک اشرف قایتبای ششمین مناره را میان باب النبی و باب السلام ساخت، و سرانجام هفتمین مناره را به فرمان سلطان سلیمان و در میان مدارس چهارگانه علوم دینی ساختند.

این مناره‌ها بعدها تا دوره آل‌سعود چندین نوبت نوسازی شده است- قصهٔ التوسعه، صص ۱۹۶- ۱۹۵.« مترجم»

ص:۱۸۶

ص:۱۸۷

ص:۱۸۸

یادآوری:

۱- از مجموع توسعه‌های پیشگفته، درباره مقدار توسعه دوران عمربن خطاب و عثمان بن عفان گزارش‌های جزئی و دقیقی در دسترسی نیست و آنچه در این فصل بیان شده تنها برآوردهایی مبتنی بر اسناد تاریخی است. «(۱)» ۲- مطاف، مکان پیرامونیِ کعبه را گویند که شکلی بیضوی دارد و مساحت آن در دوران قبل از اسلام و دورهصدر اسلام ۲۰۰۰ متر مربع بوده است. «(۲)»

۱- التاریخ القویم، ج ۵، ص ۲۱۱

۲- درباره مطاف و سیر تاریخی توسعه و مرمت آن، در قصهٔ التوسعه، ص ۱۶۱- ۱۵۸ آگاهی‌هایی به دست داده شده که گزیده‌ای از آن را فرا روی می گذاریم:

شکل مطاف: تا پیش از نخستین توسعه مسجد الحرام در دوران عمر بن خطاب مطاف و مسجد الحرام یک چیز و آن همان فضایی بود که در میان خانه‌های محیط به حرم وجود داشت. مردم از آن زمان که قصی آنان را به خانه ساختن در اطراف کعبه تشویق کرده بود، در آن پیرامون خانه ساختند و تنها فضایی محدود را بر گرد کعبه برای طواف واگذاشتند.

بعدها با افزایش روز به روز شمار مسلمانان و حاجیان توسعه‌های متعددی در مسجد الحرام صورت گرفت و در چهار چوب این توسعه‌ها مطاف نیز وسعت بیشتری یافت تا بتواند شمار روز افزون مسلمانان را در خود جای دهد. از آن جمله می‌توان از نوسازی‌ها و توسعه‌های زیر نام برد:

- در سال ۹۱ ه. ق. ولید بن عبدالملک مطاف را سنگفرش کرد.
- در سال ۲۸۴ ه. ق. معتضد عباسی پس از ضمیمه کردن دار الندوه به مسجد الحرام، مطاف را از نو سنگفرش کرد.
- در محرم سال ۸۸۱ ه. ق. درزهای میان سنگ‌های مطاف را با سرب گداخته پرکردند.
- در سال ۸۹۴ آسیب‌هایی که سیل به مطاف وارد کرده بود بر طرف گردید و مطاف نوسازی شد.
- در سال ۹۱۸ ه. ق. یک بار دیگر درزهای سنگفرش مطاف با سرب گداخته پر شد.
- یک بار دیگر در سال ۹۲۰ ه. ق. و در روزگار سلطان غوری همین کار تکرار شد.
- در سال ۹۶۱ ه. ق. ناظر حرم، شریف احمد جلبی به هموار کردن سنگفرش مطاف همت گماشت.
- سنان پاشا نیز در دوران سلطان سلیم عثمانی همین کار را تکرار کرد.
- در سال ۱۰۰۳ ه. ق. و به روزگار سلطان محمد بن مراد عثمانی مطاف به مرمر سنگفرش شد.
- در سال ۱۲۷۹ ه. ق. نیز دیگر بار مرمتی در مطاف انجام گرفت.

توسعه مطاف: تا سال ۱۳۷۵ ه. ق. در دوران آل سعود، مطاف بیضوی شکل و قطرهای بلند و کوتاه آن به ترتیب ۵۰ و ۴۰ متر بود، کف آن نیز با مرمر سنگفرش شده بود. در دایره بیرونی آن چراغدان‌هایی مسین برای روشنایی مسجد الحرام وجود داشت، بر زمزم و همچنین بر مقام ابراهیم گنبد و بنایی بود و این دو بنا از وسعت مطاف می‌کاست. همین امر سبب شد در دومین مرحله از نخستین توسعه سعودی ۱۳۸۱- ۱۳۸۸ ه. ق. بنای زمزم برچیده و دهانه چاه و آبخوری‌ها به طبقه پایین انتقال داده شود و در مقام ابراهیم نیز ضریح شیشه‌ای جایگزین بنای موجود گردد.

در نتیجه آن توسعه، قطر مطاف با مرکزیت کعبه به ۸/ ۶۴ متر رسید.

برگرد این مطاف دو ممر موازی و هر کدام با عرض ۲/۵ متر و ارتفاع ۲۰ سانتیمتر از کف وجود داشت. همچنین در این توسعه کف مطاف با سنگ‌های دارای ابعاد مختلف که از ایتالیا وارد شده بود با سنگ‌های سفید و نیز برخی از مکان‌های تاریخی برای حفاظت از آنها با سنگ‌های سیاه مفروش گردید.

در بخش داخل دایره مطاف، از آنجا که پیوسته برای طواف مورد استفاده قرار می‌گرفت هیچ‌گونه خط کشی و نشانی برای صف بستن وجود نداشت. اما در بخش بیرون از این دایره هشت نوار دایره‌ای، هر کدام به عرض ۱۰ سانتیمتر با سنگ‌های سیاه مشخص گردید تا نشان صف‌های نماز باشد.

در این توسعه همچنین ممرهایی که به مطاف می‌رسید سنگفرش شد. گویند حدود این ممرها چندین قرن هیچ‌گونه تغییری نداشته و بنا بر روایت، به قبل از اسلام باز می‌گشته است.

مساحت مطاف پس از این توسعه به ۳۰۵۸ متر مربع رسید که به استثنای دو ممر محیط بر آن، به تنهایی گنجایش ۸۵۰۰ نفر را داشت. در ایام حج مساحت مطاف با افزوده شدن ممرها به ۴۱۵۴ متر مربع می‌رسید که برای ۱۴۰۰۰ نفر در زمان واحد گنجایش داشت.

توسعه بعدی: با ازدیاد شمار حاجیان و زائران، ضرورت اقتضا می‌کرد با از میان بردن پیاده روها و قسمت‌های غیر مفروش حرم و نیز جابه جاکردن منبر و مدخل چاه زمزم و نیز محل اذان، مطاف توسعه یابد.

در اجرای این مرحله از توسعه، قطر مطاف از ۸/ ۶۴ متر به ۲/ ۹۵ متر رسید و کل حدود حرم قدیم را در برگرفت. همچنین گنجایش جمعیتی آن از ۱۴۰۰۰ نفر به ۲۸۰۰۰ نفر در زمان واحد افزایش یافت.

حرکت در مطاف: به رغم همه توسعه‌های پی در پی مطاف، افزایش چشمگیر حاجیان و روی آوردن روز افزون مسلمانان به انجام مناسک حج و عمره، همواره اندیشه مسؤولان و دست‌اندرکاران بخش‌های مختلف را به این مهم معطوف ساخته است که راه‌ها و شیوه‌های نوینی برای افزودن بر گنجایش این مکان‌های مقدس جست‌وجو شود، به ویژه آن که در بسیاری از این مکان‌ها گاه به دلایل تاریخی و گاه به دلایل شرعی امکان تغییر چندانی وجود ندارد و یا اگر چنین امکانی هست با دشواری‌های فراوانی همراه است؛ چه، مطاف به حدود حرم قدیم محدود می‌شود و از این ناحیه امکانی برای توسعه فراهم نیست. با این همه پژوهش‌ها و مطالعاتی انجام پذیرفته است تا راه‌هایی برای افزودن بر قدرت گنجایش مطاف و دیگر مکان‌های همانند یافته شود.

شاید مهم‌ترین دشواری موجود بر سر راه بالا-بردن میزان گنجایش مطاف و همچنین عاملی که از قدرت مانور طرح‌های جدید و اندیشه‌های نوین می‌کاهد این نکته است که حرکت مسلمانان در مطاف و برگرد کعبه حرکتی متعدد و گاه متقاطع بر هم است که به اهداف متفاوت و البته با انگیزه و عنوان دینی انجام می‌گیرد وهر کس سعی‌دارد به‌آنچه شرعاًمطلوب خودمی‌بیندبرسد. آغازوانجام‌طواف‌و سرعت حرکت هر یک از طواف کنندگان با دیگری تفاوت دارد و افزون بر این، هر یک از طواف کنندگان در اثنای طواف ویا پس‌از آن، کارهایی چون دعا درجوار ملتزم، نماز درحجراسماعیل، استلام رکن یمانی، استلام وبوسیدن حجرالأسود، نماز دورکعتی طواف‌در پشت‌مقام ابراهیم ونوشیدن آب زمزم را انجام می‌دهند. همه این کارها درداخل دایره مطاف و دروقت واحد صورت می‌گیرد و با توجه به ناهمسانی افراد در انجام این اعمال سبب می‌شود مجموعه حرکت‌ها به رغم هماهنگی کلی در نگاهی جزئی‌تر حرکت‌هایی گاه متقاطع و متنافر باشد، و بدین سان از مجموع گنجایش و توان مطاف برای پذیرش بکاهد.

در سال ۱۴۰۷ ه. ق. از سوی مرکز مطالعات حج در دانشگاه امّ‌القری با همکاری کارفرمای طرح‌های توسعه حرم؛ یعنی موسسه بن لادن پژوهش‌هایی میدانی درباره حرکت در مطاف انجام پذیرفت. این پژوهش‌ها در دو هنگام از سال؛ یعنی در ماه رمضان در هنگام اوج ازدحام طواف کنندگان و ماه ذی‌الحجه در اوج ازدحام حاجیان و در دو محور زیر انجام گرفت:

یک: بررسی چگونگی حرکت در مطاف با تأکید بر تراکم‌های مختلف یعنی شمار طواف کنندگان در هر متر مربع در اوقات

مختلف و نیز میزان این تراکم در نقاط دور یا نزدیک به کعبه و اثر این تفاوت تراکم بر سرعت طواف.

دو: بررسی عناصری که ممکن‌است از روان بودن حرکت در مطاف بکاهد. این بخش از بررسی عمدتاً بر نقاطی چون‌مقام‌ابراهیم، حجرالأسود، حجراسماعیل، رکن‌یمانی، ملتزم وخط آغاز طواف‌تکیه داشت.

در نتیجه این مطالعات و بررسی‌ها مشخص شد شمار کسانی که تنها در پنج روز از ماه رمضان روزهای اوج ازدحام به مسجد الحرام وارد شده‌اند ۱۱۴۴۶۱۸ نفر بوده که از این شمار ۳۸۰۸۹۲ مورد به شب ۲۷ ماه رمضان که شب قدر است مربوط می‌شود.

همچنین درایام حج‌شمار مجموعه‌کسانی که در ساعت‌های بررسی و شمارش در روزهای دهم، یازدهم، دوازدهم وسیزدهم ماه ذی‌الحجه به‌مسجد الحرام واردشده‌بودند ۳۰۹۶۲۷۶ نفر با توزیع زیر بوده است:

- روز ۱۰/ ۱۲/ ۱۴۰۷ ه. ق. تعداد ۷۳۸۵۷۶ نفر

- روز ۱۱/ ۱۲/ ۱۴۰۷ ه. ق. تعداد ۸۸۷۹۵۲ نفر

- روز ۱۲/ ۱۲/ ۱۴۰۷ ه. ق. تعداد ۹۹۸۰۲۴ نفر

- و روز ۱۳/ ۱۲/ ۱۴۰۷ ه. ق. تعداد ۵۵۱۷۲۴ نفر

این اعداد و ارقام می‌تواند به گونه‌ای نشانگر دشواری‌هایی باشد که پیش روی خدمات دهی به حاجیان به ویژه در ساعت‌ها و روزهای اوج ازدحام وجود دارد. گفتنی است در این ساعت‌ها که از پنج ساعت در طول سال تجاوز نمی‌کند، طواف با بیشترین فشردگی انجام می‌گیرد و میزان این فشردگی به ۸۰۷ نفر در متر مربع می‌رسد.

سنگفرش مطاف: تا پیش از نخستین توسعه سعودی مطاف با سنگ‌های عادی فرش شده بود و از این روی طواف در ساعت‌های وسط روز، به ویژه در روزهای تابستان دشواری‌هایی را برای حاجیان به همراه داشت.

اما در توسعه‌های سعودی برای سنگفرش مسجد الحرام از سنگ‌های ویژه‌ای استفاده شده، به گونه‌ای که طواف در گرم‌ترین ساعت‌های روز نیز در آسایش کامل صورت می‌پذیرد. قصة التوسعه، صص ۱۶۱- ۱۵۸.« مترجم»

ص:۱۸۹

ص:۱۹۰

ص:۱۹۱

فصل چهارم: مسجد الحرام و توسعه‌های دوران سعودی

توسعه‌های انجام شده تا دوران ملک فهد

اصولًا تصدی حکومت در هر کشوری به معنای مسؤولیت در برابر ملت و سرزمین است. این قاعده‌ای است کلی و فراگیر که در همه جاصدق می‌کند. اما در سرزمین عربستان تصدّی حکومت، مسؤولیتی فراتر از این در پی دارد؛ چه، عهده داری دو شهر مقدس مسلمانان؛ یعنی مکه و مدینه مسؤولیتی فراتر از ملت عربستان سعودی می‌طلبد؛ مسؤولیت در برابر همه امت اسلامی.

در چهار چوب این رسالت که بر عهده مسؤولان امر در عربستان است، خاندان سعود از همان نخستین دوره‌ای که ملك عبدالعزیز به یکپارچه سازی سرزمین و متحد کردن ملت دست یازید به گستردگی و اهمیت مسؤولیتی که متوجه آنهاست و بار امانتی که بر دوش آنان است آگاهی و توجه داشتند و می‌دانستند که خدمت گزاردن به امت اسلامی از رهگذر فراهم آوردن وسایل و زمینه‌های لازم برای انجام اعمال و مناسک حج در فضایی آرام و برخوردار از راحت و آسایش بایسته، از لوازم این مسؤولیت و امانت است.

عبدالعزیز در نخستین سال در اختیار گرفتن قدرت سیاسی در عربستان؛ یعنی سال ۱۳۴۴ ه. ق. فرمان داد مرمت‌های فراگیری در کوتاه‌ترین زمان ممکن در مکه انجام پذیرد. این فرمان بلافاصله در همان سال و پیش از فرا رسیدن موسم حج به

ص:۱۹۳

اجرا درآمد. «(۱)» در سال ۱۳۴۶ ه. ق. فرمان دیگری درباره مرمت و نوسازی مسجد الحرام از داخل و خارج و همچنین کف آن و نیز احداث سایه‌بان‌هایی در اطراف مسجد از سمت درونیصادر شد. «(۲)» و این حرکت در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. «(۳)»

۱- در نخستین فرمان عبدالعزیز در سال ۱۳۴۴ ه. ق./ ۱۹۲۶ م. مدیر سابق اوقاف شیخ محمد سعید ابوالخیر مأمور شد خرابی‌های موجود در دیوارها، کف و ستون‌های مسجد الحرام را مرمت کند و به مرمت راهروها، حاشیه مطاف و درها و همچنین روکش کردن مقام ابراهیم و ستون‌های مسین گردا گرد مطاف با روکشی سبز رنگ اقدام کند. نک: قصهٔ التوسعه، ص ۲۳۹.« مترجم»

۲- در اوایل سال ۱۳۴۶ ه. ق. عبدالعزیز، شیخ عبداللّه دهلوی را مأمور نوسازی مسجد الحرام کرد. او در جمادی الأول همان سال بدین کار همت گماشت و اقدام‌های زیر را به انجام رساند:

- سنگفرش رواق‌های مسجد الحرام در چهار سمت آن و همچنین دو زیاده دار الندوه و باب ابراهیم و نیز راهروهای منتهی به مطاف.

- تجدید سنگفرشی که« مقامات اربع» را در میان گرفته بود.

- مفروش کردن آستانه درهای مسجد الحرام.

- تعمیر نمای درونی و بیرونی دیوارهای مسجد الحرام.

- رنگ‌آمیزی طاق‌ها و بالای دیوارها و ستون‌های مسجد الحرام.

در همین سال ملک عبدالعزیز وزیر دارایی وقت عربستان شیخ عبداللّه سلیمان را مأمور کرد در چهار سمت مسجد الحرام در جلوی رواق‌ها و پشت منطقه حصوه منطقه داخلی مفروش به ریگ سایه‌بان‌هایی برای برگزاری نماز در زیر آنها بنا کند. او سایه‌بان‌هایی شیروانی شکل بر روی پایه‌های چوبی جاوه و با پارچه‌های پنبه‌ای سفید محکم که قلع نامیده می‌شد ساخت و این سایه‌بان‌ها را در اطراف منطقه حصوه در داخل مسجد نصب کردند.

این نوسازی تقریباً یک سال به درازا انجامید و از آن پس رسم بر این شد که همه ساله مدیران اوقاف به برخی اصلاح‌ها و مرمت‌های جزئی در مسجد الحرام بپردازند.

درسال ۱۳۵۴ ه. ق. نیز دیگر بار مسجد الحرام به فرمان ملک عبدالعزیز هدف مرمت کلی قرار گرفت قصهٔ التوسعه، ص ۲۳۹.

گفتنی است« مقامات اربع» چهار مقام به نام‌های مقام حنفی، مقام شافعی، مقام مالکی و مقام حنبلی بوده که قرن‌ها در اطراف کعبه و در داخل صحن مسجد الحرام وجود داشته، اما پیش از توسعه نخست سعودی، برای توسعه مطاف برچیده شده است. قصهٔ التوسعه، ص ۲۴۶.« مترجم»

۳- بررسی‌های همه جانبه‌ای که درباره نقشه جامع توسعه انجام گرفت تا سال ۱۳۷۵ ه. ق./ ۱۹۵۵ م. به درازا کشید.

مسجد الحرام، بنا به گزارش قصهٔ التوسعه، ص ۲۴۰ و ۲۴۱ چنین وضعیتی داشته است:

در این سال مسجد الحرام تقریباً مستطیل شکل بوده و با مساحتی بالغ بر ۱۲۲۰۰ متر مربع عناصر زیر را در خود جای می‌داده است:

الف: مطاف به صورت بیضوی شکل که سنگفرش بوده و در گرداگرد آن چلچراغ‌هایی برای روشنایی بر روی تیرک‌ها قرار داشته است.

ب: مقام ابراهیم در جایی که امروزه هست قرار داشته، با این تفاوت که در بنایی مسقف بوده و باب بنی شیبه نیز در پشت آن جای داشته است.

ج: چاه زمزم با بنایی دارای گنبد که ساخت آن به سال ۱۰۷۴ ه. ق./ ۱۶۶۳ م. باز می‌گشته و شامل دو طبقه بوده و از طبقه اول به عنوان مکبریه استفاده می‌شده و در همین طبقه اقدام‌هایی برای دسترسی حاجیان به آب زمزم انجام شده بوده است.

د: منبر، که در سال ۹۶۶ ه. ق./ ۱۵۵۸ به شیوه کهن عربی و با سنگ مرمر سفید ساخته شده و سلطان سلیمان بن سلیم عثمانی آن را به مسجد الحرام هدیه کرده بود، در جایی نزدیک به مقام ابراهیم و در سمت شمال آن قرار داشت.

ه: سایه‌بان‌ها، چهار سایه‌بان بوده در چهار ضلع محیط بیرونی مطاف و هر کدام، از آنِ پیروان یکی از مذاهب چهارگانه بوده است.

و: حصاوی، بخشی از صحن داخلی مسجد الحرام را می‌گفته‌اند که ریگفرش بوده و میان مطاف و ستون‌های مسجد واقع می‌شده است و ممرهایی از میان آن می‌گذشته و مطاف را به رواق‌ها و سایه‌بان‌ها وصل می‌کرده است.

ز: بنا رواق‌ها ی مسجد الحرام، ابعاد خارجی این قسمت به استثنای دو جناح واقع در باب ابراهیم و باب الزیاده ۱۹۲* ۱۹۴ متر و ابعاد داخلی بخش مسقّف بنا حدود ۱۶۳* ۱۰۶ متر بوده و کل این مساحت گنجایش افزون بر ۵۰۰۰۰ نمازگزار را نداشته است. همچنین پشت بام‌های مکشوفی در اطراف وجود نداشته است تا در هنگام ازدحام بتوان از آنها برای برگزاری نماز استفاده کرد.

در این دوره مسعی بازاری مسقف با سقف‌هایی شیروانی بوده است.« مترجم»

ص:۱۹۴

توسعه‌های انجام گرفته پس از این مطالعات و در طول این دوره را «نخستین توسعه این دوره» «(۱)» نامیده‌اند که خود در چهار مرحله انجام یافته و فاصله سال‌های ۱۳۷۵

۱- در قصهٔ التوسعه صص ۲۴۵- ۲۴۱ آگاهی‌هایی بدین شرح درباره این توسعه به دست داده شده است:

اهداف نخستین توسعه دوران سعودی: این توسعه، بازسازی مسجد و مسعی و تجدید ساختار مناطق پیرامونی مسجد الحرام و نیز تهیه امکانات برای انجام بیشتر و بهتر خدمات عمومی در این محدوده را در برمی‌گرفت و اهداف آن از این قرار بود:

۱- افزایش چشمگیر وسعت مسجد الحرام به منظور غلبه بر مشکل کمبود جا برای نماز در هنگام برگزاری حج. در این چارچوب می‌بایست مساحت مسجد افزوده و بنای آن دو طبقه شود.

۲- توسعه مطاف و از میان برداشتن موانعی که در سطح مسجد الحرام و پیرامون کعبه وجود داشت.

۳- بهسازی وضع سعی صفا و مروه از طریق تلفیق مسعی با بناهای مسجد الحرام و نیز دو برابر کردن وسعت آن با ایجاد طبقه فوقانی.

۴- بهسازی راه‌های مواصلاتی پیرامون مسجد الحرام.

۵- کاستن از خطرهای سیلاب و جلوگیری از ورود آن به مسجد الحرام.

۶- تغییر مجرای آب بارانی که در منطقه میان صفا و بنای عثمانی جمع می‌شده است.

۷- بهسازی خدمات داخلی مسجد، از قبیل آب و روشنایی و همانند آن.

مراحل توسعه نخست دوران سعودی: نخستین توسعه فراگیرِ دوران سعودی در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ ه. ق./ ۱۹۵۵ م. تا ۱۳۹۶ ه. ق./ ۱۹۷۶ م. انجام پذیرفت و شامل چهار مرحله بود:

مرحله اول ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ ه. ق.: در این مرحله بنای مسعی در دو طبقه احداث شد. طول این بنا از داخل ۵/ ۳۹۴، عرضِ آن ۲۰ و ارتفاع طبقه همکف ۱۲ و ارتفاع طبقه فوقانی ۹ متر است. در این بنای دو طبقه به عنوان بخشی از مسجد الحرام صف‌های نماز جماعت بسته می‌شود، که این خود از ازدحام جمعیت کاسته است.

در ساخت بنای مسعی در وسط راهرو، در هر دو طبقه، دیوارکی به منظور تقسیم راهرو به دو مسیر رفت و برگشت ساخته شد. در دو سمت مسعی؛ یعنی در صفا و مروه در فراخنایی دایره‌ای شکل پلکانی احداث گردید. برای طبقه اول مسعی هشت در به سمت شرق و به خیابان بیرون از آن گشوده شد، برای طبقه دوم نیز دو مدخل از بیرون حرم احداث شد که یکی در صفا و دیگری در مروه است و سرانجام در دو سمت باب السلام و باب الصفا پله‌هایی متحرك ساخته شد.

مرحله دوم ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ ه. ق.: در این مرحله مرمّت‌های مسجد الحرام، احداث بخش بیرونی ساختمان جدید، توسعه مطاف و همچنین احداث پله‌های زیر زمین زمزم صورت پذیرفت.

مرحله سوم ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ ه. ق.: بنای مکبریه، احداث راه‌های جدید و همچنین میدان‌های اطراف حرم در این مرحله انجام یافت.

مرحله چهارم ۱۳۹۳- ۱۳۹۶ ه. ق.: در این مرحله بناهای قدیم مسجد الحرام و همچنین چهار بخش مسقّف چهار سمت مسجد به منظور ایجاد درهای سه گانه اصلی نوسازی شد.

در کل این چهار مرحله از توسعه، جمعاً یک میلیارد ریال سعودی هزینه شد که این هزینه شامل پرداخت خسارت به املاك و مستغلات واقع در طرح توسعه و احداث بناها می‌شد. در این توسعه جمعاً بیش از ۵۵۰۰۰ کارگر، کارگر فنی و مهندس شرکت

داشتند و با پایان این توسعه، مساحت مسجد الحرام به ۱۶۰۱۶۸ متر مربع رسید که شامل فضاها و مکان‌های زیر می‌شد:

مساحت مسجد الحرام قبل از نخستین توسعه سعودی: ۲۹۱۲۷ متر مربع.

مساحت نخستین توسعه طبقه‌های اول و دوم رواق‌های مسجد الحرام: ۳۱۳۰۹ متر مربع.

مساحت مسعی پس از ضمیمه شدن به مسجد الحرام: ۱۰۱۷۲ متر مربع.

مساحت طبقه دوم مسجد الحرام شامل طبقه دوم مسعی: ۶۰۵۶۰ متر مربع.

مساحت طبقه زیر زمین رواق‌های توسعه: ۲۹۰۰۰ متر مربع.

جمع کل: ۱۶۰۱۶۸ متر مربع.

این آمار و ارقام بدان معناست که در چهار مرحله از نخستین توسعه دوران سعودی جمعاً ۱۳۱ /۰۴۱ متر مربع به مساحت مسجد الحرام و بناهای آن افزوده شده است.

درهای مسجد الحرام: تا پایان نخستین توسعه دوران سعودی شمار درهای مسجد الحرام به ۱۶۴ باب می‌رسد که مهم‌ترین آنها سه دروازه اصلی و عبارتند از:

۱- باب الملک عبدالعزیز: این باب در سمت جنوبی مسجد و در سمت اجیاد واقع است و خود از سه در چوبی منبت کاری شده و دارای نقش و نگارهای ممتاز تشکیل می‌شود. در مدخل این باب از بیرون مسجد ایوانی بر چهار ستون بنا شده و این ایوان دارای گچ بری است.

این باب مشرف بر میدان ملک عبدالعزیز است که پارکینگ خودروهای عمومی در آن واقع است.

دو مناره در مجاورت این باب قرار دارد و کتابخانه جدید حرم نیز در مقابل آن واقع می‌شود و در سمت چپ کسانی که از این در به مسجد وارد می‌شوند محل آب آشامیدنی است.

۲- باب العمره: در سمت غرب مسجد الحرام واقع شده است و از آن به سمت تونلی که به شارع الجدید و شارع باب السلام راه دارد می‌رویم.

باب العمره به همان شیوه باب الملک عبدالعزیز ساخته شده و دو مناره در جوار آن واقع است.

۳- باب السلام: در سمت شمال مسجد الحرام و مشرف بر میدان باب السلام و شارع السلام است.

این باب نیز به سبک و سیاق باب الملک عبدالعزیز بنا گردیده و دو مناره در جوار آن ساخته شده است.

گلدسته‌های مسجد الحرام: در نخستین توسعه دوران سعودی هفت گلدسته در اطراف مسجد الحرام ساخته شد که طول هر کدام ۸۹ متر است و با زیبایی در عین حال سادگی و دقتی که در بنای آن به کار رفته هم نمادی از عظمت و شکوه هستند و هم ابعاد مسجد الحرام را نشان می‌دهند.

این هفت گلدسته همه به یک سبک و با طرحی همانند ایجاد شده‌اند. قاعده هر گلدسته مربع شکل و چسبیده به دیوارهای مسجد الحرام است و ساقه گلدسته پس از بالاـ آمدن از محازات مسجد، ابعاد هشت ضلعی به خود می‌گیرد. گلدسته‌ها برای حفظ هماهنگی با دیوارهای مسجد الحرام با همان سنگ و ترتیبی که دیوارها نما کاری شده آذین شده‌اند. هر گلدسته دارای دو مئذنه یا عرشه منار است و مئذنه پایین با فاصله اندکی از سقف مسجد الحرام و در ارتفاع اندکی از ساقه گلدسته واقع شده و دارای شکل و ابعاد هشت ضلعی است. بر گوشه هر ضلع نیز ستونی باریک و بلند قرار گرفته که تا زیر سقف مئذنه ادامه دارد. سقف مئذنه بر روی این ستون‌های هشتگانه قرار گرفته و دارای پوششی سبز رنگ است. مئذنه بالایی نیز با سبک و سیاقی همانند مئذنه پایین و نزدیک به سر گلدسته واقع است.

بالاتر از مئذنه فوقانی، دو قطعه گچی دیگر واقع است: یکی از آنها شکلی دایره‌ای دارد و با گچ بری‌های ممتاز آذین شده و

دیگری نیز به شکل گنبدک یا کلاه‌خودی است که بر اطراف آن خطوط نیم دایره نصف النهار گونه‌ای با فرورفتگی ایجاد شده است. قاعده گویچه‌ها یا سبک‌های سه گانه‌ای که بالاترین بخش گلدسته را تشکیل می‌دهد بر این قسمت سوار است و بر فراز گویچه‌ها نیز هلالی وجود دارد.

این گلدسته‌های هفتگانه بر درگاه‌های باب الصفا، باب الملک عبدالعزیز، باب العمره و باب السلام توزیع شده‌اند.

رهاورد این توسعه: نخستین توسعه دوران سعودی که بیش از بیست سال به طول انجامید، نقطه عطفی در تاریخ مسجد الحرام و مکه است؛ چه، از این زمان بود که مجموعه بناها از نظر فن آوری، شیوه کار و ساختار عمومی دچار دگرگونی شد و منطقه حرم که قبلًا با بافت شهری به صورت زنده‌ای درهم آمیخته شده بود از این بافت جدا و متمایز گردید.

همچنین گفتنی است تا پیش از این توسعه، نمازهای جماعت هر یک از مذاهب اربعه در جای ویژه خود و پشت یکی از مقامات اربعه انجام می‌گرفت و پس از این توسعه برای نخستین بار صف‌های نماز جماعت متحد شد.« مترجم»

ص:۱۹۵

ص:۱۹۶

ص:۱۹۷

تا ۱۳۹۶ ه. ق. را در بر گرفته است.

محمد بن لادن که در آن زمان به تازگی توسعه مسجد النبی را به پایان برده بود کارفرمای بخش عمده‌ای از این توسعه شد.

به جای پرداختن به جزئیات نخستین توسعه دوران سعودی، دانستن همین نکته ما را بسنده خواهد کرد که کل مساحت مسجد الحرام پیش از این توسعه، گنجایش بیش از پنجاه هزار نمازگزار را نداشته و استفاده از پشت بام‌ها نیز برای نماز امکان‌پذیر نبوده است، در حالی که پس از توسعه این ظرفیت به بیش از سیصد هزار نماز گزار در زمان واحد رسیده که می‌توانسته‌اند در آسایش و آرامش در مسجد الحرام نماز بگزارند.

البته در هریک از دوره‌های سه گانه‌ای که‌بر این طرح توسعه گذشته بخشی مشخص از توسعه در کانون اهتمام قرار داشته و از پیشرفت بیشتری برخوردار شده است:

الف- مشخصه دوره ملک سعود، خارج کردن بناها و اراضی مجاور حرم در سمت

ص:۱۹۸

مسعی و اجیاد از ملکیت مردم، تخریب بناهای موجود در این منطقه و سامان دادن به مسعی است.

ب- در دوره ملک فیصل، به سال ۱۳۸۷ ه. ق. کنفرانسی با شرکت شمار فراوانی از مهندسان و معماران مسلمان در مکه برگزار شد تا طرح‌های جایگزین برای بهسازی نقشه‌های توسعه را بررسی کنند. این کنفرانس توصیه کرد بخش بزرگی از بنای دوران عثمانی برچیده شود. اما ملک فیصل با این توصیه مخالفت کرد و بر این اصرار ورزید که بنای عثمانی حفظ شود و نقشه‌هایی برای توسعه فراهم گردد که بیشترین قابلیت تلفیق میان بناهای قدیم و جدید را ایجاد کند، که چنین نیز شد.

در همین دوره، در پنجم ماهصفر سال ۱۳۸۹ ه. ق. مرحله تازه‌ای از توسعه آغاز شد که در نتیجه آن، دو جناح به بناهای مسجد الحرام افزوده شد و بناهای قدیم نیز بازسازی گردید. در این مرحله راه‌ها و معابر مناسب و همچنین میدان‌ها و بازارهایی در اطراف مسجد الحرام ایجاد شد. مجموع هزینه‌های این مرحله در زمان خود به ۰۰۰، ۰۰۰، ۸۰۰ ریال سعودی می‌رسید.

در همین دوره و در سال ۱۳۸۲ ه. ق. کارخانه بافت جامه کعبه نیز بازگشایی گردید.

- در دوره ملک خالد رواق‌های طبقه دوم مسجد الحرام تکمیل شد و در کنار انجام مستمر مرمت‌ها و نوسازی‌ها و ارائه خدمات کار ساخت آب خوری‌های زمزم به پایان رسید.

در این دوره اهتمام به راه‌ها و معابری که مردم را به سمت حرم می‌برد دو چندان شد و از جمله مجموعه‌ای از تونل‌ها در کوه‌های اطراف مسجدالحرام ایجاد گردید.

در همین دوره و به سال ۱۳۹۷ ه. ق. کارخانه جدید جامه کعبه در امّ‌الجود تأسیس شد.

طرح جامع توسعه اخیر

ویژگی‌های ساختمانی و معماری طرح جامع توسعه: ویژگی‌های ساختمانی و معماری این طرح بر پایه نظامی دقیق و مطابق با اصول و استانداردهای لازم است و در

ص:۱۹۹

طراحی بخش‌های گوناگون ساختمان‌ها، مقاومت بنا در برابر همه عوامل احتمالی؛ از قبیل زلزله و طوفان و دیگر عوامل طبیعی و جغرافیایی، در بالاترین سطح ممکن درنظر گرفته شده است. ساختمان اصلی توسعه (یعنی بخش‌هایی که در طرح توسعه به مسجد الحرام افزوده شده، شامل سه طبقه است که بهصورت بتون مسلح با ستون‌ها، طاق‌ها و پل‌های بتونی زیر سقف و نیز سقف یکپارچه مسلح ساخته شده است. پل‌های زیر سقف بهصورت‌های طولی و عرضی نگهدارنده سقف است و ردیف‌های ستونی که در زیر این پل‌ها قرار دارد از پنج متر، برای راه روها، تا پانزده متر، برای مکان‌های برگزاری نماز، با همدیگر فاصله دارند و در هر طبقه ۵۳۰ ستون استوانه‌ای و چهارگوش وجود دارد.

برای آن که کار ساخت بناهای جدید طرح توسعه با دقت و درستی بیشتری انجام گیرد کل بنا به پانزده بخش یا کارگاه مستقل قسمت شد تا در هر بخش به طور جداگانه میان اصول معماری و نیازهای هر بخش، تلفیقی کاملصورت پذیرد و بنای هر بخش بر پایه مطالعات دقیق در مورد میزان تحمل فشارهای عمودی و افقی انجام گیرد.

نمای بنای جدید از سمت بیرون مسجد الحرام ۵۷/ ۲۲ متر ارتفاع دارد و ارتفاع و مساحت هر یک از طبقه‌های سه گانه به شرح زیر است:

- طبقه زیر زمین با ارتفاع ۳۰/ ۴ متر و مساحت ۱۸۰۰۰ متر مربع.
- طبقه همکف با ارتفاع ۸۰/ ۹ متر و مساحت ۲۰۰۰۰ متر مربع.
- طبقه اول با ارتفاع ۶۴/ ۹ متر و مساحت ۱۹۰۰۰ متر مربع.

در دو طرف درگاه اصلی بناهای جدید؛ یعنی باب الملك فهد دو گلدسته به ارتفاع ۸۹ متر ساخته شده و ساخت این گلدسته‌ها با توجه به تأثیرهای احتمالی بر بناهای درگاه و پی و پایه آن و همچنین مقدار مقاومت در برابر باد و دیگر عوامل طبیعیصورت پذیرفته است.

در وسط بناهای جدید (بناهای طرح توسعه) سه گنبد ساخته شده است که بخشی از فضای میان بناهای طرح توسعه فهد و طرح توسعه پیشین را، که در موازات در اصلی قرار دارد می‌پوشاند. هر گنبد بر فراز چهار ستون استوار است و در داخل در ساقه گنبد مقرنس‌هایی وجود دارد و در بالای آنها نیز پنجره‌هایی از چوب ساج تعبیه شده است.

ص:۲۰۰

در ساخت بناهای جدید و همچنین گنبدها، سه نوع بتون با برترین کیفیت و همچنین بتون‌های پیش ساخته به کار گرفته شده است. نوع آجر و مقدار آنها و عایق‌های رطوبتی و مواد به کار رفته در بندکشی و آذین بندی نیز از بالاترین کیفیت ممکن و مناسب‌ترین مشخصه‌های استاندارد معماری برخوردار است.

دشواری‌هایی که در برابر اراده به زانو درآمد: به دلیل ویژگی‌های انحصاری مکان و شرایط توسعه، اجرای آن با دشوارهایی پیش بینی شده همراه بود که البته در برابر اراده استوار و نقشه و برنامه ریزی درست به زانو درآمد. از آن جمله است:

۱- اراده مسؤولان بر آن بود که جریان کار به شکلی استمرار یابد که هیچ‌گونه خللی در حرکت زائران و حاجیان به وجود نیاورد. این در حالی است که مسجدالحرام خود در قلب تپنده مکه جای گرفته و هر روزه با سیل مشتاقان روبرو است. از همین روی لازم بود درکنار کارهای اصلی طرح، بخشی از سرمایه و نیروی انسانی در کارهایی هزینه شود که هدف از آن جلوگیری از پیش آمدن مشکل و مانع در کار و زندگی و عبادت مردم است.

۲- جایی که طرح توسعه در آن عملی می‌شد، زمینِ بکر و آماده بنا نبود، بلکه بناهای قبلی غیر حرم و یا ویرانه‌هایی بود که در زیر آنها نیز شبکه‌های قدیم خدمات شهری؛ از قبیل آب و برق و تلفن وجود داشت و بنا بر این لازم بود هم این شبکه‌ها با شبکه‌های جدید جایگزین شوند و هم در طول انجام کار خدمات رسانی، این شبکه‌ها قطع نشود و در عین حال حرکت روان حاجیان و در کنار آن حجم سنگین عملیات توسعه همزمان پیش رود.

۳- تأکید بر آن بود که کار طرح با بازدهی استثنایی و دقت فراوان و با کیفیت بالا پیش رود، بی‌آن که این دقت و کیفیت بر منطقه مرکزی و به ویژه شبکه‌های خدمات رسانی آسیب برساند و یا حرکت زائران و کسانی را که هر روز در پنج نوبت برای نماز به مسجد الحرام می‌آیند کند سازد.

۴- اصرار بر آن بود که بناهای ساخته شده در توسعه جدید با دیگر بناهای

ص:۲۰۱

توسعه‌های پیشین، بیشترین تناسب و همگنی را داشته باشد؛ به گونه‌ای که به سختی بتوان آنها را از همدیگر باز شناخت.

پله‌های ثابت ومتحرک: در دو سمت شمال وجنوب، بناهای توسعه دو مجموعه پله برقی؛ هر کدام با مساحت ۳۷۵ متر مربع و گنجایش ۱۵۰۰۰ نفر در ساعت ساخته شده است. افزون براین، دو مجموعه دیگر در داخل محدوده ساختمان توسعه و در دو سمت درگاه اصلی وجود دارد ومجموع پله‌های متحرک در این دو مجموعه و همچنین پله‌های متحرک موجود در دیگر نقاط مسجدالحرام (ساختمان‌های توسعه جدید) به هفت مورد می‌رسد. دراین مجموعه‌ها جمعاً ۵۶ دستگاه پله برقی وجود دارد و ظرفیت نهایی آنها جمعاً ۱۰۵۰۰۰ نفر در ساعت است که مردم را به طبقه اول و پشت بام‌ها می‌رساند.

در توسعه دوران فهد شش پلکان ثابت به پلکان‌های موجود افزوده شده است و بدین ترتیب جمع پلکان‌ها به سیزده مورد می‌رسد. از این شمار، شش‌تای آنها در دو سوی باب ملک فهد و ورودی‌های ثانوی شمال و جنوب بناهای جدید و بقیه در اطراف ساختمان توزیع شده است. این پلکان‌ها همه با بتون مسلح ساخته و با سنگ، نماکاری شده است.

صحن‌های بیرونی برای نماز: در جریان طرح در سه سمت مسجد الحرامصحن‌هایی یا به تعبیر دقیق‌تر فضاهای بازی برای انجام نماز آماده شد که مجموع مساحت آنها بالغ بر ۸۸۰۰۰ متر مربع است و به ترتیب زیر در اطراف مسجد الحرام واقع شده‌اند: در سمت شرق مسعی با مساحت کل ۴۶۰۰۰ متر مربع، سمت سوقِصغیر با مساحت کل ۲۸۰۰۰ متر مربع و سمت شامی با مساحت کل حدود ۱۴۰۰۰ متر مربع.

البته برای انجام این مهم لازم بود ساختار کل این مناطق مجاور حرم بر هم بخورد و نوسازی شود. به همین منظور همه دستشویی‌ها و وضوخانه‌های موجود برداشته و مسیر تردد خودروها نیز از این بخش‌ها به تونل‌هایی که ایجاد شد هدایت گردید. همچنین به جای دستشویی‌ها و وضوخانه‌های قدیم ساختمانی دو طبقه با مساحت ۱۴۰۰۰ متر مربع احداث شد که در بردارنده ۱۴۴۰ سرویس بهداشتی، ۱۰۹۱ وضو خانه، ۱۶۲ شیر آب آشامیدنی و راهروهای پر عرضی است که امکان تردد به طرفصحن‌های جدید را

ص:۲۰۲

فراهم می‌سازد.

گفتنی است در بنای دستشویی‌های جدید قسمت ویژه خواهران از قسمت برادران به تفکیک ساخته شد.

توقفگاه‌های خودروها: پس از نوسازی ساختار منطقه مرکزی حرم و خارج کردن خودروها از آن و اختصاص دادن این منطقه به تردد پیاده‌ها و برگزاری نماز، لازم بود نظام آمد و شدی طراحی گردد که از تراکم خودروها در مناطق مرکزی و تداخل وسایل نقلیه و عابران پیاده جلوگیری کند.

بدین منظور توقف‌گاه‌هایی بیرون از منطقه مجاور حرم ایجاد شد که زائران و حاجیان در آن جا از خودروهای عمومی یا خصوصی، پیاده و یا سوار شوند. فاصله دورترین توقفگاه تا مسجد الحرام در اوقات پر ازدحام حداکثر ۲۰ دقیقه پیاده روی و در ساعات کم ازدحام ۱۰ دقیقه است.

این توقفگاه‌ها رایگان هستند و روزانه گنجایش ۱۲۰۰۰ خودرو دارند.

گلدسته‌ها: در حرم مسجد الحرام ۴۱ مدخل اصلی وجود دارد و نُه گلدسته بلندی که ساخته شده، الهام‌گر عظمت و زیبایی و شکوه و عمدتاً نشان دهنده، مدخل‌های اصلی هستند، به استثنای گلدسته مجاورصفا که نقطه آغاز سعی را نیز نشان می‌دهد.

فرد بودن شمار گلدسته‌ها خود نمادی از یگانگی و بی‌همتایی مراسمی دینی است که در مسجد الحرام انجام می‌گیرد.

هر یک از بخش‌های مختلف این گلدسته‌ها به گونه‌ای مناسب آذین شده است.

در پایین‌ترین بخش؛ یعنی قاعده هر گلدسته، در بالای هر یک از ضلع‌های هشتگانه و در زیر مئذنه پایینی گلدسته، مقرنس‌هایی به ابعاد مثلث کامل وجود دارد و طوقه زیر مئذنه در بالای این مثلث‌هاست.

این مثلث‌ها دارای نمایی از سنگ سفیدصنعتی است. قاعده گلدسته با همان نوع سنگی که در نمای بیرونی مسجد الحرام به کار رفته نماکاری شده و کتیبه‌ها و نقش و نگارهایی همانند آنچه بر نمای بیرونی است، در این بخش نیز ایجاد شده تا قاعده گلدسته با بازوهای ایوان‌های ورودی مسجد الحرام در هماهنگی کامل باشد.

ص:۲۰۳

قـدری بالا‌ـتر، نخسـتین مئـذنه (عرشه منـار) گلدسـته به چشم می‌خـورد که خود دارای هشت ضـلع است و در رأس زاویه هر ضـلع، ستونی باریک و بلند قرار گرفته که تا زیر سقف مئذنه امتداد دارد.

سقف مئذنه نیز با کاشی‌های نیم‌دایره‌ای سبز رنگ تزیین شده است.

در دیوارک پایین مئذنه نقش‌هایی هندسـی با کلاف سـنگ و اشـکال هشت ضـلعی به چشم می‌خورد و پیش نشسـتگی ابعاد مئذنه نسبت به قاعده نیز بهصورت اریب و با مثلث‌های متداخل است.

بخش بالا‌یی ساقه (یعنی بخش میـان مئـذنه پایین و مئـذنه بالا) با ابعاد هشت ضـلعی و دارای خطوطی طولی و عرضـی است که بر زیبایی گلدسـته می‌افزایـد. در بخش‌های پایین و بالای این قسـمت طوق‌های تزیین شده‌ای با اسـتعمال خطوط هندسـی (در طوق پر عرض) و خطوط نرم (در طوق کم عرض) وجود دارد.

در مئذنه بالایی گلدسـته، در زیر آن روزنهایی هشت گانه (در هر ضلع یک روزن) و در بالای روزن‌ها مقرنس‌هایی وجود دارد که همین مقرنس‌ها پیش‌نشستگی ابعاد مئذنه نسبت به ساقه را می‌سازد. سقف این مئذنه نیز همانند مئذنه پایین بر روی هشت ستون قرار دارد و سایر مشخصه‌های هنری و نمای این مئذنه همانند مئذنه پایین است.

در سـقف مئذنه بالایی، قطر گلدسته به طور چشمگیری کاهش می‌یابد و بالاتر از آن طوق برجسته‌ای تزیین شده قرار دارد. بالاتر از این طوق گنبدچه مانندی شبیه کلاه‌خود وجود دارد که دارای خطوط نصف النهار شـکل طولی با تورفتگی است و قاعده برونزی و طلا کاری شده هلال فوقانی گلدسته بر روی آن قرار می‌گیرد. بالاترین نقطه گلدسته نیز نشان هلال است.

گنبدها: گنبدها نشانه‌هایی اصـلی از ساخت‌وساز توسـعه جامع اخیر هستند، که البته در شکل و شمایل و نوع تزیین داخلی و پوشش بیرونی در دو حرم مسـجد الحرام و مسـجد النبی با همدیگر تفاوتی آشـکار دارند. در مسجد الحرام گنبدها ثابت و از داخل بر روی مقرنس‌ها استوار است و از همین سمت در ساقه خود پنجره‌هایی از چوب ساج دارد. اطراف همین پنجره‌ها در نمای بیرونی با سنگ گرانیتصنعتی پوشش شده و در

ص:۲۰۴

میان این نمای سنگیِ بیرونی خطوط برجسته طلاـ کاری شده و همچنین مساحت‌هایی با نمای سنگ امازونیت و نیز کاشی‌های رنگارنگ که در قالب نظامی از هندسه و هنر اسلامی سامان یافته‌اند وجود دارد.

مقرنس‌های این گنبدها از گرانیتصنعتی است و در برخی از طاق‌های بلند نیز از سنگ مرمر سفید و سبز استفاده شده است.

در داخل گنبدها چلچراغ‌هایی از مس و بلور دارای اشکال هندسی ویژه وجود دارد.

پشت بام گنبدها نیز با ازمالدو رنگی پوشش شده است.

سیستم برق و روشنایی: تأمین برق و روشنایی حرم مسجد الحرام بر سیستمی فعال متکی است که همه شرایط غیر منتظره در آن لحاظ شده و در هر وضعیتی می‌تواند جریان برق را بر قرار نگه دارد.

بر همین اساس، نیروی برق مسجد الحرام از منابع متعددی تأمین می‌شود تا احتمال قطع جریان بهصفر برسد. منابع تأمین کننده جریان برق در مسجد الحرام عبارتند از:

۱- تغذیه کننده‌های اصلی که جریان برق را از طریق پست‌های جبل ابوقبیس، حارّة الباب و پست ویژه حرم برای مولدهای احتیاطی، از خطوط برق منطقه غربی «سکیکو» که دارای چهار مولد است می گیرد.

۲- ایستگاه تولید برق احتیاطی که در کدی در فاصله ۳/۵ کیلومتری مسجد الحرام قرار دارد و اخیراً با افزایش موتورهای آن از ۴ به ۸ دستگاه قدرت تولید آن، به ۳۲ مگاوات رسیده است.

۳- سیستم جریان مستمر برق (..) که روشنایی اضطراری و سیستمصوتی مسجدالحرام را تأمین می کند.

۴- افزون بر این، منبع تغذیه مستمر دیگری نیز تدارک دیده شده که با باتری کار می کند و می‌تواند در شرایط اضطراری نیروی لازم برای روشنایی اضطراری و دیگر خدمات حیاتی مسجدالحرام را به مدت ۳۰ دقیقه و تا برقرار شدن جریان مولدهای

ص:۲۰۵

احتیاطی و ذخیره فراهم کند.

تهویه هوا: در مجموعه بناهای مسجد الحرام، از دو نوع تهویه استفاده می‌شود:

۱- تهویه و جابه جا کردن هوا؛ با کمک پنکه‌های سقفی و دیواری، که مجموع آنها به ۱۲۹۲ دستگاه می‌رسد.

۲- تهویه از طریق تلطیف هوا، که با تزریق هوای سرد به اماکن حرمصورت می‌گیرد. بدین منظور کانال‌هایی در طبقه همکف و در کف طبقه بالا تعبیه شده و از آنها کانال‌هایی فرعی به درون ستون‌ها کشیده شده است. هوای سرد از طریق این تونل‌ها توزیع و با عبور از دریچه‌هایی مربع شکل که در بالای ستون‌ها تعبیه شده‌اند وارد فضای اماکن مسجد الحرام می‌شود و در همین حال، هوای گرم از طریق دریچه‌های دایره‌ای شکل که در پایین ستون‌ها در نظر گرفته شده است به بیرون حرم هدایت می‌گردد.

عملیات اصلی تهویه و تلطیف هوا در ایستگاه مرکزی‌ای که به همین منظور در خیابان اجیاد و در فاصله ۴۵۰ متری حرم ایجاد شده استصورت می‌گیرد. این ایستگاه که در ساختمانی شش طبقه واقع شده، در بردارنده جدیدترین دستگاه‌های تهویه و شامل سی و دو واحد خنک کننده هوا با میانگین بیش از ۱۳۰۰۰ تن هوای سرد است.

از این ایستگاه آب سرد با لوله‌های ۱۱۰۰ میلیمتری که در تونل شبکه خدماتی اطراف حرم قرار گرفته است به داخل مسجدالحرام پمپاژ و آن جا آب‌هایی که سرمای خود را از دست داده دوباره از طریق لوله به ایستگاه باز گردانده می‌شود.

در ایستگاه مرکزی تهویه هوا ۱۴۲ دستگاه تهویه با میانگین تولید ۱۷۵۵ کیلو در ثانیه وجود دارد که هوای تهویه شده در آنها از طریق کانال‌های ویژه و به کمک دستگاه‌های مکش و پمپاژ به طبقه پایین بناهای تازه احداث تزریق و از آن‌جا از طریق لوله‌های فرعی به دستگاه‌های تهویه هوا که در طبقه همکف مسجد الحرام نصب شده، فرستاده می‌شود.

علت انتخاب موقعیت فعلی برای دستگاه‌های تهویه مرکزی مسجد الحرام دور نگه‌داشتنصدای دستگاه‌ها از مسجد بوده است، هر چند در همان محل نیز برای کاستن ازصداها از عایق‌هایصوتی استفاده شده است.

ص:۲۰۶

به هـدف توزیع مناسب‌تر هوای تهویه شده، کانال‌های تهویه به مجموعه شـبکه خدماتی که گرداگرد حرم وجود دارد متصل شده و از این رهگـذر امکـان تنظیم درست‌تر و به هنگـام میزان سـردی و گرمی هوا و نیز فرسـتادن هوای سـرد به هر نقطه که لازم‌تر اسـت فراهم گشته است.

در چهار چوب تکمیل این سیسـتم امکانات جداگانه‌ای برای تهویه هوای مسعی فراهم گردیده که هوای سرد را از طریق دریچه‌های موجود در شرق مسعی به فضای میانصفا و مروه هدایت می‌کند.

ص:۲۰۷

فصل پنجم:از زبان آمار و ارقام

«(۱)»

جدول شماره ۱: وضعیت کلی مسجد الحرام در دوره‌های مختلف: الف- پیش از نخستین توسعه سعودی، ب- نخستین توسعه دوران سعودی، ج- دوره دوران فهد

جزئیات طرح. الف. ب. ج. مجموع. ملاحظات

۱- مساحت مسجد الحرام بر ۱۲۱۰۴۱۲۹۱۲۷- ۱۶۰۱۶۸ این رقم مربوط به وضعیت تا حسب متر مربع پیش از توسعه فهد است و شامل بناهای جدید طرح توسعه نمی‌شود.

۲- مساحت بناهای طرح توسعه-- ۵۷۰۰۰--

فهد

۳- مساحت پشت بام‌هایی که ۶۱۰۰۰ این رقم ۱۹۰۰۰ متر مربع پشت امکان استفاده از آنها فراهم بام بناهای جدید در طرح شده است توسعه ملک فهد است.

۱- این فصل را عمدتاً از قصهٔ التوسعه اقتباس و ترجمه کرده‌ام.« مترجم»

ص:۲۰۸

جزئیات طرح. الف. ب. ج. مجموع ملاحظات

۴-صحن‌های بیرون مسجدالحرام-- ۸۸۰۰۰- کل این رقم به توسعه دوران که به برگزاری نماز اختصاص فهد مربوط می‌شود. یافته است

مجموع مساحت‌ها ۱۲۹۱۲۷ ۱۳۱۰۴ ۲۰۶۰۰۰ ۳۶۶۱۶۸ این رقم شاملصحن‌های بیرونی مسجد نیز هست.

گنجایش تعداد نمازگزار ۴۷۰۰۰ ۳۱۳۰۰۰ ۴۶۰۰۰۰ ۸۲۰۰۰۰ در اوقات اوج ازدحام این رقم از یک میلیون نفر فراتر می‌رود.

تعداد گلدسته‌ها ۹۲۷۷ دو گلدسته جدید در دوره فهد در کنار باب ملک فهد احداث شده است.

ارتفاع گلدسته‌ها به متر ۸۹۸۹۳۶

تعداد پلکان ثابت ۱۳۶۷ «(۱)»

ساختمان‌های پلکان متحرک ۷۲۵ ظرفیت جابجایی پله‌های بیرونی خارجی ۱۰۵۰۰۰ نفر در ساعت

تعداد پلکان متحرک داخلی ۲۲ ظرفیت‌جابجایی پله‌های داخلی ۶۰۰۰۰ نفر در ساعت است.

۱- الف: هدف از احداث پله‌های متحرک برقی روان‌تر کردن حرکت نماز گزاران به سمت طبقه‌های فوقانی و پشت بام است. این پله‌ها به خوبی شمار انبوه نمازگزاران را، حتی در روزهای اوج مراسم حج پاسخگو است.

ب: ساختمان‌هایی که پله‌های برقی در آنها جای گرفته در جوار مدخل‌های مجاور مروه، باب الفتح، باب الشامیه، مجاور صفا، باب اجیاد، شمال و جنوب ساختمان‌های جدید توسعه و نیز در جوار باب الملک و باب العمره واقع شده است.

گفتنی است در بناهای کنونی مسجد الحرام تهویه هوا از طریق هوای تصفیه شده‌ای که از ایستگاه اجیاد و با استفاده از کانال‌های ویژه به مسجد انتقال می‌یابد انجام می‌پذیرد.

ص:۲۰۹

جدول شماره ۲: توسعه‌ها و نوسازی‌های جامع مسجد الحرام «(۱)»

ردیف‌توسعه و نوسازی سال انجام سال انجام

ه. ش. میلادی

۱ توسعه و نوسازی عمر بن خطاب ۶۳۸۱۷

۲ توسعه و نوسازی عثمان بن عفان ۶۴۶۲۶

۳ توسعه و نوسازی عبداللّٰه بن زبیر ۶۸۴۶۵

۴ توسعه و نوسازی ولید بن عبدالملک ۷۰۹۹۱

۵ توسعه و نوسازی منصور دوانیقی ۷۵۴۱۳۷

۶ توسعه و نوسازی مهدی عباسی ۷۷۶۱۶۰

۷۸۰۱۶۴

۷ توسعه و نوسازی معتضد عباسی (زیاده دار الندوه) ۸۹۴۲۸۱

۸ توسعه و نوسازی مقتدر عباسی (زیاده باب ابراهیم) ۹۱۸۳۰۶

۹ توسعه و نوسازی عبدالعزیز آل سعود ۱۹۵۵۱۳۷۵

۱۰ توسعه و نوسازی ملک فهد بن عبدالعزیز ۱۹۸۹۱۴۰۹

جدول شماره ۳: نوسازی‌های مسجد الحرام «(۲)»

ردیف‌نوسازی‌تاریخ ه. ق. م.

۱ نوسازی عبدالملک مروان ۶۹۴۷۵

۲ نوسازی معتمد عباسی ۸۸۴۲۷۱

۳ نوسازی امیر بیسق ظاهر ۱۴۰۰۸۰۳

۴ نوسازی فرج برقوق بن قانصوه ۱۴۰۴۸۰۷

۵ نوسازی سلطان قایتبای عثمانی ۱۴۷۷۸۸۲

۶ نوسازی سلطان سلیمان قانونی ۱۵۶۴۹۷۲

۷ نوسازی سلطان سلیم دوم ۱۵۷۶۹۸۴

۱- یادآور می‌شود: الف: تاریخ‌های میلادی در این جدول و جدول‌های شماره ۳ و ۴ تقریبی است.

ب: مؤلف قصة التوسعه عمدتاً به تاریخ عمارة المسجد الحرام استناد کرده است.

۲- گفتنی است: مقصود از نوسازی‌ها، انجام عملیاتی با دامنه کمتر از طرح‌های توسعه است.

ص:۲۱۰

ردیف نوسازی هجری قمری میلادی

۸ نوسازی سلطان مراد خان ۱۶۰۰۱۰۰۳

۹ نوسازی شریف حسین بن علی ۱۹۲۲۱۳۳۸

۱۰ نوسازی ملک عبدالعزیز آل سعود ۱۹۲۸۱۳۴۴

۱۱ نوسازی ملک عبدالعزیز آل سعود ۱۹۳۰۱۳۴۳

۱۲ نوسازی ملک عبدالعزیز آل سعود ۱۹۳۸۱۳۵۴

جدول شماره ۴: مرمّت‌های مسجد الحرام «(۱)»

ردیف‌تاریخه. ق. م.

۱ مرمت قاضی مکه جمال‌الدین محمد بن عبداللّه ۱۴۱۲۸۱۵

۲ مرمت سلطان اشرف برسبای ۱۴۲۲۸۲۵

۳ مرمت ابن المراءه مصری ۱۴۲۷۸۳۰

۴ مرمت امیر سودون محمدی ۱۴۳۵۸۳۸

۵ مرمت ظاهر سیف الدین چقمق ۱۴۴۰۸۴۳

۶ مرمت امیر قثم ۱۴۴۳۸۴۶

۷ مرمت ناظر حرم بیرم بیک ۱۴۴۹۸۵۲

۸ مرمت ناظر بردبیک ۱۴۵۱۸۵۴

۹ مرمت ناظر و قاضی القضاهٔ وقت برهان‌الدین بن ظهیره ۱۴۸۲۸۵۵

۱۰ مرمت ناظر و قاضی القضاه وقت جمال الدین ۱۴۹۸۸۹۴

۱۱ مرمت خواجه محمد بن عباد رومی ۱۵۱۲۹۱۵

۱۲ مرمت سلطان اشرف قانصوه ۱۵۱۴۹۱۷

۱۳ مرمت ناظر حرم احمد جلبی ۱۵۵۸۹۶۱

۱۴ مرمت سلطان محمد بن مراد ۱۶۰۰۱۰۰۳

۱۵ مرمت سلطان محمد خان ۱۶۰۲۱۰۰۵

۱- گفتنی است: الف: در پاره‌ای از مرمّت‌ها تنها نام دست اندر کار آن ذکر شده و به حکمران یا خلیفه وقت اشاره‌ای نشده است.

ب: مطمئناً مرمت‌های دیگری نیز در تاریخ صورت پذیرفته است که ما از آن اطلاعی در دست نداریم.

ص:۲۱۱

ردیف‌تاریخه. ق. م.

۱۶ مرمت سلطان احمد بن محمد ۱۶۱۲۱۰۱۵

۱۷ مرمت سلطان محمد بن ابراهیم ۱۶۶۹۱۰۷۲

۱۸ مرمت سلطان ابراهیم بیک ۱۷۰۹۱۱۱۲

۱۹ مرمت معمار محمد افندی ۱۷۳۱۱۱۳۴

۲۰ مرمت سلطان عبدالحمید خان ۱۸۵۴۱۲۵۷

۲۱ مرمت سلطان عبدالمجید خان ۱۸۶۳۱۲۶۶

۲۲ مرمت سلطان عبدالحمید خان ۱۸۷۶۱۲۷۹

۲۳ مرمت سلطان عبدالحمید خان ثانی ۱۸۹۸۱۳۱۴

۲۴ هموار کردن مسعی به فرمان ملک عبدالعزیز ۱۹۲۹۱۳۴۵

۲۵ احداث سایه بان‌ها به فرمان ملک عبدالعزیز ۱۹۳۰۱۳۴۶

جدول شماره ۵: شرح وضعیت توسعه‌های مسجد الحرام «(۱)»

الف: تاریخ انجام بر حسب سال قمری، ب: مساحت خالص افزوده شده به مسجد الحرام بر حسب متر مربع، ج: درصد افزایش، د: مساحت کل پس از توسعه بر حسب متر مربع

ردیف نام الف. ب. ج. د. ملاحظات

۱ دوران قریش ۱۸ قبل از ۲۱۲۶ در آن دوران مسجد الحرام هجرت بنایی مشخص نداشت و

۱- چند یادآوری:

۱- مساحت دوره قریش، مساحت مبنی قرار داده شده است.

۲- درباره مقدار مساحت مسجد الحرام پیش از نخستین توسعه دوران سعودی، اختلاف نظریه‌هایی وجود دارد. برای نمونه: در حالی که در تاریخ عمارهٔ المسجد الحرام ابن رقم ۲۹۱۲۷ متر مربع گزارش شده، دکتر مجدی حریری در کتاب« توسعه و عمارهٔ الحرمین الشریفین، رؤیهٔ حضاریه»، آن را ۳۰۰۵۷۱۶ گزارش کرده است.

مؤلف کتاب قصهٔ التوسعه هر چند در پاورقی این جدول یادآور می‌شود که برای مساحت پیش از توسعه سعودی ارقام مجدی حریری را مورد استناد قرار می‌دهد، اما در خود جدول در ردیف ۸ ارقام تاریخ عمارهٔ المسجد الحرام را می‌آورد. مترجم ارقام توسعه و عمارت را که با ارقام ردیف‌های بالاتر سازگارتر است جایگزین ارقام تاریخ عمارهٔ المسجد الحرام در ردیف ۸ کرده است.

همچنین یادآور می‌شود مساحت کل ردیف ۹ مستند به تاریخ عمارهٔ المسجد الحرام است.« مترجم»

ص:۲۱۲

ردیف نام. الف. ب. ج. د. ملاحظات

محدوده مطاف که میان خانه‌های پیرامونی کعبه بازمانده بود حکم مسجد الحرام کنونی داشت.

۲ توسعه عمر بن خطاب ۱۷ ه. ق. ۷۰۱۴۸۷٪ ۳۶۱۳ در این دوره برای نخستین بار دیوارهای مسجد الحرام برافراشته شد.

۳ توسعه ونوسازی دوران ۲۴۸۶۹۲۶٪ ۴۴۸۲ در این دوره رواق‌هایی بر گرد عثمان مسجد الحرام بنا گردید.

۴ توسعه ونوسازی عبداللّٰه بن ۹۶۶۵/ ۶۷۲۹۸۲٪ ۹۶/ ۷۴۶۴ عبداللّٰه بزرگ‌ترین توسعه را تا زبیر روزگار خود به انجام رسانید و کعبه را سقف پوشاند.

۵ توسعه ولید بن عبدالملک ۰۴۹۱/ ۳۷۲۸۰۵٪ ۱۰۲۷۰

۶ توسعه منصور دوانیقی ۵۱۵۲۲۱۱۳۷٪ ۱۵۴۹۱ در این دوره مساحت مسجد ۵/ ۱ برابر شد و دیوارها دارای نمای سنگ و کف مسجد الحرام نیز سنگفرش گردید.

۷ توسعه دوران مهدی عباسی ۱۶۱، ۸۱۱۲۵۱۲۱۶۴٪ ۲۸۰۰۳ در این دوره و طی دو توسعه‌ای که انجام یافت، مسجد الحرام شکل مربع به خود گرفت.

مهدی همچنین پنج در بر درهای مسجد افزود.

۸ توسعه دوران معتضد عباسی ۳۱۲۸۴/ ۵۱۳۳۹٪ ۳۱/ ۲۹۳۴۲ سمت دارالندوه در این دوره به مسجد افزوده شد. این بخش را بعدها زیاده دار الندوه گفتند.

۹ توسعه دوران مقتدر عباسی ۸۵۳۰۶/ ۴۷۱۴/ ۲٪ ۱۶/ ۳۰۰۵۷ زیاده باب ابراهیم و همچنین سرای زبیده در این دوره به مسجد الحرام افزوده شد.

ص:۲۱۳

ردیف نام. الف. ب. ج. د. ملاحظات

۱۰ نخستین توسعه سعودی به ۴۵۱۳۱۰۴۱۱۳۷۵٪ ۱۶۰۱۶۸ در این دوره مسعی جزو حرم فرمان ملک عبدالعزیز شد و ساختمانی دو طبقه برای آن بنا گردید و حرم قدیم نوسازی شد.

همچنین برای مسعی ۲۱ در به داخل مسجد الحرام و ۷ در از ضلع شرقی به بیرون گشوده شد.

۱۱ توسعه ملک فهد ۱۲۸۲۰۶۰۰۰۱۴۰۹٪ ۳۶۶۱۶۸ در نوع خود یکی از بزرگ‌ترین توسعه‌های مسجد الحرام که درنتیجه آن با افزوده شدن ۲۰۶۰۰۰ متر مربع به مساحت مسجد الحرام، مساحت کل آن به ۳۶۶۱۶۸ متر مربع و گنجایش جمعیت آن به ۸۲۰۰۰۰ نفر رسید که این رقم در شرایط ازدحام به یک میلیون نیز می‌رسد.

جدول شماره ۶: فهرستی از شمار حجاج در نیم سده از دوران سعودی

ردیف سال ه. ق. شمارحجاج درصدافزایش‌امیر الحاج مساحت حرم در آن وقت

یا کاهش

۱۳۴۵۱ ه ۹۰۶۶۲ ملک عبدالعزیز ۱۶/ ۳۰۰۵۷

۲ ۱۳۴۶ ه ۹۶۳۱۲ ۲۳/ ۶+ ملک عبدالعزیز

۳ ۱۳۴۷ ه ۹۰۷۶۴ ۷۶/ ۵- ملک عبدالعزیز

۴ ۱۳۴۸ ه ۸۱۱۶۶ ۵۷/ ۱۰- ملک عبدالعزیز

۵ ۱۳۴۹ ه ۳۹۰۴۵ ۸۹/ ۵۱- ملک عبدالعزیز

ص:۲۱۴

ردیف سال ه. ق. شمارحجاج درصدافزایش‌امیر الحاج مساحت حرم در آن وقت

یا کاهش

۱۳۵۰۶ ه ۲۹۰۶۵ /۵۶ ۲۵- ملک عبدالعزیز

۱۳۵۱۷ ه ۲۰۱۸۱ /۵۶ ۳۰- ملک عبدالعزیز

۱۳۵۲۸ ه ۲۵۲۹۱ /۳۲ ۲۵+ ملک عبدالعزیز

۱۳۵۳۹ ه ۲۳۸۹۸ /۰۴ ۳۴+ ملک عبدالعزیز

۱۳۵۴۱۰ ه ۳۳۸۲۰ /۲۰/- ملک عبدالعزیز

۱۳۵۵۱۱ ه ۴۹۵۱۷ /۴۱ ۴۶+ ملک عبدالعزیز

۱۳۵۶۱۲ ه ۷۶۳۳۴ /۱۵ ۵۴+ ملک عبدالعزیز

۱۳۵۷۱۳ ه ۵۹۵۷۷ /۹۵ ۲۱- ملک عبدالعزیز

۱۳۵۸۱۴ ه ۳۲۱۵۳ /۰۳ ۴۶- ملک عبدالعزیز

۱۳۵۹۱۵ ه ۰۹۰۲۴ /۹۳ ۷۱- ملک عبدالعزیز

۱۳۶۰۱۶ ه ۲۳۸۶۳ /۴۳ ۱۶۴+ امیرفیصل به نیابت از ملک‌عبدالعزیز

۱۳۶۱ ۱۷ ه ۲۴۷۴۳ /۶۸ ۳+ ملک عبدالعزیز

۱۳۶۲۱۸ ه ۶۳۵۹۰ /۰۰ ۱۵۷+ امیرفیصل به نیابت از ملک‌عبدالعزیز

۱۳۶۳ ۱۹ ه ۲۷۸۵۷ /۱۹ ۵۶- امیرفیصل به نیابت از ملک‌عبدالعزیز

۱۳۶۴ ۲۰ ه ۳۳۶۳۰ /۷۲ ۲۰+ ملک عبدالعزیز

۱۳۶۵۲۱ ه ۶۱۲۸۶ /۲۳ ۸۲+ امیرسعود به نیابت از ملک‌عبدالعزیز

۱۳۶۶ ۲۲ ه ۵۵۳۴۴ /۶۹ ۹- ملک عبدالعزیز

۱۳۶۷۲۳ ه ۷۵۶۱۴ /۶۲ ۳۶+ امیرسعود به نیابت از ملک‌عبدالعزیز

۱۳۶۸ ۲۴ ه ۹۹۰۶۹ /۰۱ ۳۱+ ملک عبدالعزیز

۱۳۶۹۲۵ ه ۱۰۷۶۵۳ /۶۶ ۸+ امیرسعود به نیابت از ملک عبدالعزیز

۱۳۷۰ ۲۶ ه ۱۰۰۵۷۸ /۵۷ ۶- ملک عبدالعزیز

۱۳۷۱۲۷ ه ۱۴۸۵۱۵ /۶۶ ۴۷+ امیرسعود به نیابت از ملک‌عبدالعزیز

۱۳۷۲ ۲۸ ه ۱۴۹۸۴۱ /۸۹/+ امیرسعود به نیابت از ملک‌عبدالعزیز

۱۳۷۳ ۲۹ ه ۱۴۶۰۷۲ /۵۱ ۲- ملک سعود بن عبدالعزیز

۱۳۷۴ ۳۰ ه ۲۳۲۹۷۱ /۴۹ ۵۹+ ملک سعود بن عبدالعزیز

۱۳۷۵ ۳۱ ه ۲۲۰۷۳۳ /۲۵ ۵- ملک‌سعود بن عبدالعزیز شروع عملیات اجرایی مسعی

ص:۲۱۵

ردیف سال ه. ق. شمارحجاج درصدافزایش‌امیر الحاج مساحت حرم در آن وقت

یا کاهش

۱۳۷۶۳۲ ه ۲۱۵۵۷۵ ۳۳/ ۲- ملک سعود بن عبدالعزیز

۱۳۷۷۳۳ ه ۲۰۹۱۹۷ ۹۵/ ۲- ملک سعود بن عبدالعزیز پایان برخی از مراحل اجرایی مسعی

۱۳۷۸ ۳۴ ه ۲۰۷۱۷۱ ۹۶/- ملک سعود بن عبدالعزیز

۱۳۷۹۳۵ ه ۲۵۳۳۶۹ ۲۹/ ۲۲+ ملک سعود بن عبدالعزیز

۱۳۸۰۳۶ ه ۲۸۵۹۴۸ ۸۵/ ۱۲+ ملک سعود بن عبدالعزیز عملیات اجرایی مسعی رو به پایان است

۱۳۸۱ ۳۷ ه ۲۱۶۴۵۵ ۳۰/ ۲۴- ملک سعود بن عبدالعزیز پایان عملیات اجرایی و افتتاح مسعی

۱۳۸۲ ۳۸ ه ۱۹۹۰۳۸ ۰۴/ ۸- امیر فیصل به نیابت از ملک سعود آغاز مرحله دوم طرح توسعه

۱۳۸۳ ۳۹ ه ۲۶۶۵۵۵ ۹۲/ ۳۳+ امیر به نیابت از ملک سعود بخش خارجی طرح توسعه و ساختمانهای جدید توسعه طواف

۱۳۸۴ ۴۰ ه ۲۸۳۳۱۹ ۲۸/ ۶+ ملک فیصل بن عبدالعزیز ادامه‌اجرای‌طرح توسعه

۱۳۸۵ ۴۱ ه ۲۹۴۱۱۸ ۸۱/ ۳+ ملک فیصل بن عبدالعزیز

۱۳۸۶۴۲ ه ۳۱۶۲۲۶ ۵۱/ ۷+ ملک فیصل بن عبدالعزیز ادامه عملیات اجرایی بخش‌های جانبی طرح توسعه

۱۳۸۷ ۴۳ ه ۳۱۷۵۰۷ ۷۲/+ ملک فیصل بن عبدالعزیز ادامه عملیات اجرایی بخش‌های جانبی طرح توسعه

۱۳۸۸ ۴۴ ه ۳۷۴۷۸۲ ۶۶/ ۱۷+ ملک فیصل بن عبدالعزیز آخرین سال مرحله دوم توسعه

۱۳۸۹ ۴۵ ه ۴۰۶۲۹۵ ۴۰/ ۸+ ملک فیصل بن عبدالعزیز پایان مرحله دوم و آغازمرحله سوم توسعه

ص:۲۱۶

ردیف سال ه. ق. شمارحجاج درصدافزایش‌امیر الحاج مساحت حرم در آن وقت

یا کاهش

۱۳۹۰۴۶ ه ۴۳۱۲۷۰ ۱۴/ ۶+ ملک فیصل بن عبدالعزیز ادامه‌مرحله سوم توسعه

۴۷ ۱۳۹۱ ه ۴۷۹۳۹۹ ۱۵/ ۱۱+ ملک فیصل بن عبدالعزیز بنای مکبریه، احداث راه‌های جدید و میدان‌ها

۴۸ ۱۳۹۲ ه ۶۴۵۱۸۳ ۵۸/ ۳۴+ ملک فیصل بن عبدالعزیز پایان مرحله سوم

۴۹ ۱۳۹۳ ه ۶۰۷۷۵۵ ۸۰/ ۵- ملک فیصل بن عبدالعزیز آغاز مرحله چهارم از نخستین طرح توسعه دوران سعودی

۵۰ ۱۳۹۴ ه ۹۱۸۷۷۷ ۱۷/ ۵۱+ امیر فواز به نیابت از ملک فیصل نوسازی بناهای حرم قدم

۵۱ ۱۳۹۵ ه ۸۹۴۵۷۳ ۶۳/ ۲- ملک خالد بن عبدالعزیز سال ما قبل آخر عملیات توسعه

۵۲ ۱۳۹۶ ه ۷۱۹۰۴۰ ۶۲/ ۱۹- ملک خالد بن عبدالعزیز پایان توسعه و رسیدن مساحت به ۱۶۰۱۶۸ م. م.

۵۳ ۱۳۹۷ ه ۷۳۹۳۱۹ ۸۲/ ۲+ ملک خالد بن عبدالعزیز پایان توسعه و رسیدن مساحت به ۱۶۰۱۶۸ م. م.

۵۴ ۱۳۹۸ ه ۸۳۰۲۳۶ ۲۹/ ۱۲+ امیر فهد به نیابت از ملک خالد پایان توسعه و رسیدن مساحت به ۱۶۰۱۶۸ م. م.

۵۵ ۱۳۹۹ ه ۸۶۲۵۲۰ ۸۸/ ۳+ ملک خالد پایان توسعه و رسیدن مساحت به ۱۶۰۱۶۸ م. م.

۵۶ ۱۴۰۰ ه ۸۱۲۸۹۲ ۷۵/ ۵+ ملک خالد پایان توسعه و رسیدن مساحت به ۱۶۰۱۶۸ م. م.

۵۷ ۱۴۰۱ ه ۸۷۹۳۶۸ ۱۷/ ۸+ ملک خالد پایان توسعه و رسیدن مساحت به ۱۶۰۱۶۸ م. م.

۵۸ ۱۴۰۲ ه ۹۱۱۱۸۵۳ ۹۳/ ۲- ملک فهد بن عبدالعزیز پایان توسعه و رسیدن مساحت به ۱۶۰۱۶۸ م. م.

ص:۲۱۷

ردیف سال ه. ق. شمارحجاج درصدافزایش‌امیر الحاج مساحت حرم در آن وقت

یا کاهش

۵۹ ۱۴۰۳ ه ۱۰۰۳۵۵۵ ۶۱/ ۱۷+ ملک فهد بن عبدالعزیز

۶۰ ۱۴۰۴ ه ۰۹۶۹۶۷۱ ۴۱/ ۳- ملک فهد بن عبدالعزیز

۶۱ ۱۴۰۵ ه ۸۴۶۰۹۷ ۷۴/ ۱۲- ملک فهد بن عبدالعزیز

۶۲ ۱۴۰۶ ه ۸۵۶۷۱۸ ۲۵/ ۱+ ملک فهد بن عبدالعزیز

۶۳ ۱۴۰۷ ه ۹۶۰۳۸۶ ۱۰/ ۱۲+ ملک فهد بن عبدالعزیز

۶۴ ۱۴۰۸ ه ۷۶۲۷۵۵ ۵۷/ ۲۰- ملک فهد بن عبدالعزیز

۶۵ ۱۴۰۹ ه ۷۷۴۵۶۰ ۵۴/ ۱+ ملک فهد بن عبدالعزیز

۶۶ ۱۴۱۰ ه ۸۲۷۲۳۶ ۸۰/ ۶+ ملک فهد بن عبدالعزیز آغاز طرح توسعه فهد ابن عبدالعزیز

۶۷ ۱۴۱۱ ه ۷۲۰۱۰۲ ۹۵/ ۱۲- ملک فهد بن عبدالعزیز ادامه طرح توسعه

۶۸ ۱۴۱۲ ه ۱۰۱۲۱۴۰ ۵۵/ ۴+ ملک فهد بن عبدالعزیز ادامه طرح توسعه

۶۹ ۱۴۱۳ ه ۹۲۲۸۱۳ ۹۰/ ۱- ملک فهد بن عبدالعزیز ادامه طرح توسعه

۷۰ ۱۴۱۴ ه ۹۹۵۶۱۱ ۲۸/+ ملک فهد بن عبدالعزیز پایان طرح توسعه و رسیدن مساحت حرم به ۳۶۶۱۶۸ م. م.

ص:۲۱۸

ص:۲۱۹

بخش چهارم: مسجد النبی

اشاره

ص:۲۲۰

ص:۲۲۱

فصل اول: نگاهی به مدینه

درآمد

مسجد النبی کعبه دل‌های دلدادگان مسلمان است و همسنگ مسجد الحرام.

مسجدی است که خداوند آن را ویژگی‌هایی انحصاری بخشیده است؛ خود جای آن را به پیامبرصلی الله علیه و آله نمایانده، برگزیده‌ترین بنده خداوند؛ یعنی پیامبرصلی الله علیه و آله نقشه آن را نهاده و بنای آن را به دست خویش پی ریخته،صحابیانی پاک و راستین دست به کار ساختن و بالا آوردن پایه‌های آن شده‌اند و سرانجام در گذر تاریخ، افراد دیگری به نوسازی و توسعه این مسجد همت گمارده‌اند.

پاسداشت و گرامی‌داشت و نوسازی و استوارسازی مسجدها، که خانه‌های خدا در زمین است، از آن دسته کارهای شایسته است که خداوند تنها بندگان خویش را بدان توفیق می‌دهد و این کارِ گران‌سنگ را برخاسته از ایمان و سزامند مؤمنان راستین می‌داند؛ آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا ... ایمان دارند.» «(۱)» از این روی، سخن گفتن از هر مسجدی و به ویژه مسجد النبی سخن گفتن از ایمان است و از آنها که به انگیزه‌های ایمانی بدان دل داده و یا کمر به خدمت آن بسته‌اند.

۱- توبه: ۱۸

ص:۲۲۲

مسجد النبی نگین انگشتری مدینه است؛ همپای آن و همسفر آن در همه تاریخ است و آن سان این دو به هم پیوسته‌اند که هیچ نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد، یا تاریخ آنها را جدای از هم دید و یا از یکی نوشت و از دیگری هیچ نگفت.

بدین دلیل بایسته است پیش از پرداختن به مسجد النبی به مدینه و تاریخ آن و همچنین نام‌ها و موقعیت جغرافیایی این شهر و مسائلی از این دست بپردازیم. آنچه فرا روی دارید گزارشی فشرده در این باره است:

آیت‌های ماندگار

حسّان شاعر نامور عرب در شعری که با مطلع: «بِطَیْبَةَ رَسْمٌ لِلرَّسُولِ وَمَعْهَدٌ» آغاز می‌شود مدینه را چنین ستوده است:

در طیبه- که از نام‌های مدینه است- نشانی از پیامبرصلی الله علیه و آله است و نیز جایگاهی که همواره پرتو می‌افکند. با آن که نشان‌های کسان درگذر تاریخ کهنه می‌شود و از میان می‌رود.

اما نشان‌های آن سرای حرمت هیچ از میان نمی‌رود، همان سرای که منبر پیامبرصلی الله علیه و آله هدایت‌گر در آن است.

و نیز آیت‌های روشن و دیگر نشانه‌ها و هم، سرزمینی است که مصلّا و مسجد رسول در آن است.

در آن شهر خانه‌هایی است، در میان آنها نوری از جانب خداوند نازل می‌گشت که همواره می‌درخشد و همواره روشنی می‌دهد.

آنها آیت‌هایی هستند که گذر روزگار آنها را کهنه نمی‌کند و هر چند کهنگی بدانها رسد دم به دم نو شوند.

چشم‌ها بر کنار آن قبر که احمد در آن خفته است، به گریه می‌ایستد و تا آن را توان است سرشک فرو می‌ریزد.

ای قبر پیامبر، تو خود مبارکی و آن زمین هم که پیامبرِصلی الله علیه و آله هدایت‌گرِ راهنمای در آن خفته است مبارک است.

همان پیامبر که هر که را بدو اقتدا کند به سوی خداوند رحمان راه می‌نمایاند و از

ص:۲۲۳

اندیشه خواری و زبونی می‌رهاند و به پیش می‌راند.

همو که پیشوای مردم است و با جهاد و تلاش، آنان را به سوی حق راه می‌نماید و خود معلم راستین است که اگر از وی فرمان برند رستگار شوند.

از هر لغزشی درمی‌گذرد و عذر و پوزش مردمان می‌پذیرد و اگر هم با او نیکی کنند خدای سزامندتر است که آنان را پاداش دو چندان بخشد.

بخشاینده‌ترین است، استوار پیمان‌ترین است و در پیشگاه اوست که بیش از هر کس دیگر توان به حاجت خویش دست یافت و هرگز نومید باز نگشت.

در آن هنگامه‌های سختی که هر بخشنده و سخاوتمندی دیرین، به رغم گذشته خویش عطا را فرو گذارد او هر تازه وارد و هر خانه‌زاد را به فراوانی عطا دهد.

پروردگارش او را از خردسالی پروراند و در سایه برترین خیر و برکت به کمال رساند.

شکوه و عظمت مسلمانان به دست او به کرانه رسید و در پرتو اوست که نه دانش در زنجیر است و نه اندیشه در تباهی.

می‌گویم و البته بر این سخنم هیچ کس جز بی‌خردانِ منفور خرده نگیرند.

هرگز از ثناگویی او دل نبرم، بدان امید که در بهشت جاوید جاودانه شوم.

و در جوار مصطفی باشم که بدین ثناگویی امید جوارش دارم و در رسیدن بدان روز می‌کوشم و در پی آن دوانم.

نثر ادبی در وصف مدینه

ای کعبه دل

دامنی پر مهر و پناهگاهی همه اطمینان و امید، باغستان دل‌ها و مبارک‌ترین سرزمین دنیا و دروازه سرای عقبی.

گنبد همواره برافراشته اسلام و مسلمانی. خانه سلامت و کانون ایمان و کرامت؛ همان جا که حرم امن الهی است و خداوند «سرای و ایمانش» «(۱)» خواند.

جایی که پرچم‌های جهاد از دامن سرزمینش بربستند و غنیمت‌های

۱- اشاره به آیه نهم سوره حشر: وَالَّذِینَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِیمَانَ ...

ص:۲۲۴

گشایش‌های الهی بردامانش ریختند، سرایی که ثروت مسلمانان در آن گرد می‌آمد و زندگانی اسلام‌آوردگان از فرمان آن سامان می‌یافت.

برکت آن را از هر سوی در میان گرفته است و فرشتگان الهی بر آسمانش بال عنایت و رعایت گسترده‌اند. آن که رزق و روزی بطلبد در زمین این شهر بجوید و آن که ستاره خود را راه پوید چشم بر آسمان این شهر بدوزد. آن که آهنگ مجد و عظمت کند راهش از این شهر بگذرد و آن که «درآمد گاهصدق و راستی» «(۱)» را بخواهد در این شهر گام نهد.

مدینه را می‌گوییم؛

آن جا که «باره» و «مبرّه» است؛ ساکنانش را به برّ و برکتی ویژه گزین کند و دیگر مردمان را در پهنه گیتی مایه برّ و برکت شود؛ چه، خاستگاه همه اسرار الهی و تابشگاه انوار ربّانی است که هم در دامنش زندگانی به سعادت بگذرد.

و هم آیینی که از آن برخاسته، راهنمای سعادت بشر شود. بر خاک پاکش پیامبرخداصلی الله علیه و آله گام نهاده و در هوایش بویی از آخرین نفس‌های پیامبرصلی الله علیه و آله است و گویی بر نخل‌هایش دست‌های آن عزیز گرانقدر که خرما می‌چیند تا با آن روزگار بگذراند.

«جابره» است که هر دل و دست شکسته را درمان بخشد و هر تهی‌دستی را بی‌نیاز کند.

«مجبره» است که همگان را به سر فرود آوردن در برابر آیات عظمت خویش ناگزیر سازد.

«جباره» است که دست تجاوز هر کس را که بدان سوی گشوده شود در هم شکند.

«مجبوره» است که هر آسیب و گزندی از ناملایمات حوادث بر آن و بر مردمانش رسد خدایش جبران کند تا در آن هیچ سختی بی‌گشایش نماند و این

۱- . اشاره به آیه هشتادم سوره اسراء: رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ ...

ص:۲۲۵

همه، سپاس به درگاه خدای را بطلبد.

«حسنه» است که حسن و جمال با آن هم‌آغوش گشته و زیبایی آن را در خویش غرقه ساخته است.

«مرحومه» است که خداوند آن را در بارش رحمت خویش قرار داده است و غفران و بخشایش خداوند بر مردمانش پیوسته نازل شود.

خود همه فضل و شرافت و عظمت، دلدار همه انسان‌های بزرگوار، و سرایی است که پاکان و نیکان را در خویش جای داده و کانون فرمانروایی رسول خداصلی الله علیه و آله به دل‌ها و سرزمین‌ها و جایگاه مهاجران و انصار بوده است.

«غراء» است، پیشاپیش همه خوبی‌ها و فضیلت‌ها.

مهتر همه سرزمین‌ها است که حلال و حرام خدا از آنجا سرچشمه گرفته است.

روضه آنجاست و همان سرزمینی است که هجرتگاه پیامبرصلی الله علیه و آله شد. خدایش طابه و رسولش طیبه نامید و حسّانش «معهد منیر» خواند و یکپارچه طیب و پاکیزه است.

«حبیبه» است که هر محبّی را دوست دارد.

«محبوبه» است که همگان دوستش دارند.

مهد هر دانش و سرچشمه هر آگاهی، و دانشگاهی است که پیامبرصلی الله علیه و آله خود نخستین استادش بوده و جبریل در آنجا تعلیم فرموده است، دانشگاهی برای دانش و فضیلت که یگانه ارزیابی‌اش به تقوا و ایمان و پایمردی در طریق خدایی بودن است.

روضه پیامبرصلی الله علیه و آله، یادمانصحابی، نشان زندگی تابعی و آثار تمدن اسلامی بر جای مانده از بدوی و حضری در آنجاست. آن اندازه نشان‌های افتخار تاریخ پر عظمت اسلام در این شهر گرد آمده که هر زبانی در توصیفش به عجز درمی‌ماند و هر وصفی از بیان آن ناتوان می‌گردد: از قبا تا خندق و از خندق تا اُحد آیت‌هایی است که ایمان افزاید و یقین زاید. بقیع آنجاست و بی‌گمان سرآمد همه گورستان‌هاست که نزدیکان پیامبرصلی الله علیه و آله،صحابه او و بزرگان اسلام را در خویش

ص:۲۲۶

جای داده و رسول خداصلی الله علیه و آله بر خفتگان آن دعا کرده و رحمت الهی را برای آنان خواسته است.

شهر شـهر مسـجد النبی است و در این مسجد است که مسلمانانصف درصف به نماز می‌ایستند و با یاد خداوند یگانه، همه جدایی‌ها و دوگانگی‌هـا و واگرایی‌هـا را از یـاد می‌برنـد و همه تعصب‌هـای نـاروا را، چونـان که گناه از آنان فرو ریزد، فرو می‌نهنـد تا جهان آینده را جهان اسلام کنند و پیام این دین الهی را در همه جای آن بگسترند.

خدای همه آنان را که بر او برخیزند و برای او بنشـینند و برای او گام بردارند و سـنت رسولشصـلی الله علیه و آله را سـر لوحه کار و زندگی خویش قرار دهند توفیق دهاد! «(۱)»

پیدایش و تاریخ مدینه

مدینه آبادیی نوساخته و نوخاسته نیست بلکه تاریخ کهن آن، به هزاران سال پیش باز می گردد.

به طور کلی می‌توان تاریخ مدینه را در دو مرحله جدای از هم بررسی کرد:

مرحله نخست: از آغـاز پیـدایش آن، که تـاریخش به روشـنی معلوم نیست و آگاهی‌هـای انـدکی از جزئیات آن در اختیار داریم، تا هجرت پیامبر اسلامصلی الله علیه و آله.

مرحله دوم: از هنگام هجرت رسول خدا به این شهر، که می‌توان آن را تولدی دوباره نامید، تا روزگار حاضر. تولد دوباره مدینه که با هجرت پیامبرصـلی الله علیه و آلهصورت پذیرفت یک رخداد و زایش محلی و محدود نبود، بلکه زایشـی بود جهانی که این شـهر را جامه‌ای جهانی پوشاند و پرتو آن را به همه گیتی برای همیشه تاریخ گستراند.

دانسـتن جزئیات این که چه کسـی مدینه را برای نخستین بار بنیاد نهاد و آن را مسکون ساخت و یا چه رخدادهایی در آغازین دوره حیات این آبادی به وقوع پیوست، نه چندان پرفایده است و نه چندان مبتنی بر آگاهی‌های روشن تاریخی؛ چرا که دیدگاه‌ها

۱- این گفتار اثری است به قلم عبیداللّه محمد امین کردی.

ص:۲۲۷

و نظریه‌هایی که درباره پیدایش این شهر مطرح شده گرفتار ابهام، پرسش، تناقض، و گاه آمیخته به خرافه است. اما با این همه نقطه‌های اشتراک و اتفاق نظرهایی میان آگاهی‌های تاریخی درباره این شهر و یا میان نظریه‌ها و دیدگاه‌ها وجود دارد که خود نوعی اجماع شمرده می‌شود.

نگارنده، همان گونه که پیشتر یادآور شده، این کتاب را جستاری آکادمیک نمی‌داند و بیشتر می‌کوشد در آن آگاهی‌هایی فشرده که مورد نیاز خوانندگان عادی است پیش روی گذارد. از همین روی همانند بخش‌های مربوط به کعبه و مسجد الحرام در این بخش نیز آگاهی‌هایی فشرده و کوتاه در اختیار می‌گذارد:

۱- همگان بر این اتفاق دارند که مدینه تا پیش از هجرت، «یثرب» نام داشته است، چنان که در قرآن کریم به این موضوع تصریح شده است: وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَامُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا .... «(۱)» همچنین متون روایی و تاریخی گویای آن است که پیامبرصلی الله علیه و آله از ادامه به کار بردن این نام نهی فرموده است؛ در حدیثی که براء بن عازب نقل کرده آمده است: «هر کس مدینه را یثرب بنامد باید از خداوند آمرزش بطلبد. آن طابه است، طابه است.» «(۲)» اما این که چرا در قرآن کریم این نام به کار رفته، در پاسخ باید گفت: آنچه در قرآن آمده نقل سخن منافقان است که از این شهر با نام یثرب یاد کردند.

۲- معظم منابع عربی تقریباً بر این اتفاق دارند که یثرب نام مردی از نوادگان نوح و احتمالًا همو پایه گذار این آبادی بوده است. البته در این مورد که چند نسل میان نوح و یثرب فاصله وجود داشته و نام کسانی که در سلسله واسطه‌ها قرار می‌گیرند چیست اختلاف وجود دارد.

۳- در کتاب‌های تاریخ، هر جا سخن از نخستین کسانی که در یثرب اقامت گزیدند به میان می‌آید از «عبیل» و «عمالیق» یاد می‌شود، هر چند در این باره که کدام یک از این

۱- احزاب: ۱۳،« آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای ساکنان یثرب، شما را در این آبادی اقامت مباد؛ بازگردید ...»

۲- سید علی حافظ،« فصول من تاریخ المدینهٔ المنوره»، ج ۱، ص ۱۶۴

ص:۲۲۸

دو قوم پیشتر از دیگری در مدینه اقامت داشته‌اند اختلاف وجود دارد.

این دو قوم در جریان مهاجرت‌های بزرگی که در روزگاران قدیم در جست و جوی آبادانی و سرزمین انجام می‌شدهصورت پذیرفته است.

۴- در متون تاریخی و در میان کسانی که در نخستین دوره پیدایش مدینه در این آبادی می‌زیستند از «صعل» و «فالج» نیز سخن به میان می‌آید و بدین نکته اشاره می‌شود که یهودیان بر این دو خاندان وارد شدند.

۵- میان مورخان در این نکته هیچ تردید یا اختلافی وجود ندارد که در هنگام هجرت پیامبرصلی الله علیه و آله به مدینه ساکنان آن آمیخته‌ای از قبایل عرب و یهود بوده و مهمترین خاندان‌های آنان عبارت بودند از اوس و خزرج از اعراب، و بنی قینقاع، بنی قریظه و بنی‌نضیر از یهودیان، اما این که چگونه یهودیان و یا اوس و خزرج به مدینه آمده بودند و کدام یک از آنها سابقه سکونت کهن‌تری داشتند، دست کم نگارنده به پاسخی روشن و کامل در این باره دست نیافته است.

۶- اوس و خزرج دو قبیله قحطانی و از اعراب عاربه‌ای بودند که از سبأ در یمن، قبل یا بعد از فاجعه سیل ارم و خرابی سد مأرب، بدین سامان آمدند و هر دو به تبار بزرگ قیله دختر ارقم بن عمرو بن جفنه تعلق دارند.

این از حکمت خداوند بود که نیاکان پدری پیامبرصلی الله علیه و آله از عرب مستعربه و نیاکان مادری او دایی‌های عبدالمطلب از طایفه بنی‌نجار؛ یعنی از عرب عاربه باشند تا بدین سان نسب آن حضرت به این هر دو تیره بزرگ اعراب بازگردد.

۷- متون تاریخی در این باره تواتر دارند که زندگی اوس و خزرج تا پیش از هجرت رسول خداصلی الله علیه و آله بدان شهر، آمیخته با جنگ‌های فرساینده بود و جنگ‌هایی که بیش از یک قرن میان آنان استمرار داشت توانشان را ستانده بود. این‌سلسله درگیری‌ها که از باب تغلیب، آنها را «حروب بعاث» منسوب به آخرین جنگ از این سلسله- می‌نامند با «حرب سمیر» آغازشده بود. سمیر بن‌زید نام یکی‌از افرادقبیله اوس‌بود که‌آتش این جنگ را برافروخت.

آخرین این نبردها؛ یعنی حرب بعاث پنج سال پیش از هجرت پایان یافت. از آغاز

ص:۲۲۹

آن نخستین جنگ تا آخرین آن بیش از ده جنگ عمده رخ داد که از آن جمله است: حرب حاطب و سراره، فارع، یوم الربیع، فجار اولی و همانند آن.

گفتنی است همه این جنگ‌ها به آتش افروزی یهودیانصورت پذیرفت و حدودصد و بیست سال ادامه یافته بود. این خود، به حکمت الهی، سبب شده بود اوس و خزرج چشم به آینده‌ای پر ازصلح و آرامش بدوزند. همین خود مهمترین عاملی بود که سبب شد آنان به سرعت به رسول خداصلی الله علیه و آله بگروند و در بیعت‌های سه‌گانه عقبه با او پیمان ببندند و یکسره دل در اختیار او گذارند.

موقعیت جغرافیایی مدینه

مدینه بر روی مدار ۲۴ درجه و ۲۸ دقیقه و ۵ ثانیه عرض شمالی و نصف النار ۳۹ درجه و ۳۶ دقیقه و یک ثانیه طول شرقی واقع است.

شهر مدینه که در منطقه عمومی حجاز در غرب عربستان سعودی و در شمال مکه قرار گرفته است، تا مکه حدود ۴۲۰، تا بندر تاریخی مکه؛ یعنی ینبع البحر حدود ۲۲۰ و تا ریاض پایتخت عربستان حدود ۹۰۰ کیلومتر فاصله دارد.

منطقه مدینه منطقه‌ای حاصلخیز و مناسب برای کشت و زرع است که از اطراف، بیابان‌های سوخته با سنگ‌های سیاه آن را در میان گرفته است. این بیابان‌ها که از رسوبات آتش‌فشان تشکیل شده در متون تاریخی کهن دوران اسلام به «لابتی المدینه» «(۱)» نامور شد و شامل دو دشت سوخته «حره واقم» و «حره وبره» است که امروزه آنها را به ترتیب «حرّه شرقی» و «حرّه غربی» نامند. این دو دشت در مناطق جنوبی مدینه با همدیگر تلاقی می‌یابند و سپس هر چه به سمت شمال می‌آییم از همدیگر جدا می‌شوند، تا جایی که حره شرقی در نزدیکی سید الشهدا و حره غربی در جایی که مسجد قبلتین قرار دارد پایان می‌پذیرد. مزارع مدینه و خانه‌های این شهر در میان این دو بیابان سوخته واقع است.

مهمترین بلندی منطقه مدینه جبل سلع است که در گذشته‌ها، در شمال غرب

۱- در حدیث نبوی آمده است:« ما بین لابتیها حرام»؛« میان دو دشت سوخته آن- یعنی مدینه- حرم است.»

ص: ۲۳۰

مدینه- با مرکز گرفتن مسجد النبی برای شهر- قرار می‌گرفته و امروز با توجّه به توسعه شهر، در داخل مدینه واقع است.

در اطراف منطقه مدینه دو کوه و دو وادی بزرگ وجود دارد که این شهر را در میان گرفته‌اند:

در جنوب مدینه جبل عیر قرار گرفته و وادی عقیق در مسافت محدودی به موازات آن قرار دارد و پس از چندی به سمت غرب زاویه می‌گیرد تا ناحیه غرب مدینه را تشکیل دهد.

در شمال مدینه هم کوه احد و وادی قنات قرار دارد که از مناطق مجاور سیدالشهدا می‌گذرد. وادی بطحان که آن را وادی ابی جیده نیز گویند وادی دیگری است که بهصورت جنوبی- شمالی از میان مدینه می‌گذرد و در پایین شهر به وادی عقیق می‌پیوندد.

این وادی طبیعی، از منطقه قربان به بعد گود برداری شده و پس از چندی با خواباندن لوله‌های پر قطری درآن، که تا عیون ادامه دارد ازحالت کانال روباز خارج شده‌است.

در پشت کوه احد، کوه کم ارتفاع گنبدی شکل سرخ رنگی است که آن را جبل ثور گویند و مرز شمالی مدینه و حرم مدینه است. این بلندی تا مسجد النبی ۸ کیلومتر فاصله دارد. جبل عیر هم که در جنوب واقع شده و مرز جنوبی حرم مدینه را تشکیل می‌دهد تا مسجد النبی ۸ کیلومتر فاصله دارد و بدین ترتیب طول منطقه حرم مدینه در محور شمال- جنوب؛ یعنی از ثور تا عیر ۱۶ کیلومتر است.

پیشتر یادآور شدیم که دو دشت سوخته در دو سوی شرق و غرب، مدینه را در میان گرفته و بخشی از آنها نیز جزو مدینه و منطقه داخلی آن شده است. مرزهای شرقی و غربی حرم مدینه را می‌توان در همین دشت‌ها سراغ داشت؛ یعنی از منطقه عروه و وادی آن در غرب تا مسجد عریض در شرق. این مسجد در داخل مدینه و بر دست راست کسانی که به سمت فرودگاه می‌روند، در موازات مناطق بعد از پل مرکز تجاری بلول واقع شده است. در ابتدای حکومت جدید ما، این منطقه مرکز قرنطینه بود.

آب و هوای مدینه از نوع آب و هوای خشکصحرایی قاره‌ای است که البته پوشش گیاهی این منطقه تا حدی از شدت این خشکی می‌کاهد. این منطقه دارای تابستان‌های

ص:۲۳۱

طولانی و گرم است و گهگاه بادهای سوزان می‌وزد و زمستان‌های کوتاه با برخی روزهای بارانی است، هر چند در آغاز و اواخر فصل بهار نیز می‌توان از باران، گرچه اندک، سراغ یافت. بنابر احادیث اهل سنت، رسول خداصلی الله علیه و آله خود این شهر را به کم باران بودن وصف کرده است.

احمد و همچنین طبرانی در معجم الأوسط از طریق رجالصحیح، از ابوهریره نقل کرده‌اند که گفت: از رسول خداصلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «این سرزمین کم باران است.» همچنین در حدیثی دیگر که تا حدی ضعف دارد، آمده است که پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس گلّه گوسفندی دارد آن را از مدینه به جای دیگر برد که مدینه در زمین خدا از هرجای دیگر کم بارش‌تر است»- این حدیث را طبرانی در معجم الکبیر نقل کرده است.

میانگین دمای تقریبی مدینه در ماه‌های سال، از این قرار است:

ژانویه ۱۶۰ مه ۳۲۰ سپتامبر ۳۵۰

فوریه ۲۱۰ ژوئن ۳۵۰اکتبر ۲۸۰

مارس ۲۵۰ ژولای ۳۵۰ نوامبر ۲۲۰

آوریل ۲۷۰ آگوست ۳۷۰ دسامبر ۱۹۰

پوشیده نماندکه چون مراسم دینی بر پایه تقویم قمری انجام می‌گیرد و این تقویم دارای فصل‌های ثابت نیست، ممکن است در ماه‌های مختلف سال و در شرایط مختلف تابستان و زمستان زائران برای زیارت به مدینه بروند و با وضعیت‌های متفاوت آب و هوا روبرو شوند.

مدینه و نام‌هایش

مدینه را همین افتخار بس‌که سرای ایمان و جایگاه هدایت و منزلگاه نزول قرآن و نخستین پایتخت اسلام بوده است و مسجد النبی و مدفن آن پیامبر گرامی را در خود جای داده است. خداوند از میان همه شهرها و آبادی‌ها این شهر را برگزید تا پایگاه گسترش آیین محمدی و کانون برپایی دین باشد و پیام وحی از آن به همه جهان رسد.

ص:۲۳۲

عظمت و جایگاه مـدینه آن را از نام‌هایی چند برخوردار ساخته و هر یک از این نام‌ها خود به جلوه‌ای از جلوه‌های آن اشاره می کند و سویی از تابش عظمت این شهر را می‌نمایاند.

نام‌های‌مـدینه رادرمنـابع تاریخی‌تـابیش ازنود هم‌آورده‌انـد. نگارنـده دراین‌جا درصـدد یادآوری همه آن نام‌ها نیست و به ذکر چند نمونه از مشهورترین نام‌ها بسنده می کند:

۱- مشـهورترین نـام آن «مـدینه» است؛ یعنی هرگـاه در متون اسـلامی و به تبع آن در دیگر متون، از «مـدینه» نام برنـد و هیـچ قیـد و توضـیحی نیاورنـد، مقصود از آن همین «مدینـهٔ النبی» است. مـدینه بدین نام، هم در قرآن و هم در سـنت یاد شده است و معمولًا در کنار این نام واژه «منوره» را هم می‌افزایند؛ چرا که این شـهر از خدا و رسولش فروغ جاویدان یافته و این روشـنی را در همیشه تاریخ به جهان تابانده است. حسان بن ثابت از مسجد مدینه با نام «المعهد المنیر» یاد کرده است.

۲- «طابه» یکی دیگر از نام‌های آن است؛ در حدیثی که بخاری از سـهل بن سـعد، از ابوحمید نقل کرده، آمده است که وی گوید: با رسول خداصلی الله علیه و آله از تبوک باز می گشتیم و چون به نزدیک مدینه رسیدیم، حضرت فرمود: «این طابه است.»

۳- «طیبه» نام دیگر مـدینه است؛ چرا که شـهری پاک و پیراسـته است، رسول پاک و طیب را در خود میهمان کرد، و پیامبرصـلی الله علیه و آله نیز آن را بدین نام خواند؛ در حدیثی آمده است که «مردم، مدینه را یثرب می‌نامیدند اما پیامبر خدا آن را طیبه نامید.»

۴- «دار» نـامی دیگر برای مـدینه است که خداونـد در قرآن کریم از آن بـدین عنوان یـاد کرده و فرموده است: وَالَّذِینَ تَبَوَّءُوا الـدَّارَ وَالْإِیمَـانَ ... «(۱)» ۵- «حـبیبه» هـم نـام مـدینه اسـت؛ چرا کـه پیـامبر خداصـلی الله علیـه و آلـه آن را دوست داشت و به پیروی از او مسلمانان نیز آن را دوست دارند.

۶- «حرم رسول اللّه» نـامی دیگر است که بر مـدینه نهاده‌انـد. طبرانی از طریق رجـالی موثق، این حـدیث نبوی را نقل کرده است که فرمود: «حرم ابراهیم مکه، و حرم من

۱- حشر: ۹

ص:۲۳۳

مدینه است.»

۷- مدینه همچنین «دار الهجره» است؛ زیرا که پیامبرصلی الله علیه و آله وصحابه او بدین شهر هجرت کردند.

۸- «فتح» هم نام مدینه است؛ چه، همه سرزمین‌ها از این شهر فتح شد.

۹- مدینه را «خانه ایمان» نیز خوانده‌اند؛ که رسول خداصلی الله علیه و آله به روایت مسلم و بخاری فرمود: «آن سان که مار به سوراخ خویش برگردد، ایمان در مدینه خانه گزینند.»

۱۰- مدینه «محفوظه» است؛ چرا که خدایش از طاعون و از دجال نگه داشته است.

حرمت و فضیلت مدینه و مردم آن

فضیلت و حرمت یک مکان، یا از خود آن و به جمال و کمال ذاتی آن است، یا به چیزهایی است که آن را در میان می‌گیرد و یا با آن همجوار می‌شود و یا به چیزهایی است که درباره‌اش گفته‌اند.

اما مدینه همه اینها را داراست و در فضیلت آن همین بس که‌صدها حدیث از زبان پیامبر گرامیصلی الله علیه و آله، آن امین وحی و آن راستگوی راست کردار، نقل شده که همه گویای فضایل و مناقب این شهر هستند.

مدینه حرم امن الهی است، شهرصدق و راستی است، خداوند آن را حرم قرار داده است. خدای برکت را در آن جای داده است. فرشتگان الهی آن را پاسبانند. هجرتگاه و مضجع پیامبر خداصلی الله علیه و آله آن جاست. آخرین مسجد پیامبر الهی در این شهر واقع است.

مسجدی که خداوند جایش را به رسول خویش نمایاند و آن پیامبر بزرگ برایش دعا کرد و بدین‌سان مدینه کعبه دل‌ها شد.

در مدینه جانوران در امان هستند و شکار کردن و راندن آنها حرام است. در مدینه گیاهان در امانند و بریدن درخت و کندن گیاه و بوته حرام است. مردم را از برگرفتن سلاح و پیکار در این شهر نهی فرموده‌اند. خداوند آن را در برابر ورود دجال پاس داشته است و پاس بدارد. شیطان از این که در این شهر پرستش شود نومید است. نامسلمانان حق در اختیار گرفتن این شهر را ندارند و هر که در این شهر کجروی کند و فتنه ورزد و از دین

ص:۲۳۴

برگردد کیفری سخت یابد.

مدینه شهری است که مردمش به میهمانی چون پیامبرصلی الله علیه و آله افتخار یافته‌اند. کوه و دشت آن به قدم‌های آن پیامبرصلی الله علیه و آله فخر ورزیده و از شادی برخود لرزیده است و نخل‌هایش در استقبال آن عزیز رقصِ شادی کرده‌اند.

در این شهر پاداش نماز دو چندان است و مسجد این شهر از آن مسجدهاست که بار بستن به آهنگ زیارتشان رواست.

خرمای مدینه و خاک این سرزمین شفاست. در این سرزمین یادگارهایی از بهشت است و مردمانش همسایگان پیامبر خدایند.

هر که در این شهر بمیرد بر ایمان مرده است، و آن روز که مردمان به رستاخیز برخیزند مردمان این شهر نخستین برانگیخته شدگان پس از پیامبرصلی الله علیه و آله باشند و از شفاعت او بهره برند.

اگر همه شهرها به شمشیر گشوده شده، شهر مدینه گشوده قرآن است.

ستایش مدینه را کرانه نیست؛ چرا که ستایش به اندازه دلدادگی است و دلدادگی مسلمانان به مدینه بی‌پایان است.

آنچه در این سطور گذشت، نه سخن سرایی و قلمفرسایی، بلکه یادآوری پاره‌ای از حقایقی است که در متون دینی و در احادیث اسلامی آمده است و اینک برای تبرّک نمونه‌هایی از آن احادیث را یادآور می‌شویم:

بخاری از عایشه روایت کرده است که گفت: رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: خداوندا! آن سان که مکه را دوست داشتیم، بلکه بیشتر از آن مدینه را محبوبمان بدار خداوندا! کیل‌ها و پیمانه‌های ما را برکت ده و آنها را برایمان پر و بی‌عیب بدار!».

درصحیح بخاری وصحیح مسلم از ابوهریره نقل شده است که گوید:

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «آن سان که مار به سوراخ خود باز گردد ایمان در مدینه خانه کند.»

از ابوهریره همچنین به روایت بخاری نقل شده است که گفت: پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود:

فرمان یافته‌ام به آبادیی بروم که دیگر آبادی‌ها را فرو می‌خورد. مردم، آن را یثرب گویند.

اما آن مدینه است که مردمان [ناپاک] را از خود دور کند، آن گونه که دم آهنگر

ص:۲۳۵

ناخالصی‌های آهن را.»

بخاری و نیز مسلم از ابوهریره نقل کرده‌اند که گفت: پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

«فرشتگان بر دروازه‌های مدینه نگاهبانند و نه طاعون بدین شهر درآید و نه دجال.»

در بخاری و دیگر منابع آمـده است که پیامبرصـلی الله علیه و آله در ضـمن حدیثی بلند فرمود: «اگر می‌دانسـتند، مدینه برایشان بهتر بود.»

درصحیح مسلم، از عامر بن سعد، از پدرش نقل شده که گفته است:

رسول خداصـلی الله علیه و آله فرمود: «من در میـان دو دشت مـدینه این را حرام می‌دانم که شـاخه‌ای یـا بوته‌ای بریـده و یـا حیوانی شکار شود.» در همین حـدیث است که فرمود: «اگر می‌دانسـتند، مـدینه بر ایشان بهتر بود. هیچ کس این شـهر را، از روی بی‌میلی به آن، وانگـذارد مگر آن که خداونـد کسانی بهتر از او را در این شـهر جایگزین کند، و هیچ کس در این شـهر و در برابر سـختی‌ها و دشواری‌های آن مقاومت نکند مگر آن که خود در روز قیامت او را شـفیع یا شاهد باشم.» در روایت دیگری در دنباله همین حدیث چنین آمـده است: «... و هیـچ کس قصـد سوئی نسبت به مردم مـدینه نکند مگر آن که خداوند او را در آتش بگدازد، آن‌گونه که سرب در آتش یا نمک در آب ذوب شود.»

در روایت دیگری از عایشه است که «... و هیـچ کس با مردم مـدینه نیرنگ و پیکار نکند مگر آن که از میان رود، چونان که نمک در آب از میان رود.»

در حـدیث دیگری که بخـاری و مسـلم روایت کرده‌انـد آمـده است: «مـدینه، از عائر تا ثور، حرم است؛ هر که در آن فتنه‌ای (قتلی) کنـد یـا فتنـه‌گری (قـاتلی) را پنـاه دهـد، لعنت خداونـد و فرشـتگان و مردم، همه، بر او باشـد و هیـچ کفـاره و جـایگزینی (واجب یا مستحب) از او پذیرفته نشود.»

ابوهریره می‌گفت: اگر آهویی در مـدینه به چرا بینم آن را نمی‌رمانم؛ چرا که رسول خداصـلی الله علیه و آله فرموده است: «میان دو دشت سوخته مدینه، حرم است.»

حرمِ مدینه و حدود آن

نگارنده در این جا، درصدد وارسی همه جانبه حدود حرم مدینه نیست و تنها قصد

ص:۲۳۶

دارد تصویری نزدیک‌تر به حقیقت از حرم مدینه، به همان اندازه که برای ساکنان مدینه و یا زائران ضرورت دارد به دست دهد.

مدینه از منظر فقهی دارای دو حرم است و حرمتِ یکی از آنها از دیگری بیشتر است. این دو حرم عبارتند از:

* حرم مرکزی که آن را «حرم الصید» گویند و سکونت در آن فضیلت دارد. برکت آن فراوان است و فتنه و بدعت آوری در آن، به موجب احادیث، کیفری دو چندان دارد.

** حرم پیرامونی، که بیشتر به هدف حفاظت از منافع اقتصادی مدینه و چراگاه‌های آن مقرر شده و آن را «حرم الشجر» یا «قرقگاه مدینه» گویند.

ساده‌ترین ترسیم از حدود حرم شجر یا قرقگاه مدینه آن است که دایره‌ای به مرکزیت مناطق مرکزی مدینه و به قطر ۴۴ تا ۵۰ کیلومتر رسم کنیم که از شرق عاقول آغاز می‌شود و به منطقه شمال فرودگاه، سپس نعمتی و منطقه خلیل ادامه می‌یابد و سپس در سمت جنوب غربی در موازات مفرحات و پس از آن نقیع پیش می‌رود و دیگر بار از پشت کوه عیر با فاصله ده کیلومتر برمی‌گردد و به نقطه آغازین؛ یعنی شرق عاقول می‌رسد.

مبنای این تحدید حدیثی نبوی است که در سنن ابی داوود از عدی بن زید نقل شده و می‌گوید: «قرق رسول خداصلی الله علیه و آله در چهار سوی مدینه یک برید در یک برید است و در این منطقه نه برگ درختی کنده و نه شاخه‌ای از درخت جدا شود، مگر بدان اندازه که برای راندن شتران لازم آید.»

هر «برید» که در این حدیث آمده معادل ۱۲ میل- به میل قدیم- و هر میل مساوی با ۱۸۴۸ متر است. برید همچنین معادل چهار فرسخ- و هر فرسخ معادل سه میل- است و بدین ترتیب طول هر برید به متر امروزین ۲۲۱۷۶ متر می‌شود که تقریباً نصف همان قطری است که ما یادآور شدیم، هر چند این ارقام و اعداد از محاسبه‌هایی نتیجه می‌شود که باتوجه به دقیق نبودن معیارهای قدیم نه خیلی دقیق هستند ونه خیلی دور ازواقعیت.

البته این حرم الشجر یا قرق مدینه چندان برای مردم مورد ابتلاـ و اعتنا نیست؛ چرا که بیرون از دایره منافع اقتصادی و اجتماعی خصوصیِ آنان واقع می‌شود. از همین روی،

ص:۲۳۷

امروزه اگر کسی درباره حرم مدینه بپرسد بیشتر خواهان دانستن حرم مرکزی یا «حرم الصید» است.

تحدید حرم‌الصید یا همان حرم مرکزی مدینه، مبتنی به روایتی نبوی است که درصحیح مسلم نقل شده است. بنابراین روایت، رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: «من میان دو دشت مدینه را حرم قرار می‌دهم»- و مقصود از این دو دشت، که در گذشته‌ها حرّهٔ واقم و حرّهٔ وبره نام داشته‌اند و امروزه حرّه شرقی و حرّه غربی نامیده می‌شوند، روشن است و آنچه در این میان در آن اختلاف نظرهایی وجود دارد این مسأله است که چه اندازه از این دو دشت در داخل یا خارج حرم قرار می گیرد. می‌توان گفت: آنچه محققان بر آن اتفاق دارند این است که کلّ حرّه غربی یا دشت سوخته غربی در داخل حرم واقع می‌شود و بخش عمده‌ای از دشت شرقی هم، تا منطقه پس از دیار بنی حارثه، واقع در مناطق بالایی حره در منطقه عریض، جزو حرم قرار دارد و عریض هم خود، در داخل حرم است.

این ترسیم از حدود شرقی- غربی حرم مرکزی است. اما حدود شمالی- جنوبی آن نیز بر حدیث دیگر مبتنی است که مسلم آن را نقل کرده و بنا بر آن حدیث، رسول خداصلی الله علیه و آله فرموده است: «مدینه حرم است، از عیر تا ثور.»

جبل عیر کوهی است نمایان با قله‌ای راست که در سمت جنوب مدینه واقع می‌شود و از آن تا مرکز مدینه حدود ۸ کیلومتر فاصله است.

جبل ثور نیز تپه‌ای است کم ارتفاع که بی‌هیچ گفتگویی پشت کوه احد یا پشت مناطق موازی آن واقع می‌شود. کوه احد، خود، جزو حرم است و در این که جبل ثور پشت کوه احد یا بر روی خطی که از پشت کوه احد می گذرد قرار می گیرد اختلافی نیست. آنچه در آن اختلاف هست مشخص کردن این کوه یا تپه است؛ برخی احتمالًا جبل ثور را تپه کم ارتفاع و گنبدی شکلی سرخ رنگ می‌دانند که در شمال کوه احد واقع می‌شود. اما برخی دیگر، و از جمله کسانی از محققان تاریخ مدینه، بر این نظریه‌اند که جبل ثور کوهی‌است که در ابتدای منطقه خلیل و بر دست راست کسانی که جاده آسفالت را به طرف باغ‌های این منطقه پشت سر می گذارند قرار گرفته است.

از دیدگاه نگارنده، میان این دو نظر تفاوت چندانی وجود ندارد؛ زیرا هر یک از این

ص:۲۳۸

دو بلنـدی که بدان‌ها اشاره شده، در موازات دیگری قرار دارد و از همین روی هر کدام را که مرز حرم بدانیم نتیجه تفاوتی نخواهد داشت و هر دوی آنها بر روی خط دایره فرضـیی قرار خواهنـد گرفت که با مرکزیت نقاط مرکزی مـدینه و به شـعاع ۸ کیلومتر رسم می‌شود.

نگارنـده همچنین هیـچ مانعی هندسـی یا منطقی و یا فقهی برای این نمی‌یابـد که دایره حرم اندکی وسـیع‌تر فرض شود تا بخش‌های میانی وادی عقیق را از مسـجد میقات و مرز شـرقی بیداء و همچنین قسمت‌هایی از این وادی را که در سمت مرکز شهر واقع می‌شود در برگیرد. این خود به احتیاط هم نزدیک‌تر است مگر در یک چیز، و آن فضـیلت سـکونت گزیـدن و شـمول برکت است. البته در این مورد هم دور نیست گفته شود وسـیع‌تر فرض کردن منطقه حرم نوعی گشایش و توسـیع بر مردم است و این امر با جنبه‌ای دیگر از احتیاط سازگاری دارد. همچنین بر طبق برخی احادیث، وادی عقیق- همان که از منطقه میقات آغاز می‌شود- وادی مبارکی است و از دیگر سـوی نمی‌تـوان گفت تنهـا منطقه میـانی وادی مبـارک، و اطراف آن از این ویژگی بی‌بهره باشـد، به ویژه آن که رحمت خداوند فراتر از همه اینهاست.

ص:۲۳۹

فصل دوم: مسجد النبی.

درآمد

پیشتر گفتیم که مسجد النبی در دوران ابوبکر بر همان وضعیت که به روزگار رسول خداصلی الله علیه و آله داشت باقی ماند و هیچ توسعه یا تغییری در آنصورت نپذیرفت، بلکه توسعه‌ها و نوسازی‌های مسجد النبی از روزگار عمر بن خطاب آغاز شد که تا روزگار حاضر ادامه یافته است.

اگر بخواهیم به شرح جزئیات تاریخ توسعه مسجد النبی در سده‌های پیشین تاکنون بپردازیم، این کار نیازمند تألیفی گسترده خواهد بود و افزون بر این، آنچه فراهم خواهد گشت، شاید چیزی بیش از تکرار مطالبی که در کتاب‌های تاریخ پراکنده است نخواهد بود. نگارنده عمده کتاب‌هایی را که درباره مسجد النبی و نوسازی‌ها و توسعه‌های آن تألیف شده و یا به‌گونه‌ای به این موضوع پرداخته، دیده است. برخی از این کتاب‌ها درباره مقطعی از تاریخ به تفصیل به شرح جزئیات پرداخته و درباره مقطعی دیگر چنان ایجاز و اختصار پیش گرفته که از کارآیی اثر کاسته است. برخی دیگر هم دراز نویسی‌هایی در پیش گرفته‌اند که ممکن است بسیاری از خوانندگان را بدان نیاز نباشد. از همین روی نگارنده مناسب دید چکیده آگاهی‌های لازم در این خصوص را در قالب تاریخچه‌ای مختصر در اختیار گذارد و عمده اطلاعات موجود در منابع را که غالباً از

ص:۲۴۰

همدیگر نیز گرفته‌اند فرا روی نهد. البته مؤلف در مراجعه به منابع و مآخذ، برخی را ترجیح داده‌است و در عین حال افتخار پیشتازی دراین عرصه را از آنِ پیشینیان می‌داند.

نگارنده بحث درباره توسعه‌های تا دوران ملک فهد را، از آن روی که در دیگر منابع آگاهی‌هایی فراوان در این زمینه وجود دارد، به اختصار برگزار کرده و درباره توسعه دوران ملک فهد، بدان دلیل که کمتر بدان پرداخته شده، شرح و بسط بیشتری به میان آورده است.

اینک در این فصل، تاریخچه‌ای از وضعیت و توسعه مسجد النبی و عناصر و اماکن وابسته به آن را پیش روی دارید:

حدود مسجد النبی

حدود مسجد النبی را در نخستین دوره‌اش می‌توان چنین مشخص کرد:

۱- نرده‌های مسین زرد رنگی که در حال حاضر در فاصله یک ذراع یا اندکی بیشتر از منبر نبوی، از شرق به غرب کشیده شده، جای دیوار جنوبی (سمت قبله) مسجدالنبی را در دوران پیامبر خدا، نشان می‌دهد.

۲- استوانه‌های ضلع شمالی عمارت سلطان عبدالمجید عثمانی که از کنار بازوی باب النسا شروع می‌شود و مشرف برصحن میانی و بدون سقف مسجد النبی از شرق به غرب ردیف شده، جای دیوار سمت شمال مسجد النبی را در دوران نخست آن نشان می‌دهد.

۳- دیوار شرقی مسجد النبی در آغاز تاریخش، در جایی قرار داشته که امروزه در درون ضریح واقع شده و با پنجمین ستونی که در سمت راست منبر واقع می‌شود چهار ذراع فاصله دارد.

۴- جای قبلی دیوار غربی مسجد النبی، امروزه همان ردیف ستونی است که از شمال به جنوب ردیف شده‌اند و بر بالای نخستین ستون، در داخل طاقی تراشیده شده و طلا کاری شده نوشته است: «حدّ مسجد النبی علیه السلام». این ستون‌ها در موازات پنجمین ستون سمت غرب منبر نبوی قرار دارند.

ص:۲۴۱

هر چه بعدها به مساحت مسجد النبی افزوده شود جزو مسجد است و احکام آن را داراست.

هنگامی که رسول خداصلی الله علیه و آله برای نخستین بار مسجد را ساخت، قبله مسلمانان به سمت مسجد الأقصی بود و از همین روی، پیامبرصلی الله علیه و آله برای مسجد سه در که به سمت غرب، شرق و جنوب گشوده می‌شدند قرار داد. اما پس از تغییر قبله از مسجد الأقصی به مسجد الحرام، پیامبرصلی الله علیه و آله دری را که به سمت جنوب باز می‌شد مسدود ساخت و دری دیگر از سمت مقابل قبله جدید؛ یعنی سمت شمال گشود.

موقعیت درهای مسجد النبی در روزگار نخستین از این قرار بوده است:

۱- جای قدیم باب شرقی، که آن را باب آل عثمان، باب النبی و باب جبریل گویند، در داخل مسجد النبی کنونی قرار گرفته است. هنگامی که از باب جبریل کنونی به مسجد وارد می‌شوید و روی خطی شمالی جنوبی پیش می‌روید، تقریباً چهار یا پنج ذراع مانده به این که ضلع شمالی حجره نبوی تمام شود، جای قدیم باب شرقی است.

۲- باب غربی در قدیم باب عاتکه نامیده می‌شده و امروزه درگاهی که از این سمت به بیرون گشوده می‌شود «باب الرحمه» نام دارد. هنگامی که از باب الرحمه به مسجدالنبی وارد می‌شوید و مستقیم به سمت شرق حرکت می‌کنید چون به موازات ستونی که بر بالای آن «حد مسجد النبی علیه السلام» نوشته است می‌رسید، آن همان جای پیشین باب غربی است که رسول خداصلی الله علیه و آله در دیوار این ضلع گشوده بود.

۳- باب قبله یا باب جنوبی که آن را باب آل عمرو گفته‌اند در نیمه شرقی دیوار سمت قبله و در فاصله میان مصلای پیامبرصلی الله علیه و آله و حجره نبوی قرار داشته و احتمالًا جای دقیق آن، چنان که مورّخان گفته‌اند، گوشه جنوب غرب ضریح امروزین بوده است.

پس از تغییر قبله از مسجد الأقصی به مسجد الحرام، رسول خداصلی الله علیه و آله درِ این سمت را بست و دری دیگر از دیوار شمالی گشود.

۴- باب شمالی، همان‌گونه که گفته شد، این باب درست در مقابل باب جنوبی و پس از تغییر قبله گشوده شده بود. جای قدیم این باب نقطه‌ای مشرف بر نخستینصحن داخلی بدون سقف مسجد النبی است.

ص:۲۴۲

محراب پیامبرصلی الله علیه و آله

در مسجدالنبی، در دوران پیامبرصلی الله علیه و آله و همچنین دوران خلفای راشدین، محرابی وجود نداشته و نخستین کسی که محرابی نیم‌دایره در این مسجد ساخت عمربن عبدالعزیز است. بنابر نقل سیوطی در «اوائل» و برزنجی در «نزهة الناظرین» در نوسازی ولید بن عبدالملک به سال ۸۸ تا ۹۱ ه. ق. این کار را انجام داد.

محرابی که اکنون در مسجد النبی وجود دارد. باقیمانده از نوسازی دوران اشرف قایتبای است.

محل‌های نماز پیامبرصلی الله علیه و آله

۱- محل نماز پیامبر رو به کعبه: این محل در سمت غرب نیم‌دایره محراب کنونی واقع است. اگر در طرف غرب محراب بایستید و به عبارت دیگر در حالی که رو به قبله هستید محراب را در سمت چپ خود قرار دهید و میان شما و منبر نبوی ۱۴ ذراع و یک وجب فاصله باشد در جایی قرار گرفته‌اید که محل نماز رسول خداصلی الله علیه و آله بوده است.

۲- محل نماز پیامبرصلی الله علیه و آله رو به مسجد الأقصی: اگر بخواهیم محل نماز رسول خداصلی الله علیه و آله رو به قبله بیت المقدس را- که شانزده یا هفده ماه قبله بوده است- مشخص کنیم، پشت به ستون عایشه و رو به سمت شمال پیش می‌رویم و چون به موازات باب جبرئیل رسیدیم و این باب در مقابل شانه راست ما قرار گرفت در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که به روایت مورّخان، محلّ نماز پیامبرصلی الله علیه و آله رو به بیت المقدس بوده است.

۳- محل نماز پیامبرصلی الله علیه و آله در مجاورت ستون عایشه: پیامبرصلی الله علیه و آله پس از تغییر قبله چند روزی در جوار این ستون نماز گزارده و بعداً محلی دیگر (همان که در ردیف ۱ بدان پرداختیم) را برای نماز اختیار فرموده است.

ستون‌های تاریخی مسجد النبی

ستون‌ها یا استوانه‌هایی که در مسجد النبی و در بخش جنوبی آن دیده می‌شود در دوران عبدالمجید عثمانی ساخته شده و جایگزین ستون‌هایی گردیده که در دوران

ص:۲۴۳

پیامبرصلی الله علیه و آله وجود داشته و از تنه درخت بوده است. بنابراین، وقتی از ستون‌های مسجد النبی نام می‌بریم و ستون‌های کنونی را می‌نمایانیم در واقع جای ستون‌هایی را که در روزگار پیامبرصلی الله علیه و آله وجود داشته است مشخص می کنیم.

در میان ستون‌ها یا استوانه‌های مسجد النبی هشت ستون در متون تاریخی محور رخدادی قرار گرفته و درباره آن سخن به میان آمده است. این ستون‌ها عبارتند از:

۱- ستون مخلّقه: استوانه خوشبو یا معطر، نشان جایی است که رسول خداصلی الله علیه و آله در آن نماز می گزارده است.

سلمهٔ بن اکوع پیوسته ترجیح می‌داد در جوار این ستون نماز بگزارد. چون از او در این باره پرسیدند گفت: من خود دیدم که رسول خداصلی الله علیه و آله پیوسته در این مکان نماز می‌خواند.

مالک بن انس گوید: بهترین مکان برای گزاردن نمازِ مستحب، جوار ستون مخلقه است، اما نماز واجب را بهتر است در نخستینصف‌های جماعت خواند.

گفتنی است ستون مخلقه مقداری به سمت قبله به جلو کشیده شده و بخشی از آن جزو محراب گردیده و نام «الاسطوانهٔ المخلّقه» بر بالای آن نوشته است.

۲- ستون عایشه: این ستون سومین ستون از منبر نبوی، سومین ستون از ضریح و همچنین سومین ستون از سمت قبله است. از آن جا که مهاجران مدینه در جوار این ستون می‌آسودند، آن را «اسطوانهٔ المجاهدین» هم نامیده‌اند. یکی از نام‌های دیگر آن نیز «اسطوانهٔ القرعه» است، از آن روی که از عایشه حدیثی رسیده که می گوید: «اگر مردم فضیلت نماز در جوار این ستون را می‌دانستند بر سر آن با همدیگر قرعه می‌زدند.» البته عایشه مقصود از «این ستون» را مشخص نکرده بود و بعدها مردم، خود آن را استنباط کردند.

۳- ستون توبه: این ستون، از منبر به طرف ضریح چهارمین و به عکس از ضریح به طرف منبر دومین و از طرف قبله به طرف مخالف سومین ستون است. این ستون را «استوانه ابولبابه» نیز نامیده‌اند؛ چه، ابولبابه پس از کاری که به سود هم‌پیمانان قبیله خود؛ یعنی بنی قریظه انجام داد و پس از آن که به حکم وجدان گناه بودن کار خویش را دریافت

ص:۲۴۴

تصویرص ۲۵۱ قصّهٔ التوسعه

ص:۲۴۵

و از آن توبه کرد، خود را به این ستون بست و سوگند یاد کرد تا پیامبرصلی الله علیه و آله او را از ستون باز نکرده است خود را باز نکند. او افزون بر ده شبانه روز در این مکان ماند تا آن‌که ضعیف شد و نزدیک بود شنوایی و بینایی خود را از دست بدهد. در این مدت هرگاه وقت نماز یا قضای حاجت می‌شد دختر آن مرد گره ریسمانش را که به ستون بسته بود می‌گشود و پس از انجام کار دیگر بار آن را گره می‌زد. پس از گذشت چند روز، سحرگاهان در حالی که پیامبرصلی الله علیه و آله در خانه امّ‌سلمه بود وحی بر آن حضرت نازل شد که توبه ابولبابه پذیرفته است. رسول خداصلی الله علیه و آله در پی نزول این وحی به مسجد آمد و با دستان خود ابولبابه را از ستون باز کرد.

پیامبرصلی الله علیه و آله بعدها نافله خود را در جوار این ستون می‌خواند و همچنین پس از نمازصبح در جوار آن، در سمت قبله، به راز و نیاز و عبادت می‌پرداخت. همچنین بینوایان و تهی‌دستان و بی‌خانگانی که جایی جز مسجد برای خفتن نداشتند به گاه نمازصبح در اطراف این ستون جمع می‌شدند و پیامبرصلی الله علیه و آله پس از نماز به میان آنان می‌آمد و آنچه را شب بر او نازل شده بود بر ایشان تلاوت می‌فرمود وباآنان به گفت وگو می‌پرداخت.

۴- ستون سریر: این ستون در سمت شرق ستون توبه و چسبیده به پنجره ضریح (حجره) نبوی است. گویند: پیامبرصلی الله علیه و آله تختی از شاخه‌های خرما داشت که نزدیک این ستون گذاشته می‌شد و حضرت بر آن استراحت می‌کرد. گاه نیز این تخت در کنار ستون ابولبابه قرار داده می‌شد.

۵- ستون محرس (نگهبانی): این ستون که استوانه علی بن ابی‌طالب نیز نامیده شده، در شمال ستون سریر قرار دارد و چسبیده به ضریح است. گویند علی بن ابی‌طالب علیه السلام در این محل نماز می‌گزارد و همچنین در فاصله آن و محل کنونی، مضجع رسول خداصلی الله علیه و آله که آن زمان درگاه خانه پیامبرصلی الله علیه و آله بود می‌نشست و از پیامبرصلی الله علیه و آله حفاظت می‌کرد.

امیران مدینه نیز در جوار این استوانه نماز می‌گزارند.

۶- ستون وفود (هیأت‌ها): این ستون در پشت استوانه علی بن ابی‌طالب علیه السلام و در شمال آن چسبیده به ضریح مطهر قرار دارد. پیامبر خداصلی الله علیه و آله در جوار این ستون می‌نشست و با هیأت‌های عرب دیدار می‌کرد. این مکان را «مجلس القلادة» می‌نامیدند و سران و

ص:۲۴۶

بزرگانصحابه آن جا می‌نشستند.

۷- ستون مربعهٔ القبر (گوشه ضریح): این استوانه را مقام جبرئیل هم گفته‌اند و در گوشه میان دو ضلع غربی و شمالیِ ضریح و بهصورت دقیق‌تر میان ضلع شمالی ضریح و ستون وفود که چسبیده به ضریح است واقع شده است.

سلیمان بن مسلم روایت کرده است که درِ خانه فاطمه علیها السلام از این جا باز می‌شد و پیامبرصلی الله علیه و آله پشت این در می‌ایستاد و چهار چوب در را می‌گرفت و می‌فرمود: «سلام بر شما ای اهل بیت، خداوند خواسته است ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و به تمامی پاکتان بدارد.»

۸- ستون تهجد: این ستون در پشت خانه حضرت فاطمه زهرا، از سمت شمال، واقع است و در آن محرابی است که چون نمازگزار به سمت آن بایستد باب عثمان یا همان باب جبرئیل در سمت چپ او واقع می‌شود.

منبر و روضه

فضایل منبر و روضه: درصحیح مسلم وصحیح بخاری از رسول خداصلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «میان خانه و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است.» بخاری همین حدیث را روایت کرده و در روایت او، حدیث چنین دنباله‌ای دارد: «... و منبر من بر فراز حوض من است.»

احمد از طریق رجالصحیح روایت کرده است که فرمود: «... و منبر من بر روی نهری از نهرهای بهشت است.»

نسائی از رجالی ثقه از ابوامامهٔ بن ثعلبه روایت کرده است که مرفوعاً از پیامبرصلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «هر کس نزد این منبرم سوگندی دروغ بخورد تا به وسیله آن مال مسلمانی دیگر را از آن خود کند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او خواهد بود و خداوند هیچ کفاره و جایگزینی از او نخواهد پذیرفت.»

در سنن ابی داوود نیز روایت مرفوعی از جابر نقل شده است که پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود:

«هیچ کس نزد این منبر من سوگندی دروغ، هر چند برای به چنگ آوردن مسواکی سبز،

ص:۲۴۷

نخورد مگر آن که جایش در آتش باشد- یا آتش بر او واجب شود.»

داستان پیدایش منبر: در مسند دارمی آمده است که پیامبرصلی الله علیه و آله به گاه ایراد خطبه ایستاده سخن می‌گفت و چون سخن به درازا می‌کشید، ایستادن او را خسته می‌کرد. به همین سبب قطعه‌ای تنه خرما آوردند و در زمین نشاندند، چنان که پیامبرصلی الله علیه و آله به هنگام سخن گفتن، چون خطبه طولانی می‌شد بدان تکیه می‌زد. یک بار مردی تازه وارد به مدینه آمد و حضرت را در این حال دید. به کسانی که پیرامونش بودند گفت: اگر بدانم چنانچه برای محمّد کاری انجام دهم که اسباب آسایش او را فراهم آورد مرا سپاس خواهد گزارد، برای او نشستنگاهی می‌سازم که هرگاه بخواهد بر آن بنشیند و هرگاه بخواهد برفراز آن برخیزد.

خبر به پیامبرصلی الله علیه و آله رسید و پیامبر فرمود او را بیاورند.

آن مرد را آوردند و وی دستور داد منبری سه یا چهار پله ساخته شود.

پیامبرصلی الله علیه و آله آن منبر را راحت‌تر یافت. چون آن تنه درخت را که پیشتر بر آن تکیه می‌زد واگذاشت وبه سراغ منبر تازه رفت، آن تنه درخت به‌سان شتری ماده به ناله درآمد.

روایت کرده‌اند که آن منبر از چوب درختان گز جنگلی ساخته شده بود.

ناله آن تنه خرما: در کتاب یحیی از ابوسعید نقل شده است که چون آن تنه درخت به‌سان شتری که بچه گم کرده باشد ناله زد، پیامبرصلی الله علیه و آله به سراغش رفت، آن را در آغوش گرفت و در این هنگام ناله‌اش خاموش شد. پس پیامبرصلی الله علیه و آله فرمود گودالی بکنند و آن را به خاک بسپارند.

در کتاب ابن زباله آمده است که این تنه در زیر منبر دفن شد. برخی هم گفته‌اند در نقطه‌ای در سمت شرق منبر به خاک سپرده شد.

شکل و شمایل منبر: در مسلم خبری حاکی از آن وجود دارد که منبرِ ساخته شده برای پیامبرصلی الله علیه و آله سه پله داشت. کمال دیری می‌گوید: منبر به جز نشستنگاه فوقانی سه پله داشت. پیامبرصلی الله علیه و آله بر پله سوم می‌ایستاد. ابوبکر در دوران فرمانروایی خود بر پله دوم می‌نشست و پاهای خود را روی پله اول می‌گذاشت. عمر در دوران فرمانروایی خویش به گاه ایراد خطبه، بر پله اول می‌نشست و پاهای خود را روی زمین می‌گذاشت. عثمان نیز

ص:۲۴۸

در شش سال اول فرمانروایی خود به شیوه عمر عمل کرد، اما پس از آن برفراز منبر نشست؛ یعنی همان جا که پیشتر رسول خداصلی الله علیه و آله نشسته بود.

منبر نبوی در طول تاریخ مورد توجه و اهتمام فراوان شاهان و خلیفگان قرار گرفته و حدود هشت بار نوسازی شده است. با این همه، در تمام نوسازی‌ها و توسعه‌های مسجد، منبر در جای پیشین خود قرار داده شد، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت جای امروزین منبر همان جایی است که منبر پیامبرصلی الله علیه و آله درآن، یا در حول و حوش آن، قرار داشته است. «(۱)» روضه نبوی: حدیثِ «میان خانه و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است» حدیثی شریف است که درصحیح مسلم وصحیح بخاری نقل شده است. مورّخان و بیشتر عالمان بر این اتفاق نظر دارند که روضه نبوی (باغ بهشت) محدوده‌ای است میان منبر و خانه پیامبرصلی الله علیه و آله، که همان خانه عایشه بوده است. اما درباره تعیین دقیق این محدوده دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد.

صاحب نزهة الناظرین می‌گوید: پذیرفتنی‌تر و آنچه ظاهراً اغلب علما بر آن هستند،

۱- اما در قصة التوسعه ص ۲۱۴ درباره منبر چنین می‌خوانیم: در صحیح بخاری آمده است که جابر گوید: زنی خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آیا اجازه می‌فرمایید چیزی برایتان فراهم سازم که بر آن بنشینید؟ چرا که من غلامی نجار دارم. پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمود: اگر خواستی می‌توانی منبر را بسازی.

این نخستین منبر بود که در اسلام ساخته شد. این منبر که سه پله داشت در روزگار خلفای راشدین نیز بر همان وضع ماند، با این تفاوت که رسول خدا صلی الله علیه و آله به گاه سخن گفتن بر پله سوم می‌ایستاد، ابوبکر بر پله دوم قرار می‌گرفت، عمر بر پله پایین می‌ایستاد و عثمان نیز چنین می‌کرد. اما بعدها که حکومت به معاویة بن ابی سفیان رسید این منبر دارای نُه پله شد.

پس از آتش سوزی مسجد النبی، در سال ۶۵۴ ه. ق. ملک مظفر فرمانروای یمن منبری به مسجد النبی فرستاد که دو انارک از صندل داشت. این منبر ده سال در مسجد ماند و در سال ۶۶۴ ه. ق. ظاهر بیبرس فرمانروای مصر منبری چوبی برای مسجد فرستاد که هفت پله و دری دو لنگه داشت. بعدها در سال ۷۹۷ ه. ق. ظاهر برقوق منبری نو به مسجد اهدا کرد. در سال ۸۲۲ ه. ق. ملک مؤید شیخ منبری دیگر اهدا کرد که در حریق سال ۸۸۶ ه. ق. سوخت و از آن پس مردم مدینه، خود منبری دیگر ساختند. تا آن که در سال ۸۸۸ ه. ق. سلطان قایتبای منبری نو که از سنگ ساخته شده بود به مسجد اهدا کرد. این منبر تا سال ۹۹۹ ه. ق. ماند و در این زمان با منبر اهدایی سلطان مراد که با سنگ و مرمر ساخته شده بود جایگزین گردید. بعدها منبر قایتبای به مسجد قبا برده شد و منبر کنونی مسجد النبی همان منبر اهدایی سلطان مراد عثمانی است که دقت و زیبایی هنر اسلامی را به نمایش می‌گذارد ..« مترجم»

ص:۲۴۹

این است که حدود روضه در بخش جلویی مسجد النبی (بخش قبله یا جنوب) موازی منبر و در بخش جنوبی نیز موازی ضلع دیگر منبر است، هر چند درست موازی حجره یا ضریح نبوی نباشد. «(۱)»

گلدسته‌های مسجد النبی

مسجد النبی در روزگار رسول خداصلی الله علیه و آله و همچنین در دوران خلفای راشدین دارای گلدسته یا مئذنه‌ای نبود تا برای اذان بر آن بالا روند.

بنا به گفته مورخان و نیز برزنجی در نزهة الناظرین، نخستین کسی که برای این مسجد گلدسته ساخت، عمر بن عبدالعزیز بود که در هنگام کارگزاری حکومت ولید بن عبدالملك در مدینه و در جریان توسعه سال‌های ۸۸ تا ۹۱ ه. ق. این کار را انجام داد. او در چهار گوشه مسجد چهار گلدسته ساخت. از آن به بعد، ساختن گلدسته برای مساجد رواج یافت.

در آخرین بنای پیش از دوران سعودی؛ یعنی در بنای سلطان عبدالمجید عثمانی، مسجد النبی دارای پنج گلدسته به شرح زیر بوده است:

۱- گلدسته شمال غرب: این گلدسته که به نام‌های شکیلیه، خشبیه و مجیدیه معروف شده در گوشه شمال غرب مسجد واقع شده است. این گلدسته پیش از دوران عثمانی نیز وجود داشته و در دوره سلطان عبدالمجید عثمانی نوسازی شده است. در دوران سعودی و در جریان نخستین توسعه حرم، بنای این گلدسته به طور کامل برداشته و به جای آن گلدسته‌ای نو با زیباترین شکل ساخته شد.

۲- گلدسته شمال شرق: این گلدسته سنجاریه و عزیزیه نام دارد. علت نامگذاریش به عزیزیه آن است که این گلدسته را سلطان عبدالعزیز عثمانی در زمان سلطنت خود نوسازی کرد. در دوران سعودی نیز این گلدسته را به طور کامل برداشته و گلدسته‌ای نو

۱- به گزارش قصة التوسعه ص ۲۱۴ ابعاد روضه ۲۲ متر طول و حدود ۱۵ متر عرض است که جزو بناهای مجیدی و با ستون‌های خاص مشخص شده است.« مترجم»

ص:۲۵۰

جایگزین آن ساخته‌اند.

۳- گلدسته جنوب شرق: این گلدسته را المنارهٔ الرئیسه (مناره اصلی) می‌گویند و تا کنون هم به همین نام خوانده می‌شود. گلدسته در جوار گنبد سبز مسجد قرار گرفته و معمولًا در تصویرهایی که از نمای بیرونی گنبد تهیه شده در کنار آن دیده می‌شود.

این گلدسته در دوران اشرف قایتبای سه بار؛ یعنی در سال‌های ۸۸۶ ه. ق.، ۸۸۸ ه. ق. و ۸۹۲ ه. ق. بازسازی و نوسازی شده است. در آخرین بار، گلدسته کاملًا نوسازی شد و در ساخت آن از سنگ‌های سیاه رنگ استفاده گردید و ارتفاع آن نیز به ۱۲۰ ذراع یعنی حدود ۶۰ متر افزایش یافت. بنای کنونی گلدسته همین بنای دوران قایتبای است.

برای نخستین بار روزنامه المدینهٔ المنوره در آغازین شماره‌های خود به سال ۱۳۵۶ ه. ق. از گنبد و گلدسته مسجد النبی- همین گلدسته جنوب شرق- به عنوان نشان مدینه استفاده کرد و امروزه غالباً این گنبد و گلدسته نشان مدینه است.

در گذشته، هر مؤذنی که در این گلدسته اذان می‌گفت، رسماً جزو مؤذنان بود. این گروه را رؤسا می‌نامیدند و اوقاف ویژه‌ای داشتند.

۴- گلدسته جنوب غربی: این مناره را مناره باب السلام نامند و در حال حاضر نیز جزو بناهای موجود مسجد است. به روایت طبری، ناصر بن قلاوون این گلدسته را به سال ۷۰۶ ه. ق. ساخته است. اما ابن فرحون در این باره دیدگاهی دیگر دارد و می‌گوید: آن که این گلدسته را ساخت کافور مظفری معروف به حریری بود که گلدسته را به چلچراغ‌های طلا و نقره نیز آراست. او امیر بن سلال و بکیر بن سکندر را برای نوسازی این مناره به مدینه فرستاد و آنها بنا را به طور کامل برداشتند و چون برای پی و پایه، تا عمق یک قامت کندند، خمره‌ای سفالین و آبگینه نشان یافتند که پر از درهم‌های مظفری بود. آنان همچنین آثار ریگفرش دوران مروان را که با ریگ‌های سیاه رنگ انجام گرفته بود و به روایت برزنجی بدان می‌مانست که از کوه سلع فراهم آمده باشد، یافتند.

بنای کنونی این گلدسته به روایت ابن فرحون و تا روزگار او- همان بنای کافور مظفری است.

ص:۲۵۱

۵- گلدسته غرب: گلدسته غربی مسجد النبی که مناره باب الرحمه نام داشت در دوران اشرف قایتبای نوسازی شد. این مناره در خارج بنای مسجد و در ضمن دیوار سرایی که در جوار مسجد وجود داشت و سکونت‌گاه مدرسان مدرسه محمودیه بود ساخته شده بود، و در نخستین توسعه سعودی، همراه با مدرسه و سرای مدرسان برچیده شد وصحن و میدان کنونی جایگزین آن گردید.

گلدسته‌ها در دوران سعودی: در جریان توسعه‌ها و نوسازی‌های دوران آل سعود گلدسته‌های شمال شرق و شمال غرب و همچنین گلدسته باب الرحمه برچیده و به جای گلدسته‌های شمال شرق و شمال غرب دو گلدسته جدید، هر کدام با عمق پایه ۱۷ متر و ارتفاع ۷۰ متر ساخته شد.

در ساخت این گلدسته‌ها از جدیدترین فن آوری‌ها استفاده شده و در اطراف هر گلدسته و به ویژه با تمرکز بر دو مئذنه یا عرشه مناری که در هر گلدسته وجود دارد نورپردازی‌های بدیعیصورت پذیرفته است، به‌گونه‌ای که وقتی به گلدسته‌ها می‌نگرید، ستون‌های نور را می‌بینید که سر بر آسمان می‌سایند.

گفتنی است در جریان توسعه‌های سعودی و همچنین توسعه دوران ملك فهدبن عبدالعزیز شش گلدسته به گلدسته‌های پیشین مسجد النبی افزوده شد و بدین ترتیب با احتساب چهار گلدسته قبلی، منهای گلدسته باب الرحمه که به کلی برچیده شد، شمار گلدسته‌های مسجد النبی به ده رسید.

حجره پیامبرصلی الله علیه و آله

خانه پیامبر خداصلی الله علیه و آله: پیامبر خانه کوچك خود را، همانند مسجد، با خشت و شاخه‌های درخت خرما بنا کرد. این خانه سقفی کوتاه که دست بدان می‌رسید و همچنین دو درِ یك لنگه بدون قفل داشت که یکی از غرب خانه به مسجد و دیگری از ضلع شمالی آن به بیرون گشوده می‌شد.

مضجع پیامبرصلی الله علیه و آله: پیکر پیامبر خدا پس از بدرود حیات، در همین حجره محقر به خاك سپرده شد، به طوری که سر شریفش به سمت مغرب و پاهای مبارکش به سوی

ص:۲۵۲

شرق و روی آن بزرگوار به سمت قبله بود. فاصله مضجع آن حضرت تا دیوار سمت قبله خانه یک وجب و به روایتی به اندازه طول یک تازیانه، و تا دیوار سمت ضلع غربی خانه نیز دو ذراع بود.

بعدها ابوبکر، در جوار آن حضرت به خاک سپرده شد، به‌گونه‌ای که سر او در هنگام دفن، در موازات شانه رسول خداصلی الله علیه و آله و پشت سر آن حضرت قرار گرفت.

پس از چندی عمر بن خطاب نیز بنابر وصیت خود او و با اجازه عایشه در همین خانه به خاک سپرده شد. او را در نقطه‌ای پشت سر ابوبکر و به گونه‌ای به خاک سپردند که سرش در موازات شانه‌های ابوبکر قرار گیرد.

تخریب و نوسازی حجره در دوران ولید: ولید بن عبدالملک در دوران فرمانروایی‌اش به عمربن عبدالعزیز، کارگزار خود در مدینه نوشت که پس از خرید خانه‌های همسران رسول خداصلی الله علیه و آله به تخریب این خانه‌ها یا حجره‌ها و توسعه حجره نبوی اقدام کند.

عمر بن عبدالعزیز فرمان این کار راصادر کرد و به هنگام تخریب خانه‌ها، خود نیز به نظاره آن پرداخت. چون نخستین خانه را تخریب کردند قبرهای سه گانه که تا حدی فرو ریخته بود پدیدار گشت.

عمر در آغاز قصد داشت خود به مرمّت قبرها بپردازد، اما بعداًصلاح دید غلام خود مزاحم را مأمور این کار کند. عبداللّه بن محمد بن عقیل روایت می‌کند و می‌گوید: در شبی بارانی از خانه بیرون رفتم، چون به حدود سرای مغیره رسیدم، در آن جا بویی به مشامم رسید که تا آن زمان همانندش را سراغ نداشتم. پس به مسجد رفتم و جست و جوی خود را از مضجع آغاز کردم. بناگاه دیدم دیوار آن از سمت شرق خراب شده است. وارد شدم و سلام کردم. اما دیری نپایید کهصدای خش خشی شنیدم، چون نگریستم دیدم عمر بن عبدالعزیز است که فرمان داده است قبر را با پارچه‌های قباطی بپوشانند.

چونصبح شد عمر بن عبدالعزیز، وردان بنّا را خواست. او به حجره در آمد و گفت:

مردی برای کمک می‌خواهم. عمر بن عبدالعزیز جامه خود را تا زانو بالا زد و قاسم‌بن

ص:۲۵۳

محمد و سالم بن عبداللّٰه نیز چنین کردند. عمر از آنها پرسید: چه می‌کنید؟ گفتند: می‌خواهیم با تو به درون آییم. گفت: نه، ما این خفتگان را به شمار فراوان خویش نمی‌آزاریم. پس، از غلام خود مزاحم خواست او برای کمک به وردان به داخل حجره برود.

روایت شده است که عمر بن عبدالعزیز وردان را مأمور کرده بود دیوارهای خانه را تا پی بردارد و پی را نیز بکند. یک روز او، در حالی که به کار خود مشغول بود ناگاه هراسان کنار کشید. عمر پریشان و آشفته برخاست. عبداللّٰه بن عبیداللّٰه که آن جا بود [رو به عمر کرد و] گفت: مترس، اینها پاهای جدت عمر بن خطاب است که در این زاویه از حجره جای نگرفته و به ناچار بخشی از پی دیوار را نیز برای قبر کنده‌اند. عمر نیز به وردان گفت: آنچه را دیده‌ای بپوشان.

هشام بن عروه روایت کرده است که چون در روزگار ولید دیوار خانه خراب شد، به تجدید بنا پرداختند و در اثنای کار، پایی دیدند، نگران شدند و ترسیدند پای رسول خداصلی الله علیه و آله باشد، اما هیچ کس نیافتند که بداند آن که دیده‌اند پای آن حضرت بوده است. در این میان عروه گفت: به خداوند سوگند، این پای رسول خداصلی الله علیه و آله نیست؛ فقط پای عمر است. گفتنی است روایتی هم که درصحیح بخاری رسیده است همین روایت عروه را تأیید می‌کند.

بنای حجره و حصار آن به دست عمر بن عبدالعزیز: عمر بن عبدالعزیز حجره پیامبرصلی الله علیه و آله را با سنگ‌های سیاهِ تراشیده که به سنگ‌های کعبه می‌مانست و به همان مساحتی که خانه رسول خداصلی الله علیه و آله در نخستین بنا داشت ساخت. او طول دیوارهای هر ضلع را یک ذراع و نیم و دو قیراط قرار داد مگر دیوار شرقی که طولش یک ذراع و سه هشتم شد. همچنین بلندای دیوارهایی که او ساخت پانزده ذراع بود.

عمر بن عبدالعزیز، سپس بر گرداگرد حجره حصاری پنج ضلعی ساخت که نوک مثلث ضلع‌های چهارم و پنجم به طرف شمال بود. او بدان دلیل این حصار را پنج ضلعی قرار داد که مباد با کعبه همانند شود و مردم آن را قبله گیرند و به طرف آن نماز بگزارند.

ص:۲۵۴

نقشه زیر جزئیاتی از حجره و حصار پیرامونی آن را نشان می‌دهد:

نقشه حجره و حصار مضجع پیامبرصلی الله علیه و آله کاری از سیدابراهیم بن علی عیاش مدنی

گنبد و ضریح حرم پیامبرصلی الله علیه و آله

نخستین ضریح: در دوره‌های آغازین، مسلمانان می‌توانستند هنگام زیارت مضجع رسول خداصلی الله علیه و آله در پیش روی مبارک، در فاصله تقریبی سه ذراع و بی‌آن که میان آنان و قبر مطهر مانعی وجود داشته باشد، بایستند. آنان در پشت دیوارچه حصاری که عمر بن عبدالعزیز ساخته بود می‌ایستادند. در سال ۶۶۸ ه. ق. ظاهر بیبرس، فرمانروای مصر، ضریحی چوبین به ارتفاع حدود دو برابر قد انسان ساخت و آن را میان ستون‌های سمت شمال حجره نبوی نصب کرد. او همچنین محل تهجد پیامبرصلی الله علیه و آله و خانه حضرت زهرا را نیز در داخل این ضریح قرار داد و از آن، سه در به بیرون گشود؛ یکی در سمت قبله، یکی در سمت شرق و یکی در سمت غرب. او خود با دست و با ریسمان ابعاد این ضریح را در حج سال ۶۶۷ ه. ق. اندازه گرفته بود و پس از پایان نصب آن، زائران مجبور شدند

ص:۲۵۵

بیرون این ضریح در سمت پیش روی مضجع پیامبرصلی الله علیه و آله قرار بگیرند.

نخستین گنبد: در آغاز، ضریح و مضجع پیامبرصلی الله علیه و آله گنبدی نداشت و تنها بر پشت بام مسجد النبی برای مشخص کردن بخشی از بام که بر فراز ضریح و مضجع قرار گرفته است، دورچینی از آجر به ارتفاع نصف قد انسان گرداگرد همین بخش بالا آمده بود تا آن را از دیگر قسمت‌های سقف جدا کند.

سلطان قلاوونصالحی نخستین کسی است که به سال ۶۷۸ ه. ق. بر فراز ضریح و حجره نبوی گنبدی ساخت. این گنبد در پایین چهار ضلعی و در بالا هشت ضلعی بود و بر روی ستون‌هایی قرار داشت که حجره را در میان می‌گیرد. ترکیبی از تخته‌های چوب وصفحه‌های سربی، پوشش رویین آن را تشکیل می‌داد و برگرداگرد آن به جای دیوار چینِ آجریِ قبلی، دورچینی از چوب فراهم شده بود.

این گنبد در دوران حسن بن محمد قلاوون، ملقب به ناصر، نوسازی شد و سپس در دوران اشرف شعبان بن حسین بن محمد (سال ۷۶۵ ه. ق.)صفحه‌های سربی پوشش گنبد برداشته و پس از نوسازی دیگر بار در جای خود تثبیت شد.

بعدها شکاف هایی در این گنبد پدیدار شد که در دوران سلطان قایتبای (سال ۸۸۱ ه. ق.) مرمّت گردید.

نوسازی گنبد پس از دومین آتش سوزی: در دومین آتش سوزی مسجد النبی که به سال ۸۸۶ ه. ق.صورت پذیرفت، ضریح و گنبد حرم نبوی در آتش سوخت. در سال ۸۸۷ ه. ق. و در دوران حکومت سلطان قایتبای گنبد نوسازی شد. بدین منظور ستون‌هایی بزرگ از روی زمین بالا آوردند و سقف را بر این ستون‌های بلند آجری سوار کردند. همچنین از آن جا که با احداث این ستون‌ها میان آنها و دیوار شرقی باریکه‌ای به وجود آمده بود که آمد و شد از آن دشوار بود. دیوار این بخش برچیده و تا بلاط (سنگفرش)، محل نمازگزاردن بر جنازه‌ها، به مقدار یک و نیم ذراع جلوتر برده شد.

گفتنی است به دلیل وجود گنبد کوچک و زیرینی که قایتبای بر حجره و قبر مطهر پیامبرصلی الله علیه و آله و قبور ابوبکر و عمر ساخته بود آتش به حجره مطهّر آسیبی نرساند.

ص:۲۵۶

در جریان این نوسازی، در ضلع سمت قبله ضریح مطهر پنجره‌هایی مسی قرار دادند و در بالای آنها نیز مشبکی از نوارهای مسی که چوب‌های متصل به طاق‌های پیرامونی بالای ضریح را به هم پیوند می‌داد نصب کردند. در سه ضلع دیگر ضریح؛ یعنی ضلع‌های شمال و شرق و غرب پنجره‌هایی از آهن قرار دادند و در بالای این پنجره‌ها نوارهایی از مس نصب کردند تا مانع نشستن کبوتران شود.

شکاف برداشتن و تجدید گنبد: پس از نوسازی گنبد، به شکلی که گذشت، شکاف‌هایی در آن پدید آمد. از همین روی و از آن جا که انجام مرمت‌های جزئی سودی نداشت سلطان قایتبای فرمان داد قسمت‌های فوقانی گنبد را تخریب و آن را از نو بنا کنند. این کار انجام گرفت و در سال ۸۹۲ ه. ق. گنبدی نو و محکم با گچ سفید ساخته شد.

نوسازی گنبد در دوران سلطان محمود عثمانی: پس از چند سده و در دوران سلطان محمود بن مجید عثمانی شکاف‌هایی در قسمت‌های فوقانی گنبد رخ نمود. از همین روی به فرمان سلطان عثمانی این قسمت‌ها برچیده و از نو بهصورتی بسیار محکم ساخته شد.

ساخت گنبد نو در سال ۱۲۳۳ ه. ق. پایان پذیرفت و گنبد کنونی مسجد النبی همین بناست.

رنگ‌آمیزی گنبد: برای نخستین بار در سال ۱۲۵۳ ه. ق. سلطان عبدالحمید عثمانی فرمانی درباره رنگ‌آمیزی گنبد به رنگ سبزصادر کرد و بدین ترتیب او نخستین کسی بود که در روزگار فرمانروایی‌اش گنبد مسجد النبی به رنگ سبز درآمد.

از آن پس نیز هرگاه نیاز بود، این گنبد مجدداً به همان رنگ سبز رنگ‌آمیزی شد.

گفتنی است گنبد مسجد النبی تا پیش از این رنگ‌آمیزی قبّهٔ البیضاء (گنبد سفید)، قبهٔ الفیحاء (گنبد بزرگ) و قبهٔ الزرقاء (گنبد نیلگون) نامیده می‌شد و از آن پس به قبهٔ الخضراء (گنبد سبز) شهرت یافت.

مرمت جزئی دوران ملک عبدالعزیز: در دوران ملک عبدالعزیز آل سعود و در پی شنیده شدن این خبر که حجره نبوی نیازمند پاره‌ای مرمت است، فرمانی در این خصوص

ص:۲۵۷

صادر شد و از آن جا که پس از بررسی‌ها معلوم شد تنها پوسته شدن‌ها و شکاف‌هایی در بندکشی برخی از ستون‌ها رخ نموده است، مرمت‌های جزئی لازم شبانه انجام پذیرفت. «(۱)»

۱- گزارش قصة التوسعه از احداث و نوسازی‌های گنبد چنین است:

- احداث گنبد برای نخستین بار در دوران سلطان قلاوون صالحی، سال ۶۷۸ ه. ق./ ۱۲۷۹ م.

- نوسازی گنبد در دوران حسن بن محمد قلاوون، سال ۷۶۵ ه. ق./ ۱۳۶۵ م.

- مرمت در دوران سلطان قایتبای، سال ۸۸۱ ه. ق./ ۱۴۷۶ م.

- تخریب و احداث مجدد به فرمان سلطان قایتبای، سال ۸۹۲ ه. ق./ ۱۴۸۷ م.

- نوسازی دوباره در دوران سلطان محمود بن عبدالحمید ثانی، سال ۱۲۳۳ ه. ق./ ۱۸۱۷ م.

- نخستین رنگ‌آمیزی به رنگ سبز در دوران سلطان عبدالحمید، سال ۱۲۵۳ ه. ق./ ۱۸۳۷.« مترجم»

ص:۲۵۸

فصل سوم: توسعه‌های مسجد النبی تا دوره اخیر

اشاره

پس از نخستین توسعه‌ای که پیامبر خدا در مسجد النبی «(۱)» ایجاد کرد «(۲)»، عمر و عثمان

۱- درباره نخستین بنای مسجد النبی در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آمده است: چون مرکب رسول خدا صلی الله علیه و آله درآغلی زانو بر زمین نهاد، پیامبر فرمود: اگر خـدا بخواهـد همین منزلگاه ماست. سپس دو نوجوانی را که آغل از آنِ ایشان بود فرا خواند و درباره خرید آن برای ساخت مسجد با آنها گفت و گو کرد. آنها گفتند: ای رسول خدا، ما آن را نمی‌فروشیم، بلکه به شما هدیه می‌کنیم. پیامبر صلی الله علیه و آله از پذیرش آن به عنوان هدیه خودداری کرد و آن را به بهای ده دینار از ایشان خرید و این قیمت را ابوبکر پرداخت.

مساحت این مسجد پس از آماده شدن حدود ۳۰* ۳۵ متر ۶۰* ۷۰ ذراع و مساحت کل آن ۱۰۵۰ متر مربع بود.

پیـامبر صـلی الله علیه و آله در سـاخت مسـجد و خانه‌هـای دو تن از همسـرانش؛ یعنی عایشه و سوده پیشاپیش انصار و مهاجران کار می‌کرد.

دیوارهـای این مسـجد از خشت، سـتون‌های آن از تنه‌هـای خرمـا، سـقف آن از شـاخ و برگ درختـان خرمـا و قبله آن به سوی بیت المقدس بود و سه در و همچنین صحنی در میان داشت.

در کتاب« المدینة المنورة تطورها العمرانی و تراثها المعماری» ص ۲۰۰ این مسجد چنین توصیف شده است: پی دیوارهای مسجد به عمق سه ذراع حـدود ۵/ ۱ متـر بـا سـنگ پر شـد و دیوار نیز از خشت به عرض ۷۵ سانتیمتر بنا گردید. برای پوشـیدن سـقف مسجد تیرهایی از تنه درختان خرما در مسـجد قرار دادنـد و پل‌هایی از چوب بر روی آنها سوار شـد و آنگاه روی این پل‌ها با شاخ و برگ درختان خرما پوشـش گردید. مسـجد در سـمت قبله خود سـمت شـمال که رو به بیت المقدس بود سه رواق و هر رواق شش ستون داشت و در آخر مسجد سمت جنوب آن نیز سایه بانی بود که مهاجران بی‌سرپناه بدان پناه می‌جستند. سقف این مسجد به ارتفاع قد انسان حدود ۵/ ۳ ذراع یا ۷۵/ ۱ متر بود.

در کتاب پیشگفته ص ۵۷ خانه‌های پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز چنین وصف شده است: خانه‌های آن حضـرت مربع شکل و طول ضلع هر کدام ۸ تا ۹ ذراع ۴ تا ۵/ ۴ متر و سـقف هر کدام در ارتفاعی بود که دست بدان می‌رسـید. همچنین در هر خانه از سـمت داخل حجره‌ای با طول ضلع ۶ تا ۷ حدود ۳ تا ۵/ ۳ متر بود که دیوارهایش از بافته‌های مو تهیه شده و با چوب‌های عرعر تثبیت شده بود.

این بدان معناست که در داخل هر خانه یا اتاق، راهرویی کوچک قبل از حجره وجود داشته است.

گفتنی است درهـای این خانه‌ها یا اتاق‌ها در ضـلع غربی آنها قرار داشـته و به مسـجد باز می‌شـده است. نک: قصـة التوسـعه، صـص ۲۰۸- ۲۰۷.« مترجم»

۲- در قصة التوسعه ص ۲۰۸ درباره نخستین توسعه؛ یعنی توسعه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

هنوز هفت سال از هجرت نگذشـته بود که با توجه به فزونی شمار مسلمانان، مسجد نیازمند توسعه شد. به همین دلیل پیامبر صلی الله

علیه و آله پس از فتح خیبر محرم سال ۷ ه. ق./ ژوئن ۶۲۸ م. بر ابعاد مسجد افزود، به گونه‌ای که مساحت آن به ۱۰۰ ذراع در ۱۰۰ ذراع ۵۰* ۵۰ متر رسید.

مسجد همچنین در این دوره دارای سه رواق در سمت قبله شد که در هر ردیف از آنها نه ستون وجود داشت.

این مسجد در روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ریگفرش شد، گرچه برخی این ریگفرش را به عمر بن خطاب نسبت می‌دهند.

مسجد پیامبر در دوران آغازین، گلدسته و مئذنه‌ای نداشت و بلال بر بام خانه یکی از افراد قبیله بنی‌نجار می‌رفت و از آنجا اذان می گفت.

مسجد محراب نیمدایره و منبری نیز نداشت و پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام ایراد خطبه به تنه درختی تکیه می‌زد، و بعدها برای آن حضرت منبری ساختند.

در صحیح مسلم است که این منبر صرفنظر از نشستنگاه بالای آن، دارای سه پله بود.

گفتنی است در این باره که چه کسی این منبر را ساخت اختلاف وجود دارد.« مترجم»

ص:۲۵۹

و از آن پس ولید بن عبدالملک و در دوره‌های بعد مهدی عباسی، اشرف قایتبای، سلطان عبدالمجید عثمانی و سپس ملک عبدالعزیز و سرانجام ملک فهد توسعه‌هایی در مسجدصورت دادند.

آنچه در این فصل فرا روی دارید گزارشی از این توسعه‌هاست:

توسعه و نوسازی عمر بن خطاب

در سال ۱۷ ه. ق. عمر بن خطاب مسجد النبی را از سمت قبله به مقدار یک ستون، از سمت غرب به مقدار دو ستون و از سمت شمال به مقدار سی ذراع توسعه داد و بدین

ص:۲۶۰

ترتیب، طول مسجد به ۱۴۰ و عرض آن به ۱۲۰ ذراع رسید. مسجد به سان روزگار پیامبرصلی الله علیه و آله با خشت و چوب‌های تنه خرما و شاخ و برگ آن ساخته شد و ارتفاع سقف آن ۱۱ ذراع بود و در اطراف بام دور چینی به ارتفاع دو یا سه ذراع بنا کرد. دفتر توسعه مسجد النبی مقدار توسعه روزگار عمر بن خطاب را ۱۱۰۰ متر مربع تخمین زده است «(۱)»

توسعه و نوسازی عثمان بن عفان

در فاصله سال‌های ۲۸ تا ۳۰ ه. ق. عثمان بن عفان مسجد النبی را در سمت قبله و در سمت غرب به اندازه یک ستون و در سمت شمال به اندازه حدود ۱۰ ذراع توسعه داد. او مسجد را با سنگ‌های منقوش و گچ ساخت، در ستون‌های مسجد از میله‌های

۱- درباره این توسعه همچنین در قصهٔ التوسعه صص ۲۰۸ و ۲۰۹ می‌خوانیم:

ابوبکر خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی به مساحت مسجد نیفزود؛ چه، وی درگیر رخدادهایی بود که پس از درگذشت پیامبر به وقوع پیوسته بود. وی تنها برخی از ستون‌های فراهم آمده از تنه‌های خرما را که پوسیدگی داشت تعویض کرد.

پس از ابوبکر، عمر بن خطاب در سال ۱۷ ه. ق./ ۶۳۸ م. توسعه فراوانی در مسجد ایجاد کرد. او در سمت قبله به اندازه یک رواق حدود ۹ ذراع یا ۴۸/ ۴ متر، در سمت مجاور صحن مسجد حدود ۳۱ ذراع تقریباً ۲۳/ ۱۵ متر و در سمت غرب به اندازه دو رواق به مسجد افزود و بدین ترتیب طول ضلع شرقی- غربی مسجد به حدود ۱۰۹ تا ۱۱۰ ذراع حدود ۳۰/ ۵۴ متر و طول ضلع شمالی- جنوبی آن به ۱۴۰ ذراع تقریباً ۷۰/ ۶۹ متر رسید.

در این نوسازی از ستون‌های فراهم آمده از تنه‌های درختان خرما و خشت استفاده به عمل آمد و بر روی رواق‌های چهارگانه دورچینی نیز انجام گرفت. ارتفاع مسجد در این توسعه به ۱۱ ذراع حدود ۴۸/ ۵ متر رسید و برگرد سقف دورچینی به ارتفاع سه ذراع فراهم گردید. پایه‌های بنا در این نوسازی تا ارتفاع ۷۵/ ۱ متر با سنگ بالا آورده شد و ریگفرش کف مسجد با ریگهایی که از وادی عقیق بدانجا حمل شد صورت پذیرفت.

عمر بن خطاب، همچنین چراغ‌دان‌هایی بزرگ در مسجد قرار داد و رسم خوشبو کردن مسجد در روزهای جمعه را پی گذارد.

در روزگار او همچنین سه در به مسجد افزوده شد و شمار مجموع درها به شش باب رسید، چنان که مساحت کل مسجد نیز به ۳۴۷۵ متر رسید.« مترجم»

ص:۲۶۱

آهنی که با سرب تثبیت شده بودند استفاده کرد و سقف را به ساج پوشاند.

بنابر برآورد دفتر توسعه مسجد النبی، توسعه عثمان در این مسجد ۴۹۶ متر مربع بوده است. «(۱)»

توسعه ولید بن عبدالملک

در فاصله سال‌های ۹۱- ۸۸ ه. ق. ولید بن عبدالملك اموی توسعه‌ای در مسجد النبی ایجاد کرد. برخی گویند این توسعه از سال ۸۸ آغاز شده و تا سال ۹۳ ه. ق. به درازا کشیده است.

در این توسعه که به دست عمر بن عبدالعزیز، کارگزار ولید در مدینهصورت پذیرفت مناره، محراب و کنگره‌هایی در بنا ایجاد گردید و خانه‌های همسران رسول خداصلی الله علیه و آله پس از تخریب به مسجد ضمیمه شد. این توسعه در سمت شرق و غرب

۱- در قصهٔ التوسعه ص ۲۰۹ آگاهی‌های دیگری نیز در این باره آمده است: مساحت افزوده شده به مسجد در این دوره ۲۳٪ بود و در جریان این توسعه مسجد دارای پنج رواق موازی با دیوار سمت قبله شد.

نحوه بنا در این دوره با دوران پیشین تفاوتی بسیار داشت: در کل بنا سنگ جای خشت‌های گلین را گرفت و مسجد با سنگ‌های تراشیده شده نقش دار و گچ و ستون‌های آن نیز از سنگ ساخته شد. در لا به لای این ستون‌ها و به منظور محکم‌تر شدن سنگ‌ها به همدیگر از رشته‌هایی فلزی که با سرب گداخته تثبیت شده بود استفاده شد، که این خود پیروی از شیوه بیزانسی آن روزگار بود. ستون‌های سنگی جدید در جای ستون‌های چوبی قدیم قرار گرفت و سقف چوبی جدید، فراهم آمده از چوب ساج، بر روی پل‌هایی که از تنه درختان ساخته و بر روی ستون‌ها قرار داده شده بود نصب گردید.

در این بنا همچنین دیوارها را از داخل گچ‌کاری کردند و در دیوار شرقی، به گمان قوی‌تر در قسمت‌های فوقانی آن، روزن‌هایی گشودند.

در بنای عثمان بن عفان و به ویژه با توجه به کشته شدن عمر بن خطاب، برگرد محراب دیواری از خشت ساختند و در آن دریچه‌هایی قرار دادند تا مردم بتوانند امام را ببینند و در عین حال دیوار مانع آسیب رساندن به امام شود.

گفتنی است عملیات توسعه و نوسازی عثمان در ربیع الاول سال ۲۹ ه. ق./ نوامبر و دسامبر سال ۶۴۹ م. آغاز شد و پس از ده ماه در محرم سال ۳۰ ه. ق./ سپتامبر سال ۶۵۰ م. پایان یافت و با پایان آن، مساحت کل مسجد به ۴۰۷۱ متر مربع رسید.« مترجم»

ص:۲۶۲

و شمالصورت گرفت.

برخی مورخان گویند: پس از این توسعه، طول ضلع مسجد به ۲۰۰ ذراع و عرض آن نیز در قسمت‌هایی جلو به ۲۰۰ و در قسمت‌های انتهای مسجد به ۱۸۰ ذراع رسید.

بنابر تخمین دفتر توسعه مسجد النبی، مجموع افزوده ولید بر مساحت مسجد النبی ۲۳۶۹ متر مربع بوده است. «(۱)»

توسعه مهدی عباسی:

در فاصله سالهای ۱۶۱ ه. ق. مهدی عباسی مسجد النبی را فقط از سمت شمال توسعه داد. گویند: او به‌اندازه ۱۰۰ ذراع بر طول این‌بخش افزود. برخی مورخان نوشته‌اند که پس از توسعه او، طول مسجد النبی به ۳۰۰ ذراع و عرض آن به ۱۸۰ ذراع رسید.

۱- افزون بر آگاهی‌هایی که مؤلف در این جا به دست می‌دهد، در قصهٔ التوسعه آگاهی‌های تکمیلی دیگری نیز آمده که از آن جمله است: به نظر می‌رسد این توسعه بزرگترین توسعه‌ای باشد که تا آن زمان در مسجدالنبی صورت پذیرفته است. این توسعه همه همت و توجه خلیفه ولید بن عبدالملک و کارگزار او در مدینه عمر بن عبدالعزیز را به خود معطوف کرد و خلیفه به دلیل علاقمندی به بهره جستن از جدیدترین فن آوری‌های وقت در کار ساخت و ساز، از پادشاه روم خواست تا خبرگان و زبده دستانی را که در این مهم مهارت دارند و همچنین کاشی‌هایی برای توسعه و نوسازی مسجد بفرستد.

در بنایی که ولید فراهم ساخت پی دیوارها از سنگ، دیوارها و ستون‌ها از سنگ‌های آماده شده و تراشیده شده و سقف از چوب ساج بود. همچنین در کار ساخت دیوارها از ملاط آهک و گچ استفاده شد، در لا به لای سنگ‌های ستون‌ها و برای محکم‌تر شدن آنها تارهایی از آهن که با سرب گداخته تثبیت شده بود به کار رفت، بر بالای ستون‌های سنگی سر ستون‌هایی و بر روی سر ستون‌ها پل‌هایی چوبی قرار داده شد که نگهدارنده سقف بود، و سطح ستون‌ها با پوششی سفید پوشانده شد و این خود سبب گردید ستون‌ها مانند مرمر بدرخشند. این ستون‌ها قاعده‌هایی مربع شکل و سرستون‌هایی مذهب داشت.

در این نوسازی دو عنصر جدید در مسجد النبی رخ نمود: یکی گلدسته و دیگری محراب نیم‌دایره؛ چهار گلدسته در چهار گوشه مسجد ساخته شد که ابعاد برش افقی پایین هر کدام ۸ ذراع در ۸ ذراع حدود ۴* ۴ متر و ارتفاع هر کدام ۵۵ ذراع ۲۲ متر تا ۶۰ ذراع ۳۰ متر بود.

این توسعه در سال‌های ۸۸ تا ۹۱ ه. ق./ ۷۰۷ تا ۷۱۰ م. و به مساحت ۲۳۶۹ متر مربع صورت پذیرفت و پس از پایان آن، مساحت مسجد به ۶۴۴۰ متر مربع رسید.« مترجم»

ص:۲۶۳

او همچنین نمای مسجد را کاشی‌کاری کرد و در آن ستون‌هایی با میله‌های آهنین که در داخل جاسازی شده بود نصب کرد.

دفتر توسعه مسجدالنبی مقدار افزوده مهدی عباسی بر مساحت مسجد را ۲۴۵۰ متر مربع تخمین زده است. «(۱)»

توسعه و نوسازی سلطان قایتبای:

در سال ۶۵۴ ه. ق. و پس از آن، برای دومین بار در سال ۸۸۶ ه. ق. مسجد النبی دچار حریق شد. پس از نخستین حریق مسجدالنبی، شماری از فرمانروایان و شاهان در کار نوسازی مسجد شرکت کردند. نخستین آنها المستعصم باللَّه عباسی بود که از بغداد خواربار وصنعتگر فرستاد و کار نوسازی در سال ۶۵۵ ه. ق. آغاز شد.

پس از استیلای مغولان بر بغداد، امیران و فرمانروایانِ سرزمین‌های اسلامی در نوسازی مسجدالنبی بر همدیگر پیشی جستند. این فرمانروایان عبارت بودند از: منصور نورالدین علی بن معز ایبکصالحی حکمران مصر، ظاهر رکن‌الدین بیبرس بندقداری فرمانروای یمن، محمد بن قلاوونصالحی، اشرف برسبای، ظاهر چقمق و سلطان قایتبای که در اواخر سده نهم هجری قمری می‌زیستند.

نخستین نوسازی مسجد پس از اولین حریق، بدون هیچ‌گونه توسعه‌ایصورت

۱- بنابر گزارش قصهٔالتوسعه ص ۲۱۰ عملیات توسعه در سال ۱۶۲ ه. ق./ ۷۷۸ م. آغاز شد و تا سال ۱۶۵ ه. ق./ ۷۸۱ م. به درازا کشید و با پایان آن، مساحت مسجدالنبی به ۸۸۹۰ متر مربع رسید.

پس از این توسعه، ستون‌های مسجدالنبی در ردیف موازی با خط قبله ۱۷ مورد و در ردیف موازی با دیوار شرقی و غربی ۲۸ مورد شد، چنان که مسجد در بخش جنوبی سمت قبله دارای ۵ رواق، در بخش شمالی دارای ۵ رواق، در بخش شرقی دارای ۳ رواق و در بخش غربی دارای ۴ رواق بود. این رواق‌ها که از چهار سوی مشرف بر صحن بودند در نمای شمال و جنوب جمعاً ۱۱ طاق و در نمای شرق و غرب جمعاً ۱۹ طاق داشتند و در بخش فوقانی قوس داخلی طاق‌ها حاجزهایی چوبی قرار گرفته بود که به گمانِ قوی‌تر، برای جلوگیری از تابش آفتاب بوده است.

در این توسعه همچنین ۲۴ باب در برای مسجد قرار دادند و دیوارها از کاشی‌کاری برخوردار شد.« مترجم»

ص:۲۶۴

پذیرفت. پس از دومین حریق، مردم مدینه به سلطان قایتبای، فرمانروای مصر، در این‌باره نامه نوشتند و او خواربار و کارگر و مصالح و پول برای بازسازی مسجد فرستاد و مسجد را نوسازی کرد. کار پوشش سقف مسجد در این نوسازی به سال ۸۸۷ ه. ق. و کل عملیات بازسازی و نوسازی در سال ۸۹۰ ه. ق. پایان یافت. در این نوسازی در محل نماز پیامبرصلی الله علیه و آله یک محراب و در افزوده سمت قبله نیز محراب عثمانی احداث گردید.

در جریان احداث گنبد سبز بر روی حجره مطهر و پایه‌های آن، ممر میان حجره نبوی و دیوار سمت شرق مسجد تنگ شد و در نتیجه ناگزیر شدند دیوار این ضلع را حدود دو ذراع و ربع جلوتر ببرند.

این آخرین توسعه‌ای است که پیش از دوران عثمانی و دوران آل سعودصورت پذیرفت.

دفتر توسعه مسجدالنبی، مساحت این توسعه را ۱۲۰ متر مربع برآورد کرده است. «(۱)»

۱- افزون بر آنچه در این کتاب آمده، مؤلف قصهٔ التوسعه نیز آگاهی‌هایی دیگر به نقل از منابع و به شرح زیر در اختیار گذارده است: در سال ۸۸۶ ه. ق./ نوامبر سال ۱۴۸۱ م. در پی برخورد صاعقه با گلدسته جنوب شرقی گلدسته اصلی مسجد النبی، دومین آتش سوزی بزرگ در این مسجد به وقوع پیوست و بر اثر آن مسجد به کلی سوخت و تنها گنبد داخلی آن که در نوسازی پیشین قایتبای ساخته شده بود از آسیب ایمن ماند، منبر و ضریح نیز سوخت، طاق‌ها و ستون‌های مسجد در هم ریخت و ستون‌ها یا طاق‌هایی هم که باقی ماند نیم خراب و روبه نابودی بود، و یک سوم گلدسته نیز از بیم آن که کلًا سقوط کند تخریب گردید.

سلطان اشرف قایتبای پس از آگاهی از این آتش‌سوزی سنقر جمالی را به همراه شماری کارگر و بنّا به مدینه گسیل داشت و در پی آنها شمس بن زمان را نیز فرستاد. آنها دست به کار تجدید بنای مسجد شدند. طاق‌ها را بر روی ستون‌ها بنا کردند تا سقف را نگه‌دارد. گنبدی بر محراب عثمانی، گنبدی بر حجره یا ضریح مطهر، گنبدی دیگر در بخش شمالی مسجد و در جوار آن سه گنبد دیگر نیز ساختند و دو گنبد هم در جلوی باب السلام از سمت داخل و در جوار باب السلام با سنگ‌های سفید و سیاه بنا کردند. مسجد را تزیین و سنگ‌های حجره را تعویض کردند و محراب را به سنگ نما ساختند و گلدسته‌ای هم در جوار باب‌الرحمه احداث کردند.

در نزههٔ الناظرین، بنای این دوران چنین وصف شده‌است: بیشتر مساحت مسجدالنبی باسقف‌هاییاز چوب پوشانده شده بود، طاق‌ها از آجر و ستون‌ها از سنگ‌های سیاه تراشیده شده‌ای ساخته شده بود که زبانه‌ها و مادگی‌های آنها با همدیگر جفت شده و برای استحکام بیشتر در لابه‌لای آنها از میله‌های فلزی و ملات گچ و آهک استفاده شده بود.

مسقفات عمومی این بنا نیز چنین گزارش شده است: مسجد در ضلع جنوبی از سمت شرق به غرب دارای ۷ رواق، در ضلع شمالی دارای ۴ رواق، در ضلع شرقی از سمت جنوب به شمال دارای ۳ رواق، و در ضلع غربی نیز دارای ۴ رواق بود.

همچنین دومین دوره شمار ستون‌های مسجد به ۲۹۶، عرض آن در ضلع جنوبی سمت قبله ۱۶۷ ذراع حدود ۵/ ۸۳ متر و در ضلع شمالی یعنی قسمت انتهای مسجد ۱۳۵ ذراع حدود ۵/ ۶۷ متر و طول آن از دیوار قبله تا دیوار شمالی ۲۵۳ ذراع حدود ۵/ ۱۲۶ متر بود.

این توسعه حدود ۱۲۰ متر تقریباً ۲۴۰ ذراع برآورد شده و با پایان آن، مساحت کل مسجد به ۹۰۱۰ متر مربع رسیده است.

توسعه و نوسازی سلطان قایتبای در سال ۸۹۰ ه. ق./ ۱۴۸۴ م. پایان یافت. م.

ص:۲۶۵

توسعه و نوسازی سلطان عبدالمجید عثمانی:

از عمارت سلطان قایتبای که پس از دومین حریق احداث شده بود، حدود ۳۸۷ سال می‌گذشت و این مدت بسنده بود که در بسیاری از بخش‌های مسجد خرابی‌هایی رخ داده و حتی بخش‌هایی از سقف در شرف فروپاشی قرار گرفته باشد. از همین روی، در سال ۱۲۶۳ ه. ق. شیخ وقت حرم، داوود پاشا، در این‌باره به سلطان عبدالمجید خان عثمانی در استانبول نامه نوشت.

پادشاه عثمانی اهتمام فراوانی به حرم نبوی مبذول داشت و پس ازصدور فرمان بررسی و در پی قطعی شدن این مسأله که مسجد رو به خرابی نهاده است فرمان داد معماران، کارشناسان، نجارها،صنعت‌گران و دیگر نیروهای لازم همراه با اموالی که نیاز است روانه مدینه شوند.

پس از فراهم سازی وسایل لازم، کار نوسازی کامل مسجدالنبی در سال ۱۲۶۵ ه. ق.

آغاز شد و بعد از حدود ۱۲ سال در ۱۲۷۷ ه. ق. پایان یافت.

در ساخت بنای جدید مسجد از سنگ‌های سرخی که از کوهی معروف به «جبل‌الحرم»، واقع در غرب جماوات در ذی‌الحُلیفه، تهیه شده بود، استفاده شد.

این بنا یکی از زیباترین، بزرگ‌ترین و مستحکم‌ترین بناهایی بود که در مسجدالنبی

ص:۲۶۶

صورت پذیرفت و هنوز نیز بخش‌های سمت قبله آن باقی است.

در این بنا گنبدهای کوچک جایگزین سقف چوبی و مسطح قبلی گردید و داخل این گنبدها با نقش و نگارهای طبیعی و جذاب تزیین شد، در دیوارهای سمت قبله کتیبه‌هایی دربردارنده آیات و سوره‌هایی از قرآن و نام‌های پیامبرصلی الله علیه و آله و همانند آن که با خط ثلث زیبا و ممتاز و بهصورت مذهَّب نوشته شده بود پدید آمد و درهایی نو با هنرمندی تمام ساخته شد. درهای سمت قبله مسجدالنبی؛ یعنی باب النساء، باب جبرئیل، باب السلام و باب الرحمه یادگارهایی از آن دوران هستند.

این بنا درهایی دیگر نیز داشت. باب مجیدی و باب مخزن‌الزیت در بخش شمالی از آن جمله‌اند که در توسعه‌های بعدی برداشته شده‌اند.

در ساخت این بنا دقت شد ستون‌های سمت قبله درست در جای ستون‌هایی قرار گیرد که به روزگار رسول خداصلی الله علیه و آله بوده است.

سلطان عبدالمجید همچنین در سمت شمالی مسجد مکتب‌خانه‌هایی برای آموزش قرآن و نیز انبارهایی ایجاد کرد. وی همچنین از سمت مشرق مسجد؛ یعنی از مناره اصلی تا حدود باب جبرئیل، آن را پنج ذراع و یک چهارم توسعه داد؛ چرا که در این نقطه فضای مسجد تنگ بود.

بنابر تخمین دفتر توسعه مسجدالنبی، مقدار توسعه انجام پذیرفته در دوران عبدالمجید ۱۲۹۳ متر مربع بوده است. «(۱)»

۱- درباره این توسعه در قصة التوسعه ص ۲۱۱ و ۲۱۲ چنین آمده است.

بر عمر بنای قایتبای ۳۸۷ سال گذشت و در این مدت حکمرانان عثمانی مجموعه‌ای از مرمت‌ها و نوسازی‌ها را در این بنا انجام دادند. سلطان سلیمان قانونی، فرزندش سلیم، مراد سوم، سلطان احمد اول، سلطان مصطفی دوم، سلطان احمد سوم، سلطان محمود اول و سلطان عثمان سوم از این جمله‌اند. پس از آنها نیز در دوره سلطان عبدالحمید اول نوسازی گسترده‌ای در مسجد صورت پذیرفت و در دوران محمود دوم هم به مسجد اهتمام فراوانی شد و در همین دوره بود که گنبدی نو ساخته و با سرب روکش شد و به رنگ سبز رنگ‌آمیزی گردید.

در بنای سلطان عبدالمجید، صحن در وسط مسجد قرار می‌گیرد و از سمت قبله ۱۳ رواق، از سمت غرب، ۳ رواق و از سمت شرق و شمال نیز هر کدام ۲ رواق، آن را در میان گرفته است. با توجه به ویژگی‌های بخش واقع در قبله صحن که در آن می‌بایست ستون‌ها بر جای ستون‌های روزگاران پیشین قرار داده شوند، تعداد ستون‌های مشرف بر صحن در بخش شمالی با بخش جنوبی متفاوت است.

در بنای سلطان عبدالمجید درهای چهارگانه اصلی مسجدالنبی حفظ شده و البته در توسعه‌ای که در بخش شمالی صورت پذیرفته، دری دیگر نیز گشوده شده که به باب مجیدی معروف است.

همچنین در این دوره گلدسته‌ای جدید به نام« مئذنة المجیدیّه» جایگزین گلدسته چوبی قدیم شده است.

در مورد چگونگی انجام عملیات بازسازی مسجد نیز در این دوره، به منظور آن که مردم از زیارت و نماز و آمدن بدین مکان بی‌بهره نمانند تخریب و سپس نوسازی به صورت بخش به بخش انجام یافته است.

توسعه عبدالمجید از سال ۱۲۶۵ ه. ق./ ۱۸۴۸ م. آغاز شد و در سال ۱۲۷۷ ه. ق./ ۱۸۶۱ م. پایان پذیرفت و پس از آن مساحت کل مسجد با افزوده شدن ۱۲۹۳ متر مربع بر آن به ۱۰۳۰۳ متر مربع رسید.- م.

ص:۲۶۷

توسعه و نوسازی ملک عبدالعزیز:

با فزونی یافتن شمار مسلمانان، به تدریج احساس می‌شد که حرم مدینه، به ویژه در هنگام مراسم حج، گنجایش جمعیت زائران را ندارد. همچنین در حدود سال ۱۳۶۵ ه. ق.

در برخی از طاق‌های ضلع شمالی حرم شکافهایی مشاهده شد و در برخی از سنگ‌های ستون‌های همین بخش نیز شکستگی‌های نمایانی به چشم آمد.

آغاز طرح توسعه و نوسازی:

بررسی‌هایی چند در مورد وضعیت مسجد و حرمصورت پذیرفت و پس از آن فرمان نوسازی و توسعه حرمصادر گردید و این مأموریت به محمّد بن لادن واگذار گردید.

بن لادن پس از استخدام و جذب نیروهای فنی و کارگران لازم برای انجام طرح در شوال سال ۱۳۷۰ ه. ق. کار خود را آغاز کرد و پس از پنج سال؛ یعنی در سال ۱۳۷۵ ه. ق.

این‌طرح‌توسعه را به‌پایان رساند. «(۱)» در این طرح سرپرستی کل به‌عهده محمد بن‌لادن، مدیر عاملی طرح توسعه با شیخ محمدصالح قزاز و مدیریت کارگاه‌ها با سید جعفر فقیه بود.

۱- بنابر گزارش قصهٔ التوسعه ۲۵۳ پیش از این نیز در دوران ملك عبدالعزیز، به سال ۱۳۴۸ ه. ق./ ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ م. در کف رواق‌های محیط بر صحن مرمت‌هایی صورت گرفت و در سال ۱۳۵۰ ه. ق./ ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ م. برخی از ستون‌های رواق‌های غربی و شرقیِ صحن، مرمت گردید.« مترجم»

ص:۲۶۸

به منظور انجام سریع‌تر کارها، کارگاه تهیه بتونی در منطقه آبارعلی احداث گردید و کار ساخت بناها با سیمان مسلح و بهصورتی زیبا و کاملًا مستحکم انجام پذیرفت.

آمارهایی از نخستین طرح توسعه دوران سعودی:

در جریان توسعه و نوسازی، بخشی از بناهای سلطان عبدالمجید، عمدتاً در سمت قبله، باقی گذارده و بخش دیگری به مساحت ۶۲۴۷ متر مربع تخریب و از نو ساخته شد و در کنار آن بناهایی جدید به مساحت ۶۰۲۴ متر مربع نیز احداث گردید و به مسجد ضمیمه شد. بدین ترتیب مجموع کل ساخت و ساز در نخستین طرح توسعه آل سعود به ۱۲۲۷۱ متر مربع رسید.

آن قسمت از بناهای مجیدی هم که در سمت قبله واقع می‌شد و با مرمّت‌هایی جزئی به همان وضع پیشین باقی گذارده شد، بنابر گزارش نشریه دفتر توسعه حرم نبوی ۴۰۵۶ مترمربع مساحت داشت. بخش‌های قدیم مسجدالنبی شامل حجره مطهر، گنبد سبز، محل نماز رسول خداصلی الله علیه و آله، منبر شریف، روضه مطهر، استوانه‌های کهن، گلدسته اصلی مسجد، مناره باب السلام و همچنین محل نماز پیامبرصلی الله علیه و آله رو به مسجدالأقصی در این بخش واقع شده است.

گفتنی است پس از نخستین توسعه سعودی، مجموع بناهای قدیم، بناهای نوسازی شده و نیز بناهای تازه احداث شده به ۱۶۳۲۷ مترمربع رسید.

در گزارش دفتر توسعه مسجدالنبی عناصر احداث شده در طرح توسعه بدین شرح گزارش شده است:

- ستون‌های مربع شکل متصل به دیوارهای بناهای توسعه: ۴۷۴ مورد
- ستون‌های دایره شکل بناهای توسعه: ۲۳۲ مورد
- طول دیوار شرقی مسجد: ۱۲۸ متر
- طول دیوار شمالی: ۹۱ متر
- رواق‌های شمالی: ۵ مورد
- رواق‌های شرقی: ۳ مورد

ص:۲۶۹

– رواق‌های میانی: ۳ مورد

– رواق‌های غربی: ۳ مورد

– ریگ‌فرش‌ها (صحن‌های بیرونی ریگ‌فرش شده): ۲ مورد

– طاق‌ها: ۶۸۹ مورد

– دریچه‌ها: ۴۴ باب

– عمق پی‌های دیوارها و ستون‌ها: ۵ متر

– گلدسته‌های جدید: ۲ مورد

– ارتفاع هر گلدسته: ۷۰ متر

– عمق پی هر گلدسته: ۱۷ متر «(۱)»

۱– افزون بر این، در قصهٔ التوسعه ص ۲۵۶ آمده است:

– درهای جدید: ۹ مورد

– عمق پی دیوارها و ستون‌ها: ۵ متر.

در این کتاب همچنین به ایجاد شش خیابان جدید و توسعه و تعریض سه خیابان قدیم و نیز احداث سه میدان به شرح زیر پرداخته شده است:

خیابان‌های جدید: ۱– خیابان اصلی که از باب الملک عبدالعزیز، احداث شده در جریان توسعه، آغاز می‌شود و به سمت میدان بقیع می‌رود.

۲– خیابان اصلی که از سمت جنوب از شارع درب الجنائز به سمت مسجدالنبی کشیده شده و در حدود باب‌السلام به پایان می‌رسد.

۳– خیابان اصلی که از میدان بقیع تا جاده فرودگاه در منطقه باب‌الصدقه کشیده شده است.

۴– خیابان غربی که در سمت غرب حرم احداث گردیده و در کنار آن نیز ساختمان‌های جدیدی به عنوان اوقاف حرم ایجاد شده است.

۵– خیابان شرقی.

۶– خیابان جنوبی که از شرق به غرب امتداد دارد.

میدان‌های جدید: ۱– میدان باب السلام واقع در غرب مسجدالنبی و به مساحت افزون بر ۳۰۰۰ مترمربع

۲– میدان باب المجیدی واقع در سمت شمال مسجد و با مساحت ۵۰۰۰ مترمربع

۳– میدان باب جبرئیل در شرق مسجد به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع

در این کتاب ص ۲۵۷ همچنین درباره درهای مسجدالنبی قبل و بعد از توسعه آمده است:

حرم نبوی و مسجد النبی پیش از توسعه پنج در داشت که عبارت بودند از: ۱– باب السلام، ۲– باب الرحمه یا باب عاتکه، ۳– باب جبرئیل که نامهای دیگر آن باب النبی یا باب آل‌عثمان است، ۴– باب النساء، ۵– باب الصدیق.

اما پس از توسعه پنج درگاه افزوده شد که عبارتند از: ۱– باب الملک عبدالعزیز که خود مشتمل بر سه در مجاور هم است که به شارع الملک عبدالعزیز گشوده می‌شود، ۲– باب عثمان بن عفان، ۳– باب المجیدی، ۴– باب عمر بن خطاب، ۵– باب الملک که

خود مشتمل بر سه درِ مجاور همدیگر است که در ضلع مقابل باب الملک عبدالعزیز در سمت غرب مسجد واقع شده‌اند.« مترجم»

ص:۲۷۰

هزینه‌های طرح نخستین توسعه سعودی:

شیخصالح قزاز، مدیر کل دفتر طرح توسعه، در سخنانی که در مراحل پایانی نخستین طرح توسعه ایراد کرده است، می گوید: آنچه در توسعه و نوسازی حرم نبوی هزینه شده ۳۰ میلیون ریال (سعودی) است، و البته این رقم افزون بر ۴۰ میلیون ریال دیگری است که برای خرید املاک و مستغلات و احداث خیابانهای جدید طرح توسعه هزینه شده است.

اداره طرح توسعه: در چهار چوب احساس مسؤولیت در خدمت‌گزاری به اسلام و مسلمانان از رهگذر اهتمام به مکان‌های مقدس دینی مسلمانان، ملک فیصل نیز در ادامه طرح توسعه محوطه بازی در سمت غربی به مساحت ۴۹۰۰۰ متر مربع برای برگزاری نماز احداث شد و سایه‌بان‌هایی نیز در این قسمت ایجاد گردید. بعدها در دوران ملک خالد و پس از آتش‌سوزی مشهور بازارچه، املاک و مستغلات این بخش خریداری و فضایی دیگر به مساحت ۴۳۰۰۰ مترمربع به محوطه قبلی افزوده شد.

این هر دو مساحت بعدها در توسعه دوران فهد جزو طرح قرار گرفت.

ص:۲۷۱

فصل چهارم: توسعه مسجدالنبیّ در دوران اخیر

اهمیت طرح توسعه

به رغم آن که زائران و دیدارکنندگان دو حرمِ مکه و مدینه تقریباً یکسان هستند، اما مساحت این دو حرم به ویژه تا پیش از توسعه ملک فهد تفاوت چشمگیری داشته است؛ چه، مساحت مسجدالحرام قبل از این توسعه ۱۶۰۱۶۸ مترمربع و مساحت مسجدالنبی در همین زمان ۱۶۳۲۷ مترمربع بوده که تنها ۱۹/ ۱۰٪ مساحت حرم مکه است.

البته در دوران ملک فیصل و پس از وی در دوران ملک خالد، مساحت‌های وسیعی در سمت غرب مسجدالنبی برای نماز آماده شد، اما این بخش جدید تنها شامل سایه‌بان‌ها و تأمین روشنایی و آماده‌سازی کف بود و هیچ بنایی را در بر نداشت.

به هر روی، تفاوت چشمگیر مساحت مسجدالنبی و مسجدالحرام مسؤولان را بر آن داشت تا دستور اجرای مطالعاتی را درباره بزرگ‌ترین طرح توسعه حرم نبویصادر نموده «(۱)» تا بتوان مسجدالنبی و حرم نبوی را به وضعیتی هم‌سنگ مسجدالحرام و حرم مکه رساند.

مطالعات و پژوهش‌های لازم برای این کار انجام پذیرفت و طرح توسعه

۱- بنابر گزارش قصةالتوسعه ص ۲۹۵ این فرمان در محرم سال ۱۴۰۳ ه. ق. اکتبر ۱۹۸۲ م. صادر شد وهمزمان با آن فرمان دیگری نیز برای برچیدن سوق صغیر در مکه و اختصاص ۳۱۰۰۰ مترمربع فضا برای نماز صادر گردید.

ص:۲۷۲

مسجدالنبی نهایی شد. بنابر این طرح، می‌بایست در سه بخش شمال، شرق و غرب مسجدالنبی توسعه‌ای به مساحت طبقه همکف حدود ۸۲۰۰۰ مترمربعصورت پذیرد؛ ورودی‌های زائران در این سه بخش توزیع شود، امکان استفاده از پشت‌بام برای برگزاری نماز فراهم گردد، امکان ایجاد طبقه فوقانی بر روی بناهای احداث شده در نظر گرفته شود، در نقاط مختلفی از حرم پله‌های برقی ثابت و متحرك نصب گردد تاصعود و فرود زائران را، بی آن که به حرکت افقی آنها خللی رساند، فراهم کند.

ویژگی‌های طرح توسعه

طرحی که برای توسعه فراهم گشت، در بردارنده راه‌حل‌های پیش‌گیرانه برای جلوگیری از بروز هرگونه مشکل در مجموعه اماکن و در بردارنده مشخصات و ویژگی‌های زیر بود:

۱- ایجاد سیستم تهویه طبیعی هوا، واین مهم با در نظر گرفتن دریچه‌هایی در سقف‌ها و پوشاندن آنها با گنبدهای متحرك اتوماتیك که امکان باز و بسته شدن همزمان یا جداگانه آنها در کوتاه‌ترین وقتِ ممکن میسّر است انجام می‌گرفت.

۲- ایجاد سیستمصوتی پیشرفته با استفاده از جدیدترین دستگاه‌های پیشرفته الکترونیکی و با توزیع مناسبصوت در فضاهای درون و بیرون مسجدالنبی و طرح توسعه، به گونه‌ای که از پیش آمدن هرگونه اختلال، تداخل یا ناهماهنگیصوتی جلوگیری شود.

۳- ایجاد سیستم تلویزیونی مدار بسته با پیشرفته‌ترین دستگاه‌های الکترونیکی، به منظور تأمین اهداف امنیتی و فراهم ساختن امکان راهنمایی زائران به خروجی‌های مناسب در شرایط اضطراری.

۴- ایجاد سیستم هشدار دهنده آتش‌سوزی و همچنین سیستم اطفای حریق هماهنگ با گنجایش وسیع اماکن و سیل جمعیت زائران به ویژه در ایام مراسم حج و عمره.

۵- ایجاد سیستم پیشرفته تهویه و تلطیف هوا.

ص:۲۷۳

۶- ایجاد دستگاه‌ها و شبکه‌های جداگانه آب وضو، آب آشامیدنی سرد شده در آب سردکن‌های مرکزی پساب اماکن و همچنین آب باران.

۷- ایجاد دو سیستم اصلی و اضطراری برق، با استفاده از بانک باتری‌های خشک که بهصورت رایانه‌ای کنترل می‌شود.

۸- ایجاد مراکز خدماتی لازم برای انبوه زائران و حاجیان؛ از قبیل توقف‌گاه خودرو با گنجایش ۴۵۰۰ خودرو در زمان واحد، دستشویی و وضوخانه، مراکز بهداشتی- درمانی، مراکز خدمات اجتماعی، مراکز آتش‌نشانی، مراکز پلیس، پله‌های برقی، پله‌های معمولی و همانند آن.

مراحل اجرایی طرح توسعه

«(۱)»

برچیدن بناهای مناطق شامل طرح: در آغازین مرحله اجرای طرح توسعه، کار برچیدن مجموعه اماکن و بناهای مشمول طرح که مساحت آن حدود ۰۰۰، ۱۰۰ مترمربع تخمین زده می‌شود آغاز شد. این مرحله از سال ۱۴۰۵ تا ۱۴۰۸ ه. ق. یعنی سه سال به درازا کشید و در این مدت مالکان فرصت داشتند که راه حل‌های مناسبی برای توافق بیابند تا در نتیجه با رضایت آنها خسارت لازم پرداخت شود و تنها در شرایط اضطراری و پس از تخلیه نسبی کل اماکن در یک بخش، مجریان طرح ناگزیر به قطع جریان آب و برق این‌گونه اماکن شوند.

با تخلیه اماکن و بناهای مشمول طرح، کار برچیدن آنها که شمارشان افزون بر ۳۹۰ واحد بود انجام می‌گرفت. در این مرحله، به دلیل وضعیت خاص مکان و تقدس دینی آن، و همچنین به منظور پیش‌گیری از هرگونه خطر برای تخریب بناها به جای استفاده از مواد منفجره، از سست کردن پایه‌های بنا و کشیدن پایه‌ها به اطراف به وسیله جرثقیل‌های سنگین استفاده شد.

پس از تخریب بناها، خاک و دیگر ضایعات به وجود آمده از این منطقه تخلیه شد و

۱- بنابر گزارش قصهٔالتوسعه ص ۲۹۶ عملیات اجرایی طرح توسعه در روز جمعه ۹/ ۲/ ۱۴۰۵/ ۲/ ۱۱/ ۱۹۸۴ م. آغاز شد.« مترجم»

ص:۲۷۴

در چهارچوب طرح توسعه و نوسازی مدینه، تمامی این ضایعات که مقدار آنها حدود ۰۰۰، ۵۰۰ مترمکعب برآورد می‌شد و همچنین خاک حاصل از عملیات خاک‌برداری که مقدار آن حدود ۰۰۰، ۴۴۳ مترمکعب برآورد شده است، برای پرکردن دره‌ها و گودال‌های واقع در شهر مورد استفاده قرار می‌گرفت.

پی‌ریزی بناهای طرح توسعه: در این مرحله خاک مناطقی که قرار بود بناهای جدید در آنها احداث شود با دقت آزمایش شد تا مناسب‌ترین مواد برای پی مشخص شود، به‌گونه‌ای که با خاک ناثابت این منطقه سازگاری داشته باشد و بتواند وزن بناهای احداث شده بر آن را، چه در زمان حاضر و چه در زمان‌های بعد، تحمل کند. همچنین همراه با آزمایش خاک، تست‌های آزمایشگاهی متعدد بتون نیزصورت پذیرفت و همه احتمال‌های ممکن مورد ملاحظه و دقت قرار گرفت تا مقاومت بنا در بهترین حد ممکن فراهم گردد.

برای پیِ بنا، از بارتهای بتون مسلحی استفاده شد که تا رسیدن به لایه‌های سنگی؛ یعنی عمق میان ۳۰ تا ۵۰ متر در زمین فرو می‌رفت.

در احداث این بارتها نیز از دو شیوه «کندن» و «کوبیدن» استفاده شد؛ در شیوه نخست با کمک ماشین‌های مخصوص عملیات حفر در زمین بادقت فراوانصورت می‌پذیرفت و دقت ماشین‌ها از هرگونه انحرافی در مسیر حفر تا میزان دو دهم درصد جلوگیری می‌کرد. در شیوه دوم لوله‌ای فولادی که غلاف بیرونی بارت را تشکیل می‌داد با دستگاه‌های کوبه سنگین و آرام به زمین فرو برده می‌شد تا به لایه‌های سنگی برسد.

به هر حال، در هریک از این دو شیوه تا رسیدن به سطح مطلوب در زیرزمین، عملیات جمع‌آوری و مکش خاک‌ها انجام می‌گرفت و برای جلوگیری از هرگونهصدمه ناشی از عملیات کندن یا کوبیدن، کار مکش خاک از طریق لوله باریک‌تر دیگری که در داخل غلاف بیرونی جای می‌گرفت انجام می‌شد.

پس از حفر گودال‌ها، آرماتورهای مناسب در داخل آنها قرار می‌گرفت و سپس با ملاط مخصوص پر می‌شد تا بدین ترتیب بارت ساخته شود. عملیات ریختن بتون هر بارت نیز در دو بخش؛ یعنی ابتدا قطر میانی و سپس لایه بیرونی آن انجام می‌شد.

ص:۲۷۵

بدین شیوه در مجموع ۸۵۰۰ بارت در جاهای مختلف و با ابعاد و اندازه‌ها و کیفیت‌های متفاوت احداث شد. طول جمع این بارت‌ها (اگر آنها را روی یک خط فرضی به همدیگر وصل کنیم) بیش از ۷۰ کیلومتر می‌شود، طول جمع میلگردهایی که در اجرای طرح مورد استفاده قرار گرفته به حدود ۰۰۰، ۲۸ کیلومتر و مقدار بتون به‌کار رفته در این بارت‌ها به بیش از ۹۶۰۰ متر مکعب می‌رسد و مجموع این بارت‌ها می‌تواند در برابر لرزه و وزن بیش از ۰۰۰، ۴۲ تن مقاومت کند.

پس از احداث بارت‌ها، نوبت به اجرای فونداسیون زیرین بنا رسید و در این مرحله سرهای بارت‌ها از خاک بیرون آورده و به دیگر سخن در اطراف آنها خاک‌برداری‌هایی تا عمق مناسب و با وسعت معینصورت پذیرفت و پس از شکستن سر بارت‌ها و تنظیف آنها و نیز گره زدن آرماتور بارت‌ها با آرماتوربندی فونداسیون که به شیوه‌ای دقیقصورت گرفت، بتون‌ریزی مناسب نیز انجام شد و بدین ترتیب فونداسیون‌های لازم برای بناها آماده گردید.

در این مرحله بسته به نوع و جای بنا تعداد متفاوتی از بارت‌ها در فونداسیون به هم پیوند می‌خورد. این تعداد از یک بارت تا سی و دو بارت، برای فونداسیون گلدسته‌ها، در نوسان است.

در مرحله بعد، فونداسیون‌های بخش‌های مختلف با شناژهای افقی بتون مسلح به همدیگر پیوند داده شدند و برای این کار؛ یعنی پیوند دادن حدود ۱۸۷۷ فونداسیون (قاعده) به هم و همچنین ساخت خود این فونداسیون‌ها جمعاً افزون بر ۰۰۰، ۶۶ مترمکعب بتون مسلح مورد استفاده قرار گرفت.

بدین‌سان، در مرحله ساخت پی و پایه بناهای جدید مسجد النبی بیشترین دقت به عمل آمد و بالاترین کیفیت ممکن نیز حاصل گشت تا این بناها بتواند مدت‌های طولانی برافراشته و با شکوه بماند و این امکان نیز فراهم باشد که درصورت نیاز در آینده بتوان طبقه‌هایی فوقانی بر روی آنها بنا کرد.

بخش‌های اصلی ساختمان: در نیمه سال ۱۴۱۰ ه‍. ق./ ۱۹۹۰ م. پایه‌ها و بخش‌های اصلی بناهای طرح توسعه ساخته شده بود و اندک اندک نمای بنا خود را نشان می‌داد.

ص:۲۷۶

در این بنا که در مساحت ۲۸۰ هزار متر مربع در اطراف مسجدالنبی قدیم گسترده است ۲۱۰۴ ستون بر افراشته شده که جمعاً ۹۵ فضا شامل ۲۷ فضـای باز و ۶۸ فضـای محصور و همیشه بسـته را می‌سازد. هر یک از این سـتون‌ها، بسـته به موقعیت بنا، از ۶ تا ۱۸ متر با همدیگر فاصله دارند. مجموع این ستون‌ها و فضاها طبقه همکف را می‌سازد که ارتفاع آن ۵۵/ ۱۲ متر است.

افزون بر این، در پـایین این طبقه، طبقه دیگری وجود دارد که ارتفاع آن ۴ متر، تعداد ستون‌های آن ۲۴۱۴ مورد و مساحت کل آن، با احتساب مجاری پساب‌ها و همچنین دیوارها، ۸۳۴۸۲ مترمربع است و به خدمات عمومی اختصاص دارد.

در ساخت طبقه زیرزمین همه نکات مهندسـی و فنی رعایت شده و پس از تقسـیم کف آن به ۹۵ بخش، که کوچک‌ترین آنها ۴۸۰ و بزرگ‌ترین آنهـا ۱۵۲۷ مـترمربع است، بتـون‌ریزی به قطر ۱۰ سانتی‌مترصورت پـذیرفته و البته در این کار مسـیر شـبکه‌های پساب، ورود آب و کانال‌هـای برق‌رسـانی در نظر گرفته شـده است. پس از آن، روی این لایه بتونی، با عایق رطوبتی عایق‌بنـدی شـده و بر روی آن لایه‌ای دیگر از بتون به قطر ۵ سانتی‌متر فرش شده و پس از تعبیه کابل‌ها و کانال‌های لازم بر روی این لایه، لایه‌ای دیگر از بتون به قطر ۲۵ سانتی‌متر پهن شده است.

همچنین برای تقویت کف طبقه زیرزمین و نیز مقاوم‌تر کردن ستون‌ها و پایه‌های بناهای فوقانی در برابر حرکت افقی لایه‌های زمین، بر گرداگرد این طبقه دیوار حایلی دولایه با بتون و لایه‌های میانی عایق رطوبتی ساخته شده است.

در هنگام بتون‌ریزی سـقف این طبقه، که کف طبقه همکف را تشـکیل می‌دهـد، همه تمهیـدات لازم برای عبور لوله‌ها و کانال‌های لازم؛ اعم از لوله‌های آب یا کانال‌های برق برای تغـذیه کف طبقه همکف و یا سـقف طبقه زیرزمین و نیز کانال‌های تهویه هوا، در نظر گرفته شـده و در اطراف هر یـک از سـتون‌ها چهـار دریچه برای عبور هوای تهویه شـده باز گـذارده شـده و پس از آن عملیات بتون‌ریزی بر روی پل‌هـا انجام گرفته است. اجرای این سـقف نیز هماننـد کف طبقه زیرزمین در ۹۵ بخش جـداگانه انجام پذیرفته و همین مشخصات در بتون‌ریزی سقف طبقه فوقانی نیز لحاظ گردیده است.

ص:۲۷۷

گفتنی است در بتون‌ریزی هر یک از این بخش‌های نود و پنج گانه به طور میانگین ۸۹۵ مترمکعب بتون به کار رفته است.

گلدسته‌ها:

گلدسته و مئذنه، نماد مسجد در اسلام است و برجسته‌ترین مشخصه خانه‌های خدا در زمین، که از نظر معماری اسلامی حدود فضایی مسجد را مشخص می کند.

از همین روی، در طرح توسعه اخیر گلدسته‌های جدیدی احداث شده است که بتواند با شکوه و عظمت بنا همخوانی کند. در این طرح شش گلدسته بنا گردیده که چهارتای آنها در چهار گوشه بناهای جدید و دوتای آنها در دو سوی باب‌الملک فهد قرار گرفته است. باب الملک فهد مدخل اصلی بناهای جدید است که در سمت مقابل قبله (ضلع شمالی) قرار گرفته و افزون بر دو گلدسته که در دو گوشه آن ساخته شده، بر فراز این درگاه نیز هفت گنبد کم ارتفاع احداث گردیده است.

هر یک از این گلدسته‌های شش گانه از زمین تا نوک هلالی که در بالای آن نصب شده، ۱۰۴ متر ارتفاع دارد و در پی و شناژ این گلدسته‌ها نیز بارت‌هایی با عمق ۳۰ تا ۵۰ متر، با بتون مسلح و در میان لوله‌های غلاف فولادی ساخته شده و شمار این بارت‌ها در زیر فونداسیون هر گلدسته از ۱۶ تا ۳۲ مورد در نوسان است.

بتون مسلح ماده اصلی بنای این گلدسته‌ها را تشکیل می‌دهد و هر گلدسته دارای پنج طبقه به شرح زیر است:

طبقه اول: این طبقه که قاعده گلدسته را تشکیل می‌دهد مربع است و این بنای مربع تا موازات سقف حرم ادامه می‌یابد و از آن نیز قدری بلندتر است. در دو ضلع آن که از دیوارها بیرون است و نمای بیرونی را تشکیل می‌دهد در هر کدام نواری طولی با تورفتگی مناسب به چشم می‌خورد و در این نوار طولی بهصورت مشبک، روزن‌هایی با ابعاد هندسی مشخص ایجاد شده است. نمای این دو ضلع از سنگ‌هایی همانند و همرنگ با سنگ‌های نمای بیرونی بناهای توسعه است و در بالاترین نقطه پایانی سطوحصاف این طبقه چند نوار افقی وجود دارد که به شکل کمربندی، گلدسته را دور می‌زند؛

ص:۲۷۸

این نوارها به ترتیب از پایین به بالا عبارتند از: نوار عریض با تزیینی از اشکال هندسی منظم، نوار باریک‌تری از نقش‌های اسلیمی، نوار تشکیل دهنده پایه مقرنس‌ها و سرانجام طوقه مقرنس‌هایی که خود پیش آمدگی‌های تشکیل دهنده نخستین عرشه منار را به وجود می‌آورد. در بالای این طوقه مقرنس، عرشه منار یا مئذنه مربع شکل را می‌بینیم که گرداگرد آن در هر چهار ضلع حصار کوتاهی با مشبک‌های زیبا ایجاد شده و این مشبک‌ها نیز فراهم آمده از مربع‌های به هم چسبیده است و در داخل هر کدام نیز یک هشت ضلعی هماهنگ با دیگر اشکال هندسی تزیین‌های قاعده گلدسته به چشم می‌خورد.

طبقه دوم: برش افقی این طبقه هشت ضلعی است و این طبقه بلافاصله پس از نخستین عرشه منار شروع می‌شود. این طبقه از پایین به بالا دارای چند بخش متمایز و در عین حال هماهنگ با یکدیگر است.

بخش پایینی این بنای هشت ضلعی دارای ضلع‌هایصاف با نمای سنگ است و تنها از یکی از ضلع‌ها دری به عرشه منار پایین گشوده می‌شود. بخش میانی این طبقه شامل ستون‌های باریک در زاویه تلاقی ضلع‌ها و همچنین طاق‌هایی کشیده است که بر روی این ستون‌ها قرار دارد. این ستون‌ها شامل هشت دسته سه‌تایی و طاق‌ها نیز هشت مورد است. این طاق‌ها مثلث شکل هستند و یکی از مهم‌ترین عناصر مؤثر در تزیین این طبقه به شمار می‌روند و به نوعی نگاه بیننده را به سوی طبقه سوم که دارای برش افقی دایره است می‌رانند. در نمای میان طاق‌ها که فرورفته تر از طاق‌هاست سنگ‌هایی تیره‌تر به کار رفته و نوارپردازی کمتری نیز در آنصورت پذیرفته است و در بالای هر طاق، درست در وسط نمای میان نوک طاق و طوقه یا نوار بالایی این طبقه، روزن‌هایی دایره شکل وجود دارد که قاب‌های برجسته سفیدرنگ آنها را می‌آراید. همچنین در تورفتگی دهنه هر طاق پنجره‌ای شیشه‌ای وجود دارد که با قاب سفید در پهلوی آن آراسته شده است. بخش بالایی این طبقه، خود، از چند نوار یا طوقه تشکیل شده که به ترتیب از پایین به بالا عبارتند از: نوار باریک جداکننده بخش میانی و فوقانی، طوقه مقرنس‌های تشکیل دهنده پیش نشستگی زیرین عرشه منار یا مئذنه دوم، و سر انجام مئذنه دوم و حصار پیرامونی آن. طوقه مقرنس‌ها نیز خود از سه ردیف تشکیل می‌شود و بر خلاف

ص:۲۷۹

مقرنس‌های طبقه اول، که در میان آنها لچکی‌هایی با نقوش اسلیمی به چشم می‌خورد، این مقرنس‌ها یکپارچه هستند. مئذنه یا عرش منار که در بالای طبقه دوم قرار گرفته، هشت ضلعی و دارای حصاری فراهم آمده از مربع‌های کوچکی است که در میان هر کدام یک هشت ضلعی دیده می‌شود.

طبقه سوم: این طبقه دارای برش افقی دایره و رنگ زمینه آن سربی تیره است. تزیین عمده این طبقه نوارهای برجسته موج مانندی است که از شیارها و برجستگی‌ها فراهم آمده و همانند کمربندهایی گرداگرد آن را در برگرفته است. تعداد این نوارها دوازده مورد است و در بالای آن پس از یک طوقهصاف و بدون نقش و نگار، مقرنس‌هایی در دو ردیف یا دو طوقه وجود دارد که پیش نشستگی دایره شکل عرشه منار سوم را تشکیل می‌دهد. عرشه منار یا مئذنه دایره‌ای شکل سوم درست در بالای این مقرنس‌ها قرار گرفته و همانند دو مئذنه پایین‌تر گرداگرد آن حصاری فراهم آمده از مربع‌های متجاور به چشم می‌خورد که در داخل هر یک از این مربع‌ها نیز هشت ضلعی‌ای وجود دارد.

این طبقه فاقد هرگونه روزن و دریچه‌ای است و قدرت تحمل بخش‌ها و طبقه‌های فوقانی را می‌نمایاند.

طبقه چهارم: این طبقه به مانند گردن گلدسته، شامل ستون‌های هشت‌گانه بلند و طاق‌های هشت‌گانه مثلث شکل و برجسته است و مجموعاً حصار پیرامونی پلکان دایره‌ای داخل گلدسته را تشکیل می‌دهد. در این طبقه تا حدی همانند طبقه دوم، در بخش فوقانی، دو ردیف یا طوقه مقرنس وجود دارد که پیش نشستگی زیرین عرشه منار چهارم را می‌سازد. چهارمین عرشه منار یا مئذنه این گلدسته که دایره‌ای شکل و کوچک‌تر از عرشه منار قبلی است، درست در بالای این طبقه قرار گرفته و گرداگرد آن، حصاری با همان شکل و شمایل حصار دیگر مئذنه‌ها به چشم می‌خورد.

طبقه پنجم: این طبقه از بالای مئذنه طبقه چهارم شروع می‌شود و از پایین به بالا به ترتیب، دارای این بخش‌ها یا عناصر است: در پایین‌ترین بخش این طبقه بنایی استوانه‌ای و چندضلعی وجود دارد و بر بالای آن تاجی کنگره‌دار است که خود نوعی مئذنه یا عرشه منار کوچک را تشکیل می‌دهد. پس از این عرشه کوچک بنای مخروطی شکل آغاز

ص: ۲۸۰

می‌شود و بر بالای آن قبه‌ای پیازی شکل است که پایه قاعده برنزی هلال فوقانی را تشکیل می‌دهد. این هلال و همچنین قاعده آن از جنس برنز است که با طلای عیار ۲۴ آب طلا داده شده است.

مجموعاً شکل بدیع گلدسته‌ها و نورپردازی هنرمندانه آنها نمادی از زیبایی را می‌سازد و هر بیننده‌ای را تحت تأثیر این بنای شکوهمند قرار می‌دهد و نگاه‌های او را به نشان عظمت این بنا و بلند مرتبگیصاحب آن به سوی آسمان می‌راند.

گنبدهای متحرک

پیشرفت مظاهر تمدن و گسترش فن‌آوری‌های مدرن چنین اقتضا داشت که، با توجه به شرایط آب و هوایی مدینه، شیوه نوینی برای تهویه طبیعی مسجدالنبی در ساختمان‌های جدید طرح توسعه فراهم گردد. از این روی بود که اندیشه ایجاد دریچه‌های بزرگ در سقف و قرار دادن سقف‌ها یا گنبدهای قابل جابجایی بر روی آنها مطرح شد. اما مشکل این بود که چگونه می‌توان امکان جابجا کردن گنبدهایی با وزن هر یک حدود ۸۰ تن را فراهم ساخت و چه اندازه چنین گنبدهایی در باز و بسته شدن به هنگام لزوم و با سرعت مناسب، موفقیت نشان خواهد داد.

برای عملی کردن این اندیشه با شرکت‌های مختلفی که دارای توان مهندسی مناسبی بودند رایزنیصورت گرفت و سرانجام قرار بر این شد که یکی از شرکت‌های آلمانی که مجموعه‌ای از مهندسان مسلمان نیز در آن کار می‌کنند با مشاوره مهندسان طرح توسعه دست به کار طراحی گنبدهایی شود که به راحتی بتواند روی بالشتک‌های خاص بلغزد و جابجا شود.

برای انجام کار با کمک رایانه‌های پیشرفته، ابزار و تکنیک‌های لازم با ملاحظه توازن و هماهنگی میان سهولت حرکت و تحمل وزن گنبد طراحی شد. البته در مراحل مقدماتی نمونه‌های مختلفی با ابعاد متفاوت مورد مطالعه قرار گرفت و سرانجام مناسب‌ترین طرح مشخص و نمونه‌ای آزمایشگاهی از آن ساخته شد.

بر پایه مطالعات و بررسی‌های انجام شده کار ساخت گنبدها پی‌گیری و سرانجام گنبدهای متحرک ساخته شد.

شمار این گنبدها بیست و هفت مورد و مشخصات فنی هر یک به شرح زیر است:

- ابعاد سقفی که گنبد بر روی آن قرار می‌گیرد: ۱۸* ۱۸ متر

- ارتفاع گنبد از لبه پایینی یا ازصفحه فرضی که در پایین قسمت متحرک واقع می‌شود: ۴ متر

- ارتفاع گنبد از سطح بام: ۵۵/ ۳ متر

- ارتفاع گنبد از سطح کف مسجد: ۶۵/ ۱۶ متر

- شیوه جابجایی؛ دو شیوه «دستی» در مدت زمان نیم ساعت و «ماشینی» با کنترل از راه دور در مدت زمان نیم دقیقه.

- نحوه جابجایی؛ لغزیدن بر روی بالش‌ها یا شیارهای آهنی که در پشت بام بدین منظور ایجاد شده و به کمک ۱۷ اسکلت فلزی تثبیت شده است.

- تزیین گنبدها؛ نمای داخلی گنبدها از چوب ارز مغرب [گونه‌ای ازصنوبرها] است که منبت‌کاری‌های آن به دست هنرمندان زبده مغرب انجام یافته و بدین ترتیب هنر کهن در کنار فن‌آوری مدرن به خدمت گرفته شده است. پوشش بیرونی این گنبدها نیز نوعی نمای تزیینی سخت است که در قسمت‌های فوقانی آن ردیف‌هایی گره دایره با شیشه سندبلاست کار شده است. حلقه پایینی نمای داخلی گنبدها هم افریزی مزین به سنگ‌های آمازونیت مایل به نیلی است که از سنگ‌های قیمتی به شمار می‌رود.

به هر روی، گنبدهای متحرک افزون بر امکان تهویه طبیعی بر جمال و شکوه بناهای توسعه نیز افزوده و وضع آنها به گونه‌ای است که پس از بسته شدن هیچ‌گونه نشانی از آن

ص:۲۸۱

ص:۲۸۲

که این گنبدها جابجا هم می‌شوند به چشم نمی‌خورد. «(۱)»

صحنهای روباز داخلی و خارجی:

در طرح توسعه و نوسازی ملک فهدصحن‌های رو باز و بدون سقف داخلی از یاد نرفت و به فراهم آوردن شیوه و وسیله‌ای برای سایه کردن آنها توجه شد. بدین منظور ۱۲

۱- بنابر گزارش قصهٔالتوسعه ص ۳۶۵ هر یک از این گنبدها به کمک موتورهایی که قدرت هر کدام ۲/۵ اسب بخار است و یا با نیروی دست بر روی بالشتک‌های آهنی ویژه می‌لغزند و امکان کنار زدن همه آنها با هم و یا به صورت جداگانه وجود دارد ..« مترجم»

ص:۲۸۳

سایه‌بان بزرگ با ارتفاع موازی سقف فراهم گردید که می‌توان آنها را در مواقع لازم بهصورت ماشین پهن یا جمع کرد تا هم امکان استفاده از سایه و هم امکان استفاده از هوای طبیعی، هر کدام بسته به شرایط، فراهم باشد. این سایه‌بان‌ها از پارچه‌های مناسبی تهیه شده است که در برابر همه عوامل طبیعی آب و هوای مدینه مقاومت لازم را داراست.

در طرح توسعه، همچنین ایجاد فضاهای بازی در پیرامون مسجدالنبی و به وسعت کل ۰۰۰، ۲۳۵ مترمربع در نظر گرفته شد. این فضاها یا میدان‌ها در چهار طرف مسجدالنبی واقع شده و عرض آنها به ترتیب در ضلع جنوبی ۲۰۷، در ضلع غربی ۱۵۴، در ضلع شمالی ۱۴۴ و در ضلع شرقی ۲۷ متر است.

بخشی از این فضاها به مساحت ۰۰۰، ۱۳۵ مترمربع به نماز اختصاص یافته و بخش دیگر به مساحت ۰۰۰، ۱۰۰ مترمربع به خدمات عمومی واگذاشته شده است. در اطراف این فضاها حدود ۳۰ مدخل با پله‌های برقی و معمولی ساخته شده که عابران را به بناهای خدمات همگانی از قبیل وضوخانه یا توقف‌گاه‌های خودرو که در زیر همین فضاها یا میدان‌ها ایجاد شده است می‌رساند.

تونل خدمات

تونل خدمات یکی از برجسته‌ترین شاهکارهای مهندسی در طرح توسعه است. هر چند طول این تونل ۷ کیلومتر و عرض آن ۱۰/ ۶ متر است، اما در نوع خود، کاری بی‌همانند محسوب می‌شود؛ چرا که این تونل از ایستگاه مرکزی تهویه در فاصله ۷ کیلومتری حرم آغاز می‌شود و با عبور از زیر خیابان طریق‌الجامعات، وادی عقیق، کمربندی دوم، راه‌آهن و تونل مناخه به طبقه زیرزمین مسجدالنبی می‌رسد.

در موازات این تونل و به فاصله ۱۳ متر از آن، مجرای کابل‌ها و کانال‌های خدمات عمومی وجود دارد. این شبکه از ۹ لوله از جنس پلی‌کلوراید و هر یک به قطر ۱۲۵ میلی‌متر تشکیل شده است.

این مجرا از طریق کانال‌های فرعی مزدوج یا لنگه‌ای که در گرداگرد مسجدالنبی وجود دارد با تونل خدمات مرتبط می‌شود.

ص:۲۸۴

توقف‌گاه خودرو

احداث این توقف‌گاه‌صدها عملیات پیچیده را می‌طلبید تا از این رهگذر، سطحی سخت و برخوردار از سلامت و ایمنی کامل فراهم آید؛ چه، عمقی که این توقف‌گاه در آن احداث می‌شد و همچنین خاک منطقه فاقد ثبات لازم بود. و امکان هر گونه لغزش و رانش در آن وجود داشته است. از این روی لازم بوده، برای احداث این توقف‌گاه طولانی‌ترین دیوار حمایتی جهان ساخته شود.

این کار نیز انجام یافت و دیوارهایی گرداگرد توقف‌گاه (پارکینگ) زیرزمینی ایجاد گردید. این دیوارها شامل دو نوع بود:

۱- دیوارهای مزدوج یا دو جداره، با بتون مسلح به قطر (عرض) ۶۰/ ۶ متر و عمق میان ۲۲ تا ۶۶ متر در زیر زمین.

۲- دیوارهای یک جداره برای کناره‌های مدخل‌های توقف‌گاه، با بتون مسلح به قطر ۸۰ سانتی‌متر وبا عمق‌مناسبی در زمین، به‌گونه‌ای که به‌سطح لایه‌های سنگی زیرین برسد.

بنای توقف‌گاه در بردارنده ۴۱۰۰ ستون از بتون مسلح است که هر کدام ۱۱۰ سانتی‌متر قطر و میان ۵ تا ۵۰ متر عمق دارند، به گونه‌ای که روی لایه‌های سنگی زیرزمین قرار گرفته‌اند. مجموع طول این ستون‌های فرورفته در عمق زمین (بارت) ها [در اتصال فرضی آنها به همدیگر] به ۰۰۰، ۱۰۰ متر می‌رسد.

این بنا در دو طبقه ساخته شده که ارتفاع طبقه بالاتر ۹۰/ ۴ متر و ارتفاع طبقه پایین ۴ متر است و در مجموع در شرایط عادی گنجایش ۴۰۰۰ و در شرایط اوج ازدحام ۴۵۰۰ دستگاه اتومبیل را دارد.

توقف‌گاه دارای شش ورودی- خروجی است که سه تای آنها در طبقه منهای یک، و سه تای دیگر در طبقه منهای دو قرار دارد و همه به خیابان‌های اصلی مدینه راه دارند.

این دو طبقه از طریق راهروهای شیبداری که در چهار گوشه مسجدالنبی، در (طبقه زیرین) قرار گرفته است به همدیگر راه دارند.

توقف‌گاه در هر طبقه شامل پانزده واحد است که یازده‌تای آنها همانند و چهارتای دیگر ناهمانند هستند. طول و عرض هر یک از واحدهای همانند به ترتیب ۱۰۰ و ۸۰ متر

ص:۲۸۵

است و ساختمان‌های خـدمات در فاصـله میان آنها قرار گرفته‌اند. هر واحد مرکب از پنج پل باطول ۸۰ وعرض ۲۰ متر است و بدین ترتیب مجموع پل‌ها در دو طبقه به ۱۱۰ مورد می‌رسد، و در دو طرف هر پل در ابتدا، انتها و وسط، ستون‌هایی متجاور وجود دارد. اما واحدهای ناهمانند که در محدوده شیب‌های برقرار کننده ارتباط میان طبقه اول و دوم زیرزمین و در نزدیک مدخل‌ها قرار دارند در مجموع دارای ۵۶ پل هستند که طول هر پل از ۲۰ تا ۷۰ و عرض آن ۲۰ متر است.

کف توقف گـاه؛ اعم از راهروهـا و ورودی- خروجی و نقـاط توقف خودرو، بـا بتون مسـلح متـداخل و به مسـاحت کـل ۲۵۰،۰۰۰ مترمربع پوشش شده و دیوارهای داخلی نیز با بتون مسلح احداث و از نمای سنگصنعتی برخوردار شده است.

بناهای خدماتی

بـا توجه به وسـعت توقف گـاه خودروهـا، لازم بوده که همه خـدمات و پشتیبانی‌های مورد نیاز برای اسـتفاده کننـدگان از توقف گاه فراهم شود، به گونه‌ای که نیازی به خروج از آن و در نتیجه کند کردنِ عبور و مرور نباشد.

در داخل مجموعه توقف گاهِ خودروها، ساختمان‌ها یا واحدهای ساختمانیِ ویژه خدمات عمومی به شرح زیر احداث شده است:

۱- بناهای خدمات عمومی: شامل ۱۵ واحد ساختمانی که هر یک متشکل از چهار طبقه و ارائه‌دهنده خدمات عمومی به شـرح زیر است:

- محل‌های‌انفرادی وضو (شامل شیر آب و کرسیچه‌ای برای نشستن): ۶۲۱۴ نقطه.

- شیرهای آب آشامیدنی: ۷۸۵۸ مورد.

- سرویس بهداشتی: ۲۴۳۲ چشمه.

- پله‌های برقی: ۱۱۶ دستگاه که در سی واحد توقف گاه واقع در دو طبقه توزیع شده‌اند.

- پله‌های ثابت: ۳۰ مورد.

۲- بناهای خدمات خاص: شامل ۲۷ واحد ساختمانی که‌هرکدام دریک طبقه احداث

ص:۲۸۶

گردیده و در ۴ بخش توقف گاه [واقع در چهار سمت مسجدالنبی و در زیر بناهای طرح توسعه] توزیع شده‌اند. مراکزی از قبیل مراکز امنیتی و نگهبانی، درمانگاه، اتاق‌های کنترل و سامان‌دهی (۵ مورد)، مراکز آتش‌نشانی (۶ مورد)، تعمیرگاه‌ها (۲ مورد)، اتاق کلیدخانه (۱ مورد)، مراکز بازرسی و تفتیش (۴ مورد)، و مخازن (۲ مورد) از جمله واحدهای خدماتی خاص هستند که در این توقف گاه با توزیع مکانی مناسب واقع شده‌اند.

سیستم تهویه هوا

سیستم تهویه و مطبوع‌سازی هوا در مسجدالنبی، از نظر توانایی‌ها و قابلیت‌ها کمتر از سیستم مسجدالحرام نیست و از نظر میزان قدرت از آن بالاتر است؛ چه، مجموع قدرت واحدهای سردکننده حرم نبوی به ۰۰۰، ۱۷ تن می‌رسد و از توان ذخیره‌ای (اضطراری) دیگری نیز به میزان ۳۴۰۰ تن برخوردار است.

دستگاه‌های سردکننده هوا شامل ۶ واحد است که به وسیله موتورهای برقی ویژه‌ای که هر کدام هفت هزار اسب بخار قدرت دارند و با جریان برقی به قدرت ۸/ ۱۳ کیلو وات کار می‌کنند.

ایستگاه سردکننده هوا در داخل ایستگاه مرکزِی خدمات- که در فاصله ۷ کیلومتری حرم قرار دارد- واقع است. در این ایستگاه بزرگ‌ترین سردکننده جهان مستقر شده و با کمک پمپ‌های موجود و به طور میانگین در هر دقیقه ۰۰۰، ۱۷ گالن آب سرد شده آماده شده در این دستگاه به سمت مسجد پمپاژ می‌شود و رفت و برگشت این آب از طریق تونل خدمات یک ساعت و نیم به درازا می‌کشد.

حرکت آب از ایستگاه اصلی و با کمک هفت پمپ بزرگ (هر کدام به قدرت ۴۵۰ اسب بخار) آغاز می‌شود و از طریق شبکه‌ای از لوله‌های با قطر ۹۰ سانتی‌متر به طرف طبقه زیرین بناهای جدید مسجدالنبی می‌رود. این لوله‌ها در داخل تونل خدمات در داخل کانالی از بتون مسلح با ارتفاع داخلی ۱/ ۴ متر، عرض ۲/ ۶ متر و طول ۷ کیلومتر جاسازی شده و امکان افزودن ۲ لوله دیگر نیز در این کانال در نظر گرفته شده است.

در این تونل، در طول مسیر، سی و یک اتاق تهویه، مجهز به پنکه‌های لازم ایجاد

ص:۲۸۷

شده است.

این لوله‌ها، در طبقه زیرزمینِ بناهای جدید مسجدالنبی، به دو شبکه اصلی با لوله‌هایی به قطر ۵۰ سانتی‌متر تقسیم و از آن پس نیز به لوله‌هایی با قطر کمتر؛ یعنی تا ۷ سانتی‌متر تقسیم مجدد می‌شود تا از طریق آنها به ۱۴۳ دستگاه فنکوئل نصب شده در نقاط مختلف طبقه همکف برسد.

از این شبکه همچنین شبکه‌ای فرعی با لوله‌هایی به قطر ۲۵ سانتی‌متر منشعب می‌شود که این شبکه تهویه هوای بناهای قدیم مسجدالنبی را بر عهده دارد. برای این منظور کانال‌های حامل هوای سرد در موازات دیوار سمت قبله مسجد ایجاد شده و از طریق این کانال‌ها، هوای سرد به پنجره‌های تعبیه شده در بالای دیوار سمت قبله می‌رسد و از آنجا در هوای مسجد می‌پراکند. به همین منظور در داخل دوصحن میانی مسجدالنبی نیز دو کانال ایجاد گردیده و بخشی از شبکه‌های خدماتی لازم؛ از جمله شبکه انتقال هوای سرد در آن جاسازی شده است تا بتوان با کمک این شبکه بناهای احداثی در نخستین توسعه سعودی را نیز از تهویه مطبوع برخوردار ساخت.

هوای سرد از طبقه زیرزمین و از طریق دریچه‌هایی که در قاعده هر یک از ستون‌های بناهای جدید تعبیه گردیده و با پنجره‌ای مسی (که خود دارای قاب‌ها یا کلاف‌های سنگی هستند) پوشیده شده است در سراسر بناهای طبقه همکف طرح توسعه پخش می‌شود و هوایی که سردی خود را از دست داده است از طریق دریچه‌های دیگری که به همین منظور ایجاد شده بازگردانده می‌شود.

سیستم تهویه هوا دارای هماهنگی با گنبدهای متحرک است تا در شرایط آب و هوایی مناسب، کارِ تهویه ماشینی متوقف شود و با کنار رفتن این گنبدها تهویه طبیعیصورت پذیرد. هر یک از گنبدها به وسیله چهار موتور، که هر کدام ۵/ ۲ اسب بخار قدرت دارند بر روی بالشتک‌های ویژه جابجا می‌شوند و امکان باز و بسته کردن همزمان و غیر همزمان و تک به تک آنها وجود دارد.

در این سامانه، همچنین این امکان فراهم آمده است که بتواند اندازه آلودگی هوا را تنظیم کند و آن را در حد مقبولی نگه‌دارد. افزون بر این، سیستم پیشرفته ایمنی برای

ص:۲۸۸

هشدار و پیشگیری از حریق، از طریق آب‌پاش‌های اتوماتِ نصب شده در سقف فراهم گشته است.

تأمین برق حرم نبوی

در منـابع تـأمین برق و همچنین نحوه تـأمین انرژیِ لاـزم، تفـاوتی میان آنچه در مورد مسـجدالحرام ذکر شـد و آنچه در مسـجدالنبی می‌بینیم وجود ندارد؛ چه، در مسـجدالنبی نیز همانند مسـجدالحرام مطالعاتی به منظور تأمین برق از طریق منابع مختلفصورت پذیرفته است تـا امکـان اسـتمرار جریـان برق برای همـه سامانه‌هـای فعـال در حرم نبـوی، کـه در آغـاز ایـن بخش بـدان‌ها اشـاره کردیم، و سامانه‌هایصدا، نور و تلویزیون‌های مداربسته از آن جمله است، فراهم باشد.

برق مسـجدالنبی و بناهای ملحق بـدان از طریق یک واحد نیروگاه مخصوص تأمین می‌شود. این نیروگاه دارای ۶ دستگاه مولد ۵/ ۲ مگـاواتی است که چهارتای آنها با ظرفیت ۱۰ مگاوات برق حرم را تأمین می‌کند. یک دسـتگاه دیگر برای تأمین برق اضـطراری در وضعیتِ آماده نگهداری می‌شود و یک دستگاه نیز برق توقف‌گاه خودروها را تأمین می‌کند.

اخیراً دو مولد ۵/ ۲ مگاواتی دیگر نیز به این واحد نیروگاهی اضافه شده است.

درهای مسجدالنبی و مراحل ساخت آنها

اگر درهـای اصـلی، پنجره‌هـا و مشـبک‌های مسـجدالنبی را، به عنوان نمونه‌هـایی از تلاـش و دانش و هنر و فن‌آوری ملاـحظه کنیم، خواهیم دید کاری از هر نظر برجسته انجام پذیرفته است.

برای تهیه درها و دیگر لوازم چوبی مسـجدالنبی بهترین مواد خام و کارآمدترین و جدیدترین شـیوه‌های ساخت و ساز به کار گرفته شده است.

همچنین مقـادیر فراوان چوب‌هـای ساج که برای این کار لازم بود، از جاهای مناسب به داخل کشور حمل شـده و به منظور خشـک کردن در اختیـار متخصـصان امر قرار گرفته است تـا با کمک دسـتگاه‌های ویژه که با رایانه کنترل می‌شود، نسـبت به خشک کردن آنها

ص:۲۸۹

اقدام کنند. دلیل روی آوردن به خشک کردن چوب‌ها با ماشین، کاستن از زمان عملیات بوده است؛ چه، این کار بهصورت ماشینی تنها ۵ ماه به درازا کشیده است، در حالی که اگر قرار بود این کار بهصورت دستی و به شیوه‌های سنتی انجام گیرد ممکن بود چند سال وقت بگیرد.

پس از انجام این مرحله و وارسی‌های لازم، چوب‌ها به بارسلون اسپانیا حمل گردید و درهای مورد نیاز در آن‌جا ساخته شد.

در بارسلون نیز درجریان ساخت درها از اره‌های لیزری و دیگر ابزارهای پیشرفته در آماده‌سازی چوب‌ها استفاده شد و در الصاق چوب‌ها و کلاف‌ها به همدیگر نیز به جای بهره جستن از میخ و ابزارهای فلزی از میخ‌های چوبی و نیز فاق و زبانه استفاده کردند.

همزمان با جریان عملیات ساخت درها در بارسلون، در کارگاهی دیگر در روآن فرانسه، عناصر تزیینیِ مسی در حال تهیه شدن بود. این عناصر بر پایه شیوه‌های مرسوم در هنر اسلامی شکل و شمایل مناسب را کسب می‌کرد تا پس از ساخته شدن، درها روی آنها نصب شود.

از آن‌جا که این عناصر می‌بایست بعداً آب طلا داده شود لازم بود در عملیات ریختن وصیقلی کردن آنها نهایت دقت به عمل آید تا محصولی که تهیه می‌شود کاملًاصاف وصیقلی و فاقد هر گونه عیب و خللی باشد؛ چرا که، درصورت وجود هر گونه عیب یا خلل، این عیب و خلل پس از آب طلا دادن به خوبی خود را نشان می‌داد.

در مرحله بعد برای آب طلا دادن این عناصر لازم بود اجزای آنها از همدیگر جدا شود و برای قطعه‌های بزرگ که دارای اشکالی از قبیل نیم دایره بودند کوره‌های ویژه‌ای با گنجایش لازم فراهم گردد.

به هر حال، پس از پایان یافتن این مراحل، عناصر و قطعه‌های تهیه شده به بارسلون حمل شد تا روی درها نصب شوند.

گفتنی است از آن‌جا که هر دری حدود ۵/ ۲ تن وزن داشت، در مراحل ساخت و ترکیب قطعات و اجزای درها و همچنین به هنگام نصب آنها در مسجدالنبی، وقتی کافی

ص:۲۹۰

برای حفظ توازن درها مبذول داشته شد.

پنجره‌های رنگی

استفاده از شیشه‌های رنگی یکی از مشخصه‌های هنر اسلامی است که در بناهای طرح توسعه به خوبی خود را نشان می‌دهد. البته این کار، بر خلاف دیگر کارها که به تدریج شیوه ماشینی آنها جایگزین شیوه دستی شده است، تماماً بر مهارت‌های دستی و فردی مبتنی است؛ از همین روی، هنرمندانی چیره‌دست به تراشیدن چوب‌های ساج برای تهیه قطعه‌های چوبی لازم در ساخت دریچه‌ها و حصارها و مشبک‌ها و همچنین درهای داخلی پرداختند و سپس شیشه گرانی زبردست که ریشه‌های حرفه و مهارت آنان به چندین سده پیش باز می‌گردد به تولید و آماده کردن قطعه‌های شیشه‌ای مناسب برای این محصول‌ها پرداختند و نتیجه همکاری این دو گروه، خود را در قالب ساخته‌هایی بدیع جلوه‌گر ساخت که نشانه‌های مهارت و چیره‌دستی فراوان وصنعت و فن‌آوری پیشرفت را یکجا در خود گرد آورده و نمادی الهام‌گر از میراث هنر اسلامی بود.

این ساخته‌های چوبی که به قطعه‌های تزیینی مس و همانند آن آذین شدند، در کنار سرستون‌ها، چلچراغ‌ها، سنگ نماها و دیگر عناصر معماری و هنر در مسجدالنبی جلال و عظمت بناها را دو چندان می‌سازد. «(۱)»

۱- بخش عمده‌ای از اطلاعات این بخش در قصهٔالتوسعه ص ۳۴۴- ۳۵۱ و ۳۶۴ عیناً آمده و مؤلف کتاب حاضر، این بخش را از آن‌جا نقل کرده است ..« مترجم»

ص:۲۹۱

فصل پنجم: از زبان آمار و ارقام

اشاره

جدول شماره ۱: وضعیت کلی مسجدالنبی از زبان ارقام

الف: پیش از نخستین توسعه سعودی، ب: پس از نخستین توسعه سعودی، ج: توسعه دوران ملک فهد

موردالف‌ب‌ج جمع‌ملاحظات

مساحت مسجدالنبی (برحسب مترمربع) ۳۰۳، ۱۰ ۲۴، ۶- ۳۲۷، ۱۶ این‌رقم مربوط به‌قبل از توسعه‌دوران ملک فهد است.

مساحت ساختمان‌های نوساز در طرح ۰۰۰، ۸۲

فهد (برحسب مترمربع)

مساحت بام ساختمان‌های احداثی در ۰۰۰، ۶۷

طرح توسعه فهد (بر حسب مترمربع)

فضاهای پیرامونی در طرح توسعه فهد ۰۰۰، ۲۳۵

(بر حسب مترمربع)

مجموع مساحت‌های اماکن مسجدالنبی ۳۰۳، ۱۰ ۲۴، ۶ ۰۰۰، ۳۸۴ ۳۲۷، ۴۰۰ این رقم شامل توسعه و فضاهای پیرامونی دوران فهد نیز می‌شود

گنجایش تعداد نمازگزار ۰۰۰، ۵۸ ۰۰۰، ۹۵ ۰۰۰، ۵۷۷ ۰۰۰، ۷۳ این رقم در اوقات ازدحام تا یک میلیون نفر هم می‌رسد.

ص:۲۹۲

موردالف‌ب‌ج جمع‌ملاحظات

تعداد گلدسته‌ها ۵ ۴ ۶ ۱۰

ارتفاع گلدسته‌ها (بر حسب متر) ۳۶ ۷۲ ۱۰۴-

تعداد پله‌های ثابت-- ۱۸ ۱۸

تعداد مجموعه پله‌های متحرک-- ۶ ۶

شمار درها و مدخل‌ها ۵ ۱۷ ۶۴ ۸۱

تعداد سقف‌های متحرک-- ۲۷ ۲۷

یادآوری:

۱- در بناهای طرح توسعه ۲۷ گنبد متحرک ساخته شده که هر کدام تقریباً ۳۰۰ مترمربع مساحت دارد.

۲- بناهای جدید ایجاد شده در طرح توسعه، دربردارنده هفت مدخل اصلی در سه ضلع شمالی، شرقی و غربی است. هر مدخل اصلی نیز مشتمل بر چهار درگاه مجاور همدیگر و دو درگاه جانبی است. افزون بر این پنج مدخل، دو مدخلِ اصلی دیگر نیز در ضلع جنوبی وجود دارد که هر کدام مشتمل بر سه درگاه مجاور همدیگر، شش درگاه جانبی و ده درگاه ورود و خروج به پله‌های برقی متحرک است. در وسط ضلع شمالی بناهای توسعه نیز دروازه ملك فهد وجود دارد که مدخل اصلی این بناهاست و بر بالای این درگاه، هفت گنبد کوچك و در جوار آن نیز دو گلدسته ساخته شده است.

ص:۲۹۳

جدول شماره ۲ در آخر همین فایل جایگزین شود.

ص:۲۹۴

جدول شماره ۳: فاصله زمانی میان توسعه‌های مسجدالنبی «(۱)»

ردیف‌فاصله به

از تاسال

۱ نخستین توسعه و نوسازی دوران توسعه و نوسازی عمر بن خطّاب ۱۰

پیامبرصلی الله علیه و آله، پس از فتح خیبر

۲ توسعه و نوسازی عمر بن خطاب توسعه و نوسازی عثمان بن عفان ۱۲

۳ توسعه و نوسازی عثمان توسعه و نوسازی ولید بن عبدالملک ۵۹

۴ توسعه و نوسازی ولید توسعه و نوسازی مهدی ۷۳

۵ توسعه و نوسازی مهدی نوسازی‌های حکمرانان مسلمان پس از نخستین ۷۰۶

آتش سوزی

۶ نوسازی‌های حکمرانان مسلمان توسعه سلطان قایتبای پس از دومین حریق ۲۱

۷ نوسازی و توسعه قایتبای توسعه سلطان عبدالمجید عثمانی ۳۷۷

۸ توسعه و نوسازی عبدالمجید عثمانی توسعه و نوسازی ملک عبدالعزیز آل سعود ۱۰۵

۹ توسعه و نوسازی ملک عبدالعزیز توسعه و نوسازی جامع ملک فهد بن عبدالعزیز ۳۵

۱- بر گرفته است از قصةالتوسعه ص ۲۸۶.« مترجم»

ص:۲۹۵

ویژگی‌های مشترک طرح‌های توسعه مسجدالحرام و مسجدالنبی

فصل ششم: ویژگی‌های مشترک طرح‌های توسعه مسجدالحرام و مسجدالنبی

اشاره

اصرار مسؤولان همواره بر این بوده است که در هر دو طرح توسعه مسجدالحرام و مسجدالنبی، طراحی‌ها و محاسبه‌ها با بیشترین دقتصورت پذیرد. اجرا بر طبق برترین استانداردهای مهندسی و فنی انجام گیرد. در مراحل مختلف اجرای کار، بهترین مواد و مصالح مصرف شود تا در نتیجه بناهایی که پدید می‌آید برخوردار از برجسته‌ترین مشخصه‌های فنی و هنری و در اوج زیبایی و شکوه باشد و شاهکاری بی‌همانند به نظر آید.

در چهار چوب همین خواسته، اصول کار مشترك و هماهنگی برای طرح‌های توسعه مسجدالحرام و مسجدالنبی تدوین گردید. بر پایه این اصول، می‌بایست نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- بررسی و آزمایش همه جانبه عناصر خاك و میزان تحمل وزن خاك، انواع مصالح ساختمانی مورد استفاده، انواع بتون‌های مسلح و غیر مسلح و همچنین مشخص کردن مناسب‌ترین نوع بتون برای هر نقطه به منظور تأمین استانداردهای ساخت و ساز و فنی و مهندسی.

۲- لحاظ کردن نتایج آزمایش‌ها و بررسی‌ها در طرح‌های اجرایی؛ به گونه‌ای که این طرح‌ها با بیشترین دقت ممکن، نمایانگر نتایج آزمایش‌ها و جزئیات بررسی و مطالعات باشد و احتمال بروز هر گونه خطا را به کمترین حد ممکن کاهش دهد.

ص:۲۹۶

۳- مراعات هم‌نواختی و همگنی مطلوب میان بناهای توسعه و بناهای قدیم مسجدالحرام و مسجدالنبی؛ به گونه‌ای که تلفیق میان آنها طبیعی‌ترین تلفیق ممکن باشد.

۴- به کارگیری جدیدترین دستاوردهای فن‌آوری نوین؛ اعم از ماشین‌ها و مواد و مصالح و شیوه‌های ساخت و ساز، تا بهترین کیفیت بنا و بیشترین عمر ممکن را برای آنها فراهم سازد.

اهداف اجرایی برنامه توسعه: برنامه توسعه مسجدالحرام و مسجدالنبی دربردارنده اهداف نهایی زیر بوده است:

۱- افزودن دو مجموعه بنای جدید به بناهای مسجدالحرام و مسجدالنبی به هدف بالا بردن گنجایش آنها.

۲- افزایش میزان گنجایش مکان‌های مذهبی این دو حرم با استفاده از فضاهای رو باز بیرونی، پشت‌بام‌های بناهای جدید و پشت‌بام‌های بناهای قدیم با ایجاد تغییرات لازم در آنها.

۳- ایجاد تحول در ساختار دو منطقه مرکزی مکه و مدینه به هدف فراهم آوردن سهولت و آزادی بیشتر برای آمد و شد و ارائه خدمات پشتیبانی فعال و شبانه‌روزی و همچنین سهولت در ورود و خروج زائران به ویژه در هنگام نماز از طریق احداث درها و راهروهای مناسب و به تعداد کافی و هماهنگ با مقدار گنجایش هر بنا.

۴- فراهم آوردن سامانه‌های لازم برای تأمین امنیت و سلامت زائران؛ از قبیل مجموعه تلویزیون‌های مدار بسته، سامانه‌هایصوت مرکزی، برق، آتش نشانی، تهویه و همچنین مطبوع سازی طبیعی و ماشینی هوا.

۵- احداث سامانه آبرسانی و جمع‌آوری پساب‌ها با توجه به گستردگی اماکن مکه و مدینه.

۶- ایجاد توقف‌گاه‌های خودرو با گنجایش متناسب با مجموعه بناهای توسعه و شمار روز افزون زائران و حاجیان و همچنین ایجاد تسهیلات لازم برای عبور و مرور آسان خودروها و راهیابی آنها به بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و همچنین راهیابی آسان سرنشینان به داخل اماکن مسجدالحرام و مسجدالنبی.

ص:۲۹۷

ویژگی‌های مشترک در سامانه‌های تأسیساتی و برقی

بناهای توسعه دوران اخیر، تنها، بناهایی خشک و بی روح نیستند، بلکه نمادی زنده از مجموعه‌ای از بهترین ویژگی‌ها و عناصرند که در ساختمان‌ها، عناصر به کار رفته در آنها و همچنین سامانه‌های تأسیساتی و برقی خود را نشان می‌دهند و همه در یکنواختی و همگنی شکوهمندی، کالبدی بر در آمیختن دو عنصر مادی و معنوی با همدیگر می‌شوند: عنصر معنوی توجه و ارادت مسلمانان جهان و عنصر مادی شکوه و عظمت بناها.

اصرار ملک فهد بن عبدالعزیز بر آن بوده است که در ساخت بناها و در فراهم آوردن سامانه‌های خدماتی و تأسیساتی و برقی، برجسته‌ترین نظریه‌ها و راه‌کارها و ابزارها به خدمت گرفته شوند؛ چرا که از دید وی پسندیده‌ترین کار آن است که استوارترین و ماندگارترین باشد.

در چهار چوب این راهبرد کلان، و همان گونه که در ساخت بناها همه آن چه می‌توانست شکوه فراوان‌تری را به بار آورد فراهم آمده بود، در تجهیز بناهای مسجدالحرام و مسجدالنبی به سامانه‌های مختلف نیز اصول کاری و برنامه مشترکی طراحی شد که تنها در برخی از جزئیات و به تناسب موقعیت و وضعیت این دو مسجد، با همدیگر تفاوت‌هایی جزئی می‌یافت. این برنامه مشترک ایجاد سامانه‌های زیر را در مسجدالحرام و مسجدالنبی، بهصورت همانند و با تفاوت‌هایی موردی در ابعاد و مشخصات و مقدار توان در برداشت:

الف: سامانه‌های تأسیساتی و خدماتی، شامل:

۱- سامانه تهویه و مطبوع سازی هوا

۲- سامانه آب آشامیدنی خنک و بهداشتی

۳- سامانه آب مصرفی عادی

۴- سامانه جمع آوری آبهای مجاری

۵- سامانه جمع آوری آب‌های باران و سیل

۶- پله‌های برقی داخلی و خارجی

ص:۲۹۸

۷- سامانه آتش نشانی پیشرفته با استفاده از گاز هالون برای مقابله با آتش در مناطق مهم.

ب: سامانه‌های برقی، شامل:

۱- سامانه نور و روشنایی

۲- سامانهصدا

۳- سامانه تلفن

۴- سامانه مراقبت و هشدار سریع

۵- سامانه نشان دادن ساعات و زمان

۶- سامانه کنترل ماشینی

۷- سامانه تلویزیون‌های مدار بسته

۸- شبکه جریان برق ولتاژ پایین برای تغذیه سامانه‌های الکترونیکی.

جدیدترین فن‌آوری‌ها: در هر یک از این سامانه‌ها، تازه‌ترین دستاوردهای دانش بشری و جدیدترین فن‌آوری‌ها به خدمت گرفته شده است، تا این سامانه‌ها وظایف خود را به بهترین وجه به انجام رسانند و کمترین اختلالی در کار آنها پیش نیاید؛ برای نمونه، سامانهصدا در مسجدالحرام و در مسجدالنبی یکی از سامانه‌های اصلی است که هر گونه اختلال جزئی در هر بخش از آن می‌تواند به نارساییصوت و در نتیجه عدم بهره‌وری لازم ازصدا و کیفیت آن از سوی مردم و نمازگزاران بیانجامد، به ویژه آن که می‌دانیم در این دو مسجد، به دلیل وسعت فراوان و شمار انبوه نمازگزاران، آنان قادر به دیدن امام جماعت و جمعه نیستند و تنها رابط میان آنها با امامصدای اوست که از طریق دستگاه‌هایصوتی و بلندگوها به آنان می‌رسد و به کمک همینصدای فراگیر است که همراه با امام به سجده و رکوع می‌روند و همراه او سر از سجده و رکوع بر می‌دارند. با این حساب می‌توان تصور کرد که کوچک‌ترین اختلالصوتی، حتی برای زمانی کوتاه، چه دشواری‌هایی را پدید می‌آورد.

گفتنی است تضمین کارکرد همیشگی و مطلوب سامانه‌های یاد شده، مستلزم بازرسی‌های مداوم و همه روزه است که در ابعاد و سطوح مختلف می‌بایست انجام

ص:۲۹۹

پذیرد. این خود حجم عملیات نگهداری فراوانی را می‌طلبد.

سامانه‌های تهویه هوا: با رعایت معیارهایی که پیشتر بدانها اشاره شد، سامانه‌هایی پیشرفته برای تهویه و مطبوع سازی هوا در مسجد الحرام و مسجدالنبی فراهم گردید. این سامانه‌ها در نوع خود از بزرگ‌ترین نظام‌های اجرا شده در جهان هستند و شاید با لحاظ ویژگی‌ها و محدودیت‌های مکانی در مرتبه نخست نیز قرار گیرند؛ چه، نکات زیر اهمیت و حساسیت این سامانه را مشخص می‌سازند:

۱- ویژگی مکان و تقدس و حرمت آن نزد میلیون‌ها مسلمان سراسر جهان.

۲- مساحت این دو مکان که در مورد مسجدالحرام بالغ بر ۰۰۰، ۲۱۷ و در مورد مسجدالنبی افزون بر ۰۰۰، ۱۰۸ مترمربع می‌شود و البته این رقم جدای از پشت بام‌ها و فضاهای روبازی است که در پیرامون این دو حرم به نماز اختصاص یافته است.

۳- ویژگی انحصاری مکان‌هایی که می‌بایست هوایشان تهویه شود، بدین معنا که هم بناهای مسجدالنبی و هم بناهای مسجدالحرام از چند سمت باز هستند و این خود می‌طلبد که شیوه خاصی در انتخاب و همچنین به کارگیری سامانه تهویه لحاظ گردد.

۴- دوری فاصله ایستگاه‌های مرکزی تهویه از اماکن؛ چه، ایستگاه‌های تهویه مرکزی مسجدالحرام و مسجدالنبی به ترتیب در فاصله ۴۵۰ متری و ۷ کیلومتری این حرم‌ها قرار گرفته‌اند و کانال‌های رساننده آب و هوای تهویه، از طریق دو تونل به حرم می‌رسد.

ویژگی‌های هنری و تزیینی

هنر تزیین اماکن مذهبی یکی از نمادهای تمدن اسلامی است که از دیرباز پا به پای فن معماری اسلامی به حیات و شکوفایی خود ادامه داده است.

یکی از برجسته‌ترین عناصر در هنر تزیین اسلامی خط عربی است که افزون بر هفتاد نوع دارد. پس از آن، نوبت به عناصر تزیین سطوح چوبی و پیکره‌های چوبین و همچنین کنده‌کاری بر چوب می‌رسد و عناصری چون تزیین با شیشه و مواد فلزی، روکش‌های طلا، و نماهای سنگ و کاشی و تصویر مناظر طبیعی در رده‌های بعدی

ص:۳۰۰

جای می گیرند.

هر متن کاری، نوع ویژه‌ای از تزیین را بر می‌تابد و می‌طلبد؛ برای نمونه داخل بناها و حجره‌ها و سقف آنها تزیین ویژه خود را داراست، پنجره‌ها، روزن‌ها، و حصارها آذین خاص خود را می‌طلبند، مسجدها با عناصر خاصی آراسته می‌شوند.

اما بناهای حرم مکه و حرم مدینه مجموعه‌ای از این متن‌ها و زمینه‌ها را در بردارد و از همین روی، هر بیننده‌ای در هر نقطه از این بناها با عناصر متفاوتی از هنر اسلامی رویاروی خواهد بود.

تزیین بناهای مسجدالحرام و مسجدالنبی: تزیین‌های انجام شده در مسجدالحرام و مسجدالنبی اوج طراحی و اجرا و همچنین به کارگیری عناصر گوناگون را در کنار همدیگر به نمایش می گذارد. در این تزیین‌ها مهم‌ترین عناصر، کارآمدترین شیوه‌ها، بهترین و مرغوب‌ترین مواد و مصالح به کار گرفته شده و برجسته‌ترین هنرمندان و حرفه کاران به خدمت گرفته شده‌اند و از جدیدترین فن‌آوری‌ها و نیز قابلیت‌های رایانه در طرح عناصر تزیینی، بهصورتی که با جایگاه و عظمت این دو مسجد تناسب داشته باشد، استفاده گردیده است.

اگر عناصر به کار رفته در این بناها را از نظر بگذرانیم، خواهیم دید هر کدام از این عناصر سهمی در تزیین بناهای مختلف حرم بر عهده گرفته است؛ از گلدسته‌ها و گنبدها گرفته تا رواق‌ها، ستون‌ها، دیوارها، سقف‌ها، کف‌ها، پله‌ها، طاق‌ها، دریچه‌ها، کرانیش و درها به کمک این عناصر و همچنین شیوه‌های بدیعِ ساخت، تلفیقی مناسب میان بناهای قدیم، بناهای نخستین توسعه سعودی و بناهای توسعه ملک فهد به وجود آمده و یکپارچگی کاملی به بناها بخشیده است.

در ساخت هر یک از این عناصر مسجد و همچنین در ساخت چلچراغ‌ها، سرستون‌ها، پنجره‌های جلو نشسته، نرده‌ها و حصارها و دیگر عناصر، مواد مختلفی چون مس، طلا، شیشه، انواع کریستال، چوب ساج، چوب ارز مغربی [نوعی درخت از تیرهصنوبرها]، آلومینیوم زرد رنگ، سنگصنعتی تزیین شده، انواع مرمر، انواع گرانیت، سرامیک و گچ به کار رفته است.

ص:۳۰۱

نا گفته نماند، در این میان عنصری که از همه بیشتر خودنمایی می‌کند خط عربی با گونه‌های مختلف آن است.

سنگ صنعتی (مصنوعی)

سنگ مصنوعی یاصنعتی یکی از عناصر مشترك و پرکاربرد در تمامی بناهای مکه و مدینه است که هم در ساخت و هم در تزیین جایگاهی در خور توجه دارد و بخش عمده‌ای از دیوارك‌ها و حصارها و همچنین نماهای داخلی و خارجیِ بنا، از همین نوع سنگ فراهم شده است.

سنگ‌هایصنعتی یا مصنوعی از سنگ‌های طبیعی رنگارنگی (به عنوان مواد اولیه) ساخته می‌شود که عمدتاً از معادن عربستان سعودی تأمین شده است. این کار در طی مراحل فنی پیچیده‌ای با کنترل و محاسبه رایانه‌ای، در دو کارخانه که به همین منظور و در نزدیکی طرح‌های توسعه همزمان با شروع عملیات آنها ایجاد شده است،صورت می‌پذیرد.

تولید سنگ مصنوعی بدین شیوه،صنعتی واقعی است که طراحی ویژه و نیز مهارت و دقت فراوانی را می‌طلبد. نخستین گام در مراحل تولید این سنگ‌ها، طراحی خط تولید و پس از آن طراحی و ساخت قالب‌های گچی ویژه به عنوان نمونه اولیه برای ساخت قالب‌های واقعی از جنس فلزات سخت است. در مرحله بعد بتون‌های خاص در رنگ‌ها و حجم‌های مناسب و بر اساس طراحی قبلی تهیه می‌گردد. همزمان با آن برای هر قالب و هر قطعه به تناسب شکل و اندازه آن شبکه‌های آرماتور تهیه می‌گردد و در داخل قالب‌ها قرار می‌گیرد. البته به تناسب قطعه‌ای که می‌بایست تولید شود، در نقاط مختلف قالب بتون‌های با رنگ‌های متفاوت ریخته می‌شود و آرماتورها در لایه‌های میانی بتون قرار می‌گیرد. عملیات بتون‌ریزی که بدین ترتیب انجام می‌گیرد در نوع خود کاری هنری و پیچیده است و پس از انجام آن، قالب‌ها به سمت خط تولید رانده می‌شوند تا در آنجا با توقّفی هشت ساعته، بتون داخل قالب سخت شود.

در حالی که قالب در خط تولید قرار دارد، هم ابعاد مورد اندازه‌گیری مداوم قرار

ص:۳۰۲

می‌گیرد و هم قالب قسمت‌های مختلف قطعه به تدریج و در زمان مناسب از آن جدا می‌شود و بدین ترتیب قطعات سنگ‌های مصنوعی متناسب با جای خاصی که در بنا برای آنها در نظر گرفته شده است تولید می‌شوند.

در این میان به سنگ‌هایی که تشکیل دهنده طاق‌ها هستند توجه ویژه‌ای می‌شود و دقت افزون‌تری در ابعاد و زاویه‌بندی آنهاصورت می‌گیرد.

در مرحله بعد روی هر یک از قطعه‌های سنگیصافکاری و جلدکاری می‌شود و به وسیله خمیر مخصوصی درزها و ناهمواری‌های احتمالی جزئی برطرف می‌گردد و پس از آن، قطعه‌های سنگ در اتاق‌ها یا سالن‌های ویژه رطوبت دهی قرار می‌گیرد و یک شبانه‌روز کامل با آب گرم بر آنها آب پاشیده می‌شود.

پس از این مرحله، کار قلمزنی روی سنگ‌های مصنوعی انجام می‌پذیرد و سیمان‌های اضافی زدوده می‌شود. پس از آن هر قطعه از قطعات سنگصافکاری و جلادهی مجدد می‌شود. در انجام این کار، بسته به نوع و جایگاه نصب سنگ و همچنین تزیین‌های تعبیه شده در آن، دقت‌های ویژه‌ای معمول می‌گردد تا هیچ یک از اجزا و عناصر تزیین خدشه نیابد یا نشکند.

سنگ‌هایی که بدین ترتیب فراهم آمده‌اند، یکی پس از دیگری در جای ویژه خود در بناها نصب می‌شوند تا نمای چشم‌نواز آن را تشکیل دهند.

استفاده از کارگاه‌ها و کارخانه‌های جهان

برای انجام هر چه سریع‌تر و بهتر طرح‌های توسعه، کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی چند در داخل و خارج عربستان سعودی تجهیز یا به خدمت گرفته شد؛ برای نمونه درهای بزرگِ بناهای توسعه در بارسلونا ساخته شد. رویه طلای قطعات فلزی و برنزی مورد استفاده در تزیین در فرانسه انجام گرفت. چلچراغ‌ها در اتریش ساخته شد و ساخت قطعه‌های کریستال مورد استفاده در تزیین چلچراغ‌ها- که عمدتاً گرداگرد حلقه‌های مسی چلچراغ‌ها آویخته می‌شوند- در چکسلواکی سابقصورت پذیرفت.

همچنین در کارخانه‌ها و کارگاه‌های ویژه‌ای که در مکه و مدینه برای انجام

ص:۳۰۳

سفارش‌های طرح توسعه تأسیس شده بود ده‌ها هزار قطعه مسی، چوبی، سنگی، گرانیتی و همانند آن تولید شد تا همه به عنوان عناصر تزیینی بناهای مسجدالحرام و مسجدالنبی به کار برده شوند.

تعمیر و نگهداری

همه سامانه‌های خدماتی و تأسیساتی و برقی که در مسجدالحرام و مسجدالنبی ایجاد شده‌اند، در ساعات مختلف شبانه‌روز فعال هستند و بررسی‌هایی دوره‌ای و مراقبت‌هایی دقیق در مورد آنها انجام می‌گیرد تا به طور مستمر و بدون توقف بتوانند کارهای خود را انجام دهند و در آنچه برای راحت و آسایش زائران فراهم آمده است هیچ‌گونه خللی به هیچ دلیلی به وجود نیاید.

ص:۳۰۴

فصل هفتم: پیامدها و رهاوردهای توسعه

کارهـای بزرگ و اقـدامات سترگ و فعالیت‌هـای شـگفت‌آوری که هر انـدیشه‌ای را به خود متوجّه می‌سازد و هر بیننـده‌ای را خیره می‌کنـد و آغـاز و انجام آنها و دست زدن به آنها فراتر از ادعا و گزافه‌گویی‌های درون تهی است و بیش از هر چیز از اراده اسـتوار، تـدبیر دورانـدیش و دقت نظر دست‌انـدرکاران خود خبر می‌دهد- چنین کارهایی، ناگزیر می‌بایست زیباترین یاد و نام را ازصاحبان خود بر جای گذارند، پاک‌ترین احساس‌ها را برانگیزانند و بیشترین خوشایند و فراوان‌ترین تحسین را در پی آورند.

دو طرح جامع توسـعه مسجدالحرام و مسجدالنبی از این دست شاهکارهای اعجازگونه است که هیچ قلمی هر چند توانمند نمی‌تواند جزئیات آن را به بیان در آورد و تصویر راستین آن را که فراتر از تخیل است ترسیم کند.

این توسـعه و نوسازی رهاوردهای فراوانی داشـته و نتایج ملموس و عظیمی را به بار آورده است که سال‌ها و سده‌ها بر جای خواهند ماند و نمایانگر غنای هنر و تمدن اسلامی خواهند بود.

هر چند برشـمردن همه این آثار و رهاوردها از توان نگارنده فراتر است، اما لازم می‌داندبخشـی از آن را که بیشتر به ذهن وی مانده و نمایانتر است بهصورتی گذرا یادآور شود:

۱- ایجاد سهولت در انجام مراسم دینی: طرح‌هایی که در مسجدالحرام و

ص:۳۰۵

مسجدالنبی انجام گرفته، تنها طرح‌هایی برای توسعه این دو مکان مذهبی نیستند؛ زیرا اگر چنین بودصرفاً به نوسازی و توسعه در این مکان‌ها بسنده می‌شد و در اینصورت ممکن بود باز هم خدمات دیگری چون وسایل نقلیه، ارتباطات، اسکان، بازار، تأمین مواد غذایی و آب و همانند آن با دشواری‌هایی روبرو شود و از سهولت مراسم دینی که خواسته خدمتگزاران حرم‌های مکه و مدینه است بکاهد.

از همین روی، از آغاز توسعه و همپای آن، طرح‌های بزرگ دیگری نیز اجرا شده که هدف از آنها تکمیل کارکرد طرح‌های توسعه و ارائه خدمات مناسب و فراگیر به تمامی زائران و حاجیان و همچنین ساکنان مکه و مدینه بوده است.

به همین دلیل، در مجموعه طرح‌هایی که به هدف ایجاد سهولت در انجام مراسم دینی اجرا شده، کارهای دیگری همچون ایجاد بزرگراه‌های میان مکه و مدینه و جده و دیگر شهرها، جاده‌های داخل شهری و کمربندی‌ها، احداث پل‌های غیرهمسطح و تونل‌ها، توسعه خیابان‌ها و جاده‌های موجود، ایجاد میدان‌ها و توقفگاه‌ها، ایجاد بازارهای تجاری و همچنین تدارک سامانه‌های لازم و نیز تدارک آب، برق، محل‌های اسکان و هتل‌ها و مهمان‌پذیرها با انواع و درجه‌های مختلف صورت پذیرفته است.

بنابر این، مشاهده می‌شود مجموعه طرح‌های توسعه، همپای طرح‌های بزرگ دیگری پیش رفته که با توجه به کوتاهی زمان انجام آنها تا حدی خارق‌العاده به نظر می‌رسند.

اجرای این طرح‌ها، در کنار طرح‌های توسعه حرم توانسته است بیشترین راحت و آسایش را برای زائران و حاجیان در انجام عبادت‌ها و انجام مراسم دینی فراهم آورد.

۲- دستاوردهای اجتماعی: بی‌گمان انجام هر گونه برنامه توسعه و نوسازی در هر شهر و آبادی نوعی تحول و تغییر اجتماعی را نیز در پی می‌آورد که می‌تواند جامعه را از دایره بسته کهن خود بیرون برد و به فراخنایی نو راه نماید که در آن حتی درک اجتماعی مردم همپای توسعه شهر و آبادی، در سطح و در ارتفاع، بالا می‌رود؛ برای نمونه، تخریب یک واحد مسکونی در منطقه مرکزی شهر برای توسعه حرم بدان معناست که می‌بایست خسارتی بهصاحب ملک پرداخت شود و این خسارت می‌تواند سرمایه‌ای در اختیار

ص:۳۰۶

صاحب ملک باشد تا در جایی دیگر از همین شهر بنایی نو برپا کند و بدین وسیله سهمی در گسترش آبادانی شهر بر عهده گیرد. این تحرک اجتماعی به ویژه هنگامی اثربخش‌تر می‌نماید که بدانیم معمولًا چنین تحرکی با نوعی علاقه به سطح و کیفیتی بهتر از آنچه تا آن زمان وجود داشته همراه است. افزون بر این، همین تحرک و همین تخریب و نوسازی وظایف جدیدی را متوجه حکومت می‌سازد و آن را وادار می‌کند تا مراکز جدیدی برای ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی- تربیتی و ارتباطات به وجود آورد. اینها همه، وضع اجتماعی را بهبود می‌بخشد و موجب پیدایش سکونت بهتر و پیشرفته‌تر، تحرک اقتصادی گسترده‌تر و ثبات سرمایه و سودآوری اطمینان بخش‌تر تجارت و بازار می‌شود.

۳- رهاوردهای اقتصادی: اگر از دیدگاه اقتصادی به هر حرکت عمرانی، چون توسعه اماکن دینی یا توسعه شبکه‌های ارتباطی و فک ملکیت اراضی و املاک و مستغلات واقع در محدوده این طرح‌ها بنگریم، خواهیم دید اموالی که حکومت در چنین طرح‌هایی هزینه می‌کند بخش کوچکی از آن به عنوان خسارت بهصاحبان املاک و مستغلات پرداخت می‌شود و بخش دیگری که معمولًا بخش عمده‌تر است نقدینگی جاریی را موجب می‌شود که به دست کارگران و یاصاحبان املاک می‌رسد؛ برای نمونه اگر در طرح‌های توسعه مکه و مدینه و طرح‌های الحاقی و تکمیل کنندهصد میلیارد ریال سعودی هزینه شده باشد این بدان معناست که دست کم هفتاد میلیارد ریال از این مبلغ بهصورت نقدینگی در اختیار مردم قرار گرفته که این خود به افزایش داد و ستد و سرمایه گذاری و در نهایت به تشدید فعالیت اقتصادی جامعی می‌انجامد.

اصولًا این نکته از نظر اجتماعی روشن است که هر اندازه طرح‌های توسعه و نوسازی در یک کشور فعال باشد شکوفایی اقتصادی نیز همپای آنها احیا می‌شود.

افزون بر این، در مورد طرح‌های توسعه مکه و مدینه و اماکنی که خدماتی در اختیار حاجیان و زائران می‌گذارد این نکته را نیز باید در نظر داشت که انجام آسان مراسم حج و زیارت و وجود راحت، آسایش و امنیت افزون‌تر در حج و زیارت مردم را به این مهم تشویق می‌کند و موجب افزایش شمار حاجیان و زائران می‌شود و این خود اوضاع و

ص:۳۰۷

احوال اقتصادی مردم مکه و مدینه و عربستان سعودی را بهبود می‌بخشد.

کوتاه سخن آن که مجموعه طرح‌های توسعه مکه و مدینه همان گونه که برای مسلمانان جهان و زائران این دو شهر مقدس وسایل راحت و آرامش و آسایش را فراهم ساخته، برای ساکنان این شهرها نیز زمینه مناسب رشد و پیشرفت اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی و تحرک اقتصادی را در پی آورده است.

امید که خداوند آفریدگاران این کارهای سترگ و ماندگار را پاداشی دو چندان دهد و در دو سرای سپاس گزارد.

ص:۳۰۸

ص:۳۰۹

کتابنامه «(۱)» ۱- الاساس فی‌السنهٔ و فقهها، سعید حوّی.

۲- اخبار الکرام باخبار المسجدالحرام، احمد بن محمد مکی، به تحقیق حافظ ندم مصطفی.

۳- اخبار مکهٔ و ماجاء فیها من الآثار، ابوالولید ازرقی، به تحقیق رشیدصالح ملحّس، مکهٔ المکرمهٔ، مطابع الثقافه، ۱۹۹۴ م.

۴- اطلس تاریخ الاسلام، حسین مونس.

۵- الاعلام، خیرالدین زرکلی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰ م.

۶- اوراق مطویه، احمد سباعی، طائف، نادی الطائف الأدبی، ۱۴۰۲ ه. ق./ ۱۹۸۲ م.

۷- اوزان و مقیاس‌ها در اسلام، و الترهینس، ترجمه و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.

۸- تاریخ عمارهٔ المسجدالحرام، حسین باسلامه، قاهره، دار مصر للطباعه، ۱۳۸۴ ه. ق./ ۱۹۶۴ م.

۹- التاریخ القویم لمکهٔ و بیت‌اللّٰه الکریم، محمد طاهر کردی مکی.

۱۰- تاریخ الکعبهٔ المعظمه، حسین باسلامه، قاهره، دار مصر للطباعه، ۱۳۸۴ ه. ق./ ۱۹۶۴ م.

۱- نا گفته نماند این کتابنامه در بردارنده مجموعه مراجع و مآخذ مؤلف کتاب حاضر و همچنین مؤلف قصهٔالتوسعه و منابعی برای مطالعه بیشتر است.« مترجم»

ص:۳۱۰

۱۱- الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، منذری.

۱۲- حاضر العالم الاسلامی، امیر شکیب ارسلان، ترجمه عربی عجاج نویهض، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۴ ه. ق./ ۱۹۷۳ م.

۱۳- الحُجج المبینهٔ فی التفضیل بین مکهٔ و المدینه، جلال الدین سیوطی.

۱۴- الحج و العمرهٔ الی بیت‌اللّه الحرام، اسعد ساغرجی.

۱۵- حَجّهٔ النبی، احمد عبدالغفور عطار، ریاض، وزارهٔ الحج و الأوقاف، ۱۳۹۶ ه. ق./ ۱۹۷۶ م.

۱۶- الحَرَمان الشریفان قمهٔ العمارهٔ الاسلامیهٔ المعاصرهٔ، منصور حسین عطار.

۱۷- دائرهٔ معارف القرن العشرین، محمد فرید وجدی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۷۱ م.

۱۸- دعوهٔ الاسلام، سید سابق، بیروت دارالفکر ۱۳۹۸ ه. ق./ ۱۹۷۸ م.

۱۹- دلیل المدینهٔ المنورهٔ للحاج و الزائر، عبیداللّه محمد امین کردی و عبدالعزیز محمد بدر الدین کابلی.

۲۰- الدیانات و العقائد، احمد عبدالغفور عطار، مکهٔالمکرمهٔ، وزارهٔ الحج و الأوقاف، ۱۴۰۱ ه. ق./ ۱۹۸۱ م.

۲۱- رحلهٔ ابن بطوطه، ابو عبداللّه محمد بن عبداللّه بن محمد بن ابراهیم لوائی طنجی، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۸ ه. ق./ ۱۹۶۸ م.

۲۲- رحلهٔ ابن جبیر، ابوالحسین محمد بن احمد کنانی، بیروت، دارصادر، ۱۳۷۹ ه. ق./ ۱۹۵۹ م.

۲۳- الرحلهٔ الملکیه، یوسف یاسین، ریاض، جامعهٔ الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۴۰۸ ه. ق./ ۱۹۸۸ م.

۲۴- روائع الفن فی الزخرفهٔ الاسلامیه، عنایات المهدی، قاهره، مکتبهٔ ابن سینا، ۱۹۹۳ م.

۲۵- زمزم طعام طعم و شفاء سقم، یحیی حمزه کوشک، جده، دارالعلم للطباعهٔ و النشر، ۱۴۰۳ ه. ق./ ۱۹۸۳ م.

۲۶- سنن ابن حبان

۲۷- سنن ابن ماجه

ص:۳۱۱

۲۸- سنن ترمذی

۲۹- سنن دار قطنی

۳۰- سنن نسائی

۳۱- السیرة النبویه، ابو محمد عبدالملک بن هشام

۳۲- شبه الجزیرة العربیة فی عهد الملک عبدالعزیز، خیرالدین زرکلی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۷ م.

۳۳- شعب الایمان، بیهقی

۳۴-صحیح ابن حبان

۳۵-صحیح بخاری

۳۶-صحیح مسلم

۳۷-صقر الجزیرة، احمد عبدالغفور عطار، بیروت، ۱۳۹۹ ه. ق./ ۱۹۷۹ م.

۳۸- الطبقات الکبیر، ابن سعد.

۳۹- عمارة و توسعة المسجد النبوی عبرالتاریخ، ناجی محمد عبد القادر انصاری

۴۰- عدة الاخبار فی مدینة المختار، احمد عبدالحمید عباسی

۴۱- فتح الباری بشرحصحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی

۴۲- فصول من تاریخ المدینة المنوره، سید علی حافظ، جده، شرکة المدینة المنوره للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ه. ق./ ۱۹۸۵ م.

۴۳- فضائل المدینة المنوره، خلیل ابراهیم ملا خاطر

۴۴- الفن فی خط العربی، محمود یوسف غلام، ریاض، وزارة المعارف السعودیه، ۱۴۰۲ ه. ق./ ۱۹۸۲ م.

۴۵- فهد الوطن و الحدث، حامد عباس، مکة المکرمه، مؤسسة هدیل للاعلام، ۱۴۰۴ ه. ق.

/ ۱۹۸۲ م.

۴۶- فی رحاب البیت الحرام، محمد علوی عباس مالکی، جده، دار القبلة للثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۲ ه. ق./ ۱۹۹۲ م.

۴۷- قاموس الحج و العمره، احمد عبدالغفور عطار، مکه، ۱۳۹۹ ه. ق./ ۱۹۷۹ م.

ص:۳۱۲

۴۸- کسوهٔ الکعبهٔ المعظمهٔ عبر التاریخ، سید محمد دقن

۴۹- الکسوهٔ و الکعبهٔ، احمد عبدالغفور عطار، مکهٔ المکرمه، ۱۳۹۷ ه. ق./ ۱۹۷۷ م.

۵۰- الکعبهٔ المشرفه، امینهصاوی، جده، دار عکاظ للطباعهٔ و النشر

۵۱- کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علاءالدین برهان فوری

۵۲- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ابن حجر هیثمی

۵۳- المدینهٔ المنورهٔ تطورها العمرانی و تراثها المعماری،صالح لمعی مصطفی، بیروت، دارالنهضهٔ العربیه، ۱۹۸۱ م.

۵۴- المدینهٔ المنورهٔ فی التاریخ، عبدالسلام هاشم حافظ، مدینه منوره، نادی المدینه الادلی، ۱۴۰۲ ه. ق./ ۱۹۸۲ م.

۵۵- المساجد التاریخیهٔ الکبری، یوسف فرحات، طرابلس (لبنان)، دار الشمال، ۱۹۹۳ م.

۵۶- المسجد النبوی عبر التاریخ، محمد سید وکیل

۵۷- مسند ابن حنبل

۵۸- معالم مکه التاریخیهٔ و الأثریه، عاتق بن غیث بلادی، مکه، دار مکهٔ للنشر و التوزیع، ۱۴۰۰ ه. ق./ ۱۹۸۰ م.

۵۹- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث بلادی، مکه، دار مکهٔ للنشر و التوزیع، ۱۳۹۱ ه. ق./ ۱۹۷۹ م.

۶۰- مکهٔ فی القرن الرابع عشر، محمد رفیع عمر، مکهٔ المکرمهٔ، نادی مکهٔ الثقافی، ۱۴۰۱ ه.
ق./ ۱۹۸۱ م.

۶۱- الملامح الجغرافیه لدروب الحجیج، جده، تهامه للکتاب الجامعی، ۱۴۰۱ ه. ق./ ۱۹۸۱ م.

۶۲- ملوک العرب، امین ریحانی، بیروت، مطابعصادر ریحانی، ۱۹۵۱ م.

۶۳- موسوعهٔ التاریخ الاسلامی، احمد شلبی، قاهره، مکتب النهضهٔ المصریه، ۱۹۸۰ م.

۶۴- الموسوعهٔ العربیهٔ المیسره، محمد شفیق غربال، قاهره، دارالشعب، ۱۹۷۲ م.

۶۵- وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، نورالدین سمهودی

ص:۳۱۳

جدول شماره ۲: خلاصه وضعیت توسعه‌های مسجدالنبی «(۱)»

ردیف مورد سال انجام آن- هجری قمری سال انجام آن- میلادی مقدار توسعه (بر حسب متر مربع) کل مساحت پس از توسعه (برحسب مترمربع) درصد افزایش مساحت ملاحظات

۱ نخستین بنای مسجدالنبی ۱ ۶۲۱- ۱۰۵۰- پیامبرصلی الله علیه و آله وصحابه مسجد را بنا کردند،

۱ توسعه پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله ۷ ۶۲۸ ۱۴۲۵ ۲۴۷۵ ۶۸/ ۷۳٪ پایه‌های مسجد را به سنگ و دیوارها را از خشت و ستون‌ها را از تنه‌های درختان خرما بنا کردند.

۲ توسعه عمر بن خطاب ۱۷ ۶۳۸ ۱۱۰۰ ۳۵۷۵ ۴۴/ ۴۴٪ برای آن دیواری دورچین به ارتفاع یک متر تا یک و نیم متر قرار داد.

۳ توسعه عثمان بن عفان ۲۹ ۶۴۹ ۴۹۶ ۴۰۷۱ ۸۷/ ۱۳٪ دیوارها را با سنگ‌های نقش‌دار بنا کرد و در ستون‌ها رشته‌های آهنین به‌کار برد.

۴ توسعه ولید بن عبدالملک ۸۸ ۷۰۶ ۲۳۶۹ ۶۴۴۰ ۱۹/ ۵۸٪ منبر، محراب و پنجره‌ها [ی اولیه ضریح] را احداث کرد.

۵ توسعه مهدی عباسی ۱۶۱ ۷۷۱ ۲۴۵۰ ۸۸۹۰ ۰۴/ ۳۸٪ مسجد را به کاشی تزیین ساخت.

۶ توسعه سلطان قایتبای ۸۸۸ ۱۴۸۳ ۱۲۰ ۹۰۱۰ ۳۴/ ۱٪ گنبد سبز را بر فراز حجره نبوی تجدید کرد.

۷ توسعه سلطان عبدالمجید ۱۲۶۵ ۱۸۴۸ ۱۲۹۳ ۱۰۳۰۳ ۳۵/ ۱۴٪ سقف گنبدی را جایگزین سقف چوبی ساخت.

۸ توسعه عبدالعزیز آل سعود ۱۳۷۰ ۱۹۵۰ ۶۰۲۳ ۱۶۳۲۷ ۴۶/ ۵۸٪ افزودن بر نوسازی و توسعه حرم، چند میدان و خیابان نیز احداث کرد.

۹ توسعه فهد بن عبدالعزیز ۱۴۰۵ ۱۹۸۵ ۳۸۴۰۰۰ ۴۰۰۳۲۷ ۹۳/ ۲۳۵۱٪ بزرگ‌ترین و در عین حال زیباترین و استوارترین توسعه مسجدالنبی است.

۱- بر گرفته است از قصهٔالتوسعه، ص ۲۸۵ و ۲۸۶ ..« مترجم»

ص:۳۱۴

التاریخ القویم، ج ۴،ص ۱۲۱

التاریخ القویم، ج ۵،ص ۳۸

التاریخ القویم، ج ۳،صص ۱۲ و ۱۳

التاریخ القویم، ج ۴،ص ۱۲۶

التاریخ القویم، ج ۳،ص ۱۳۳

التاریخ القویم، ج ۳،ص ۱۷۲

التاریخ القویم، ج ۲،ص ۲۱۳

التاریخ القویم، ج ۳،ص ۱۶۶

التاریخ القویم، ج ۲،ص ۳۱۵

التاریخ القویم، ج ۳،ص ۱۴۶

التاریخ القویم، ج ۴،ص ۲۵۷

التاریخ القویم، ج ۳،ص ۱۱

سنن، ترمذی، ج ۲،ص ۱۷۵

ص:۳۱۵

الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، منذری، ج ۲،ص ۱۹۴

التاریخ القویم، ج ۲،ص ۱۲۴

التاریخ القویم، ج ۱،ص ۲۸۹

التاریخ القویم، ج ۱،ص ۲۹۱

التاریخ القویم، ج ۳،ص ۸۰

یکدست کرار که با گرانیت سبز تزیین شده بود تغییر یافت تا با نمای حجر اسماعیل

در هنر اسلامی شکل و شمایل مناسب را کسب می‌کرد تا پس از ساخته شدن، درها روی

خواسته خدمتگزاران حرم‌های مکه و مدینه است بکاهد.

۶۶- دلیل المدینهٔ المنورهٔ للحاج و الزائر، عبیداللّٰه محمد امین کردی و عبدالعزیز محمد بدر الدین کابلی.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹